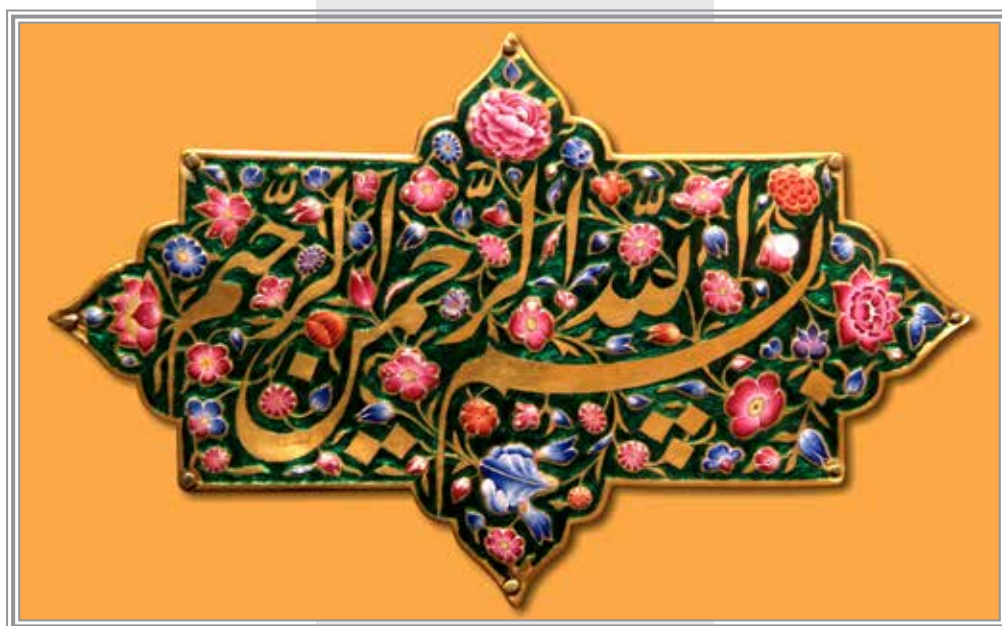




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۴

۸



در راه خدا
از سرزنش هیچ کسی نترسید | ۳۴

غایت دین و قوام شریعت | ۳۶

محرم

تحیر عقول خردمندان | ۴۰

برکت خلقت | ۴۱

راز سوگواری | ۴۲

اشرف اولاد آدم | ۴۳

شورش در خلق عالم | ۴۴

بزم مقربان | ۴۶

فرزندان جهل و ظلمت | ۴۸

سبک زندگی حسینی | ۵۰

موانع آمزش را برطرف کنید | ۵۲

فرهنگ و ادب

روایت های اولین از رندان تشنه لب | ۵۴

عزای تو حماسه است | ۵۶

۱۶



راهبرد

اوج قلّه فداکاری | ۶

عزت و معنویت | ۸

اقامه حق | ۹

جان فدای آرمان های الهی | ۱۰

نماد از خود گذشتگی | ۱۳

پیام کرامت و بزرگ منشی | ۱۴

مبارزه با غفلت انسان | ۱۵

گر مرد رهی

میان خون باید رفت | ۱۶

صحنه تجلّی کرامات اخلاقی | ۲۰

۲۲



امربه معروف

حرمت مردم | ۲۲

جامعه به دست خود ما

ساخته می شود | ۲۴

پند یا بند | ۲۶

واجب فراموش شده | ۲۹

برکت از زمین ها رفت | ۳۰

دعوت به رستگاری | ۳۲

۲۶



همکاران:

مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
محمد رضا یختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی
محمد جهان شاهی، نازنین رشیدبیگی، محمود اورعی
مهتاب هاشم زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی
حمید جواد، بهرام جلال وند، بهاره فرج پور

مدیرمسئول:

عبدالحسین معزی

سردبیر:

یاسر احمدوند

معاون سردبیر:

محمد مهدی بیگلری



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه

مروارید
هلال

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و تاریکرددینی

دوره جدید، شماره ۱۰، مرداد ۹۸، سال پنجم

شماره پیاپی ۴۶

ذی القعدة - ذی الحجه ۱۴۴۰، جولای - آگست ۲۰۱۹

۵۰

دوره آموزش خبرنگاری ویژه دبیران
کانون‌های طلاب | ۸۹

اعتماد مردم مهم‌ترین سرمایه
اجتماعی هلال احمر است | ۹۰

چشمه زلال مهر | ۹۲

کمک به کام تشنه نیمروز | ۹۳

هیچگاه به این ملت
آسیبی نخواهد رسید | ۹۴

هیچ ملتی ذخایر خود را
نادیده نمی‌گیرد | ۹۶

از خیمه فرهنگی تا کاروان سلامت | ۹۸

هلال احمر روی نیازمندان را
زمین نمی‌اندازد | ۹۹

بازدید از پایگاه‌های امداد و نجات
جاده‌ای | ۹۹

برپایی چهارمین مجمع عمومی
هلال احمر استان اردبیل | ۱۰۰

میزان اعمال انسان نماز است | ۱۰۰

اعتقاد راسخ زیربنای عفاف است | ۱۰۱

نمادهای مقاومت و پایداری | ۱۰۱

تکریم بازنشستگان در قم | ۱۰۲

دوره آموزشی نقش حجاب
در حفظ حریم خانواده | ۱۰۲



۶۲



۷۴



۹۵

باب شیدایی در فتح خون | ۶۰

ماه به روایت آه | ۶۱

شبییه، شبیه، شبیه | ۶۲

بر خشک چوب نیزه‌ها
گل کرد خورشید | ۶۴

راز رشیدی که فرات بر لب آورد | ۶۶

هلال

مشق امداد و نجات | ۷۰

از خودگذشتگی برای تویی که
نمی‌شناسمت | ۷۲

هلال ادبی | ۷۵

درس استقامت در پای دماوند | ۷۶

قهرمان کوهستان | ۸۰

فعالیت بیش از ۳ هزار عضو کانون طلاب
در خراسان شمالی | ۸۳

حفظ اعتماد مردم به هلال احمر
نیازمند فرهنگ سازی است | ۸۴

عملکرد اقتصادی هلال احمر
نامطلوب است | ۸۸

برگزاری کارگاه مهارت‌های زندگی
در استان مرکزی | ۸۹

مهر و ماه از نوشته‌ها، پیشنهادهای و انتقادهای شما استقبال می‌کند.
لطفاً مطالب خود را به نشانی
mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴

تلفن: ۸۸۲۰۱۱۳۶

● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی
● مسئول توزیع: علی اصغر خلیج رحیمی
● باسپاس از همراهی:
حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی
و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان‌ها

● مدیر هنری:
روح اله یاقوتی
● صفحه‌آرایی:
دفتر مشکاة هنر
● عکس جلد:
روح الله خسروی نژاد

امام مجاهد و جامعه جاهل

جامعه انسانی چنانکه در حافظه تاریخ حک گردیده، بدون راهنما و معلم به بیراهه‌ها رفته و به گمان اوج گرفتن در پرتگاه دره‌های جهالت سکنی گزیده است. چنان که در آستانه رسالت نبی اکرم (ص) نیز چنان بود. تلاش و مجاهدت پیامبر برای روشننگری و دعوت به حق مردمان را دگرگون و بیدار کرد. این نهضت عظیم اما به فاصله کوتاهی پس از ارتحال آن جناب دچار انحرافی بزرگ گردید.

دین پیامبر که با بعثت محمد مصطفی (ص) بر مردمان جهان عرضه شد، با فاصله شصت سال از هجرت نبی مکرم، با دنیاطلبی حاکمانی که خلافت را به بازی قبیله‌گرایی و سهم‌خواهی جاهلی تنزل داده بودند دچار انحرافات ویران‌کننده گردید، چنانکه یزید - که بر منبر رسول خدا نشست - مشابیهتی با آن انسان کامل و خاتم پیامبران الهی نداشت. صحابه نزدیک رسول خدا از دنیا رفته بودند و فرزندان آن‌ها در زندگی مرفه حاصل از غنائم سرزمین‌های فتح‌شده به دست مسلمین به اشرافی‌گری و انباشت ثروت مشغول بودند. دینی که جوهر آن مجاهدت برای نیک‌بختی و اساس آن تقوی و تسلیم نشدن به غیر خدا بود، در روش و منش حاکمان مسلمان به آیینی دیگر تبدیل شده بود. آشنایی حاکمان مسلمان با طرز زندگی شاهان ایران و روم باعث شد آنان نیز کاخ‌نشین شوند. مسابقه مال‌اندوزی چنان در جان حاکمان ریشه دوانده بود که در صفحات تاریخ، سیاهه اعجاب‌برانگیز دارایی و الیان و فرزندان بزرگان مسلمانان هنوز مایه تأسف است.

در دیگر سو بنی امیه که می‌دانست ارزش‌های واقعی دین با رفتار ایشسان متفاوت است، تلاش می‌کرد با تغییر باورهای مردم و تغییر در شیوه زندگی آنان، راه را بر بازگشت این ارزش‌ها ببندد. جعل حدیث در فضیلت برخی از صحابه که زندگی متفاوتی بعد از رحلت پیامبر در پیش گرفته بودند، ترویج ارزش‌های قبیله‌ای و عشیره‌ای، دور کردن اهل بیت پیامبر از مسند خلافت و تلاش برای منزوی کردن آنان در دوره معاویه، سیاست این خلیفه سنیاس و قدرت طلب بود. اما بعد از او یزید از چنان دوراندیشی و کاردانی برخوردار نبود تا با ادامه این روش خلافت خود را استحکام بخشد. او که خود حاصل تربیتی اشرافی بود و از زیرکی پدرش بی‌بهره، در سه سال نخست خلافت با حمله به مکه و مدینه و به شهادت رساندن نوه رسول خدا (ص) بنی امیه را به سرایشی هلاکت انداخت. اکنون حسین (ع) می‌بیند دین رسول خدا (ص) که با مجاهدت ایشان، تحمل سختی‌های بسیار و بر پایه جهاد و اصالت حیات اخروی در جان مردمان نشست بود به بازیچه حاکمان بی‌مقدار اموی تبدیل شده است. حالا نوه پیامبر می‌بایست برای زنده کردن این دین دست به کاری زند. دعوت کوفیان زمینه را آماده کرد تا امام برای تشکیل حکومت واقعی اسلامی اقدام کند. یزید دستور قتل امام را در مکه صادر کرده بود؛ مکه جای ماندن نبود و راه کوفه امام را به خود فرا می‌خواند. امام یا موفق می‌شد در کوفه حکومت تشکیل دهد و ارزش‌های واقعی دین را رواج دهد یا به شهادت می‌رسید و با شهادت خود شیوه غلط حاکمان اموی و انحراف جامعه را فریاد می‌زد؛ در هر صورت حرکت امام منجر به احیاء دین اسلام می‌شد.

در فاصله‌ای کوتاه پس از رحلت پیامبر (ص) نواده آن جناب در جنگ با جهالت و تزویر به شهادت می‌رسد و خانواده مکرمش رنج اسارتی دردناک را متحمل می‌گردد. این حادثه چنان تلخ و غمبار و نیز چنان عظیم و رازآلود است که هم مردم عادی و هم اهل علم را در هزارتوی رازهای خود متحیر گردانده و هر سال جلوه‌ای نو می‌نماید.

امام خمینی (ع) عالم و اسلام‌شناس یگانه و مصلح بزرگ، با تأسی به این واقعه، انقلاب بزرگ اسلامی را پایه‌ریزی کردند و از آغاز نهضت خویش بر این الگو پای فشردند و انقلاب ایران را حسینی نامیدند. قدرت سترگ حادثه کربلا در سازمان دادن به نیروی ظلم‌ستیز و اصلاح‌گر ملت ایران پیروزی معجزه‌آسای نهضت ایران را به دنبال داشت و از آن پس نیز پایداری مظلومانه مردم ایران در هشت سال دفاع از هویت و مکتب خود جز با تمسک به اصل اعتلای کلمه الله و استقامت دین محمد (ص) ممکن نبوده است.

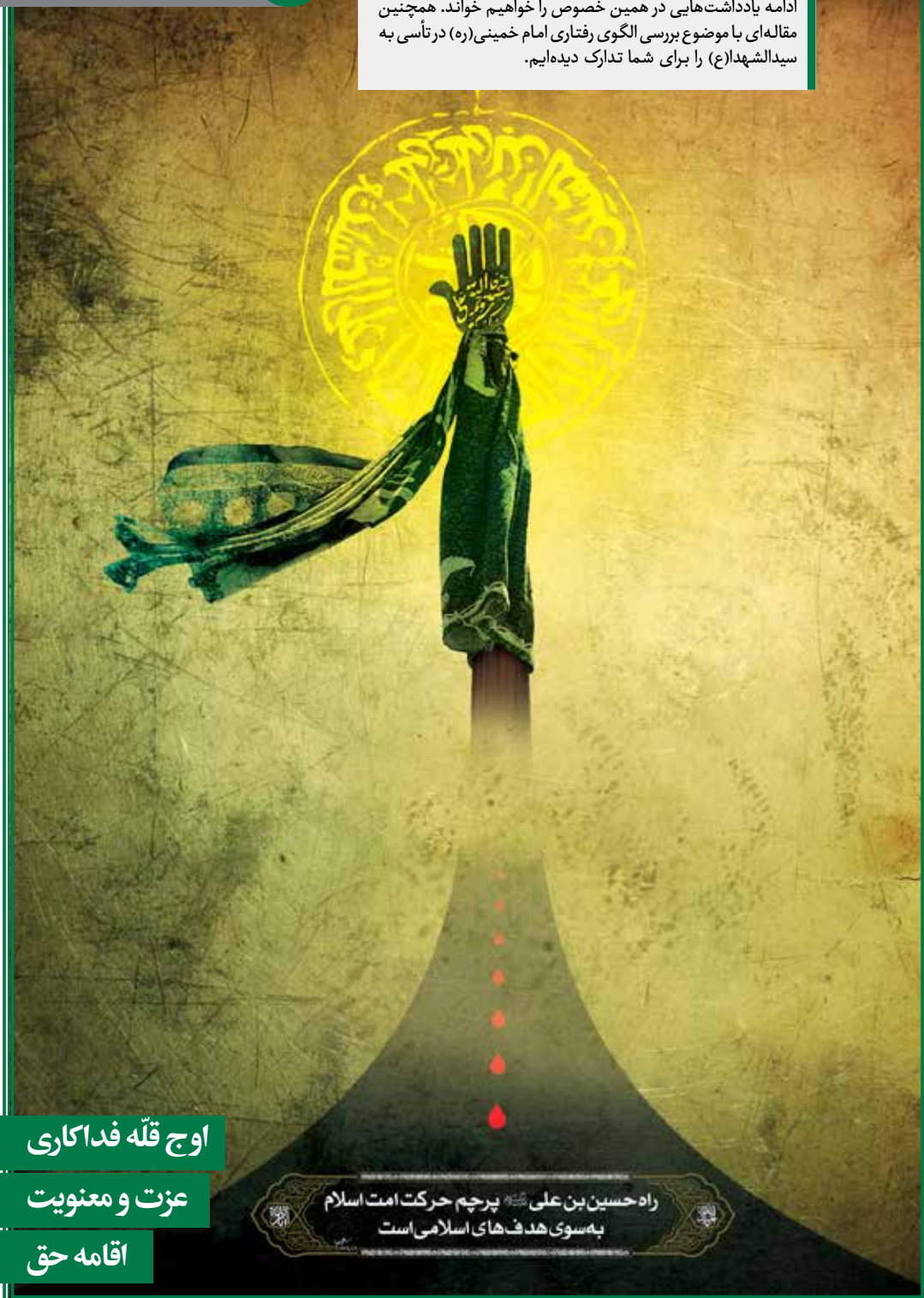
شاید تفاوت ماهوی حرکت انقلابی مردم ایران با حرکت‌های بنیادگرایانه در جهان اسلام در همین است که عاشورا همه چیز را در خود دارد؛ هم زندگی را و هم جهاد را.

یاسر احمدوند

سر دبیر

« راهبرد

در بخش راهبرد این شماره با توجه به قرار گرفتن در ایام سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) به مفهوم ایثار، از خودگذشتگی و فداکاری پرداخته‌ایم. مطلب اول به ایثار حسینی در اندیشه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اختصاص یافته است و پس از آن مقاله عزت و معنویت در قیام امام حسین (ع) با رویکرد ایناگراییانه و در ادامه یادداشت‌هایی در همین خصوص را خواهیم خواند. همچنین مقاله‌ای با موضوع بررسی الگوی رفتاری امام خمینی (ره) در تأسی به سیدالشهدا (ع) را برای شما تدارک دیده‌ایم.



اوج قلّه فداکاری

عزت و معنویت

اقامه حق

راه حسین بن علی علیه السلام پرچم حرکت امت اسلام
به سوی هدف‌های اسلامی است



نگاهی به مفهوم ایثار حسینی
از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

اوج قلّه فداکاری

یکی از موضوعات بنیادینی که در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری؛ آیت‌الله خامنه‌ای به آن اشاره شده است، ایثار و فداکاری سیدالشهداء (ع) و پاسداری ایشان در حفظ میراث دین مبین اسلام است. در این مطلب نگاهی به نهضت عاشورا از بعد ایثارگری و فداکاری نهفته در آن با استفاده از بیانات رهبر معظم انقلاب داشته‌ایم. ■

حرکت و قیام خویش بی اطلاع بود؛ نه، ایشان امام بودند و بر حرکتی اشراف و آگاهی داشتند. مسئله معرفت، علم و آگاهی وسیع امام بالاتر از این حرف‌هایی است که ما بتوانیم متصور شویم و در ذهنمان بکنجد؛ بلکه به معنای ترسیم یک دستورالعمل می‌ایستد، حرکت می‌کند و تسلیم نمی‌شود، مردم را به یاری می‌طلبد، بعد هم وقتی یک عده‌ای پیدا می‌شوند که همان اهل کوفه باشند و اظهار می‌کنند که حاضر هستند در کنار آن بزرگوار در این راه پرفراز و نشیب قدم بگذارند، حضرت درخواست آن‌ها را اجابت می‌کند و به طرف آن‌ها می‌رود؛ بعد هم با اینکه می‌داند به آن‌ها اطمینانی نیست اما در میانه راه پشیمان نمی‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه می‌افزایند: بیانات امام را که انسان نگاه می‌کند، می‌بیند حضرت عازم و جازم بوده است برای این که این کار را به سرانجام برساند و به پایان ببرد. این که در مقابله با حرکت انحرافی فوق‌العاده خطرناک و قدرتمند آن روز، امام حسین (علیه‌الضلاة و السلام) می‌ایستد؛ این خودش می‌شود یک درس، که خود آن بزرگوار هم همین را تکرار کرده‌اند؛ یعنی کار خودشان را به دستور اسلام مستند کرده‌اند: «اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ قَال: مَنْ رَأٰی سُلْطٰنًا جَاثِرًا مُّسْتَخْلًا لِّحُرْمَاتِ اللّٰهِ نَاكِثًا لِّعَهْدِ اللّٰهِ مُخَالِفًا لِّلسُّنَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ يَعْملُ فِی عِبَادَةِ اللّٰهِ بِالْاِثمِّ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ یَغْیَرْ عَلَیْهِهٖ بِفَعْلٍ وَّ لَا قَوْلٍ كَان حَقًّا عَلٰی اللّٰهَانِ یَدْخُلُهٗ مَدْخَلُهٗ» حضرت این را بیان کردند. یعنی من وظیفه‌ام این است، کاری که دارم انجام می‌دهم، بایستی ابراز مخالفت کنم، باید در جاده مخالفت و ایستادگی قدم

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران ضمن اشاره مفاهیم نهفته در قیام خونین امام حسین (ع) می‌فرمایند: معنای پاسداری با همه ابعاد، جوانب، ابزارها و وسایل ممکن، در وجود مقدس سیدالشهداء (سلام الله علیه) متجسد است؛ نه این که دیگران نکردند یا نخواستند بکنند، بلکه به این معنا که خانه پُر این حرکت در رفتار دوران ده ساله امامت سیدالشهداء (سلام الله علیه) تحقق پیدا کرده است. تمام راه‌هایی که می‌شود فرزند پیغمبر از آن راه‌ها استفاده کند برای حفظ میراث عظیم اسلام که میراث پدر و جد گرامی او و پیروان راستین آن‌ها است در زندگی سیدالشهداء محسوس است؛ از تبیین و انذار، از تحرک تبلیغاتی، از بیدار کردن و حساس کردن وجدان‌های افراد و عناصر خاص (همین خواص که ما تعبیر می‌کنیم)، در آن خطبه منا، این‌ها همه در طول زندگی سیدالشهداء است. بعد هم ایستادگی و قیام در مقابل یک انحراف بسیار بزرگ با قصد مجاهدت با جان؛ نه این که امام حسین از سرنوشت و سرانجام



.....

حادثه عاشورا، در

اوج قله فداکاری

و شهادت و

ایثار باقی ماند و

همچنان تا قیامت

باقی خواهد ماند.

«لایوم کیومک یا

اباعبدالله.»

که شرح مفصل است. این پاسداری و ایثار و از خود گذشتگی امام حسین (ع) است و ما باید به آن بیاندیشیم و از آن در همه مراحل زندگی و کاری خود درس بگیریم.

۱. وجدان بیدار تاریخ

همچنین مقام معظم رهبری؛ آیت الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران می‌فرمایند: اساس دین مبین اسلام با واقعه عاشورا پیوندی عمیق خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاری بزرگ و ایثار و از خود گذشتگی حسین بن علی (علیه السلام) نمی‌بود؛ که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلی هشیار، متوجه و بیدار کرد، در همان قرن اول یا نیمه قرن دوم هجری، بساط اسلام به کلی برچیده می‌شد. قطعاً این‌گونه است.

اگر کسی به تاریخ علاقمند باشد، با مراجعه به تاریخ و ملاحظه حقایق تاریخی این را تصدیق خواهد کرد. چیزی که وجدان جامعه اسلامی را در آن زمان برآشفته و اسوه و الگویی برای بعدها شد، همین حادثه عجیبی بود که تا آن روز در اسلام سابقه نداشت. البته، بعد از آن، نظایر بسیاری پیدا کرد؛ اما هیچ کدام از آن نسخه‌ها، مطابق اصل نبود. امت اسلام، شهیدان زیادی داشته و دارد. مسلمانان در راه اسلام شهدای بسیاری چه فردی و چه دست جمعی داده‌اند. اما هیچ کدام تا به امروز به پای حادثه عاشورا نرسیده است.

حادثه عاشورا، در اوج قله فداکاری و شهادت و ایثار باقی ماند و همچنان تا قیامت باقی خواهد ماند. «لایوم کیومک یا اباعبدالله.» ما شیعیان، از این حادثه، خیلی بهره برده‌ایم.

البته این واقعه فقط مختص شیعیان نیست غیر شیعیان هم، از آن استفاده کرده‌اند. امروز، در کشور مصر، مسجد «رأس الحسین»؛ همان جایی که خیال می‌کنند سر مقدس سیدالشهداء (سلام الله علیه) در آن مدفون است، محل تجمع عوطف مردم محب‌اهل بیت مصر است. ملت مصر، ملت خوبی است. کار به رژیم و دولت آن کشور نداریم. ملت مصر محب‌اهل بیت هستند. همه جای دنیا، متأثر از این واقعه‌اند؛ اما شیعه از این واقعه یک استفاده فوق العاده کرده است. ما دین را به وسیله این حادثه حفظ کردیم؛ احکام را برای مردم بیان کردیم؛ عوطف مردم را در خدمت دین و ایمان قرار دادیم. این «ما» که می‌گوییم یعنی طایفه روحانیون و مبلغین، در طول چند قرن گذشته است. آخرین برکت عظیم حادثه کربلا برای ایرانیان مسلمان همین انقلاب شکوهمندی است که با الهام و اتکاء به پیام‌های نهفته در دل واقعه عاشورا و حرکت و قیام سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام) به ثمر نهشته است. اگر حادثه کربلا و اسوه‌گیری و الگوگیری از آن نبود، این انقلاب به ثمر نمی‌رسید و پیروز نمی‌شد. امام بزرگوارمان که در محرم سال ۵۷ فرمودند «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است»، این خط و این درس را از محرم دادند. سراغ جنگ تحمیلی هم که بروید همین است. □

بگذارم و به جلو پیش بروم، سرنوشت هرچه شد، بشود؛ اگر سرنوشت پیروزی بود، چه بهتر؛ اگر شهادت بود، باز هم چه بهتر. یعنی اینجوری امام حسین (علیه السلام) حرکت کردند.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: این شد ایثار تمام و کمال و این همان چیزی است که اسلام را هم حفظ کرد. همین حرکت، ایستادگی، مقابله و مبارزه با ظلم و فساد، اسلام را حفظ کرد. همین حرکت موجب شد که ارزش‌ها در جامعه نمایان‌تر و پایدار شوند و بمانند. اگر امام حسین (علیه الصلاة والسلام) این خطر را نمی‌پذیرفت، حرکت نمی‌کرد، اقدام نمی‌کرد، دست به مقابل و مبارزه نمی‌زد، به شهادت نمی‌رسید و خونش ریخته نمی‌شد، آن فجایع عظیم برای حرم پیغمبر، دختر امیرالمؤمنین و فرزندان خاندان پیغمبر پیش نمی‌آمد و این واقعه بزرگ در تاریخ نمی‌ماند. حادثه‌ای که اگر به پیروزی سیدالشهداء (سلام الله علیه) ختم می‌شد می‌توانست جلوی آن انحراف عظیم را بگیرد، با شهادت امام حسین (ع) و یاران وفادارشان باید به اندازه عظمت آن انحراف در ذهن جامعه و تاریخ، شوک ایجاد می‌کرد و کرد. این فداکاری و ایثار امام حسین است.

رهبر معظم انقلاب افزودند: البته سخن گفتن از این واقعه عظیم و پرداختن به ابعاد و جوانب آن به زبان آسان و سهل است. کاری که امام حسین (علیه السلام) کردند، یک کار فوق العاده و عظیمی است. یعنی ابعاد آن از آنچه که ما امروز محاسبه می‌کنیم، خیلی بالاتر و بالاتر است. ما جوانبش را، ریزه‌کاری‌هایش را غالباً ندیده می‌گیریم، حتی به بعضی از این ابعاد اصلاً اشراف نداریم و از آن‌ها بی‌اطلاعم. من یک بار در یک صحبتی، صبر امام حسین (علیه السلام) را تشریح کردم. صبر ایشان فقط این نبود که بر تشنگی و عطش صبر کنند، بر کشته شدن یاران با وفایش، اعضای خانواده‌اش، طفل صغیرش و برادر دل‌بندش صبر کنند؛ این‌ها همه و همه برای این امام بزرگوار صبر آسان است.

صبر سخت‌تر آن است که دیگران، افراد صاحب نفوذ، افراد آگاه، افراد محترم بروند و بیاند و بگویند آقا نکنید، آقا نروید، این کار غلط است، این کار خطرناک است و هی ایجاد تردید کنند. چه کسانی؟ افرادی مثل عبدالله جعفر، عبدالله زبیر، عبدالله عباس؛ این شخصیت‌های برجسته و بزرگ آن روز دنیا، به قولی آقا زاده‌های مهم اسلام، این‌ها می‌گویند نکن این کار را. هر که باشد، اگر چنانچه آن عزم و آن اراده و آن ثبات در او نباشد، با خودش فکر می‌کند که من دیگر تکلیف و وظیفه‌ای ندارم، این‌ها که دارند اینجوری می‌گویند، این‌ها که می‌مخالفت می‌کنند، دنیا هم که دارد آنجوری حرکت می‌کند، بگوییم و بگذریم. آن که در مقابل این اظهارات، مخالفت‌ها و در واقع وسوسه‌ها، تردید افکنی‌ها، راه شرعی درست کردن‌ها؛ بایستد و دلش نلرزد و قدم در این راه پر خطر بگذارد، او همان کسی است که می‌تواند این تحول عظیم را به وجود بیاورد و امام خمینی (ره) در این جهت تشبیه و اقتفاء کردند به سید و سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام)؛

عزت و معنویت

■ دکتر هادی وکیلی



از میان انبوه درس‌های ارزشمندی که عاشورا به ما می‌آموزد از قبیل فداکاری و ایثار، صبر و استقامت، شهادت و شجاعت، تعهد و مسئولیت، صداقت و وفاداری، قاطعیت در راه هدف، دفاع از امامت و ولایت، دفاع و پاسداری از دین و ارزش‌ها، تولی و تبری، ستیز با ستم و ستمگران، افشای چهره دشمنان اسلام، توجه به معنویات حتی در جبهه جنگ، نفی نژادپرستی، توبه، دعا، استغفار، تسلیم در برابر خدا و قیام برای خدا، در این مقال به معرفی ۲ درس بزرگ از قیام امام حسین (ع) بسنده می‌کنیم.

۱. درس عزت

در فرهنگ اسلامی، مسلمان عزیز است و هرگز نباید تن به ذلت و خواری بدهد. ذلت و خواری با مسلمانی قابل جمع نیست. بنابراین، مسلمانی که ذلت را پذیرفته مسلمانی اش کامل نیست. بر این اساس ۲ نوع زندگی خواهیم داشت: زندگی ذلیلانه و زندگی عزتمندانه. زندگی عزتمندانه در پرتو پذیرش ولایت خدا و اولیای خدا و زندگی ذلیلانه در پرتو پذیرش ولایت کفر و شرک و دشمنان خداست. هرگونه پندار و رفتاری که مسلمانان را ذلیل، ناکارآمد و ناتوان جلوه دهد از نظر امام حسین (ع) محکوم است. بر همین اساس قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء؛ ای مؤمنان، دشمن من و دشمن خود را به ولایت برنگیرید». عزت در سخن و عمل امام حسین (ع) به نحو بارزی تجلی دارد. او مرگ با عزت را زندگی و زندگی با ذلت را عین مرگ می‌دانست و از همین روی یکی از شعارهای امام حسین (ع) در روز عاشورا این بود: الموت خیر من رکوب العار و العار خیر من دخول النار؛ مرگ از پذیرش ننگ بهتر و ننگ از ورود در آتش سزاوارتر است و نیز آن بزرگوار در روز عاشورا می‌فرمود: «این ناکس پسر ناکس مرا به پذیرش یکی از ۲ کار ناچار کرده است: یا شمشیر کشیدن و کشته شدن و یا پذیرش ذلت. ذلت از خاندان ما به دور است. هیاهات که ذلت و زبونی را اختیار کنیم. نه خدا به ذلت من راضی است، نه رسول خدا و نه مؤمنان و نه دامن‌های پاکی که مراتب تربیت

درس‌های عاشورا همواره زنده، حیات‌بخش و حرکت‌آفرین است. هرچند واقعه کربلا در مکان و زمان خاصی رخ داده است، اما درس‌های آن به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود و همواره الهام‌بخش و شورآفرین است. این نکته‌ای است که حضرت امام خمینی (ره) نیز با این بیان که عاشورا باید به عنوان رویدادی تلقی شود که در طول تاریخ می‌تواند درس آموز بوده و پایه‌های ستم و استبداد را از بیخ و بن براندازد، از آن یاد کرده‌اند: «واقعه عظیم عاشورا از سال ۶۱ هجری تا خرداد ۴۲ و از آن زمان تا قیام حضرت بقیه‌الله ارواحنا لمقدمه الفداه، در هر مقطعی انقلاب‌ساز است». از این روی است که بسیاری از نهضت‌های سیاسی نظیر حرکت توابعین، مردم مدینه، قیام مختار، نهضت زید بن علی، قیام محمد نفس زکیه و ابراهیم فرزندان عبدالله و... تا قیام و نهضت مقدس ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) همه و همه با الهام از عاشورا سازماندهی شده‌اند.

اقبال لاهوری، استقلال و نجات پاکستان را مرهون قیام عاشورا دانسته و گاندی، نیز نهضت عاشورا را الهام‌بخش خود در رهایی هندوستان می‌داند. در یک کلمه اگر نهضت بزرگ عاشورا را الگو و اسوه همه حرکت‌های حق‌طلبانه و عدالت‌خواهانه بدانیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم. و در واقع همان‌گونه که نویسنده شهیر مصری، عباس محمود عقاد، تصریح کرده است: «نه تنها مسلمانان بلکه غیرمسلمانان از این حادثه درس جوانمردی، ایثار و مقاومت در برابر ستمگران گرفتند؛ از سفیر مسیحی که در همان مجلس یزید به او اعتراض کرد بگیریم تا برسیم به قرون میانه، تا روزگار خودمان». عاشورا دانشگاهی است که همه طبقات از زن و مرد، کوچک و بزرگ، باسواد و بی‌سواد، سیاه و سفید، مسلمان و غیرمسلمان از استادان بنامی چون حسین بن علی (ع)، قمر بنی هاشم و زینب کبری درس می‌آموزند و صد افسوس که ما تاکنون نتوانسته‌ایم ارزش‌های عاشورا را آنچنان که شاید و باید به منصه ظهور برسانیم و نه به جوامع جهانی بشناسانیم.



اقامه حق

■ دکتر غلامرضا اعوانی

« از واقعه کربلا هم اهل ایمان و هم غیرایمان می‌توانند درس‌های بسیار مهمی بگیرند. واقعه کربلا به طور کلی یک جنبه عام برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها دارد و آن آزادی، آزادی، کرامت، بزرگواری و کمال وجودی انسان است که در امام حسین (ع) متبلور شده بود.

از این رو اگر به دیده انصاف در این شخصیت که از سلاله پیامبر (ص) بودند، نگاه کنیم، ایشان را در مقام یک انسان کامل خواهیم شناخت. شکی نیست که این انسان کامل و حرکت خاص ایشان در روز عاشورا، این درس را به اهل ایمان می‌دهد که در راه دفاع از دین و ایمان از هیچ چیزی دریغ نکنند. اما این واقعه برای مسلمانان یک درس بسیار عبرت‌آموز دارد. این درس عبرت‌آموز، هنگامی خود را نشان می‌دهد که وضعیت زمانه امام حسین (ع) را به خوبی بشناسیم.

بعد از پیامبر (ص) کم‌کم آداب و عادات جاهلی در اسلام راه یافت، به طوری که پس از ۶ سال از آغاز اسلام، فرد فاسدی به نام یزید برجای رسول خدا (ص) می‌نشیند؛ این خیلی عجیب است. اگر به تاریخ ادیان دیگر، از جمله مسیحیت بنگرید، این مسئله را نمی‌بینید.

امام حسین (ع) در چنین وضعیتی قیام و با شهادت خودشان اسلام را احیا کردند. اگر امام حسین (ع) این کار را نمی‌کردند، معلوم نبود که چه بر سر اسلام می‌آمد. لذا ما مدام باید این سؤال را از خودمان بپرسیم که امام حسین (ع) برای چه امری قیام کردند؟

البته پاسخ را همه می‌دانیم و قبلاً هم اشاره کردیم. امام حسین (ع) برای احیای دین جد خود قیام کردند. حال ما باید ببینیم تا چه حد تلاش کرده‌ایم که دین اسلام و پیام و سنت حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه را احیا کنیم؟ اگر ما در تحقق غایتی که امام حسین (ع) برای آن به شهادت رسیدند، توفیق یافتیم، آن‌گاه می‌توانیم ادعا کنیم که در بزرگداشت امام حسین (ع) سهمی داشته‌ایم. درست است که در روایات ما، به حب اهل بیت توصیه شده است اما این حب و مودت وقتی کار ساز است که در جهت احیای دین اسلام و مبادی قرآن و عمل به آن باشد. بنابراین محبت امام حسین (ع) در جای خود نیکوست اما این محبت باید برای اقامه دین حق و معرفت حق باشد. ■

کرده‌اند. همچنین مردان غیرتمند و آزاده، کشته شدن را بر پیروی از انسان‌های پست ترجیح می‌دهند.»

آن بزرگوار در جای دیگری می‌فرماید: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل ولا افرار العبید؛ به خدا سوگند همانند افراد فرومایه تسلیم شما نمی‌شوم و مانند بردگان نیز فرار نمی‌کنم.»

سخنان و رفتار امام حسین (ع) برای همه شیعیان به‌ویژه کارگزاران نظام اسلامی این درس را با خود دارد که آنان باید تمامی هم و غم خود را مصروف این مهم کنند که امت اسلامی هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین‌المللی به عزت شهره آفاق شوند و هم در مسیر زندگی دنیوی و هم در مسیر زندگی اخروی به عزت نفس، انصاف یابند.

■ درس معنویت

جمع بین حضور در عرصه‌های سیاسی و توجه به معنویات یکی دیگر از درس‌های عاشورا است. غفلت از نیازهای روحی و معنوی به‌ویژه برای مسئولان و مدیران امور، خطرساز و خطرآفرین است؛ امام حسین (ع) آن هنگام که رویاروی دشمن ایستاده و حتی آن هنگامی که در محاصره دشمنان است، هرگز از این مسئله غفلت ندارد. از این روی، در تاریخ آمده است که در شب عاشورا در میان خیمه امام حسین (ع) جنب و جوش عجیب و نشاط فوق‌العاده‌ای به چشم می‌خورد؛ یکی مشغول دعا و مناجات با خداست و آن دیگری مشغول تلاوت قرآن: «لهم دوی کدوی النحل بین قائم و راکع و ساجد». و هنگام حمله دشمن در عصر تاسوعا امام حسین (ع) به قمر بنی هاشم می‌فرماید: «به سوی آنان برو و اگر توانستی امشب را مهلت بگیر تا به نماز و استغفار و مناجات با پروردگارمان بپردازیم. خدای داند که من به نماز و تلاوت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه شدید دارم». از این درخواست در آن موقعیت به خوبی می‌توان به اهمیت معنویت و خودسازی پی برد. این کار امام (ع) بیانگر آن است که هرگز نباید به دلیل کار و گرفتاری زیاد از خودسازی و توجه به معنویات غفلت کرد. به همین جهت هم حضرت زینب کبری (ع) در برابر دشمنانی که پس از واقعه کربلا واکنش ایشان را به طعنه جویا می‌شدند این‌طور پاسخ دادند که جز زیبایی ندیدم. حتی مقام شهادت آگاهانه حضرت سیدالشهدا (ع) و خاندان و یاران او را نیز باید در همین خصلت جمع بین سیاست و اصلاح طلبی با معنویت و عرفان جست‌وجو کرد. در کنار همه این شواهد، نیم‌نگاهی به دعای کبیر عرفه از آن حضرت پیش از خروج از خانه خدا و رهسپاری به سوی دیار شهادت، عمق عشق و عرفان و معنویت ایشان به محبوب ازلی را نمایان می‌سازد. ■



در این راستا، شیعه به عنوان اقلیتی مظلوم که حق را در چنگال غاصبان ناشایست می‌دید، مجبور به مقاومت، مبارزه و دفاع بود و در طول قرن‌ها این شکل از حیات شیعیان به رهبری امامان معصوم (ع) خود، تبدیل به فرهنگ و آدابی شد که ایثار و شهادت، بلندترین جایگاه را در آن به دست آورد. آمیختگی عرفان و معرفت با مبارزه و مقاومت سبب شد تا مناجات‌ها، راز و نیازها و درد دل‌های شیعیان در فرهنگ دعا و نیایش امامان (ع) و اصحاب آنان ظهور یابد.

استبداد خلافت، خونریزی و سیطره فضای وحشت و ترس، باعث پیدایش جنبش‌ها و قیام‌های پنهان گردید. امامزادگان و علویان، هر یک به نحوی متهم به رافضی‌گری می‌شدند. خونشان مباح و در هر کوی و برزنی که پیدا می‌شدند به شهادت می‌رسیدند. با شهادت امامان (ع) و یاران آن‌ها، فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی به عنوان وسیله‌ای برای بزرگداشت یاد و خاطره آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت. با مطالعه تاریخ و فرهنگ شیعه می‌توان به ابعاد نهفته فرهنگ پویا و انقلابی شیعه پی برد.

۱ عاشورا، الگوی ایثار

طرح حادثه عاشورا به عنوان چکیده ایثار و شهادت در آیین تشیع، به لحاظ تأثیرگذاری حرکت شهادت طلبانه امام حسین (ع) در برانگیختن مقاومت مسلمین در برابر انحرافات آتی در جهان اسلام، همواره زمینه ساز اقداماتی در راستای تشویش و تحریف این قیام حق طلبانه گشته است. در واقع نهضت عاشورا یکی از مهم‌ترین نمادهای شیعه در راه ایثار و شهادت است. علامه محمد تقی جعفری می‌نویسد عاشورا عدم جواز مسامحه با مخالفان دین و ارزش‌های دینی به بهانه نبودن احساس قدرت می‌باشد. در حقیقت، از این داستان نتیجه می‌گیریم که قدرت، احراز نمی‌خواهد، ناتوانی احراز می‌خواهد.

از این رو، عاشورا به این دلیل که تنها واقعه‌ای است که طی آن یکی از ائمه معصومان (علیهم السلام) همراه با یاران و بسیاری از اهل بیتش به شکلی خاص و منحصر به فرد، که برانگیزاننده احساس و عواطف انسانی است، به شهادت می‌رسند، جایگاهی ویژه و نمادین در فرهنگ تشیع دارد و منشأ بسیاری از قیام‌ها و حرکت‌های انقلابی و خونین در تاریخ شیعه محسوب می‌شود. تأکیدها و سفارش‌های ائمه (علیهم السلام) بر بزرگداشت یاد و خاطره حادثه عاشورا، موجب گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در میان شیعیان شده است.

ماجرای نهضت امام حسین (ع) در کربلا و وضعیت اهل بیت و اصحاب ایشان و عشق به شهادت در راه خدا و استقبال از آن با علم به شهادت و خوشحالی آنان در شب عاشورا همگی گواه صادقی است بر مشروعیت و فضیلت شهادت طلبی و استقبال از مرگ.

در بسیاری از موارد یاد شده با اطمینان می‌توان گفت که آن بزرگواران خود در سلسله علل و اسباب شهادت خویش قرار دارند، و شاید مهم‌ترین علت و سبب مرگ و شهادت

نگاهی به مفهوم ایثار در مکتب شیعه

جان فدای آرمان‌های الهی

راضیه خاقانی آور

ایثار و شهادت در مکتب تشیع از موضوعات حائز اهمیت است که روایات بسیاری درباره آن از ائمه معصومین برای ما به یادگار گذاشته شده است. این مقاله درصدد است تا این موضوع را با نگاهی به نهضت عاشورا تبیین نماید و بر جنبه‌های فداکارانه حرکت عظیم یاران ابا عبد الله (ع) تأکید نماید. ■

« شهادت به معنای کشته شدن در راه خداوند، در دین و فرهنگ اسلامی به‌ویژه فرهنگ شیعه جایگاه بلندی دارد. اگر شهادت را فقط رویارویی حق و باطل بدانیم در تاریخ تشیع همواره این رویارویی‌ها به تناسب تکرار شده‌اند. یاران حق برای نبرد و ستیز با باطل تا پای جان پیش رفته‌اند و حماسه ایثار و شهادت را از خود به نمایش گذاشتند. یاسرو سمیه نخستین کسانی بودند که در اسلام شربت شهادت نوشیدند. در غزه‌ها و سرایای پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، شهادت برای اصحاب پیامبر (ص) بهترین شکل ایثار و خدمت به اسلام نوپا دانسته می‌شد. شهیدان جنگ بدر، احد، خندق، تبوک و... در واقع با شهادت خود ادامه حیات اسلام را در صدر اسلام تضمین نمودند. با ایجاد تفرقه در میان مسلمانان صدر اسلام پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) و انحراف حکومت اسلامی، خاندان پیامبر (ص) این وارثان اصلی و حقیقی پیامبر (ص) متناسب با شرایط، با وجود دشواری‌ها و در عین اقلیت بودن، قیام کرده و با غاصبان و ستمگران می‌جنگیدند. در این دوران عنصر جدیدی در شهادت که مظلومیت می‌باشد رخ نمود. ایثار و شهادت در عصر خلفای اموی به پدیده‌ای حماسی تبدیل شد و در اوج این دوران حماسی امام حسین (ع) و اهل بیت و یارانش قرار گرفتند.

هرگز از بیاری دینم دست برنخواهم داشت



با عنایت به هدفی که دنبال می‌کرد خود را سپر کعبه - که مظهر هویت اسلامی است - نمود ولی عبدالله بن زبیر، کعبه را سپر حفظ خود قرار داد.

فداکاری امام حسین (علیه السلام) با هدف اعاده حیثیت از جامعه‌ای که به نام دین به ذلت کشیده شد، از نظر آزادگان هویت جوی جهان، پنهان نمانده است و از این رو توفیق در غلبه بر استعمار و رهایی ملت خویش را در باز گرداندن هویت ملی به جامعه جستجو نموده‌اند. به عنوان نمونه مهاتما گاندی - رهبر و مصلح استعمار شکن هند که در سال ۱۹۴۸ م ترور شد و از دنیا رفت - درباره نهضت عاشورا چنین می‌گوید: من برای مردم هند، چیز تازه‌ای نیاوردم، فقط نتیجه‌ای که از مطالعات و تحقیقات درباره زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم را از رمان ملت هند نمودم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم، واجب است همه ما راهی را بپیمائیم که حسین بن علی (علیه السلام) پیمود.

امام حسین (ع) در هنگام حرکت به سوی کربلا اشعاری را می‌خواند، که نقل شده پدر بزرگوارشان هم همین اشعار را گاهی می‌خواندند: «اگر چه دنیا زیبایی‌ها و دوست داشتنی‌هایی دارد، دنیا آدم را به طرف خودش می‌کشد، اما خانه پاداش الهی، خانه آخرت، خیلی از دنیا زیباتر و جذاب تر است، خیلی از دنیا بالاتر و عالی تر است. اگر مال دنیا را آخر کار باید گذاشت و رفت، پس چرا انسان آن را در راه خدا انفاق نکند، و اگر این بدن‌های ما ساخته شده است که در آخر کار بمیرد، پس چرا در راه خدا با شمشیر قطعه قطعه نشود».

و چنین نگرشی به مفهوم شهادت خود نیروی محرکه‌ای است برای انسان معتقد به «شهادت» برای پیش رفتن برای طی مسیر و برای رسیدن به اهداف عالیه انسانیت. و راه «شهادت» همیشه برای مسلمانان باز است، هر چند تنور جهاد و نبرد در راه دفاع از اسلام گاه شعله وراست و گاه



.....

اگر چه دنیا

زیبایی‌ها دارد آدم

را به طرف خود

می‌کشد، اما خانه

پاداش الهی،

خانه آخرت،

خیلی از دنیا

زیباتر و جذاب

تر است. اگر مال

دنیا را آخر کار

باید گذاشت و

رفت، پس چرا

انسان آن را در راه

خدا انفاق نکند،

و اگر این بدن‌های

ما ساخته شده

است که در آخر

کار بمیرد، پس

چرا در راه خدا

با شمشیر قطعه

قطعه نشود

آنان، رفتارشان و شیفتگی‌شان از شهادت باشد. حتی یکی از تحلیل‌های قوی و معتبر از قیام ابا عبدالله (ع) این است که آن حضرت چون می‌دانست با حیات خود نمی‌تواند اسلام را از خطر حکومت بن‌یامیه نجات دهد، با مرگ و شهادت خویش این مهم را تحقق بخشید و مشعل هدایت بشر و اسوه مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی شد.

بدینگونه همان طور که امام حسین (علیه السلام) با شهادت خود و استقبال از مرگ و ترک لذات دنیا توانست انسان‌ها را از غفلت و سکوت و رخوت به صحنه بکشاند، تکرار این روند در جوامع خفته و بی تفاوت نسبت به امور اجتماعی و سیاسی خود قادر به ایجاد حرکتی موج مانند خواهد بود که برخورد آن به افکار عمومی تکانی در آن ایجاد خواهد کرد و حاشیه نشینی در هر حالتی را زبنده و شایسته مقام انسانی نمی‌داند. ماهیت نهضت عاشورا، احیای دین بود و خط مشی امام حسین (ع) برای تحقق احیای دین و اصلاح امت و عدالت طلبی که هویت امت اسلامی را تشکیل می‌داد، شهادت بود و راهی جز آن برای باز گرداندن هویت به امت وجود نداشت؛ چه آنکه جامعه اسلامی آنچنان تحریف شده و دگرگونه بود که امام حتی به فرض پیروزی و غلبه بر یزید به قدری گرفتار مسائل داخلی می‌شد که هدف اصلی نهضت که احیای دین بود، به انجام نمی‌رسید. دوران پنج ساله حکومت علی بن ابی طالب (ع) که یکسره صرف جنگ‌های داخلی شد ثابت کرده بود که دامنه انحراف به قدری گسترده است که ابزارهای متعارف قادر به تصحیح این روند نیست.

هدف، اسلام و حاکمیت دوباره آن بر جامعه بود. اگر فداکاری و ایثار و شهادت طلبی تاکتیک بود، استراتژی و هدف نهایی استقرار دین و دمیدن روح اسلام به پیکره مرده جامعه بود. از همین جا تفاوت اقدام سید الشهدا و عناصر دیگری نظیر عبدا... بن زبیر که هر دو بر علیه ظلم یزید شورش کردند، مشخص می‌گردد و آن این که امام

خاموش، اما مقام و موقعیت شهادت ثابت است و چیزی نیست که دستخوش متغیرهای بیرونی شود. از امام چهارم (ع) نقل شده است که فرمودند: شیعیان ما همه از صدیقین و شهداء هستند.

آموزه فرهنگی شیعه در ایثار

به باور شیعه، حسین (علیه السلام) الگوی عزت و سربلندی برای همه آزادی خواهان جهان است و آنچه از منفعت در جریان قیام و ایستادگی وی در برابر وضعیت نابهنجار اجتماعی سیاسی زمان خویش عاید آن عصر و دوران شد، چونان میراثی گرانبها در همیشه تاریخ اسلام و بلکه جهان باقی جاویدان است.

در همین رابطه برای تبیین و روشن شدن مطلب به بخشی از سخنان حضرت، خطاب به ولید بن عتبّه - استاندار مدینه - می پردازیم؛ آنجا که می فرماید: اما یزیدی که تو از من برای او بیعت می طلبی، مردی شراب خوار است و دستش به خون افراد بی گناه آلوده شده، او حریم دستورات الهی را در هم شکسته و آشکارا مرتکب فسق می شود؛ بنابراین مثل من با مثل این یزید بیعت نمی کند. امام حسین (ع) در این فراز از سخنان خود، همه انسان ها در همه اعصار را مورد خطاب قرار داده، می فرماید که قیام و حرکت اعتراضی من اختصاص به زمان خود ندارد، بلکه در هر عصر و دورانی که فردی با مشخصات و ویژگی های یزید در صحنه روزگار پدیدار شود باید افرادی حسین و ارقام نمایند و در واقع امام با این گفتار مسؤولیت بس بزرگی بر عهده همه انسان ها قرار داده و تکلیف آن ها که در واقع نفع و سود آنان را در بر دارد را معین فرموده است.

از همین جا عظمت کار امام حسین (ع) به عنوان بزرگترین شهادت طلب تاریخ بشریت، مشخص و آشکار می گردد که در بیان کورت فریشلر - محقق و نویسنده آلمانی - بدین گونه انعکاس یافته است: بزرگ ترین محمل (یا علتی) که فاجعه قتل حسین (علیه السلام) را بزرگ کرده این است که قیام او برای حفظ جان صورت نگرفت و منظور مادی هم در آن نبود و حتی حسین (علیه السلام) علاقه نداشت با این فداکاری، نام خود را باقی بگذارد. دیگران نام او را حفظ کردند و باقی گذاشتند.

در آیین شیعه ایثار و شهادت، مجموعه ای از اعتقادات و آموزه هایی است که باعث شکل گیری روحیه شجاعت، مبارزه و جهاد در راه خدای متعال و نهایتاً کشته شدن در راه ایمان و عقیده است. محور اصلی این فرهنگ نیز همان شهید و انگیزه های متقن و مقدسی است که او را به سمت شهادت طلبی سوق می دهد.

در کربلا امام حسین (ع) و یاران با وفایش با علم و آگاهی از این که در برابر دشمن تادندان مسلح به شهادت خواهند رسید، با هدف دفاع از دین و راه و روش رسول خدا (ص) و مبارزه با ظلم و بی عدالتی و تسلط افراد نالایقی که صلاحیت رهبری جامعه اسلامی را نداشتند، ایستادند و جان خود را فدا کردند. نه تنها هیچ کس با هر عقیده و مسلکی آنان را به خاطر اقدام شهادت طلبانه شان سرزنش



.....

امام حسین (ع)

همه انسان ها

در همه اعصار

را مورد خطاب

قرار داده اند و

فرمودند: قیام و

حرکت اعتراضی

من اختصاص به

زمان خود ندارد،

بلکه در هر عصر و

دورانی که فردی

با مشخصات و

ویژگی های یزید

در صحنه روزگار

پدیدار شود باید

افراد حسین وار

قیام نمایند

نکرد، بلکه آنان الگویی برای بشریت در طول تاریخ گشتند تا ملت های تحت ستم و مستضعف برای دفاع از موجودیت خود در برابر متجاوزان جنایت پیشه، با عشق به لقای الهی از مرگ و شهادت استقبال کنند.

صیانت از حقوق

مذهب برارزنده نگه داشتن روح حق طلبی و ایثار در میان جامعه و ستیز با باطل در طول تاریخ و در هنگام ضرورت از عناصر توانمند و کارآمد خویش یعنی ایثار و شهادت به منظور برقراری عدل و عدالت استفاده کرده است. در نهضت های شیعی سربداران، علویان، زندیه و مبارزات آزادخواهانه عصر جدید به ویژه انقلاب اسلامی و بعد از آن در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از دو عنصر مهم ایثار و شهادت بهره جستند و سبب موفقیت و پیروزی آن ها بوده است. بنابراین باید گفت که شهادت، مطلوب اولیا و منظور عاشقان حق است و جهاد در راه حق مهمترین ابزار تحقق این مهم در فرهنگ شیعه بوده است.

بنابراین شهادت قبل از اینکه پدیده دینی باشد، امری انسانی است، یعنی متعلق به فطرت عدالتخواه و حق طلب انسان و جامعه بشری است. به صرف اینکه کسی جان خود را فدای جامعه و ارزش ها و آرمان های انسانی کند عمل وی دارای اهمیتی است که می توان آن را همسنگ شهادت دانست. اما در این رهگذر دین به آن قداست و ارزش بخشیده است و به خصوص دین اسلام و بالاخص مذهب تشیع، حقیقت آن را به بهترین وجه جلوه گر کرده و تا سرحد امکان آن را به واقعیت نزدیک کرده است. ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نه تنها ارزش و اهمیتی کمتر از نفس شهادت و کشته شدن در راه خدا ندارد بلکه چه بسا از جهاتی بر آن برتری داشته باشد.

در فرهنگ و بینش شیعه، ایثار و شهادت، تلاش و کوشش برای احیا و گسترش دین خدا و ارزش های انسانی به شمار می رود و کسی که عمر خود را در این راه صرف و جان خود را در این راه تقدیم پروردگار کند اگر چه مرگ او در صحنه جنگ نیست اما باز هم شهادت است و چنین فردی شهید نامیده می شود. مهم ترین سرچشمه تجلی و تداوم فرهنگ ایثار و شهادت در شیعه، عاشورا و شهادت امام حسین (ع) است. عاشورا تجلی تمام نمای حقیقت و واقعیت شهادت است و ادعیه و زیارات، بهترین محمل بازگویی این حادثه عظیم تاریخ بوده اند.

به تعبیر استاد مطهری «تاریخ شیعه با نام یک سلسله از شفیقتان و شیدایان و جانبازان سراز پا نشناخته توأم گشته است». «همین شفیقتی و شیدایی و سرسپردگی به ولایت معصومان (علیهم السلام)، به عنوان نیروی بالقوه بسیاری از حرکت ها و جنبش های انقلابی و ضدستم عمل کرده است. لذا ایثار و شهادت در مکتب تشیع از راه ها و شاخص های بسیار مهم حفظ جامعه دینی و صیانت از حقوق شخصی، شهروندان در جامعه و حقوق جامعه دینی است. □

هر چیزی که شرافت انسانی را لکه دار و مخدوش سازد، باید مبارزه کرد، از این رو فرهنگ تملق و چاپلوسی، ۱۸۰ درجه مقابل فرهنگ کربلاست. زیبایی حرکت امام حسین (ع) این است که عزت نفس انسان را حفظ می‌کنند، حتی در آنجایی که به ظاهر، زور ایشان نمی‌رسد، نه تسلیم می‌شوند و نه فرار می‌کنند. اما درسی که از بعد تراژیک حادثه کربلا می‌توان گرفت این است که بر مصیبت وارده بر امام اشک بریزیم. من در کتاب «گلبنگ سربلندی» که اقتباسی از این بیت حافظ است که می‌گوید:

بر آستان جانان گرسر توان نهادن
گلبنگ سربلندی بر آسمان توان زد

و چو گوناگونی را برای اشک بر امام حسین (ع) بر شمرده‌اند. یکی از این وجوه، اشک بر مظلومیت و فاجعه و مصیبت است اما وجوه دیگری هم وجود دارد که مجموعه آن‌ها کربلا را زیبا کرده و در واقع ما بر آن زیبایی اشک می‌ریزیم؛ درست مثل وقتی که ابن زیاد از زینب (س) پرسید که چگونه کشته شدن همه خانواده را دیدید و ایشان ضمن اشک ریختن پاسخ دادند: «جز زیبایی چیزی ندیدم». بنابراین بر زیبایی هم می‌توان اشک ریخت. در خصوص بعد عرفانی کربلا هم چند مطلب را می‌توان آموخت:

مرگ‌اندیش باشیم. لازم نیست که حتماً شهید شویم یا همیشه در جنگ و جبهه باشیم؛ مرگ‌اندیشی به این معنا که دنیا را هدف و غایت همه چیز ندانیم. امام حسین (ع) در نامه‌ای از کربلا به محمد حنفیه می‌نویسند: «گو یا دنیا هیچ‌گاه نبوده است و گویا آخرت همیشه بوده است». درسی که امام حسین (ع) در اینجا به ما می‌دهند این است که در دنیا باشیم ولی آخرت نگر باشیم. دنیا همه همت ما نباشد، همواره آخرت را برپا ببینیم.

نفی خودخواهی نکنیم. به این معنا که خودبین نباشیم و از خود وارسته باشیم. خودخواهی بزرگ‌ترین درد اخلاقی بشر است. امام حسین (ع) در کربلا درس نفی خودخواهی به ما می‌دهند اما این نفی (خودخواهی) جز با عشق صورت نمی‌گیرد. به قول مولانا عشق است که خودخواهی را می‌سوزاند. این عشق را امام حسین (ع) در کربلا آموختند. اگر عشق آمد، عاطفه هم خود به خود قوی می‌شود. روابطی که امام حسین (ع)، اصحاب و خاندان ایشان در کربلا داشتند، یک رابطه خدایی بود. این رابطه روح عاطفه بود، از این رو بحث عاطفه در کربلا پررنگ است؛ زیرا ناشی از عشق خداست.

هر روز را عاشورایی و هر مکان را کربلایی ببینیم. مگر در کربلا چه اتفاقی افتاده بود؟ در کربلا ظهور کامل خداوند رخ داده بود. ما هم باید همواره و در همه جا و هر زمانی، ظهور خداوند را بباییم و لو آنکه بر حسب ظاهر، جنگی در کار نباشد. «کل يوم عاشورا و کل ارض کربلا» به این معناست که خداوند در همه جا و همه زمان‌ها تجلی دارد. انسان عاشورایی، خداوند را در همه جا می‌شناسد:

دیده‌ای از شاه خواهم شه شناس

تا شناسد شاه را در هر لباس □



نماد از خود گذشتگی

■ دکتر قاسم کاکایی

« برای اینکه ببینیم چه درسی یا درس‌هایی از عاشورا می‌توان گرفت، باید عاشورا را بشناسیم و ماهیت و چیستی این واقعه را تعیین کنیم، لذا وقتی ماهیت عاشورا را شناختیم، آنگاه درس‌هایی را که می‌توان از آن گرفت، روشن می‌شود. کربلا چند بعد دارد که به آن اشاره می‌کنم:

۱ **بعد سیاسی کربلا:** این بعد مربوط به جریان سیاست و اجتماع بوده و شمشیر و ایجاد حکومت نماد آن است.

۲ **بعد حماسی کربلا:** نماد این بعد خون است و اینکه عزت و کرامت انسان باید حفظ شود و انسان به هیچ روی زیر بار ننگ نرود؛ «الموت اولی من رکوب العار؛ مرگ از زیر بار ننگ رفتن بهتر است».

۳ **بعد تراژیک کربلا:** این بعد نشان می‌دهد که کربلا یک مصیبت و فاجعه بشری و حاکی از مظلومیت امام حسین (ع) است. نماد این بعد اشک بر مظلومیت امام حسین (ع) است.

۴ **بعد عرفانی کربلا:** این بعد بر مسئله از خودگذشتن و فنا فی الله متمرکز است. نماد این بعد خود امام حسین (ع) بوده که در واقع خلیفه الله در روی زمین است.

اگر هر یک از این چهار بعد را بررسی کنیم، درس‌هایی را می‌توان از کربلا گرفت. در بعد سیاسی امام حسین (ع) در پی حفظ دین و شریعت بودند؛ دینی که به غیر اسلام آلوده شده بود. بنابراین داعیه امام حسین (ع) حفظ و احیای دین اسلام بود. بعد حماسی قیام امام در آستانه انقلاب اسلامی پررنگ شد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در اینجا زیر بار ظلم نرفتن و حفظ عزت و کرامت انسان مطرح است. درس امام حسین در اینجا، درس عزت نفس است، از نظر امام حسین (ع) با

پیام کرامت و بزرگ منشی

دکتر همایون منشی



« است. پیام کرامت و بزرگ منشی است، پیام قدرشناسی و سیاس از همراهان ثابت قدم و یاران همدل است که تا آخرین لحظه و تا آخرین قطره خون او را ترک نمی‌کنند. همچنین وفا و فتوت از درس‌های ماندگار و خصلت‌های جلوه‌گر رفتار امام حسین‌اند. عطوفت ورزی، مهر و دوستی با اعضای خانواده و با اصحاب و یاران نیز پیام دیگر اوست. در روزگار سیطره دورویی، ریاکاری، نفاق ورزی، سست عهدی، بی‌صدافتی، روزگار رواج دغل و نیرنگ که با هزاران توجیه شرعی و غیرشرعی از در و دیوار فرو می‌بارد به احیای این خصلت‌ها سخت محتاجیم. از امام حسین (ع) می‌توان درس‌های فراوان آموخت، نه تنها درس حماسه‌گری، شجاعت و قیام بلکه اخلاق حسینی، وفای به عهد، عزم استوار، یکرنگی، ثبات قدم، حق‌گذاری و توجه به دیگران. درس دیگری که امام حسین (ع) به ما می‌دهد درس دینداری است نه فقط انجام مناسک و شعائر بلکه توجه به گوهر باطنی دین، کیفیت ارتباط با خدا، حاضر دیدن او در همه صحنه‌ها و دین را در متن زندگی جاری ساختن نه فقط در مسجد و مدرسه که در صحنه‌های دشوار جامعه و سیاست و رویارویی با قدرت‌های اهریمنی و سلطه‌گر که انسان‌ها را به بردگی می‌گیرند و صدا در گلویشان خفه می‌کنند، به تحریف دین می‌پردازند و با نام دین چه بسا بر پیکر دین ضربه می‌زنند و حتی در کسوت خلیفه رسول به محو حقیقت دین کمر می‌بندند که در زمانه خود همه این مصیبت‌ها را شاهدیم. از مسلمان‌کشی تا سرکوب‌بیداری اسلامی و خیانت به امت اسلامی و تظاهر به نام دین همه واقعیت‌های دردناکی است که در سراسر جهان اسلام سایه افکنده است. درس حسین، درس مبارزه علیه جور و ستم، اشرافیت، عافیت‌طلبی، به کنجی خزیدن و فارغ از غم خلق بودن است. امروز هم باید به استقبال خطر رفت و خطر کرد. مرزها را مشخص ساخت. مگر نه هر روز عاشورا و همه جا کربلاست و زندگی صحنه پیکار حق و باطل است؟ پس سکوت جایز نیست. »

« قرن هاست درباره قیام شورانگیز و آزادیبخش امام حسین قلم زده‌اند و دوست و دشمن هر یک از منظرهای خاص به تحلیل این رخداد بزرگ و جاوید تاریخ پرداخته‌اند. در میان این نوشته‌ها البته سره و ناسره فراوان وجود دارد. از نگارش‌های فقهی تا تحلیل‌های عرفانی، کلامی و جامعه‌شناختی درباره قیام و عملکرد حسین بن علی (ع) به تحریر درآمده است. امروز و در جهان معاصر نیز ما محتاج تحلیل این قیام هستیم تا بر خود معلوم سازیم در کربلا چه اتفاق افتاد و چه درس‌هایی می‌توان از آن حادثه بزرگ گرفت تا چراغ راه امروز ما باشد. هر چند فوراً باید افزود که تحلیل‌های علمی و جامعه‌شناختی از قیام امام حسین هیچ‌گاه به معنای نفی عزاداری و اشک‌ریزی بر شهیدان کربلا نیست و هرگز جای آن را نخواهد گرفت.

هرگونه تحلیل علمی از آن حماسه جاوید خون فام و تاریخ ساز می‌بایست در نهایت به تقویت شور و شعور ما مردم کمک رساند. در تحلیل قیام امام حسین می‌توان از ابعاد مختلفی سخن گفت. درس‌هایی که حسین آموخت و درس‌هایی که از حسین می‌توان آموخت ۲ مهم و حیاتی و مورد نیاز ما هستند؛ اما به تفکیک درباره اینها می‌توان سخن گفت. امام حسین درس‌های فراوانی به ما آموخت که لازم است همواره در آن‌ها اندیشه و مذاقه کنیم و چونان مشعلی روشن‌گرو راهگشا فرادید و فراراه زندگی خود قرار دهیم. امام حسین درس آزادگی، عزت‌خواهی، کرامت، عرفان، خداگرایی، ستم‌سوزی، بندگی، نفی حاکمیت جبار و ستم‌گستر و نیز درس دینداری صحیح، حضور داشتن در متن پیکار حق و باطل، احساس مسئولیت کردن، ثبات قدم، جوانمردی، شجاعت و اقدام، تدبیر و خردمندی، ایستادگی بر سراسر اصول، معامله نکردن بر سر دین، حقیر دیدن دنیا و اصل دیدن آخرت، از خود گذشتگی و ایثار و درس‌های بزرگی از این دست به ما داده است که تا قیامت کهنه نخواهند شد.

درس حسین درس بیداری، بصیرت‌داری، مؤمنانه زیستن و زیر بار ذلت نرفتن است. سخنان بیدارگر و باشکوهی از او به یادگار مانده است که باید نه در ذهن نگه داریم بلکه بر دل‌هایمان حک کنیم مانند: «والله لا اقر لکم اقرار العبد ولا افر منکم فرار الذلیل؛ یعنی بر سر پیمان ایستاده‌ام نه از برابر شما می‌گریزم و نه ذلیلانه تسلیم‌تان می‌شوم». درس دیگری که حسین به ما می‌دهد درس غیرتمندی و شهادت است، درس حماسه‌ورزی است؛ یعنی آنگاه که نمی‌توانی خوب زندگی کنی خوب بمیر، مرگ شجاع‌مند و شجاعانه بر زیستن ذلیلانه و اسارت‌آمیز ترجیح دارد و خطاب او به همه انسان‌ها تا پایان روزگار این است که اگر دین نداری لا اقل آزاده باشید، همچون آزادگان زندگی کنید، زیر بار ظلم نروید و در برابر ستم و سرکوب سکوت نکنید؛ «ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احرا اافی دنیاکم» این سخنان هرگز کهنه نمی‌شوند و همواره خصلتی آگاهی‌بخش و بیدارگرانه دارند و دل هر آزاده‌ای را مخاطب خود قرار می‌دهند. پیام حسین، پیام آزادگی



مبارزه با غفلت انسان

دکتر سیدیحیی یثربی

عاشورا یک جریان منعطف به نظام زندگی انسان هاست. عاشورا یعنی ایستادگی در مقابل انحراف و تحریف؛ عاشورا یعنی تلاش در جهت مبارزه با این فاجعه که بدترین نظام در جای بهترین نظام قرار بگیرد.

بی تردید این مبارزه برای انسان‌ها یک مبارزه همیشگی است به این معنا که در همین زمان معاصر و در زمان‌های آینده پیام عاشورا به مردم جهان به ویژه به مسلمانان این است که ای مردم اگر غفلت کنید، بهترین شرایط زندگی شما به بدترین شرایط تبدیل می‌شود. بنابراین انسان‌ها نباید از این جریان یعنی جریان مبارزه‌ای عاشورا غافل بمانند و گرنه دیگر عاشورا، عاشورا نخواهد بود در حالی که عملاً هر سرزمینی کربلا و هر روزی از روزهای ما باید عاشورا باشد. اما دریا که در اثر غفلت از فلسفه عاشورا این جریان جوشان و موج را تبدیل به نهادی مرده و خاموش کرده‌ایم و مبارزه در میدان حق و باطل را با مراسم «غصه خوردن» جابه‌جا کرده‌ایم. ما به آیین می‌اندیشیم.

از آیین عزاداری تا آیین و مراسم آرایش در و دیوار و به راه انداختن علم و کتل و... آیینی کردن عاشورا مانند آیینی کردن قرآن ده‌ها زبان و خطر دارد که یکی از آن‌ها سازنده نبودن عاشوراست و دیگری از درون تهی شدن مردم و عدم توسعه ذهن و زندگی آنان و خطر دیگر این است که هر منافق و گناهکاری می‌تواند با شرکت در این آیین خود را نیکوکار و اهل نجات و طرفدار اهل بیت پندارد.

اما راه حل این معضل به نظر آن است که فرهیختگان و علمای جامعه شناخت خوبی از عاشورا و نیز از آیین‌ها و مراسم امروزی داشته باشند و مردم را از انحراف و تحریف بازدارند و کار را به دست افراد خام، خودسر، احساساتی و در مواردی کاسبکار نسپارند. □

در زندگی اجتماعی انسان هیچ چیز به اندازه نظام زندگی اثرگذار نیست. این نظام زندگی رابطه ما را به گونه‌ای تعریف می‌کند و بده‌بستان‌ها را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که حق کسی ضایع نشود. از اینجاست که بشر از نخستین روزهای زندگی اجتماعی خود به نظام زندگی فکر کرده است.

۲۵۰۰ سال پیش متفکران یونان درباره نظام زندگی انسان‌ها به طور جدی وارد بحث شدند. افلاطون سه گونه نظام تعریف می‌کند: اول نظامی که در رأس آن یک فیلسوف قرار گیرد، دوم نظامی که مدیریت جامعه در دست طبقه اشراف باشد و سوم نظامی که براساس آرای توده مردم تعیین شود که همان نظام جمهوری است. افلاطون می‌گوید، این‌ها به ترتیب اولویت دارند و بهترین‌ها اگر شرایط اینها با دقت رعایت نشود، بهترین نوع حکومت تبدیل به بدترین نوع می‌شود و بدترین نوع عیش تبدیل به بهترین آن؛ به این معنا که حاکمیت فیلسوف بدترین نوع حکومت می‌شود و حکومت جمهوری بهترین نوع آن. برخی از متفکران براساس این سخن افلاطون او را طرفدار حکومت دموکراسی مردمی دانسته‌اند.

در نظام دینی، عقیده بر آن است که بهترین نوع حکومت‌ها، حکومت دینی است یعنی حکومت دینی از حکومت فیلسوف هم بهتر است اما اگر شرایط آن رعایت نشود، این بهترین نوع حکومت تبدیل به بدترین نوع آن می‌شود. تمام متفکران فلسفه سیاسی باور دارند که اگر حکومت ظالمانه‌ای تقدیس شود یک فاجعه خواهد بود. عاشورا به خاطر حساسیت به همین فاجعه (تقدیس حکومت ظالمانه)، یعنی تبدیل شدن بهترین نظام‌ها به بدترین آن‌ها و به تعبیر مرحوم شریعتی؛ حضور فرعون بآردای موسی و حرکت و طواف به دور خانه خدا با آهنگ شرک و کفر. به همین دلیل امام حسین (ع) داروندار خود را در کف نهاده و به میدان می‌آید و از همان آغاز می‌داند که چه خطری برای او در پیش است؛ اما این را هم می‌داند که مبارزه با این فاجعه با هر خطری هم که همراه باشد، ارزش دارد؛ بنابراین

بررسی الگوی رفتاری امام خمینی^(ره) در تأسی به سالار شهیدان

گرمرد رهی میان خون باید رفت

محمدتقی سالمی

ایثار حسینی



راز ایثار و شهادت طلبی امام حسین (ع) همانا احیای دین و حفظ کیان دین است. او خود می‌گوید: «ان کان دین محمد لم یستقم الا به قتل فی سیوف خذینی» (اگر دین محمد (ص) جز با کشته شدن من برپای نمی‌ماند، پس ای شمشیرها مرا دربرگیرید). امام حسین (ع) براساس وظیفه امامت خود و مبارزه دائم و مستمر اسلام با ظلم و فساد قیام کرد. اینکه امام حسین به راستی می‌خواسته خود را در ابتلا با خطری بزرگ اندازد و پایداری مردانه نماید، تا به اهداف انقلابی رسد شکی نیست ولو در این راه کشته و شهید شود اما آنچه امام حسین (ع) را وامی‌دارد که آن خطر بزرگ را نماید و پیامدهای ناگوارش را تاب آورد همانا کیان امت اسلامی و میراث ارزشمند آن است.

این سودای نیکویی است که مرد خدا خود و اهل و خانمانش را برای پاسداری از آن فدا کند. او هرگز تردید به خود راه نمی‌دهد در اینکه همه علایقش را برای دفع آفت کفر و ظلم که خطر جدی برای اسلام و جامعه مسلمانان خواهد بود فدا کند، زیرا او حافظ ارزش‌های ناب اسلامی است.

سالار شهیدان، نبرد مقدس را علیه رژیم ستمگرمای از جان و دل، و جان و مال و خانمان و همه هستی خویش آغاز نمود و از بیعت با چنین حکومت جائری سر باز زد و این میراث مقدس را به آیندگان سپرد که مسلمانان هرگز نباید امر حکمرانی و شریعت را به قدرت‌هایی که بی‌اعتنایی به سنن و ارزش‌های الهی دارند، بسپارند. در نبردی چنین هرچه دشمن عده و غده داشته باشد نمی‌تواند سرنوشت مبارزه را به سود خود تغییر دهد.

حسین بن علی (ع) ساز و برگ و نیروی چندانی نداشت، او تنها از پشتیبانی شمار اندکی از مردم انقلابی پرشور و یاران و خویشان غیرنظامی برخوردار بود. اما سرنوشت پیکار و مبارزه را دست‌های پرتوان و قدم‌های استوار و ایمان پاک پیروان حق و عدالت رقم می‌زند و ستمگری که به حریم حق تجاوز کرده هر چند تیر و تیغ و سلاح و مزدور جنگی و مرد جنگی داشته باشد باز هم محکوم به شکست و دمار است. پیروزی از آن حق است، و ظلم سرانجام منکوب می‌گردد و ناامیدی و افسردگی در ستمکاران به بار می‌آورد و با وجود فشارهای سنگین نظامی و پشتیبانی مادی درهم شکسته می‌شود. «ایاک و الظلم لمن لا ناصر له الا الله»

اینجا جایگاه خطیری است، چه بسا آدمیانی در این ورطه خود را می‌بازند و از حرکت بازمی‌مانند، تسلیم ملاحظات مصلحت‌اندیشانه می‌شوند و در مصاف و ستیز با نیروهای اهریمنی بسست می‌شوند و شیطان، شک و گمان در دل هایشان می‌افکند که آیا کسب پیروزی در راه حق به

شهادت مقوله‌ای معنوی و فوزی الهی است، با آدم زاده شده و با خاتم به کمال نشسته است. آنگاه که خداوند، آدم را آفرید و آفرینش بشری آغاز گردید، قابیل هابیل را بکشت و شهادت در همان اوان آفرینش آغازید: در جهان بینی اسلامی، شهادت هلاکت و نابودی نیست، حیات و زندگی است. در مقاله ذیل ضمن بازگویی رفتار فداکارانه سالار شهیدان در حماسه عاشورا به تأثیرپذیری امام خمینی (ره) از این امام همام اشاره شده است. ■





.....

هجرت رسول
اکرم (ص) از مکه
به مدینه برای این
بود که هجرت از
خود به خدا را به
بشر نشان دهد.
تعلیمات انبیا
برای این است
که ما از تاریکی‌ها
و خودخواهی‌ها
و نفسانیت‌ها به
سوی خدا هجرت
کنیم. برای این
است که ما به
خودمان و به آمال
شیطانی خودمان
پشت کنیم و به
خدای تبارک و
تعالی رو کنیم

خودمان پشت کنیم و به خدای تبارک و تعالی رو کنیم». امام خمینی (ره) در تفسیر آیه شریفه «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» منظور از «بیت» راهمان طبیعت می‌داند. این طبیعت، بیت نفس است که نفس در آن زندانی است. انسان اگر از این بیت خارج شود از آمال دنیایی خود رها شده است، خود را از بیت ظلمانی به روشنائی و کمال انسانی رسانده است و این هجرت به سوی حضرت باری است.

«در آیه شریفه» و من یخرج من بیتی مهاجراً الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله محتمل است که بیت، همین طبیعت باشد که بیت نفس است و نفس در آن محبوس است، یعنی کسی که از این بیت نفس خارج شود، از آن چیزهایی که انسان را وادار به توجه به آمال دنیایی می‌کند خارج شود، از این بیت ظلمانی که ما را از وصول به کمالات انسانی باز می‌دارد، خارج شود و به سوی خدای تبارک و تعالی و رسول خدا، که آن هم هجرت به خداست هجرت کند، تا آنجا که «یدرکه الموت، فقد وقع اجره علی الله».

تفسیر عرفانی ایشان از درک موت، مرگ اختیاری است که خاص اولیای حق است که دست از آرزوهای پست مادی برداشته‌اند و همه خود را در حق فانی کرده‌اند. این است که در این هجرت همان موت معهود را ادراک می‌کنند. «یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله... یعنی آن موت اختیاری که برای اولیای خدا هست که از همه آمالشان دست برمی‌دارند، و در حق تعالی فانی شوند، یا اینکه در این مهاجرتی که می‌کنند، همان موت معهود را ادراک شود». «فقد وقع اجره علی الله»... او دیگر اجری جز اینکه خدا به او بدهد، نمی‌خواهد. برای او دیگر آمالی نیست، فقط خدا را می‌خواهد.

امام خمینی (ره) سپس می‌گوید: «این دنیا هرچه باشد، می‌گذرد. هرچه علاقه بیشتر باشد، سخت‌تر می‌گذرد. اولیای خدا در عین حالی که این هجرت را کرده بودند، باز فعالیت‌هایی می‌کرده‌اند که برای رضای خدا و رساندن نفع به برادرها و خواهرها بوده است. الان هر عملی که از ما صادر می‌شود، عملی است نفسانی و شیطانی و در آن خودبینی است. اگر آن هجرت حاصل بشود و انسان «مهاجراً الی الله و رسول» بشود، آن وقت تمام اعمالی که بجای آورد، روحانی و الهی است. انبیا هم کارهای مربوط به زندگی و اداره کشور را می‌کردند، لکن زندگی، الهی بود». امام راحل (ره) در باب عبادت هم نظر به هجرت از خاک دارد و می‌گوید: کسانی که گرفتار ظلمت هستند، کارهایشان ولو جالب باشد نورانیت ندارد، شکلی و صورتی از عادت دارد، رفع تکلیف است. محتوا و درونمایه‌ای معنوی ندارد، لذا اینگونه عبادت انسان را از زمین بر نمی‌کند، او را به جهان برین و معقول نمی‌برد. «عبادات باید ما را راه ببرد و مهاجر کند... یک ضربت علی در خندق افضل از عبادات ثقلین است».

عبادت علی (ع) افضل عبادات ثقلین است، از همین روست و از آن روست که او در محراب عبادت از شدت تقوا

بهای ایثار جان‌های خود و دیگران می‌ارزد؟ و این پنداری واهی و ناصواب است. نادرستی این پندار پیداست. جدای از نمونه‌های فراوان در جهادها و شهادتها، حادثه کربلا و قیام سیدالشهدا گواه گویا و نمونه نمایان از نبرد مقدس است با نفراتی اندک بر ضد نیرویی انبوه و تاندان مسلح. امام حسین (ع) با نبرد و ستیز با ظلم به سوی شهادت رفت و شهید شد، با یاران شهید شد نه فردی، جمعی شهید شد، با کسانی مانند مسلم بن عقیل، و طفلان معصوم، با کسانی مانند مسلم بن عوسجه، با کسانی مانند حبیب بن مظاهر و حزین یزید ریاحی، با مردانی بزرگ از تبار انسانیت و شرف و عزت، سالخوردگانی چون حبیب و خردسالانی چون علی اصغر. و هیچ باکی از مرگ و تردیدی در ادامه نبرد در مصاف حق با ناحق نداشت.

هیچ‌کس را یاری آن نیست که به این مقام و درجه رفیع رسد که سیدالشهدا رسید. این است که در شب شهادت مولای متقیان علی (ع) نیز به سنت مرسوم مصیبت حسینی (ع) خوانده می‌شود. امام علی (ع) خود راضی به این است که حسین سالار شهدا و افضل شهیدان است. کلمه حق در برابر سلطان جائز است «افضل الجهاد کلمة حق عند سلطان جائر».

هر دو بزرگوار آموزگار شهادتند: هر دو ثارالله‌اند، اما مبارزه و جهاد در حضرت حسینی به کمال رسیده و همان راه است که به اوج رسیده است. امام حسین (ع) شهید شد، اما در تاریخ و در پیشگاه حق پیروز و سربلند گردید و این تأثیری بس شگرف و بسیار فزاینده و چشمگیر در نهضت‌ها و نزد انقلابیون داشته است.

افراد ضعیف در مراحل دشوار انقلاب از نهضت جدا می‌شوند و مردان پاک و مخلص در راه نهضت می‌مانند با همه سختی‌ها و مرازهای آن، و راحت طلبان و اهل دنیا از آن به تدریج جدا می‌شوند. بزرگ‌ترین آرمان یک انسان بزرگ این است که در راه حقیقتی و در راه مقدسی شهید شود، قیام به قسط و عدل نماید و آنگاه شهید شود. چه سعادتی از این بالاتر، و این را امام حسین (ع) در تاریخ بشر احیا نمود و تعالی داد.

۱ امام خمینی (ره) و اقتدا به پیشوای شهیدان

امام خمینی (ره) آموزگار بزرگ این فن در عصر ما بود، عالمی ربانی که عارف مشرب، مبارز و انقلابی بود. یکی از فرازهای عمیق اندیشه عرفانی و اجتماعی امام خمینی (ره) در باب هجرت از خویش و اماته به موت ارادی و موت معهود است، این تأملات گذشته از جنبه‌های عرفانی آن در فلسفه و نهضت‌های انقلابی هم مطرح است. ایشان می‌گوید: «هجرت معنای بزرگی است. بالاتر از همه هجرت‌ها، هجرت از خودبینی و انسانیت و هجرت از خود به خداست. هجرت رسول اکرم (ص) از مکه به مدینه برای این بود که هجرت از خود به خدا را به بشر نشان دهد. تعلیمات انبیا برای این است که ما از تاریکی‌ها و خودخواهی‌ها و نفسانیت‌ها به سوی خدا هجرت کنیم. برای این است که ما به خودمان و به آمال شیطانی



.....

امام خمینی (ره)
درباره نهضت
سیدالشهدا (ع)
و تداوم آن و
آیین سوگواری آن
حضرت می‌گوید:
«سیدالشهدا به
داد اسلام رسید.
سیدالشهدا
اسلام را نجات
داد، روضه امام
حسین (ع) برای
حفظ مکتب
امام حسین (ع)
است. آن کسانی
که می‌گویند
روضه سیدالشهدا
نخوان، این‌ها
اصلاً نمی‌فهمند
مکتب سیدالشهدا
چه بوده است

می‌توان از آن تحاشی نمود؟ عزاداری بر شهیدان راه حق نیک است و صواب است و ثواب هم دارد.

رسول خدا (ص) اصحاب را از گریه و سوگواری بر کسان از دست رفته منع نمی‌نمودند. با اینکه آنان سوگواری‌های هیجانی و پرشور هم می‌کردند و این خود تقریر و فعل پیامبر را نشان می‌دهد. این است که امام خمینی (ره) با اقتدا به سنت اسلامی درباره ذکر و زاکرین، در سال ۱۳۵۷ که در پاریس اقامت داشتند، عزاداری سیدالشهدا را در آن دیار برپا داشتند. زیرا رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌دانستند امام حسین (ع) در بلاد غرب، چندان شناخته نیست و اگر هم شناخته باشد سنت عزاداری برای او رایج نیست. بدین جهت همت در این کار نمودند و در اقامتگاه خود مجلس عزاداری برپا داشتند. و این اهمیت آیین شهادت را در اسلام که سیدالشهدا مظهر بارز و شاخص اوست، در نزد امام خمینی می‌رساند.

امام راحل درباره نهضت حسینی و تأثیر آن بر نهضت‌های اسلامی و قیام‌های اجتماعی و انقلاب‌های مردمی در جهان اسلامی و در بین ملل و امم بر این بود که این خون سیدالشهداست که خون همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد، و عاشورا را سبب قوام و پایداری ملت و کشور ایران می‌دانست. «این خون سیدالشهداست که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دسته جات عزیز عاشوراست که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. عاشورا را زنده نگهدارید که با زنده نگهداشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید».

امام خمینی (ره) درباره نهضت سیدالشهدا (ع) و تداوم آن و آیین سوگواری آن حضرت می‌گوید: «سیدالشهدا به داد اسلام رسید. سیدالشهدا اسلام را نجات داد، روضه امام حسین (ع) برای حفظ مکتب امام حسین (ع) است. آن کسانی که می‌گویند روضه سیدالشهدا نخوان، این‌ها اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده است؛ نمی‌دانند یعنی چه؟ این گریه‌ها حفظ کرده است. الان هزار و چهارصد سال است که با این منبرها و با این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها ما را حفظ کرده‌اند. حرف سیدالشهدا حرف روز است و حرف روز را سیدالشهدا آورده است به ماها داده است. هر مکتبی هیا هو می‌خواهد باید پایش سینه بزنند». امام خمینی (ره) در باب سنت عزاداری سیدالشهدا بعد از انقلاب هم می‌گویند: «امروز دیگر انقلاب کردیم روضه دیگر لازم نیست، از غلط‌هایی است که توی دهنها انداخته‌اند. مثل این است که بگوییم امروز ما انقلاب کرده‌ایم، دیگر لازم نیست که نماز بخوانیم، انقلاب برای این است. انقلاب کردیم که شعایر اسلامی را زنده کنیم، نه انقلاب کرده‌ایم که شعایر اسلامی را بمیرانیم».

زندگی جاوید

شهادت به گفته امام راحل (ره) هنر مردان خداست. «هر خوبی بالاتر از او هست تا برسد به قتل در راه خدا، شهادت که بالاتر از او نیست. حیات که بالاترین سرمایه است برای

و عدل شهید گردید. شهید راه حق شد و فرمود: فزت و رب الکعبة. این است مرگ سرخ در راه حق. اورستگار شد و مقتدای رستگاران گردید.

دکتر علی شریعتی در کنفرانس «هجرت و تمدن» پس از ذکر صور گوناگون هجرت، به هجرت معنوی می‌رسد. این هجرت اخیراً نظر او ترک ماهیتی است که انسان در آن است و رفتن به سوی آنچنان انسانی که باید باشد. اسلام همواره در همه نسل‌ها و همه عصرها پیروانش را می‌خواند تا از درون و از بیرون خود را به پیش برند و همواره خود را در حرکت بدارند به سوی شدنی معنوی و استکمالی و متعالی.

عالی‌ترین جلوه مهاجرت از خود به سوی خدا همان شهادت است. آن چنان که در حدیث نبوی است: «ما من قطرة حبّ الی الله عزوجل من قطرة دم فی سبیل الله». هیچ گوهری در نزد پروردگار عزیزتر از قطره خون در راه او نیست. و این است کمال مهاجرت انسان خاکی، از عالم سفلی به عالم علوی، و از جهان ناسوت به جهان لاهوت. و اینکه پیامبر فرمود: «حسین منی و انا من حسین، احبّ الله من احبّ حسیناً، حسین سبط من الاسباط». حسین از من است و من از حسین، هر که حسین را دوست بدارد خدای او را دوست دارد، حسین فرزندی از فرزندان انبیاست».

این سخن بزرگ از پیامبر بزرگوار اسلام، اتصال معنوی و روحانی و پیوستگی سالار شهیدان را به نهضت انبیا و پیوستگی او به حق را نشان می‌دهد. و این است راز نهضت حسینی، نهضت حسینی احیاکننده دین نبی و سنت محمد (ص)، اسلام ناب و اسلام انقلابی است. تشیع سرخ علوی در نهضت سرخ حسینی شکوفا گردیده است. و بزرگداشت سنت شهادت حسینی بزرگداشت راه انقلاب و انبیاست.

شخص رسول الله (ص) در جنگ اُحُد می‌دید زنان بر کشتگان جنگ و بر اجساد شوهران و فرزندان خود می‌گریند، اما کسی بر جسد حمزه (ع) عموی آن بزرگوار نمی‌گرید. با اندوه گفت: «ولکن حمزة لا به واکي له» (و اما حمزه گریه‌کنندگانی ندارد). از همین جاست شهادت در اسلام شکل گرفت. زیرا فعل و قول پیامبر که همان سنت باشد بر این تعلق گرفت، بر بزرگداشت شهدا ولو در نزد کسانی که خویشاوند همدیگر نیستند. احترام به شهدا و اسلام و آرمان شهادت و گریستن و زاری به شهدا آیین سراسر تاریخ گردید. این است که عزاداری و به سوگ نشستن در غم ارتحال شهیدان نه تنها مانعی ندارد بلکه مستحب است.

برخی از متقیان درباری و استعماری و وعاظ السلاطین عزاداری و سوگواری مذهبی را موجب حزن و اندوه و مانع شادی و شادمانی و خوشی و خوشحالی خود و اربابان خود می‌دانند و از آن جلوگیری می‌کنند. اما در تشیع علوی و اسلام انقلابی چنین نیست، و آیین شهادت و یادآوری شهدا و ذکر حماسه‌های شهادت مقدس عزیز است. شهادت اصل اساسی در جهان بینی الهی است. چگونه



مبارزان و انقلابیون ایران و اسلام نمود. اگر امیر نظام یک تن بود، بعد از او هزاران تن شدند؛ همگی بر این بودند: «الهی هب لی کمال انقطاع الیک». مقام کمال انقطاع همین است؛ نفس خود را کشتن و به سوی حضرت دوست پرکشیدن به سوی رفیق الهی رفتن. امیرکبیر در یک لحظه درست تصمیم گرفت و درست انتخاب کرد و شهادت را و مرگ سرخ را برگزید؛ یعنی راه زندگی شرافتمندانه جاوید را، و این راه حسینی و آموزه حسینی (ع) است.

الموت خیر من رکوب العار
والعاز اولی من دخول النار
مرا عار آید از آن زندگی
که سالار باشم کنم بندگی

شیعیان، محبان و رهروان کوی حسینی در ادعیه و آیینهای مذهبی و سوگواریها همواره آرزو کرده و می کنند که ای کاش ما هم بودیم و به فوز شهادت می رسیدیم: «یا لیتنا گنا معک فنغفر فوزاً عظیماً». اما صرف گفتار کافی نیست، رفتار نیز ضروری است. امام خمینی ضمن حفظ سنت عزاداری حسینی (ع) ستیز با ظالمان و مستکبران دوران را در این میان تحقق بخشیدند؛ که ای مسلمانان جهان، ای حق طلبان عالم! مبارزه ادامه دارد، نهضت امری منقضی و تمام شده نیست بلکه استمرار و تداوم دارد، شاهد زمان خود، شهید زمین خود باشید.

نمونه اعلامی ایثار و شهادت، همانا سیدالشهدا (ع) است. اما مصادیق و موارد آن در تاریخ و جهان بسیار است. اسوه همچنان اوست تا آنگاه که از سوی پروردگار شهادت بس آید و تا حکومت جهانی حق... و تا آخر الزمان یا دیگر زمان. بدیهی است که در بین آیندگان و افق های آینده هرچه روشن و معرفت بشری پیش رود و موانع فراراه پیشرفت برداشته شود و مردمان بسیاری تری با باور و ایقان بیشتری به خود آگاهی و تحقق خودانسانی و خودملکوتی و متعالی بازگردند و در استکمال نفس و تکامل معنوی پیش روند و در کار خودسازی و خودسوزی و کمال وجودی شوند، ایثار باشکوه سالار شهیدان در قربانگاه عشق و در راه خدا روشن تر و پدیدار تر خواهد شد و تجلی و نمود بیشتر خواهد داشت؛ که از اسوه و نمونه اعلامی ایثار و شهادت در همه ملل و نحل و عصرها و نسل هاست. حماسه داد است در زمین و زمانه بیداد، فروغ هدایت و شهید حق بر باطل است. خون خدا و حجت حق است، مرگ او تولد زندگی و خون او خروش حق طلبی است. □

او تقدیم کرده است، دیگر از این بَر و خوبی نمی شود که بالاتر باشد.

آنچه که فیلسوفان از روزگاران دیرین گفته اند در باب عالم و آدم، مدینه فاصله و آرمان شهر، «آدم عالی و عالم مثالی» در اینجا تحقق می یابد.

آدم اندر عالم خاکی نمی آید به دست
عالمی از نو به باید ساخت و ز نو آدمی

و اسلام تحقق این معنا و بنیانگذار این عالم است و این آدم. «کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر». به هر حال در گذار ایام و در مسیر تاریخ هر عزت ظاهری و غرور دروغین را ذلت و نگوئی است و هر حیاتی را مرگ، و دنیا را آخرت، و هر چه را رقیبی و هموردی و افول یا عروجی. پس چه بهتر که انسان در کشاکش دهر عمر خود را در مبارزه با ستم و در راه حق گذارد که سرمایه باقی و حیات ابدی او خواهد بود. و این مقام، مقام شهید است که از جان و جاه رهید و به معبود خویش پیوست.

برخی از روشنفکران انقلابی و متفکران اسلامی ایران یادآور شهادت شده اند و اهمیت آن را در جهان بینی اسلامی و در فلاح و رستگاری جامعه و امت کم و بیش گفته اند که از آن جمله اند، جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی، استاد مرتضی مطهری، آیت الله سید محمود طالقانی... اما امام خمینی (ره) آیین شهادت را در اسلام احیا کرد و بازسازی نمود. شهادت به مسخ و فراموشی سپرده می شد، و امام را حل (ره) آن رازنده و تجدید بنا کرد.

رهبر فقید انقلاب این را سنت رایج و هر روزه و امروزه



امام خمینی
ضمن حفظ سنت
عزاداری، ستیز
با ظالمان دوران
را در این میان
تحقق بخشیدند؛
که ای مسلمانان
جهان، ای
حق طلبان عالم!
مبارزه ادامه دارد،
نهضت امری
منقضی و تمام
شده نیست بلکه
استمرار و تداوم
دارد، شاهد زمان
خود، شهید زمین
خود باشید



صحنه تجلی کرامات اخلاقی

■ دکتر فریبا علاسوند

می‌کند و رفتار وحشیانه دشمن دل او را نمی‌خراشد زیرا دل در گرو محبت بزرگ‌تری دارد. زنان می‌گیرند اما در میان اشک و ناله تا با دشمن مواجه می‌شوند عزت خود را بر غم خود اولویت می‌دهند و از مردان مرد، خود را قوی‌تر نشان می‌دهند. راست قامت راه می‌روند در عین آنکه خاطره شهیدایشان دل‌هاشان را می‌فرساید که نفرت و عداوت آن‌ها هم در چارچوب خواست و میل خداست برای همین آن‌ها هم کاملاً در اختیارشان است و عقل‌های نورانی آن‌ها این عداوت را مدیریت می‌کند. مردان عاشورایی می‌جنگند اما سرها را نمی‌برند، تشنه نمی‌کشند، لباس‌ها را غارت نمی‌کنند حتی اگر کسی از آن‌ها امان بخواهد او را امان می‌دهند. همه اینها برای آن است که کانون عواطف آن‌ها در اختیار خواست خداست، در نتیجه کسی در تشکیلات حسینی ظلم و ستمگری نمی‌بیند.

■ **خامساً**، همچنان که شهید مطهری فرمود تاریخ کربلا تاریخی مؤنث و مذکر است. مرد و زن نقش آفرینند و در نهضت اصلاحی امام حسین علیه‌السلام شرکت جستند. مردان و زنان با حیثیت خانوادگی آمدند. این بدان معناست که خانواده با این حیثیت جمعی خود برای احقاق حق، مسئولیت دارد. تمام اعضای خانواده باید نگاهشان معطوف به حق و اقامه حق باشد. نوجوانان و جوانان، دختران و پسران باید نگران اجرای حق و عدالت باشند. زن و مرد باید متوجه امر ولایت، حکومت ولی خدا و جلوگیری از حکومت بدکاران باشند. وقتی خانواده با همه اعضایش در دفاع از حق مشارکت می‌کند جلوه‌های کامل ایثار و دیگرخواهی نمایان می‌شود. وقتی مرد مقابل همسرش می‌رزد و کشته می‌شود زن پیام‌آور خون او می‌شود و احساس وظیفه می‌کند. وقتی پدر مقابل چشم‌فرزند در خواست خدا و امر ولی ذوب می‌شود فرزند غیرتمندانه از حق دفاع می‌کند و تا به آخر برای حرمت شمشیرش تلاش می‌کند. وقتی خانواده با تمام اعضایش در سختی‌ها و ناملایمات وارد شده صبوری می‌کنند روحیه تعیش و رفاه‌زدگی جمع می‌شود و خانواده به مثابه یک کل در سایه سختی‌ها و صبوری رشد می‌کند. □

«**اولاً**، صف‌بندی در عاشورا صف‌بندی میان حق و باطل و خیر و شر، فضیلت و رذیلت، ولایت خدا و ولایت شیطان بود.

■ **ثانیاً**، زیبایی عاشورا مرهون این واقعیت است که حق آن قدر بی‌پرده و نمایان در عاشورا جلوه کرد که باطل نتوانست تدلیس کند و نتوانست حق نما شود. اگرچه بسیاری کوشیدند که این واقعه را تحریف کنند مثل آنکه کشته شدن ولی‌خدا را به خدا نسبت دهند و منازعه میان حق و باطل را به منازعه میان دو فامیل هاشمی و اموی فرو بکاهند، اما قدرت و صراحت حق در جریان عاشورا بیش از آن بود که باطل بتواند آن را به بازی بگیرد.

■ **ثالثاً**، در عاشورا کرامات‌های اخلاقی و فضیلت‌ها به ناب‌ترین صورت تجلی کردند. نشان دادن چهره ناب یک فضیلت اخلاقی از آن الگویی می‌سازد که چراغ راه می‌شود. ایثار آب در عین تشنگی تا خدایی شدن و نثار جان در اوج جوانی، اطاعت محض از خدا و ولی‌خدا، نماز در وسط معرکه، گرفتن لختی فرصت برای قرآن خواندن، رحم به کوچک‌ترها، احترام به بزرگ‌ترها، حفظ عزت انسانی، صداقت در یاور، صبر و رضا و خودداری از هرگونه شکوه در محضر سیدالشهدا و اینها را فقط به خاطر خدا خواستن و به خاطر خدا انجام دادن، مصادیقی از آن تجلی ناب تسلط بر خویش، ولایت بر قوای درونی و مدیریت عواطف از عشق‌ها و نفرت‌ها و مهم‌ترین ابعاد در انسان‌شناسی زنان و مردان عاشورایی است. اعمال ما از احساسات ما ریشه می‌گیرند. اراده‌های ما جزم و حتمی نمی‌شوند مگر آنکه نسبت به آنچه که می‌خواهیم انجام بدهیم شوق داشته باشیم و نسبت به آنچه نمی‌خواهیم انجام دهیم بی‌رغبتی و انزجار در ما پدید آید.

■ **رابعاً**، روایات اسلامی می‌گویند دین جز حب و بغض نیست، به این معناست که منشأ رفتار ایشان حب و بغض هاست و انسان دیندار به حب و بغض خود انضباط می‌داد؛ انضباط در چارچوب محبت خدا؛ دوست دارد آنچه را خدا دوست دارد و دشمن دارد آنچه را خدا دشمن می‌دارد. آنکه بتواند حب و بغض خود را مدیریت کند به نهایت دینداری رسیده است و انسانی که نتواند بر خودش مدیریت کند فرصت سوزی می‌کند. مردان و زنان عاشورایی به راین عواطف تسلط داشتند برای همین مادران صبری نشان دادند که در رفتار مادرانه نمی‌گنجد. مثل آنکه مادر شهید سر شهید را به سمت دشمن پرتاب



« امر به معروف

هفته نخست ماه محرم به عنوان هفته ترویج امر به معروف و نهی از منکر نامگذاری شده است. به همین مناسبت بخشی را با همین موضوع در مهر و ماه تدارک دیده‌ایم. در مطلب نخست این بخش نویسنده با اشاره به برداشت‌های متفاوت در چگونگی امر به معروف و نهی از منکر و تأکید بر اینکه علمای دین، احکام شرع را پشتوانه اجرای احکام عقل می‌دانند از نگاهی فلسفی به این موضوع پرداخته است. در مقاله بعدی آیت‌الله شهید مطهری با تأکید بر اینکه در اجرای این فریضه الهی آن چیزی که بیشتر مورد توجه قرار دارد «گفتن و اِعمال زور» بوده، یک پرسش اساسی مطرح می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد. شهید مطهری می‌پرسد: «آیا وسیله امر به معروف و نهی از منکر منحصر به همین دو است؟ وسیله دیگر و راه دیگری نیست؟» مطلب بعدی بخشی از سخنرانی شهید مظلوم، آیت‌الله دکتر بهشتی، درباره نتایج قانونمند ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی با استفاده از آیات و روایات است. سپس یادداشتی درباره حق نظارت مردم بر حکومت و نقد عملکردها به عنوان مصداق امر به معروف و نهی از منکر می‌خوانیم. مطلب بعدی بیان مراتب امر به معروف از لسان آیت‌الله تهرانی است. مقاله پایانی نیز به تشریح دیدگاه امیرالمومنین (ع) درخصوص این واجب الهی اختصاص دارد.



حرمت مردم

پند یا بند

دعوت به رستگاری

کسانی درست و منطقی نیست، زیرا آنان از یک نکته مهم غفلت کرده‌اند و آن اینکه رابطه خدا با مردم بر دو گونه است: رابطه تکوینی و رابطه تشریعی.

گفتگو با انسان

در رابطه تکوینی، خداوند کارها را در اختیار خود دارد و با قوانین ویژه کار موجودات جهان را تدبیر می‌کند. رویش گیاهان و زندگی و مرگ انسان‌ها، همه براساس این قوانین اداره می‌شوند، اما در حوزه دین و شریعت، رابطه خداوند با انسان براساس راهنمایی استوار است. خداوند انسان را به عنوان یک موجود آزاد و آگاه به راه راست هدایت می‌کند و نسبت به گمراهی‌ها هشدار می‌دهد. بدیهی است که در چنین رابطه‌ای اجبار و اکراه جایی ندارد، آنچه مهم است گفتگو با انسان است و هدف همه بحث‌ها، ابلاغ پیام خداوند و بشارت و اندازار است، یعنی خداوند با پیام خود به انسان که موجودی است آگاه و آزاد، اطلاع‌رسانی می‌کند و با هدایت او به راه راست، او را به سرانجام نیک در دنیا و آخرت مژده می‌دهد و در عین حال او را هشدار می‌دهد که به بیراهه نرود تا در دنیا و آخرت زیان نبیند.

بنابراین ما باید امر به معروف و نهی از منکر را به معنای مجبور کردن ندانیم، بلکه به معنای راهنمایی کردن و ادا کردن بدانیم که کار خدا همین است و کار ما هم باید همین باشد و این راهنمایی و ادا کردن اصلاً نیازی به زور و اجبار ندارد، زیرا انسان با زور و اجبار راهنمایی نمی‌شود، بلکه سرکوب می‌شود و از انسانیت درمی‌آید.

انسان تا انسان است، خدا حرمت او را نگه می‌دارد و با او به عنوان یک طرف معتبر سخن می‌گوید و حتی در روز قیامت نیز به او حق استدلال می‌دهد و لذا بر آن می‌کوشد تا بر انسان حجت تمام شود، حتی به رسول خدا آیه‌هایی که سراپا معجزه‌اند، با بیان روشن توضیح می‌دهد که در مقابل منکران شکبیا باشد و اذیت و آزار را تحمل کند، وگرنه اگر اجبار لازم بود، خود خدا می‌توانست، همه جهانیان را با ایمان و درستکار سازد. به این آیه‌ها (سوره انعام، آیه‌های ۳۳ تا ۳۵) توجه کنید و آن‌ها را بارها و بارها بخوانید تا به درک درست برسید. «به یقین می‌دانیم که سخن آنان تورا اندوهگین می‌سازد. آنان نه اینکه تورا باور ندارند، بلکه آن ستم‌کاران آیات خدا را انکار می‌کنند!»

پیش از تو نیز فرستادگان دیگر را باور نکردند و این فرستادگان در برابر ناباوری آنان شکیبایی کردند و آزار دیدند تا اینکه به فریادشان رسیدیم و هیچ کس نمی‌تواند سخن خدا را تغییر دهد و توبی تردید سرگذشت فرستادگان را شنیده‌ای. و اگر روی گردانی آنان بر تو گران آید، اگر می‌توانی شکافی در زمین یا نزدانی به آسمان پیدا کن تا بلایی بر سر آنان بیاوری. اگر خدا می‌خواست همگان را هدایت می‌کرد. زنه‌ار که از نادانان نباش! «این است فرق یک دین عقلانی و درست که به انسان اصالت و اعتبار می‌دهد، با دین غیر عقلانی که انسان را ذاتاً گنه‌کار می‌داند و هرگاه بخواند و بتواند، با شکنجه و آزار، روح او را از دست شیطان نجات می‌دهد. (بنگرید به رفتار کلیسایان در قرون وسطی)



فلسفه امر به معروف و نهی از منکر

حرمت مردم

دکتر سید یحیی یثربی

نویسنده مطلب زیر که در «مهر» منتشر شده با اشاره به برداشت‌های متفاوت در چگونگی امر به معروف و نهی از منکر و تأکید بر اینکه علمای دین، احکام شرع را پشتوانه اجرای احکام عقل می‌دانند از نگاهی فلسفی به این موضوع پرداخته است. ■

هم اکنون در جامعه ما، در چگونگی امر به معروف و نهی از منکر اختلاف است و برداشت‌های گوناگونی از آن‌ها دارند.

من که این برداشت‌ها را پیگیری می‌کنم، به این نتیجه رسیده‌ام که هنوز عده‌ای، معنای دقیق امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌دانند. به همین دلیل بر خود لازم می‌دانم که با یک نگاه فلسفی، یعنی با تجزیه و تحلیل عقلانی، معنای امر به معروف و نهی از منکر را روشن ساخته و چگونگی انجام این دو وظیفه بزرگ را در نظام اسلامی توضیح دهم، تا مبادا کج فهمی دانسته یا ندانسته عده‌ای و وسوسه‌های کسانی که هدفی جز ایجاد اسلام هراسی ندارند، در ذهن جوانان کم تجربه ما، ایجاد شبهه کند.

ما معمولاً واژه امر و نهی را با قدرت و برتری همراه می‌سازیم، یعنی این گونه فکر می‌کنیم که امر و نهی همیشه از طرف کسی است که می‌تواند به طرف دیگر دستور دهد. مانند امر و نهی شاهان و امیران به رعیت و فرمانبران. آیا واقعاً معنای امر و نهی این است که یک نفر از جایگاه برتر، به دیگری دستوری صادر کند و او را مجبور سازد که کاری را انجام دهد و یا از انجام دادن کاری خودداری کند؟! من نمی‌خواهم بر سر معنای لغوی واژه‌ها چون و چرا کنم، هدف من توضیح عقلانی مسأله است که در اسلام همه کارها براساس عقل استوارند، تا جایی که علمای دین، احکام شرع را پشتوانه اجرای احکام عقل می‌دانند.

چون در معنای امر و نهی نوعی اجبار را دخالت می‌دهیم، برخی از اهل کلام از جمله خواجه نصیرالدین طوسی، امر به معروف و نهی از منکر را بر خدا واجب نمی‌دانند و دلیلشان هم این است که اگر امر به معروف و نهی از منکر بر خدا واجب می‌شد، باید خداوند همه مردم را مجبور می‌کرد تا مؤمن و درستکار باشند. (مراجعه کنید به تجرید خواجه نصیر طوسی، مقصد ششم، مسأله شانزدهم) در حالی که ما می‌بینیم، همه مردم چنین نیستند و از این جا می‌فهمیم که امر به معروف و نهی از منکر بر خداوند واجب نیست. به نظر من دیدگاه چنین



هدایت

در پایان سه نکته را یادآور می‌شوم:

اول اینکه بدون تردید، امر به معروف و نهی از منکر، عقلاً و شرعاً واجب است و پاتأکیدى که قرآن و حدیث بر آن دارند، می‌توان آن را از ضروریات شمرد.

دوم اینکه، باید به این نکته توجه کنیم که امر به معروف و نهی از منکر، از طرف خدا و پیشوایان معصوم (ع) و مردم، به معنای اجبار نیست، بلکه به معنای هدایت و واداشتن است و به عبارت دیگر به معنای فرا خواندن به اجرای معروف و ترک منکر است.

سوم اینکه، چنان که در آیه‌های بالا آمده، ما نباید به آسانی حرمت مردم را بشکنیم، بلکه خودمان در راه دعوت و هدایت مردم شکبیا باشیم و رنج ببریم و زحمت بکشیم. چنان که شیوه همه پیامبران این بود.

دریغاً! که ما از این نکته غافلیم؛ ما می‌خواهیم خودمان راحت باشیم و به دلخواه خودمان رفتار کنیم و در صورت لزوم با مردم نیز با قدرت برخورد کنیم. ما باید بیش از زبان،



.....

ما نباید به آسانی

حرمت مردم را

بشکنیم، بلکه

خودمان در راه

دعوت و هدایت

مردم شکبیا باشیم

و رنج ببریم و

زحمت بکشیم.

چنان که شیوه

همه پیامبران این

بود

با رفتارمان به هدایت مردم بپردازیم. جوانان ما ببینند که مسئولان کشور ذره‌ای در فکر جاه و مال نیستند و شب و روز غصه مردم را می‌خورند. این را باید در عمل نشان دهیم. جوانان ما ببینند که ما چقدر قانعانه زندگی می‌کنیم. خانه و زندگی‌مان و وسیله رفت و آمدمان در حد طبقه محروم است. این‌ها مردم را هدایت می‌کند. اما اگر ما در کاخ‌ها بنشینیم و ثروت اندوزی کنیم و تن به تجمل و تشریفات بدهیم، حتی از خیر فرش قرمز و ماشین‌های تشریفاتی و استقبال و بدرقه ساختگی خودمان، صرف نظر نکنیم، از جوانان جامعه چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم!

بار دیگر شما را به دقت در آیه‌های بالا سفارش می‌کنم، مخصوصاً به آنکه انبیاء شکبیا بودند و آزار دیدند. آیا مسئولان ما چنین صفتی دارند؟ آیا ما به وظیفه خود عمل کرده‌ایم که سیلی به صورت دیگران بزنیم؟ امر به معروف از ضروریات است، اما اجرای درست آن نیز از ضروریات است. با آرزوی توفیق همه کسانی که در راه امر به معروف و نهی از منکر، به وظیفه خود عمل کنند. □



و تلقی بود. برخلاف تعهداتی که در صلح معروف با امام حسن (ع) پیمان بسته و ملزم شده بودند به مفاد آن عهد عمل کنند اما خلف وعده کردند، وعده را شکستند و به گونه ای دیگر رفتار کردند.

تصور می کنیم اگر ما در تبیین یک نهضت و حرکت، اهداف و انگیزه های اصلی و فرعی را با هم خلط کنیم در شناخت و تحلیل حقیقی آن حادثه دچار انحراف خواهیم بود. امام دقیقاً به خاطر چه قیام می کند و آن هدف یا اهداف اصلی چیست؟

حضرت از همان آغاز نسبت به این موضوع حساس است و به خدا سوگند می خورد من از روی طغیانگری قیام نکرده ام و نمی خواهم مثل آن ها حکومت را به دست بگیرم. نمی خواهم مثل آن ها با مردم رفتار کنم، مسلمان را را تحقیر و دسته دسته کنم. نمی خواهم انسان مستبدی باشم. من برای سلطه و حکومت قیام نمی کنم، البته ممکن است حکومت هم حاصل شود با این فرض که این قیام به پیروزی ظاهری می رسد و حضرت در کوفه حکومت تشکیل می داد این حکومت مبتنی بر رضایت عموم مردم بود. دعوت های فراوانی که از حضرت صورت گرفت نشان می دهد آن رضایت عمومی نسبت به سپردن زمام امور به حضرت وجود داشت و مردم خواهان حضور حضرت سیدالشهدا (ع) به عنوان حاکم صالح عادل در جهت تغییر شرایط بودند. البته قصد حضرت این نبود که حکومت کند. اگر می خواست حکومت کند به نوعی دیگر و از زاویه ای دیگر وارد کارزار می شد.

شما می بینید که عمده تأکید حضرت و عبارتی که روی آن می ایستد و از آن عبور نمی کند این است که «می خواهم امت جدم را اصلاح کنم». پس معلوم می شود جایی انحرافی صورت گرفته است، شما وقتی نگاه می کنید می بینید این انحراف از زمان تأسیس حکومت اموی و از دوره بنی امیه آغاز می شود و از ارزش هایی که میراث حضرت رسول (ص) برای جامعه بود عدول و حکومت موروثی می شود و اولین بار بعد از تأسیس اسلام و عصر پیامبر (ص) و خلفای راشدین، وراثت در حکومت به عنوان یک اصل جا می افتد و به افرادی که صلاحیتش را ندارند واگذار می شود که طبیعتاً این امر انحراف بزرگی در جامعه اسلامی ایجاد می کند.

امام حسین (ع) بهتر از هر کسی می دانند که در یک مصاف نابرابر قرار گرفته اند اما این مصاف نابرابر را به جان می خرند و بذری را در خاک تفتیده کربلا می کارند که بعدها به بار بنشینند. آن جوانه سبز و نوری چیست؟

مسلماً خودآگاهی امت است. آنچه در حرکت امام حسین (ع) اتفاق افتاد یک وجه اصلاح جامعه و حکومت بود چون این امر یک حق عمومی، اجتماعی و الهی است که مردم در تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند. حضرت به دنبال آن بودند که امت به یک خودآگاهی برسد.

بزرگترین درس عاشورا در گفتگو با دکتر لک زایی

جامعه به دست خود ما ساخته می شود

گفتگو با حجت الاسلام دکتر شریف لک زایی، دانشر آموخته حوزه علمیه قم، دکتری علوم سیاسی و عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی که توسط «شبستان» انجام شده به واکاوی ریشه های اصلی حرکت و نهضت امام حسین (ع) اختصاص دارد. ■

« یکی از مهم ترین زاویه ها در تبیین قیام امام حسین (ع) و شکل گیری نهضت حسینی، نگرستن به این رخداد از زاویه دعوت به نیکی ها و پرهیز دادن از بدی ها یا همان امر به معروف و نهی از منکر است. اگر بخواهید مروری بر ارتباط حرکت سیدالشهدا (ع) و این اصل داشته باشید چه منظره هایی قابل مشاهده خواهد بود؟



دهه اول محرم، دهه امر به معروف و نهی از منکر نامگذاری شده و شاید وجه نامگذاری این باشد که امام حسین (ع)، بزرگ ترین امر به معروف و ناهی از منکر بود. ما اگر مراتب امر به معروف و نهی از منکر را در نظر بگیریم وجه سیاسی شاید پررنگ تر باشد و برجستگی بیشتری داشته باشد. طبیعتاً چون با حکومت و نظام سیاسی برخورد دارد وجه اهمیتش هم افزون می شود. حالا از همین جهت می توان گفت اقدام امام حسین (ع)، حمایت و حراست از یک حق عمومی، الهی و مردمی بود که از سوی یک حکومت غاصب، غصب شده بود بنابراین خطرات عظیمی را پیش پای امام قرار داد و از این نظر اقدام امام بسیار بزرگ است. به خاطر همین است که حضرت سرآمد آمران به معروف و ناهیان از منکر است.

شما وقتی تاریخ را نگاه می کنید می بینید انبیاء الهی و رسول مکرم (ص) که مشرف شدند در صدر اهدافشان این بود که به نوعی انسان ها را از آن غل و زنجیر درونی و بیرونی رها کنند و آن بنده را از دست و پای آدمیان باز کنند. از این منظر می توان گفت اقدام حضرت در راستای کار پیامبران و انبیا بود. از منظر دینی، انسان ها مجاز و مختارند در تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند، هم در ابعاد درونی و باطنی خودسازی داشته باشند و هم در حوزه عمومی، سیاسی و اجتماعی مؤثر واقع شوند. طبق آن فرمایش معروف معصوم (ع)، انسان مسلمانی که شب را صبح کند و در فکر و اندیشه گره گشایی از امور مسلمان ها نباشد اساساً مسلمان نیست و هنوز در برابر امر حق تسلیم نشده است. پس موضوع کاملاً جدی است و این تعبیر می تواند این وجه را تحلیل و توجیه کند که به هر حال وضعیت عمومی جامعه اسلامی در ۶۱ هجری به گونه ای بود که حضرت چاره رادر قیام و اعتراض و انقلاب دیدند. حکومتی بر سر کار آمده بود که علناً برخلاف آن آرمان ها و آموزه های دین اسلام بود. یکی از آن آموزه ها این بود که انسان ها آزاد باشند و بتوانند سرنوشت خود و جامعه شان را تعیین کنند. اما این اقدام حکومت اموی برخلاف این آموزه



درواقع می‌خواستند اذهان جامعه را متوجه این امر کنند که فضای جدیدی شکل گرفته و این فضا با ارزش‌های صدر اسلام و میراث رسول الله (ص) مغایرت دارد.

اساساً این مشی حضرت اباعبدالله (ع) متناسب با روند و سیره رسول الله (ص) هم بود که انسان‌ها اول خود را بسازند و جامعه اسلامی مبتنی بر خودسازی و بازسازی درونی شکل بگیرد و به خودآگاهی برسد و در نهایت آن رویه ظاهری مبتنی بر این خودسازی درونی جامعه‌سازی هم اتفاق بیفتد. شما می‌بینید بعد از حادثه عاشورا، قیام‌های متعددی شکل می‌گیرد. این نهضت‌ها که بعد از قیام اباعبدالله (ع) شکل می‌گیرد مبتنی بر خودسازی و خودآگاهی است و هم به نوعی دنبال تأسیس جامعه‌ای است که این جامعه مبتنی بر ارزش‌های الهی و حقیقی دینی باشد، به خصوص این که عدالت می‌تواند در صدر آن‌ها قرار گیرد، آزادی هم همین‌طور. شهادت حضرت و پدید آمدن عاشورا این هدف را تا اندازه‌ای تأمین می‌کند و تا امروز هم استمرار داشته است و منشأ حرکت بسیاری از آزادی خواهان جهان قرار گرفته است.

از این زاویه بزرگترین درس عاشورا این است که جامعه ما به دست خود ما ساخته می‌شود. البته تغییر خودش هدف نیست اما تغییر برای هدف چرا. از این زاویه معلوم است که اصلاح فرهنگی کار مهمی است. اصلاح سیاسی و اقتصادی کار مهمی است. در واقع روح حادثه عاشورا و قیام حضرت امام حسین (ع)، مبتنی بر این اصلاحات است. امام حسین (ع) به عنوان بزرگترین آمر به معروف و ناهی از منکر به ما نشان می‌دهد مواجهه با آن لایه سیاسی و فرهنگی مسموم و مقابله با حاکم جور و ظالم وقت مهم است چون آن حاکمیت و آن لایه سیاسی و فرهنگی می‌تواند مردم را از ارزش‌ها جدا کند لذا می‌بینید با قیام حضرت، زمینه اضمحلال تدریجی امویه آغاز می‌شود.

شما به قیام حضرت نگاه کنید. حضرت در مدینه از سوی حکومت تهدید می‌شود. از حضرت خواسته می‌شود بیعت کند، یعنی در واقع دو گزینه پیش پای حضرت گذاشته می‌شود؛ یا بیعت یا کشته شدن. اگر حضرت در آن مقطع بیعت می‌کرد هیچ اتفاقی نمی‌افتاد و اگر بعد از بیعت قیام می‌کردند می‌گفتند حضرت چرا بیعت را شکسته است. ایشان آشکارا با آنکه دیگران نتیجه را پیش بینی می‌کردند به سمت شهادت می‌روند. شهادت را برگزینند شهادتی که مؤثر و تأثیرگذار است. در کربلا واقعه‌ای اتفاق افتاد که منشأ حرکت‌های آزادگان در طول تاریخ شد. در واقع خود حرکت مهم است. تغییر، هدف نیست. تغییر برای ثبات بخشیدن به معرفت و زیستن آگاهانه مهم است.

حضرت‌تعالی فرمودید شهادت امام حسین (ع) یک شهادت اثرگذار بود و نه هر شهادتی. در واقع می‌شود این تعبیر را هم به کار برد که حضرت از شهادت در مسیر حق جویی استفاده کردند و شهادت برای شهادت هدف نبود.

بله، این درست است. شهادت برای شهادت نبود.

حضرت بین دو امر مخیر شد. پس حضرت می‌توانست بگوید حالا که من بیعت نمی‌کنم بگذارید مرا به شهادت برسانند. خب معلوم است این شهادت نمی‌تواند منشأ اثر باشد. حضرت به دنبال شهادتی است که روشنگر و رسواگر باشد. در واقع موضوع این است که حضرت بیعت نمی‌کند و حکومت می‌خواهد امام را به شهادت برساند. امام هم می‌اندیشد حالا که می‌خواهند مرا به شهادت برسانند بگذارید این شهادت منشأ اثر باشد.

توجه می‌کنید که اینجا مرز ظریف و حساسی وجود دارد و نباید مورد سوء فهم قرار گیرد. ما دوست داریم و آرزو می‌کنیم شهادت نصیب ما شود اما باید پرسید چه نوع شهادتی؟ چه درجه از شهادت؟ این که حواسمان فقط به شهادت باشد یا نه، تلاش کنی مصالح جامعه اسلامی برآورده شود. به جزئیات فکر کنی، برنامه ریزی کنی، بر امور مدیریت داشته باشی و همه جوانب را بسنجی و حساب شده حرکت کنی و آخر سر هم به شهادت برسی، این شهادت می‌تواند منشأ اثر باشد. تردید نکنید اگر تدبیر و پیش‌بینی‌های حضرت اباعبدالله (ع) نبود این نهضت می‌توانست در نطفه خفه شود و ماندگاری خود را از دست دهد. □



امام حسین (ع)
به عنوان بزرگترین
آمر به معروف و
ناهی از منکر به
ما نشان می‌دهد
مواجهه با حاکم
جور و ظالم وقت
مهم است چون
می‌تواند مردم را از
ارزش‌ها جدا کند



پند یا بند

■ شهید آیت الله مرتضی مطهری

راه اخلاص و عمل

در اخبار وارد شده که امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله ید و عمل. ما معمولاً از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت‌های بیجا می‌فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیان‌های روشن‌کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می‌فرماید: اذْعِ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْخَسِيَّةِ. موعظه‌ها و پندهای تحکم‌آمیز می‌فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب را

در میان ما، در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، آن چیزی که بیشتر مورد توجه بوده دو وسیله بوده است. الان هم می‌بینیم مردم در اجرای این اصل توجهشان فقط به همین دو چیز است. آن دو چیز یکی گفتن است و دیگری اعمال زور؛ یعنی اول بگوییم بعد هم اگر از گفتن نتیجه نگرفتیم اعمال زور بکنیم. و به تعبیر دیگر- که تعبیر سعدی است- ما به «پند» معتقد هستیم و «بند»؛ اول پند می‌دهیم و اگر اثر نکند و قدرت داشته باشیم، به زدن و بستن متوسل می‌شویم. این دو تا را خوب شناخته‌ایم و به این دو تا آشنایی داریم. البته شکی نیست که گفتن و پند دادن وسیله‌ای است از وسائل. اعمال زور هم به سهم خود در مواردی وسیله دیگری است از وسائل. ولی آیا وسیله امر به معروف و نهی از منکر منحصر است به همین دو؟ وسیله دیگر و راه دیگری نیست؟





التوفیق لهذه المراتب» یعنی از خدا مسئلت می‌نماییم که ما را برای رسیدن به این درجات موفق بدارد.

۴ انتظار بیش از حد از زبان و گوش

این خود یک غفلت عظیم و اشتباه بزرگی است امروز در اجتماع ما که برای گفتن و نوشتن و مقاله و مقاله، و خلاصه برای زبان و مظاهر زبان بیش از اندازه ارزش قائلیم و بیش از اندازه انتظار داریم. در حقیقت از زبان اعجاز می‌خواهیم.

بالضروه، گفتن و نوشتن خصوصاً اگر همان طوری باشد که قرآن فرموده، حکمت و موعظه حسنه باشد، حقایق را روشن کند، تنها به صورت پندهای تحکم آمیز و آمرانه نباشد، شرط لازمی است ولی به اصطلاح شرط کافی و یا علت تامه نیست و چون از زبان بیش از اندازه انتظار داریم و از گوش مردم هم بیش از اندازه انتظار داریم می‌خواهیم تنها با زبان و گوش همه کارها را انجام دهیم و انجام نمی‌شود، ناراحت می‌شویم و ناله و فغان می‌کنیم و می‌گوییم:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

این شعر برای ما در همه زمان‌ها صادق بوده و هست. فکر نمی‌کنیم که ما اشتباه می‌کنیم، ما بیش از اندازه از این گوش و زبان بیچاره انتظار داریم، گاهی هم - بلکه بیشتر اوقات - باید از راه عمل و چشم استفاده کنیم، ما با دست خود و عمل خود خوب رفتار کنیم تا آن‌ها با چشم خودشان ببینند؛ یک مقداری هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم.

۴ عمل جمعی

مطلب دیگر اینکه گذشته از اینکه ما در اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید عمل را دخالت دهیم، به این نکته توجه داشته باشیم که عمل هم اگر فردی باشد چندان مفید فایده‌ای نیست خصوصاً در دنیای امروز. این هم خود یک مشکلی است در زندگی اجتماعی ما که آن‌هایی هم که اهل عمل هستند توجهی به عمل اجتماعی ندارند و به اصطلاح «تک رو» هستند. از عمل فردی کاری ساخته نیست، از فکر فرد کاری ساخته نیست، از تصمیم فرد کاری ساخته نیست؛ همکاری و همفکری و مشارکت لازم است. در تفسیر المیزان در ذیل آیه کریمه قرآن: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا بحثی دارد راجع به اینکه دستور اسلام این است که تفکر، تفکر اجتماعی باشد.

۴ منطق یا تعبد

مطلب دیگر که آن خیلی مهم است این است که ما در اجرای امر به معروف و نهی از منکر منطق را دخالت نمی‌دهیم، در صورتی که هر کاری منطقی مخصوص به خود دارد که کلید آن کار است. عرض کردم چیزی را که ما خوب شناخته‌ایم و بیش از اندازه برایش اتر قائل شدیم زبان بود نه عمل، در عمل هم توجه به عمل فردی بوده نه اجتماعی.

امربه معروف
و نهی از منکر
از طریق حسن
عمل، سبب مؤثر
و کاملی است
و ممکن نیست
بی اثر بماند،
خصوصاً اگر به
پند و اندرزهای
خوب زبانی
ضمیمه شود که
هر مقامی سخنی
را ایجاب می‌کند
و هر دردی دوائی
دارد. بهداشت و
معالجه روح مردم
مشکل‌تر و پریپیچ
و خم‌تراست از
معالجه بدن آن‌ها

فهمیده‌ایم که باید اعمال زور کرد. روی هم رفته ما برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله زیاده از حد، اعجاز قائل هستیم؛ خیال می‌کنیم با گفتن و زبان کار درست می‌شود، در صورتی که:

سعدیا گرچه سخندان و مصالح گویی
به عمل کار برآید به سخندانی نیست

در حدیث است: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» مردم را به دین حق و صلاح دعوت کنید اما با ابزاری غیر از ابزار زبان یعنی با ابزار عمل. در حدیث دیگری است - که معمولاً مورد استناد فقها در باب امر به معروف و نهی از منکر است - که: «مَا جَعَلَ اللَّهُ نَبْطَ اللِّسَانِ وَ كَفَّ الْيَدَ وَ أَمَّا جَعَلَهُمَا يَبْسُطَانِ مَعًا وَ يَكْفَانِ مَعًا» یعنی چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها زبان باز باشد ولی دست بسته باشد، بلکه اگر باز است هر دو باید باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، یعنی اگر عمل در کار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد. در اینجا استنباط یکی از بزرگترین فقهای اسلامی را از این حدیث و امثال این حدیث برای شما از کتاب خودش نقل می‌کنم.

شیخ ابو جعفر طوسی معروف به «شیخ الطائفه» در کتاب نهاییه که از متون معتبر فقهیه ماست می‌فرماید: و الامر بالمعروف یكون باليد و اللسان. فاما باليد فهو ان يفعل المعروف و یجتنب المنکر علی وجه یتأسی به الناس. امر به معروف، هم به وسیله دست می‌شود و هم به وسیله زبان؛ اما به وسیله دست معنایش این است که خودش شخصاً عامل کار خیر باشد و عملاً از منکرات اجتناب کند تا مردم خود به خود به او تأسی جویند.

اما به وسیله زبان به این نحو است که مردم را دعوت کند و نوید بدهد که در دنیا مورد ستایش و در آخرت مشمول پاداش الهی واقع می‌شوند و آن‌ها را از کیفرهای بد بترساند. بعد می‌فرماید: یک قسم از امر به معروف یدی و عملی این است که طرف را تادیب کند و گاه منجر به قتل نفس و جراحت می‌شود، ولی اگر مستلزم زدن و قتل نفس باشد بدون دستور حکومت شرعی جایز نیست.

صاحب جواهر الکلام بعد از نقل این عبارت‌ها یا قسمتی از این عبارت‌ها از شیخ طوسی، این طوره گفته خود ادامه می‌دهد: آری، از بزرگترین امر به معروف و نهی از منکرها و بالاترین آن‌ها و پایه دارترین آن‌ها و مؤثرترین آن‌ها خصوصاً نسبت به زعمای دینی (که مردم به آن‌ها و عمل آن‌ها می‌نگرند) این است که عملاً جامه کار نیک بپوشد و در کارهای خیر، چه واجب و چه مستحب، عملاً پیشقدم باشد، جامه زشتکاری را از اندام خود دور کند، نفس خویش را به اخلاق عالی تکمیل کند و اخلاق زشت را از خود دور نگه دارد.

بعد می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر از طریق حسن عمل، سبب مؤثر و کاملی است و ممکن نیست بی اثر بماند، خصوصاً اگر به پند و اندرزهای خوب زبانی ضمیمه شود که هر مقامی سخنی را ایجاب می‌کند و هر دردی دوائی دارد. بهداشت و معالجه روح مردم مشکل‌تر و پریپیچ و خم‌تر است از معالجه بدن آن‌ها.

در آخر، سخن خود را به این جمله ختم می‌کند: «نَسْأَلُ اللَّهَ



.....

اساس امر به معروف و نهی از منکر نیکوکاری است. مگر ممکن است کسی بخواهد از خودگذشتگی کند و خود را در خدمت خلق خدا قرار دهد، بخواهد خودش خوب باشد و به مردم خوبی کند و آنگاه قدرتی بتواند جلو خوبی خود او یا خوبی کردن او را بگیرد؟! مگر می شود به مردم گفت خوب نباشید و به مردم خوبی نکنید!؟

او را بگیرد؟! مگر می شود به مردم گفت خوب نباشید و به مردم خوبی نکنید!؟

به هر حال این است اصل مقدس امر به معروف و نهی از منکر، و آن بود و هست طرز مواجهه ما با این اصل مقدس که کار به اینجا کشیده که نه تنها در جامعه ما متروک شده، در افکار ما نیز مسخ شده و تغییر شکل داده است.

راستی هیچ تاکنون در اطراف این مسئله فکر کرده اید که چرا ما در تاریخ اسلام از هر طبقه ای شخصیت های میزز داشته ایم: ادبای بزرگ داشته ایم، حکمای بزرگ داشته ایم، فق های بزرگ داشته ایم، شعرای بزرگ داشته ایم، وعاظ و خطبای بزرگ داشته ایم و کتاب و نویسندگان بزرگ داشته ایم، منجمین و ریاضیون بزرگ داشته ایم، سیاستمداران بزرگ داشته ایم، صنعتگران و هنرمندان بزرگ داشته ایم ولی مصلحین نداشته ایم و از این جهت ما خیلی فقیریم. البته کم و بیش «مصلح» در میان ما ظهور کرده اما نه آن اندازه که انتظار می رود، با اینکه ما اصلی در اسلام داریم به نام اصل امر به معروف و نهی از منکر. این اصل می بایست مصلحین زیادی به وجود آورده باشد. البته نباید انتظار داشت که به همان اندازه که مثلاً ادیب یا حکیم یا فقیه یا منجم و ریاضیدان داشته ایم می بایست مصلح اجتماعی و دینی داشته باشیم. «مصلح» یک نبوغ و شخصیت و عمق نظر و دوراندیشی و گذشت دیگری لازم دارد و قهراً عزیزالوجودتر و قلیل الوجودتر است، ولی فکری کنیم به همان نسبت هم که بسنجیم باز نداشته ایم، چرا؟ این سؤالی است که فعلاً برای من مقدور نیست که بتوانم جوابی به آن بدهم.

اینقدر مصلح نداشته ایم و سخن از اصلاح کمتر شنیده ایم که فکر نمی کنیم این هم یک شان بزرگی است و شایسته مردان بزرگ است.

اگر به ما بگویند امیرالمؤمنین یا سیدالشهداء سلام الله علیهما مردی بود حکیم، همه معنای این کلمه را می فهمیم و این را مدحی برای آن حضرت می شماریم، و همچنین است اگر بگویند مردی بود فقیه و عارف به احکام الهی، یا بگویند مردی بود خطیب و فصیح و بلیغ. ولی اگر بگویند مصلح بود، چیزی از این کلمه نمی فهمیم و چندان به نظر ما مهم نمی آید، در صورتی که از همه شئون بالاتر همین است و خودشان هم همین اسم و همین شأن را برای خود پسندیده اند.

علی (ع) می فرماید: خدایا تو می دانی من نه در پی ریاست و زعامت و حکومت و نه طالب مال و ثروت دنیا؛ من فقط مردی مصلح هستم، می خواهم نشانه های از بین رفته دین را برگردانم و در بلاد تو اصلاحی به عمل آورم تا ستمدیدگان در امان قرار گیرند و حدود تو جاری شود.

سیدالشهداء (ع) در وصیتی که هنگام حرکت نوشت و به برادرش محمد بن حنفیه داد می نویسد: **إِنِّي مَا خَرَجْتُ أَشْرَأَ وَلَا يَطْرَأُ وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى.** من برای هوا و هوس قیام نکردم. من مردی اخلاک و ستمگر نیستم. فلسفه قیام من و نهضت من اصلاح طلبی است. من مردی مصلح می باشم. □

اکنون می گویم چیزی که بیش از هر چیز دیگر مورد غفلت است دخالت منطقی است در این کار. مقصود این است که در کار معروف و منکر باید تدابیر عملی اندیشید و باید دید چه طرز عملی مردم را نسبت به فلان کار نیک تشویق می کند و مردم را از فلان عمل زشت باز می دارد. اگر می خواهید بدانید که در متن دستورات اسلامی به دخالت دادن منطقی در امر به معروف و نهی از منکر توجه شده، به این نکته توجه کنید: فقها عموماً به استناد اخبار و احادیث گفته اند که یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است.

احتمال اثر یعنی احتمال نتیجه دادن. هر حکمی مصلحتی دارد: نماز مصلحتی دارد، روزه مصلحتی دارد، وضو مصلحتی، امر به معروف و نهی از منکر هم مصلحتی دارد. مصلحت این کار این است که طرف به سخن یا عمل ما ترتیب اثر بدهد. پس معنای احتمال تأثیر این است که احتمال بدهی مصلحت تشریع این حکم بر سخن یا عمل تو مترتب بشود.

حال از شما سؤال می کنم که چرا در مورد نماز نگفته اند اگر احتمال می دهی این نماز در تو اثر داشته باشد و آن مصلحتی که در نماز هست مترتب می شود بخوان و اگر احتمال نمی دهی نخوان و همچنین درباره وضو و روزه و حج و غیره.

برای اینکه آن ها تعبدی محض هستند. ما نمی توانیم عقل خودمان را در کیفیت آن ها و در اینکه باید بکنیم یا نباید بکنیم و چه جور بکنیم دخالت بدهیم. ولی امر به معروف و نهی از منکر از کارهایی است که ساختمان و کیفیت ترتیب آن و اینکه در کجا مفید است و به چه شکل مفید است و مؤثر است و بهتر ثمر می دهد و بار می دهد و نتیجه می دهد، همه را شارع در اختیار عقل ما و فکر ما و منطقی ما گذاشته است. اگر ما می خواهیم این اصل فراموش شده را زنده کنیم باید مکتبی و روشی به وجود آوریم عملی (نه زبانی فقط) و در عین حال اجتماعی (نه انفرادی) و در عین حال منطقی و مبتنی بر اصول علمی علم النفسی و اجتماعی. در این وقت است که صد درصد امید موفقیت هست.

۱ مگر می گذارند؟

غالباً وقتی که اسم امر به معروف و نهی از منکر برده می شود گفته می شود: ای آقا! مگر می گذارند؟! مگر می شود امر به معروف و نهی از منکر کرد؟! موانع زیادی هست. من برعکس معتقدم که یگانه چیزی که در هیچ زمانی ممکن نیست به طور کلی جلو آن را گرفت و هیچ قدرتی نمی تواند به کلی از او جلوگیری کند همین امر به معروف و نهی از منکر است. البته اگر مقصود از امر به معروف و نهی از منکر تنها گفتن و جنجال کردن و بعد هم اعمال زور و فشار باشد ممکن است موانعی پیش بیاید، ولی عرض کردم اساس امر به معروف و نهی از منکر نیکوکاری است. مگر ممکن است کسی بخواهد از خودگذشتگی کند و خود را در خدمت خلق خدا قرار دهد، بخواهد خودش خوب باشد و به مردم خوبی کند و آنگاه قدرتی بتواند جلو خوبی خود او یا خوبی کردن

وَاتَّقُوا مَنَظَرَ شَرِّهِمْ فِي السَّاعَةِ
 امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

واجب فراموش شدة

من می‌خواهم این واجب فراموش شده‌ی اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم؛ امر به معروف و نهی از منکر. همه‌ی آزاد مردم باید وظیفه‌ی امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قایل باشند. این تضمین کننده‌ی حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آتش را ببینیم. امر به معروف، یک مرحله‌ی گفتن و یک مرحله‌ی عمل دارد. مرحله‌ی عمل، یعنی اقدام با دست و پا زور. این مرحله، امروز به عهده‌ی حکومت است و باید با اجازه‌ی حکومت انجام بگیرد و لاغیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند. ۳۸

نکات امر به معروف و نهی از منکر

- تأثیر بیشتر امر و نهی مردمی از حکومتی
- تأثیر تذکر زبانی با تکرار توسط دیگران
- قطعیّت احتمال تأثیر در همه جا
- کوتاه و در حد چند کلمه
- وظیفه همه آزاد جامعه

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

- زیباترین و کارآمدترین شیوه تعامل اجتماعی
- عامل بقای اسلام و نظام اسلامی
- ضامن حیات طیبه در جامعه
- حافظ جایگاه گناه و منکر
- از شروط نصرت الهی

متجاهرات امر به معروف و نهی از منکر



نبایدها

- اکتفا به برخی مصادیق خاص نظیر حجاب
- لحن نامناسب و خشونت در کلام
- امرو نهی «عملی» و تخطی از قانون
- افشاء نقاط منفی اشخاص و مسئولان
- عدم انجام به بهانه‌ی رودریاستی و خجالت
- ممانعت با انجام آن به بهانه‌ی اعتدال

بایدها

- اکتفا به امر و نهی زبانی
- امرو نهی با رفیق، مدارا و محبت
- همراهی دل با زبان
- هوشیاری نسبت به سوء استفاده از آن
- پشتیبانی قانون از آمران و ناهیان
- اسلامی کردن محیط ادارات

بزرگترین مصادیق معروف و منکر

معصومین



ایستادگی اخلاقی



تأیید دشمنان اسلام



تضعیف اقتصاد جامعه



تضعیف فرهنگ اسلامی



گسترش علم و فناوری



تکنیرنسل و افزایش جمعیت



مجاهدت برای وحدت اسلامی



مجاهدت برای اقتدار ایران

❏ عدم استجاب دعا

«تدعون» قانونمندی بعدی است. می‌افتید به دعا کردن؛ خواه این دعا به سوی خدا باشد، خواه خواهش و التماس از قدرت‌های دیگر؛ نتیجه یکی است: «لا یتستجاب لکم». چقدر این مطلب شبیه و نزدیک است به یکی از قانونمندی‌های اجتماعی جامعه‌شناسی علمی پیشرفته امروز که می‌گوید اصلاحات و انقلاب‌ها قابل صادر کردن و وارد کردن از خارج نیست. هیچ‌گاه هیچ‌کس نمی‌تواند دگرگونی‌های آرام و اصلاحاتی و رفرمی، یا دگرگونی‌های تند و ریشه‌دار و سریع و انقلابی را از جای دیگر به جامعه‌ای صادر کند یا از جامعه‌ای آن را وارد کند. این خود آن جامعه است که باید دگرگون شود تا نظامش دگرگون شود: «خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا آن‌ها وضع خود را تغییر دهند.» (الزّعد، ۱۱).

حدیث دیگر، حدیثی است که آن هم دروسایل، در جلد یازده صفحه ۳۹۴، از امام هشتم علی بن موسی الرضا، سلام الله علیهما، در این حدیث هم همین مضمون از امام رضا آمده است: «امر به معروف خواهید کرد و نهی از منکر، و گرنه عُمال (کارگزاران) اجتماع شما به شرار و بدان اجتماع تبدیل می‌شوند.» و آن وقت اگر در گوشه‌های اجتماع هم آدم خوبی پیدا بشود و همیشه دعا کند، یا همواره به خیر و نیکی دعوت کند، گوش کسی به دعوت آن‌ها بدهکار نیست. چون آن قدر که عمال و کارگزاران جامعه به فکر و عمل جامعه جهت می‌دهند، خطبا و داعیان جامعه نمی‌توانند آن اندازه به فکر و عمل جامعه جهت بدهند. در این احادیث دقت کنید. احادیث مختلفی نقل کردم. از پیغمبر نقل شد، از علی (ع) نقل شد، از علی بن موسی الرضا (ع) نقل شد یعنی در تمام ادوار یک مطلب و یک تعلیم است؛ هم در دوران پیغمبر، هم در دوران علی (ع)، هم در دوران امام رضا (ع) مسأله یکی است. یک قانون ثابت وجود دارد، و عجب قانون ثابتی است!

در مطالعاتی که در این زمینه داشتیم حتی یکجا هم نتوانستیم پیدا کنیم که بگوییم در آنجا بر این قانونمندی استثنا می‌خورد. «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَیَسْتَعْمَلَ عَلَیْکُمْ شُرَاکُمْ فِیدَعَا خِیارِکُمْ فَلَا یَسْتَجِابُ لَهُمْ». روایت از امام باقر (ع) است. خیلی جالب است. آرام آرام که جلو می‌رویم می‌بینیم که از بیست و نهم در این زمینه روایات هست و دیگر کسی خیال نمی‌کند که این مطلب مخصوص شرایط زمان یکی از پیشوایان است. این روایت از طریق جابر از امام باقر (ع)، روایت شده است. در آن دوره‌های آخر، در آن دوره‌های انحطاط، مردمی پیدا می‌شوند مرید و دنباله‌رو یک دسته دیگر؛ یک دسته مرید و یک دسته مراد. یک دسته دنباله‌رو یک مشت آقا و پیشوا. این مرادها و آقاها، این پیشواها، کسانی هستند که در میدان قرائت و عبادت خیلی خوب می‌درخشند. مردم آن‌ها را افراد خوبی می‌دانند. مراسم مذهبی خیلی اهمیت پیدا می‌کند. قرآن خوان‌ها و برگزارکنندگان مراسم هم خوب می‌درخشند. اما این عناصر درخشنده که کارگزاران برگزاری هر چه جالب‌تر مراسم ظاهری دین و خوانندگان درون تهی جالب قرآن کریم‌اند،

نتایج قانونمند ترک امر به معروف و نهی از منکر

برکت از زمین‌ها رفت

■ شهید آیت الله دکتر بهشتی

متن ذیل بخشی از سخنرانی شهید مظلوم، آیت الله دکتر بهشتی، درباره نتایج قانونمند ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی با استفاده از آیات و روایات است. ■



از پیامبر، صلوات الله و سلامه علیه، روایت شده است که فرمود: امت من (امت اسلام) همواره تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر کند و در راه بزو نیکی یارو یاور یکدیگر باشند در خیر و نیکی و خوبی به سر خواهد برد. اما به محض آنکه این کارها را رها کردند برکت‌های الهی از آن‌ها برداشته می‌شود و گروهی از آن‌ها بر گروه دیگر مسلط و چیره می‌شوند. آنگاه نه در زمین و نه در آسمان یار و یآوری برایشان نمی‌ماند.



از نهج البلاغه نیز مطلبی هست که در ضمن سفارش و وصیت مولی علی (ع) به دو فرزندش حسن و حسین سلام الله علیهما آمده است. پس از آنکه ضربت مرگبار این ملجم بر فرق مبارک وارد آمد، ایشان خطاب به دو فرزندش، و بلکه خطاب به همگان می‌گوید: «لا تتزکوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیوئی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتستجاب لکم.» (نامه ۴۷) امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید! اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردید، حکومت در میان شما به دست مردم پلید بد خواهد افتاد. آن‌ها زمام قدرت و حکومت را در جامعه شما به دست خواهند گرفت؛ آن وقت شما دائماً دعا می‌کنید که ای خدا، ما را از شر دنیا و آخرت خلاص کن اما این از آن دعاهایی است که اجابت ندارد؛ برای اینکه آن مردمی از شر دنیا و آخرت خلاص می‌شوند که بجنبند. مردمی که نجنبند، مردمی که بار مسئولیت را تحمل نکنند، مردمی که وظیفه بزرگ پاسداری از حق و قانون را رها کنند، باید در انتظار قدرت‌های خودکامه بی‌مبالات نسبت به هر نوع قانون خدایی و خلقی باشند. «لا تتزکوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیوئی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتستجاب لکم.»

❏ تسلط خودکامان

گاهی تعبیرهای قرآن و تعبیرهای حدیث از نظر سبک بیان مطلب قابل ملاحظه و توجه است. به این معنا که گاهی طرز تنظیم عبارت در بیان یک مطلب بیشتر در صدد بیان یکی از سنت‌های خدا و قانونمندی‌های ثابت اجتماع است. در آیات قرآن و در احادیث این موضوع زیاد به چشم می‌خورد. این عبارت نهج البلاغه با همان شیوه بیان یک قانون اجتماعی و قانونمندی از این مطلب یاد می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید، چون در این حالت نتیجه اجتناب ناپذیر این خواهد بود که شرار شما والی و زمامدار و فرمانروا و دارای قدرت در میان شما می‌شوند. این یک قانونمندی است.

برخورداری از حکومت حق و عدل مشروط است به رعایت کامل امر به معروف و نهی از منکر. هر نوع قدرتی را که شما در جامعه فرض کنید در معرض خطر انحراف از حق است. این شما و جامعه هستید که باید با توجه به اهمیت و نقش بسیار مؤثر صاحبان قدرت و کسانی که بر منصب‌های گوناگون اجتماعی تکیه زده‌اند در سعادت خود بکوشید. فرد فرد شما باید بدانید راه رسیدن به سعادت و راه رسیدن به حکومت حق و عدل این است که شما از طریق امر به معروف و نهی از منکر به چنین هدفی برسید.

آگاه باشید! امر به معروف ونهی از منکر واجبی بزرگ است که واجبات دیگر در پرتو آن انجام می شود و نگیهانی می شود. نتیجه اینکه وقتی این کار را کردند، وقتی این وضع پیش آمد، آن وقت در چنین شرایطی خشم خدای عز و جل بر چنین مردمی تمام و کمال به حد اعلامی رسد و همه را در برمی گیرد؛ در نتیجه، نیکان در سرای نادبود می شوند و حتی اگر چند آدم خوب هم هستند مشمول این عقاب می گردند و کودکان بی گناه، در سرزمین بزرگان بی تعهد و بی تفاوت نابود می شوند.

بی تفاوتی

امربه معروف ونهی از منکر راه و روش انبیاست. روش نیکان و شایستگان و صلحاست. واجبی بس بزرگ است که واجبات دیگر به برکت آن انجام شدنی است. امنیت راه ها، (بیند امر به معروف ونهی از منکر تا کجا می رود!) امنیت راه ها، روبه راه بودن و حلال بودن کسب و کارها، بی غل و غش بودن کسب و کارها در پرتو آن به دست می آید؛ ستم ها و تجاوزها در پرتو آن برطرف می شود؛ حقوق از دست رفته در پرتو آن به صاحبانش باز می گردد؛ آبادی و عمران زمین در پرتو آن به دست می آید؛ انتقام از دشمنان در پرتو آن گرفته می شود؛ کار اجتماع، امر اجتماع و زمامداری اجتماع در پرتو آن سراسر است می شود. می بینید شعاع عمل و اثر امر به معروف ونهی از منکر تا کجا می رود! مسائل معنوی، حیات روحی جامعه، مسائل اخلاقی، فضیلت، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، امنیت و سلامت و روال زندگی در گرو چیست؟ در گرو جنیندن و احساس تعهد کردن و امر به معروف ونهی از منکر را کوچک و ساده نشمردن.

روایتی دیگری هست که هم در نهج البلاغه آمده و هم در کتاب وسائل. «وَأَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ وَانْهَمَا لِأَيُّقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَلا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶) امر به معروف ونهی از منکر از کتاب خدای عز و جل است. «إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَبِئْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». (التحل، ۹۰) بدانید امر به معروف ونهی از منکر نه اجل و مرگ را نزدیک می کند نه رزق و روزی را می کاهد! ای انسان، این قدر در دایره زندگی ات تنگ نظر مباش! وظیفه گزار باش! خدا از بنده بیچاره زبون خوار که به خواری تن در می دهد خوشش نمی آید؛ بنده ای که از مرگ یا تنگی زندگی و معیشت می ترسد.

روایتی است از پیغمبر اکرم، صلوات الله و سلامه علیه، در جلد یازدهم وسائل صفحه ۳۹۷ آمده است: خدا از بنده مؤمنی که ضعیف و زبون و خوار است و دین ندارد بدش می آید. مؤمنی که دین ندارد! شنونده ها تعجب کردند؛ عرض کردند یا رسول الله، کیست آن مؤمنی که دین ندارد؟ فرمود آن انسانی که در صف مؤمنان است اما مؤمنی است بی تفاوت و بی رگ؛ نهی از منکر نمی کند؛ هر چیز بد و زشتی در برابر دیدگانش بود بی تفاوت از کنار آن رد می شود. □



مردمی هستند خام و بی مخ. چرا؟ چون اینها امر به معروف ونهی از منکر را لازم و واجب نمی دانند، مگر آنجا که در هر ضرری بر رویشان بسته باشد. اگر گردی به دامنشان نشیند و اگر از گل بالاتر به ایشان نگویند، آن وقت امر به معروف ونهی از منکر را لازم می دانند. وقتی می گویند آقا، چرا امر به معروف ونهی از منکر نمی کنید، برای خودشان عذر ها، بهانه ها و مجوز هایی می تراشند. این ها مردمی هستند که اگر روزی نماز هم به منافع مالی یا شخصی و آسایش بدنی شان ضرری برساند و مزاحم منافع شان شود، آن را هم رها می کنند؛ همان طور که شریف ترین، پراحترام ترین و برترین واجبات، یعنی امر به معروف ونهی از منکر را رها کردند. معلوم می شود که برترین تکالیف و واجبات امر به معروف ونهی از منکر است.

« حق نظارت مردم
بر حکومت و نقد

عملکردها که در فرهنگ
اسلامی مصداق امر به معروف و
نهی از منکر است، تردید ناپذیر
است. این حقیقت در اصل



هشتم قانون اساسی چنین مطرح شده است: «در
جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و
نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده
مردم نسبت به یکدیگر، دولت و حدود و کیفیت آن را قانون
معین می‌کند. والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعضی
یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر».

اما نکته‌ای که اینک باید افزود، تفاوت مینا و هدف از
حق انتقاد در حقوق و معارف اسلامی با دیگر نظام‌های
حقوقی و سیاسی است. آنان به چنین حقی معتقدند چون
برای رقابت در کسب قدرت به آن نیاز دارند و بر مبنای
قرارداد اجتماعی آن را حق خود می‌دانند که البته مثل
هر حق دیگری قابل اسقاط و صرف نظر است. دلسوزی
و خیرخواهی برای دیگران، اگر هم وجود داشته باشد،
دلیل جعل این حق نیست. اما در اسلام مسأله درست
برعکس است.

□ نقد از روی محبت

از نظر قرآن مبنای حق نظارت شهروندان بر نهادهای
حکومتی، همان‌گونه که از ذیل اصل هشتم پیداست،
آیه ۷۱ از سوره توبه است که طبق آن مقصود از نظارت و
انتقاد رقابت در کسب قدرت یا پیدا کردن نقاط ضعف و
مچ‌گیری حاکمان نیست، بلکه این کار ناشی از محبت و
احساس نزدیکی و دل‌بستگی به دولت است. انتقاد باید
از روی علاقه، به هدف خیرخواهی و برای اصلاح و بهتر
شدن وضعیت و امور مسلمانان باشد. در این صورت است
که مسلمانان همواره رو به رشد و «خیرامه اخرجت للناس»
خواهند شد و الا اگر این عمل بخواهد به قصد انتقام
و انتقام باشد نه تنها فضیلتی ندارد که مورد نکوهش
و ممنوع نیز هست. اسلام به همان اندازه که از «اهدای
عیوب» و انتقاد از منکرات و کژی‌های جامعه حمایت و
استقبال می‌کند و برای آن برکات بی‌پایان مادی دنیوی
و نیز پاداش بی‌حساب اخروی قرار داده است، به همان
اندازه هم از کینه‌جویی و عیب‌جویی نهی کرده است. این
یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق موضوع مورد بحث در اسلام
و غرب است که تأثیر مهمی بر چگونگی و حدود اجرای آن
می‌گذارد و اتفاقاً کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این نکته زیبا از آیه‌ای که در انتهای اصل هشتم به عنوان
مستند قرآنی آن ذکر گردیده، قابل استفاده است؛ چرا که
در آیات پیش از آن ضمن بیان پنج نشانه مشترک زنان و
مردان منافق، اولین علامت آنان چنین ذکر شده است:
«مردان و زنان منافق همه از یک گروهند: آن‌ها امر به منکر
و نهی از معروف می‌کنند و...» (المنافقون و المنافقات



دعوت به رستگاری

■ دکتر محسن اسماعیلی



مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

طبق این کلام آسمانی «باید» از میان جامعه اسلامی گروهی دعوت به نیکی، امر به معروف ونهی از منکر کنند و جالب اینکه «در پایان آیه تصریح می کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است.» ظهور امر در این آیه شریفه و آیه های دیگر، تردیدی در وجوب فقهی مساله باقی نمی گذارد؛ به ویژه آنکه روایات معتبر و پرشماری نیز به راین وجوب تصریح کرده اند! حتی بسیاری از فقیهان و دیگر دانشمندان اسلامی، استنباط این وجوب به عنوان احکام مستقله عقلیه را نیز از نظر ردور نداشته اند.

بنابراینچه گفته شد منتقدان سیاسی واجتماعی باید از ارزش و منزلت و حتی حمایت های ویژه برخوردار باشند. انتقاد نشانه دلسوزی و علاقه آنان به سرنوشت جامعه و حکومت است؛ برخلاف مداحان و چاپلوسان که تنها «مگسانندگردد شیرینی»! و این است رمرآن همه روایاتی که بر طرد متملقان از کنار حاکمان تاکید کرده و دستور داده اند که «برچهره آنان خاک بپاشید».

تأثیر سوء ثنا

نکته بسیار مهم دیگر آن است که، به رغم وظیفه ای که منتقدان برای ارزیابی سخت گیرانه و پالایش انگیزه و نیت های خود دارند، انتقاد شوندگان هم حق واکاوی مقاصد و خواندن نیت های درونی آنان را ندارند و نباید به چنین بهانه هایی خود را از شنیدن و جدی گرفتن نظر دیگران محروم سازند.

در این باره بازخوانی پندهایی از امام به حق پیوسته این امت بسیار چاره ساز است.

ایشان در نامه ای به فرزندش (رضوان الله علیهما) نوشته است: «پسرم! چه خوب است به خود تلقین کنی و به باور خود به باوری یک واقعیت را که مدح مداحان و ثنای ثناجویان چه بسا که انسان را به هلاکت برساند و از تهذیب دور تر سازد. تأثیر سوء ثنای جمیل در نفس آلوده ما، مایه بدبختی ها و دور افتادگی ها، از پیشگاه مقدس حق، جل و علا، برای ما ضعفاء النفوس، خواهد بود. و شاید عیب جویی ها و شایعه پراکنی ها، برای علاج معایب نفسانی ما سودمند باشد که هست، همچون عمل جراحی دردناکی که موجب سلامت مریض می شود... من و تو اگر این حقیقت را باور کنیم و حیل های شیطانی و نفسانی بگذارند، واقعیات را آن طور که هستند، ببینیم، آنگاه از مدح مداحان و ثنای ثناجویان، آن طور پریشان می شویم که امروز از عیب جویی دشمنان و شایعه سازی بدخواهان... و عیب جویی را آنگونه استقبال می کنیم که امروز از مدحی ها و یاوه گویی های ثناخوانان. اگر از آنچه ذکر شد به قلبت برسد، از ناملایمات و دروغ پردازی ها ناراحت نمی شوی و آرامش قلب پیدا می کنی که ناراحتی ها، اکثراً، از خود خواهی است.»

خداوند همه ما را از آن نجات مرحمت فرماید. □



.....

از دیدگاه شیعه که نظام سیاسی خود را هم بر محور ولایت و محبت بنا نهاده است، شهروندان جامعه اسلامی (مؤمنان) نسبت به یکدیگر نوعی قربات و نزدیکی (ولایت) دارند؛ «مؤمنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب اینکه با یکدیگر نزدیکی اند، حامی و دوست و ناصر یکدیگرند و به سرنوشت هم علاقه مندند و در حقیقت به هم علاقه مندند و در حقیقت به سرنوشت خود که یک واحد را تشکیل می دهند علاقه می ورزند و لذا امر به معروف می کنند و یکدیگر را از منکر و زشتی ها باز می دارند

بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف - آیه ۶۷) و سپس به عنوان نشانه های مشترک مردان و زنان با ایمان، درست به نقطه مخالف آنان اشاره می کند و می فرماید: «مردان و زنان با ایمان دوست و ولی و یار و یاور یکدیگرند، آن ها مردم را به نیکی ها دعوت می کنند و از زشتی ها باز می دارند.»

نکته جالب اینکه درباره منافقان کلمه «اولیاء» ذکر نشده بود، بلکه جمله «بعضهم من بعض» که دلیل بروحدت هدف و هماهنگی صفات و کردار است، به چشم می خورد و حال آنکه در این آیه مؤمنان را «اولیاء» یکدیگر می داند. به گفته مفسران این تفاوت اشاره به آن است که منافقان هر چند در صفت واحدی قرار دارند، روح موذت و ولایت در میان آن ها وجود ندارد و هرگاه منافع شخصی آنان به خطر بیفتد حتی به نزدیک ترین دوستان خود خیانت خواهند کرد، اما میان مؤمنان رابطه «ولایت» و محبت برقرار است و منشأ امر به معروف ونهی از منکر هم همین است.

وداد ایمانی

از دیدگاه شیعه که نظام سیاسی خود را هم بر محور ولایت و محبت بنا نهاده است، شهروندان جامعه اسلامی (مؤمنان) نسبت به یکدیگر نوعی قربات و نزدیکی (ولایت) دارند؛ «مؤمنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب اینکه با یکدیگر نزدیک اند، حامی و دوست و ناصر یکدیگرند و به سرنوشت هم علاقه مندند و در حقیقت به سرنوشت خود که یک واحد را تشکیل می دهند علاقه می ورزند و لذا امر به معروف می کنند و یکدیگر را از منکر و زشتی ها باز می دارند.»

استاد شهید مطهری با استنباط این نکته لطیف از آیه ۷۱ سوره توبه نتیجه می گیرد که این دو عمل (امر به معروف ونهی از منکر) ناشی از وداد ایمانی است و لذا این دو جمله - یأمرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ - بلافاصله به دنبال بیان ولاد ایمانی مسلمانان واقع شده است.

علاقه به سرنوشت اشخاص از علاقه به خود آن ها سرچشمه می گیرد. پدری که به فرزندش خویش علاقه دارد قهرآ نسبت به سرنوشت و رفتار آنان نیز احساس علاقه می کند؛ اما ممکن است نسبت به فرزندان دیگران در خود احساسی نکند، چون نسبت به خود آن ها علاقه ای ندارد تا به سرنوشتشان نیز علاقه مند باشد.

به همین ترتیب علاقه به جمع مسلمانان و جامعه آنان، موجب اهتمام به امور اجتماعی و آینده مردم می شود؛ این چنین است که مسلمانان واقعی (مؤمنان) در مسائل اجتماعی حساس بوده و بروند امور نظارت می کنند. در غیر این صورت از «وظیفه» خود تخلف کرده و در حقیقت مسلمان نیستند.

بر همین اساس است که برخلاف سایر نظام های حقوقی و سیاسی که نظارت و انتقاد را صرفاً یک «حق» شهروندی می دانند، قرآن کریم بارها تأکید کرده است که آن را نه تنها حق، که وظیفه تخلف ناپذیر مسلمانان می داند. برای نمونه می توان به این آیه شریفه استناد کرد: «وَلْتَكُنْ

در راه خدا از سرزنش هیچ کسی نترسید

■ آیت الله آقا مجتبی تهرانی



« مرحوم آیت الله آقا مجتبی تهرانی با اشاره به اینکه امر به معروف و نهی از منکر هم مراتب دارد و هم درجات بیان می دارد: مرتبه اول که اخف مراتب است، «قلبی» است و نهی از منکر قلبی، نیازمند مبرز است و صیرفاً به معنای انکار قلبی نیست. فقهای ما تمام این مراتب، اعم از قلبی و لسانی ویدی را مشروط می کنند به شرایطی؛ یعنی در امر به معروف و نهی از منکر، خود حکم و جوب مشروط است به شرایط چهارگانه ای که یکی از آن ها «احتمال عقلایی در تأثیر» است. یعنی وقتی واجب می شود که مؤثر باشد و در صورتی که احتمال تأثیر ندهد، واجب نیست.

وی با اشاره به اینکه روایات بسیاری وجود دارد که همین مراتب و درجات سه گانه را مطرح می کند بیان می دارد: روایتی که در وسائل الشیعه از امام باقر (ع) نقل می کنند: «فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَالْفُظُولِ بِاللِّسَانِ وَصُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ»؛ یعنی کسانی را که فاعل منکر هستند با دل هایتان بد بشمارید و با زبان هایتان طرد کنید و به صورتشان بزنی. یک وقت می گویی «صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ» به «آسنه» بر می گردد، یعنی از نظر زبانی با آن ها تند می کنید؛ یک وقت می گویی به «ید» بر می گردد، یعنی با آن ها برخورد فیزیکی کنید.

حضرت در ادامه می فرمایند: «وَلَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّا تَمُوتُ فَإِنْ اتَّعَطُّوا وَإِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ هُنَالِكَ فَجَاهِذْوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ»؛ یعنی در راه خدا از سرزنش هیچ احدی نترسید؛ پس اگر پند گرفتند و به راه حق برگشتند کاری با آن ها نداشته باشید؛ چرا که مواخذه و مجازات تنها بر کسانی است که به مردم ستم کرده و به دنبال فساد در زمین هستند. آنان هستند که عذاب دردناک دارند؛ پس در مقابل چنین کسانی با بدن هایتان پیکار کنید. یعنی باید با آن ها بجنگید. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۱)

ایشان با اشاره به روایتی دیگر از امام حسن عسکری (ع) «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُنْكَرْ بِهِ»؛ «فَمِنْهُمْ إِنْ اسْتَطَاعَ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَلْسَانُهُ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَيَقْلِبُهُ»؛ هر کس از شما منکری را دید، اگر می تواند باید با دست خود آن را انکار کند، پس اگر نمی تواند، با زبانش و اگر نمی تواند، باید با قلبش چنین کند. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۴) بیان می دارد: سیری که این روایت مطرح کرده از آن طرف است؛ یعنی اول دست، بعد زبان و بعد قلب را مطرح کرده است.

قلب نورانی

وی با بیان اینکه اگر به نهج البلاغه مراجعه شود در این زمینه سه روایت وجود دارد، بیان می دارد: یکی از آن ها روایتی است که صاحب وسائل هم از سید رضی در نهج البلاغه نقل می کند: «إِنِّي سَمِعْتُ عَلِيًّا (ع) يَقُولُ يَوْمَ لَقِينَا أَهْلَ الشَّامِ أَلَيْهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مِنْ رَأْيِ غَدَوَانَا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرٌ يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرُهُ بِقَلْبِي فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرَّيْ وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أَجَزَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ»؛ امیرالمؤمنین در روز شروع جنگ صفین فرمود ای مؤمنان، هر کس ببیند که بر اساس ستیز و جنگ عمل می شود و به سوی منکر دعوت می شود، پس آن را با قلب خود انکار کند، سالم مانده است؛ و هر کس که با زبانش آن را انکار کند، پس مآجور خواهد بود و بر فرد قبلی فضیلت دارد. یعنی این دومی که انکار زبانی کرده از اولی که انکارش قلبی بود برتر است. حضرت در ادامه فرمودند: «وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ الْعَلِيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ الشُّغْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ تَوَفَّى قَلْبُهُ الْيَقِينَ»؛ و هر کس که آن منکرا با شمشیرش انکار کند، باین نیت که کلمه الهی بر فراز باشد و کلمه ظالمین پایین آید، او کس است که به راه هدایت رسیده و در این مسیر قدم گذارده و قلبش را باین نورانی ساخته است.

آیت الله تهرانی روایت بعدی را نیز به نقل از سید رضی در راستای روایت اول می داند که حضرت می فرماید: «فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِبَيْدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمَلُ لِجِصَالِ الْخَيْرِ». اگر کسی منکر را با دست و زبان و قلب انکار کند، چنین کسی تمام خصال خیر در او جمع شده و آن ها را کامل کرده است. «وَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بَيْدِهِ فَذَلِكَ مُتَمَشِّكٌ بِخَصْلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُصْطَفِ خُصْلَةٍ»؛ اما بعضی از افراد هم هستند که نهی از منکر زبانی و قلبی می کنند، ولی وارد مرحله یدی نمی شوند. چنین کسی دو خصلت خوب را دارد و یک خصلت نیکو را ضایع کرده است. «وَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بَيْدِهِ وَ لِسَانِهِ فَذَلِكَ الَّذِي صَبَّحَ أَشْرَفُ الْخَصْلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاجِدَةٍ»؛ گروه سوم کسانی هستند که فقط نهی از منکر قلبی دارند، ولی با دست و زبان اقدامی نمی کنند؛ این ها به همین یک خصلت نیکو بسند کرده اند، ولی دومرتبه دیگر را ضایع کرده اند.

«وَمِنْهُمْ تَارِكٌ لِانْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيْتٌ الْأَخْيَاءُ»؛ عده ای هم هستند که نهی از منکر زبانی می کنند، نه قلبی و نه یدی؛ یعنی هیچ کدام از این خصال



دینی در هر جامعه‌ای باشد، اگر از این مسئله‌ای که امام حسین می‌فرماید، مراقبت نشود، دین از آن جامعه می‌رود و محو می‌شود. این یک بحث کلی است که حضرت بیان می‌کند. حالا اگر ما بخواهیم این مسئله را در قالب اصطلاحات اسلامی بیان کنیم، از آن به «امر به معروف و نهی از منکر» تعبیر می‌کنیم.

ایشان در خصوص اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌گویند: آن قدر مراقبت از امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد که حتی در روایات داریم کسانی که در جامعه نهی از منکر نکنند، افرادی بی‌دین هستند. من خیلی صریح گفتم که جای هیچ شبهه‌ای باقی نماند. روایت از پیغمبر اکرم است که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ!» خداوند مؤمن ضعیفی را که دین ندارد، می‌بغض می‌دارد! ممکن است سؤال پیش بیاید که آیا ظاهراً این حرف، تناقض نیست؟! چون حضرت می‌فرماید: «المؤمن» و «لا دین له»، اگر مؤمن است، باید دین داشته باشد و اگر دین ندارد، پس دیگر مؤمن نیست؟! □



آن قدر مراقبت
از امر به معروف
و نهی از منکر
اهمیت دارد که
حتی در روایات
داریم کسانی که
در جامعه نهی
از منکر نکنند،
افرادی بی‌دین
هستند

پسندیده را ندارند. چنین کسی مُرده زندگان است. «وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَأَيُّ قُرْبَانٍ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يَنْقُضَانِ مِنْ رِزْقٍ»؛ یعنی خیال نکن که امر به معروف و نهی از منکر مرگ تو را نزدیک می‌کند و یا روزی ات را کم می‌کند؛ نخیر! انجام این فریضه الهی نه ضربه جانی دارد، نه ضربه مالی.

۴ حیات و بقای دین

آیت الله مجتبی تهرانی با تشریح وظیفه عموم درباره امر به معروف و نهی از منکر، این امر را موجب حیات و بقای دین می‌داند و در این باره به تبیین ملاک تشخیص دینداری می‌پردازد. ایشان اشاره می‌کند که بخش دوم خطبه امام حسین (ع) راجع به مسئله‌ای است که اگر این مسئله در هر اجتماع دارای آیین رعایت نشود، آن دین و آیین به طور کلی از آن جامعه رخت برمی‌بندد و جامعه به یک جامعه بی‌دین تبدیل می‌شود. یعنی برای پایداری هر دینی در هر جامعه‌ای، باید از این مسئله مراقبت شود.

آیت الله تهرانی می‌گوید: دقت کنید که در اینجا صحبت اسلام مطرح نیست؛ من هم دارم کلی بحث می‌کنم. هر



امر به معروف و نهی از منکر
از دیدگاه امام علی^(ع)

غایت دین و قوام شریعت

✦ دکتر بهمن منصوری

۲. «غایه الدین الامر بالمعروف والنهی عن المنکر و اقامه الحدود. غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است». در اینجا سه عنصر «امر به معروف»، «نهی از منکر» و «اقامه حدود» که همگی در یک راستا و هدف می باشند، غایت و منتهای هر دینی از جمله دین مبین اسلام دانسته شده است. این حدیث نیز به خوبی نشانگر اهمیت و ارزش امر به معروف و نهی از منکر است. قریب به همین معنا را امیرمؤمنان با تعبیری دیگر چنین بیان داشته اند: «قوام الشریعه الامر بالمعروف والنهی عن المنکر و اقامه الحدود. برپایی شریعت به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود ممکن است». سه عنصر ذکر شده، از طرفی «غایت دین» و از یک طرف «قوام شریعت» محسوب می شوند.

۳. علی (ع)، در کلامی دیگر امر به معروف و نهی از منکر را «دو خلق» و صفت خداوند می داند. «ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر لخفقان من خلق الله سبحانه. همانا امر به معروف و نهی از منکر دو خلق از اخلاق خداوند سبحان می باشند». در این حدیث خداوند متعال نیز «امر به

«امر به معروف» و «نهی از منکر» دو فریضه بزرگ و دو فرع از فروع ده گانه دین مبین اسلام محسوب می شود. گذشته از غایت خاص قرآن کریم به این موضوع و نیز سیره نظری و عملی پیامبر اکرم (ص) و دیگر اولیای دین، امر به معروف و نهی از منکر در نگاه امیرالمؤمنین علی (ع) جایگاه ممتاز و ویژه ای دارد. در این مطلب به این موضوع می پردازیم. ■

فصلیت

امر به معروف و نهی از منکر از منظر علی (ع)، با فضیلت ترین اعمال بندگان خداوند، غایت دین، قوام شریعت، خلق الهی و بالاتر از جهاد در راه خدا معرفی شده است. سخنان بسیار نغز و گهری از آن حضرت در این خصوص به ثبت رسیده است که در ادامه به تناسب بیان خواهد شد. در اینجا چند روایت که به تنهایی بیانگر ارزش و برتری این دو فریضه نسبت به سایر واجبات است، ارائه می شود.

۱. «الامر بالمعروف افضل اعمال الخلق. امر به معروف با فضیلت ترین اعمال خلق خداست». این گفتار که اطلاق نیز دارد، امر به معروف را نسبت به همه اعمال و کردار بندگان خدا، برتر و با فضیلت تر معرفی نموده است و به تنهایی ارزش والای این فریضه را اثبات می نماید. در جای دیگر، حضرت امر به معروف و نهی از منکر را غایت و هدف نهایی دین دانسته است.



.....

آمر به معروف
در زمره «اهل
معروف» قرار
می گیرد؛ آمر به
معروف به مؤمنان
پشت گرمی
می دهد؛ ناهی
از منکر بینی
منافقان، کفار
و فاسقان را به
خاک می مالد؛
ناهی از منکر از
کید و مکر منافقان
در امان می ماند؛
آمر به معروف
و عامل به آن،
ناهی از منکر و
تارک آن، حافظ و
نگهدارنده حدود
الهی، هر سه از
سلامت دنیا و
آخرت برخوردار
می گردند

حدود خداوند و زیر پا گذاشتن فرمان های الهی را به خود
ندهد و نتواند در بین مؤمنان فساد و تباهی ایجاد نماید.

۳. «من نهی عن المنکر ارغم انوف الفاسقین (او الکافرین
و المنافقین). کسی که نهی از منکر کند بینی فاسقان (یا
کافران و یا منافقان) را به خاک مالیده است». در عبارت
اصول کافی که اندکی با نهج البلاغه و غرر الحکم تفاوت
دارد، آمده است: «من نهی عن المنکر ارغم أنف المنافق و
أمن كیده. کسی که نهی از منکر کند، بینی منافق را به خاک
می مالد و از کید و نیرنگش در امان است». این دو عبارت
نیز یکی دیگر از بركات فريضه امر به معروف و نهی از منکر
بالاخص دومی را نشان می دهند و براساس آن، دشمنان
(اعم از منافق، کافرو یا فاسق) ناکام مانده و انسان ناهی از
منکر، از مکر و حيله منافقان در امان خواهد بود.

۴. «ممن کن فيه ثلاث سلمت له الدنيا والاخره: بأمر
بالمعروف و بأتهم به و نهی عن المنکر و بینهی عنه و يحافظ
على حدود الله جل و علا. هرکس که سه خصلت در او باشد،
از شرف دنیا و آخرت در امان است: امر به معروف کند و خودش
نیز بدان عامل باشد، نهی از منکر کند و خودش نیز تارک آن
باشد و حدود خداوند جل و علا را محافظت نماید». قسمتی
از مفاهیم این حدیث شریف که به اقامه و حفظ حدود
و نیز عامل بودن آمو و ناهی برمی گردد در هنگام بحث از
عنوان های یاد شده مجدداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.
آنچه در اینجا مدنظر ماست، یک بخش از این روایت
که همانا امر به معروف و نهی از منکر است و براساس این
حدیث، از جمله آثار و پاداشی که به آمو و ناهی می رسد،
سلامت دنیا و آخرت است.

۵. «إن الامر بالمعروف والنهي عن المنکر... یضاعفان
الثواب و یعظمان الاجر». همانا امر به معروف و نهی از
منکر ثواب را مضاعف و اجر و پاداش را فراوان می کنند». این
گفتار نیز مبین اجر و ثوابی است که به آمو و ناهی داده
خواهد شد و پاسخ رد به کسانی است که می پندارند امر به
معروف و نهی از منکر موجب خطر جانی و یا ضرر مالی
می شود.

از جمله آثار و فواید دیگری که در کلام امیر مؤمنان برای امر
به معروف و نهی از منکر آورده شده است این است که امر
به معروف و نهی از منکر موجب قوام شریعت می گردد. با
بررسی اقوال مطرح شده، این آثار و نتایج به سبب اجرای
امر به معروف و نهی از منکر حاصل می گردد: آمر به معروف
در زمره «اهل معروف» قرار می گیرد؛ آمر به معروف به
مؤمنان پشت گرمی می دهد؛ ناهی از منکر بینی منافقان،
کفار و فاسقان را به خاک می مالد؛ ناهی از منکر از کید و مکر
منافقان در امان می ماند؛ آمر به معروف و عامل به آن، ناهی
از منکر و تارک آن، حافظ و نگهدارنده حدود الهی، هر سه
از سلامت دنیا و آخرت برخوردار می گردند؛ امر به معروف و
نهی از منکر ثواب را مضاعف و اجر را فراوان می کند؛ امر به
معروف و نهی از منکر موجب قوام شریعت می گردد.

معیار سنجش

گاهی در بیانات حضرت علی (ع) به عبارت هایی

معروف» و «ناهی از منکر» دانسته می شود که خود نشانگر
کمال فضیلت و ارزش برای این دو فريضه است. همین
فضیلت برای آمران به معروف و ناهیان از منکر کافی است
تا مقتدای خود را در این راه مقدس، خداوند تبارک و تعالی
بدانند و متوجه باشند که در چه مسیر مقدس و مهمی قدم
برمی دارند.

۴. «و ما اعمال آلبر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر
بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفته فی بحر لجة. تمام
کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقابل امر به
معروف و نهی از منکر چیزی نیست مگر به اندازه رطوبتی
که از بخار دهان خارج می شود در برابر دریایی موج و
پهنای». «ثغته» مقدار آب کمی است که از دهان خارج
می شود. «لج» آب زیاد و موج دریا است و «بحر لجة» به
معنی دریایی پر موج و پهنای است. بنابراین، از دید آن
حضرت ارزش و فضیلت امر به معروف و نهی از منکر نه
تنها از هر عمل و فريضه دینی دیگر بالاتر و برتر است، بلکه
براساس سخنان ایشان چنانچه همه اعمال دیگر را در
یک کفه ترازو قرار دهند و امر به معروف و نهی از منکر را در
کفه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر سنگین تر خواهد
بود. بالاتر از آن اینکه، در این مقایسه و موازنه، ارزش
و مقدار همه اعمال نیک در مقابل یکی از آن ها که امر به
معروف و نهی از منکر است، به طور خارق العاده ای سبک تر
و پایین تر است؛ چرا که نسبت میان آن ها، مانند نسبت
قطره آب است در مقابل دریا.

آثار و بركات

علاوه بر فضایل ذکر شده در بحث قبل، مولای متقیان
برای امر به معروف و نهی از منکر آثار و پیامدهای مبارکی
را ذکر می نماید که اینها هم همانند احادیث قبلی ضمن
این که بیانگر اهمیت فراوان این دو فريضه مقدس
می باشند، از زاویه ای دیگری به این دو فريضه می پردازند.

۱. «و أمر بالمعروف تکن من أهله. امر به معروف کن تا از
اهل معروف باشی». برابر این روایت، که حضرت آن را
خطاب به فرزند گرامی اش امام حسن مجتبی (ع) نوشته اند،
از جمله آثار مثبت امر به معروف آن است که شخص «آمر»،
در زمره افراد نیکوکار جامعه قرار می گیرد؛ به عبارت دیگر،
اولین فایده امر به معروف، به خود امرکننده می رسد؛ چرا که
طبعاً انسان خردمندی که به اصلاح دیگران همت می گمارد
و آنان را به کارهای نیک فرامی خواند، در وهله اول خودش
از آن متأثر می شود و آن را به کار می بندد. در نتیجه امر به
معروف، خودش را هم تعلیم و آموزش می دهد و از خطاها
و اشتباهات احتمالی خودش نیز جلوگیری می نماید. البته
اگر چنین نباشد و از پند و اندرزهایی که به دیگران می دهد،
خودش استفاده ننماید و به آن ها بی توجه باشد، سخت
مورد سرزنش امیر المؤمنین است.

۲. «من أمر بالمعروف شد ظهور امیر المؤمنین. کسی که
امر به معروف نماید، به مؤمنان پشت گرمی دهد». یکی
از آثار مترتب بر امر به معروف، محکم نمودن دل مؤمنان
و ایجاد پشتوانه برای آنان است تا کسی جرأت تعرض به



باز می‌کند و دین با مهرش نابسامانی‌ها و گره‌های باز شده‌ای را که به هم نمی‌پیوندند، به هم می‌رساند و اوضاع را سامان می‌دهد. امر به معروف و نهی از منکر هم به این شیوه، رتق و فتق امور جامعه اسلامی را به عهده می‌گیرند و در صورت تعطیلی این دو فریضه است که مشکلات حل نمی‌شود و نابسامانی‌ها سامان نمی‌گیرد.

۱. مسابقه

در باب اهمیت دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر دو روایت دیگر از آن حضرت به عنوان خاتمه این بحث می‌آوریم. «اذا رأیتُم الخیر فسارعتم الیه و اذا رأیتُم الشر فتباعدتم عنه و کنتم بالطاعات عاملین و فی المکارم متنافسین، کنتم محسنین فائزین. هرگاه خیر را دیدید و به طرف آن شتاب نمودید، و هرگاه که شر را دیدید و از آن دوری جستید و در آن حامل عامل به طاعات بودید و در راه مکارم مسابقه دادید، در این هنگام است که شما نیکوکار و رستگارید». عمل به خیر و دوری از شر از مراتب امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌گردند. مسابقه در این راه و از هم گوی سبقت را ربودن، موجب رستگاری می‌شود و انسان را در شمار نیکوکاران قرار می‌دهد.

و انسان را در شمار نیکوکاران قرار می‌دهد. «ان کنتم لامحاله متسابقین، فتسابقوا الی اقامه حدود الله و الامر بالمعروف. اگر ناچار به مسابقه هستید، در زمینه اقامه حدود الهی و امر به معروف با هم مسابقه بدهید». امیرالمؤمنین در این دو گفتار از مؤمنان و مسلمانان می‌خواهد در خصوص اجرای حدود الهی و پرهیز از منکرات و نیز امر به معروف و شتاب به سوی انجام کارهای نیک، از همدیگر سبقت گرفته و با هم مسابقه بدهند. طبع انسان‌ها به گونه‌ای است که همواره در زمینه‌های مختلف با همدیگر در حال مسابقه هستند. لذا بهتر است موضوع مسابقه را از امور کم‌اهمیت و بی‌اهمیت تغییر داده و در موضوعات و زمینه‌های حائز اهمیت از جمله امر به معروف و نهی از منکر که مهم‌ترین عبادات محسوب می‌گردند، به رقابت بپردازند. □



عمل به خیر و دوری از شر از مراتب امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌گردند. مسابقه در این راه و از هم گوی سبقت را ربودن، موجب رستگاری می‌شود و انسان را در شمار نیکوکاران قرار می‌دهد.

برمی‌خوریم که در آن‌ها حضرت در مقام بیان اهمیت ارزش امری است و برای اثبات ارزش آن امر، از معیار امر به معروف و نهی از منکر استفاده نموده‌اند. «اعرفوا... و اولی الامر بالامر بالمعروف و العدل و الاحسان. اولی الامر با امر به معروف و عدل و احسان بشناسید». این روایت که در آن امیرالمؤمنین، (ع)، برای شناخت امری، معیارهایی ارائه فرموده است (خدا را با خدا، رسول را با رسالت و اولی الامر با...)، نشان می‌دهد که امر به معروف آنچه‌ان اهمیت و قدر و منزلت دارد که برای شناخت اولی الامر باید به عنوان ملاک و معیار از آن استفاده نمود.

«العقل منزّه عن المنکر امر بالمعروف. عقل، بازدارنده از منکر و امر به معروف است». عقل، این ودیعه الهی نزد انسان‌ها که ملاک و ابزار اصلی راهیابی و وصول انسان‌ها به هدایت و شناخت است، با معیار امر به معروف و نهی از منکر سنجیده می‌شود و چنانچه کسی این دو خصوصیت را نداشته باشد، باید حکم کرد که فاقد عقل است و یا اینکه عقلش معیوب است. چه ارزش و مقامی بالاتر از اینکه امر به معروف و نهی از منکر معیار سنجش عقل سالم از عقل ناسالم باشد.

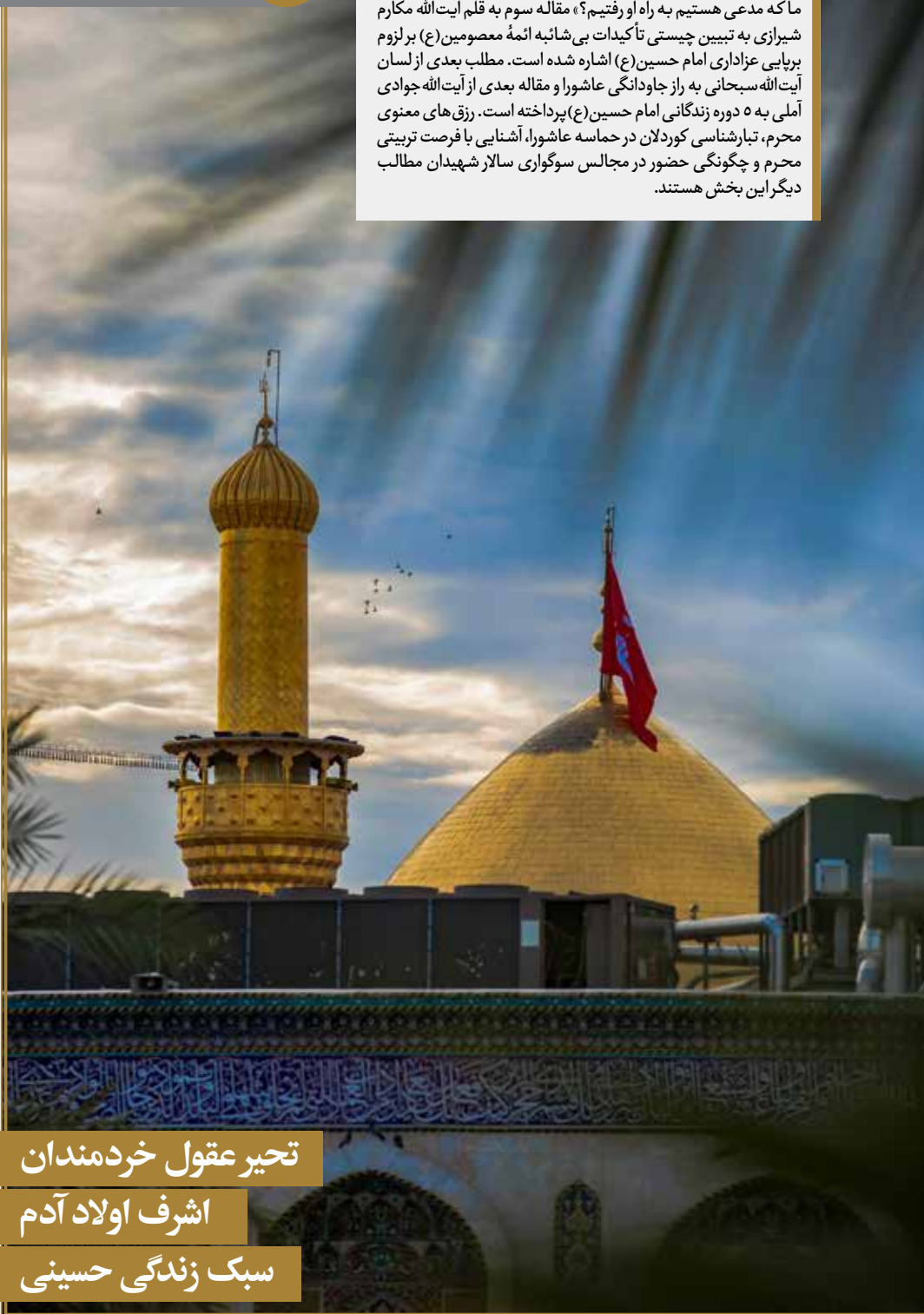
در جای دیگر امام، «دین» و «شمشیر» را که اولی برای هدایت و رأفت نسبت به آدمیان و دومی برای قهر و عذاب طاغیان نهاده شده‌اند، از آن جهت ارزشمند و معتبر می‌شمارد که اینان امر به معروف و ناهی از منکرند.

«السیف فاتق والدین راتق؛ فالدین یأمر بالمعروف و السیف ینهی عن المنکر. قال الله تعالی، لکم فی القصاص حیاة. شمشیر بازکننده گره‌ها و دین، سامان دهنده امور است؛ پس دین، امر به معروف می‌کند و شمشیر، نهی از منکر می‌نماید. خداوند متعال فرموده است: قصاص حیات شماس است.» «رتق و «فتق» در لغت ضد هم هستند. اولی به معنای بسته و ضمیمه هم بودن و دومی به معنای جدایی و باز بودن. راتق به معنی عاقد (گره زن) و فاتق به معنای حال (بازکننده گره) است. شمشیر با قهرش معضلات و گره‌ها را که با وسایل دیگر امکان باز نمودن آن‌ها نیست،



« محرم

در نخستین مطلب این بخش مقاله‌ای به قلم آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی را می‌خوانیم. ایشان، امام حسین (ع) و واقعه عاشورا را معجزه ماندگار اسلام معرفی کرده‌اند که باعث زنده شدن دین شده است. در مطلب دوم آیت‌الله وحید خراسانی با محوریت این نکته که «حسین (ع) که بود و چه کرد» به مخاطبان گوشزد می‌نماید «سیدالشهدا رفت اما آیا ما که مدعی هستیم به راه او رفتیم؟» مقاله سوم به قلم آیت‌الله مکارم شیرازی به تبیین چیستی تأکیدات بی‌شائبه ائمه معصومین (ع) بر لزوم برپایی عزاداری امام حسین (ع) اشاره شده است. مطلب بعدی از لسان آیت‌الله سبحانی به راز جاودانگی عاشورا و مقاله بعدی از آیت‌الله جوادی آملی به ۵ دوره زندگانی امام حسین (ع) پرداخته است. رزق‌های معنوی محرم، تبارشناسی کوردلان در حماسه عاشورا، آشنایی با فرصت تربیتی محرم و چگونگی حضور در مجالس سوگواری سالار شهیدان مطالب دیگر این بخش هستند.



تحیر عقول خردمندان

اشرف اولاد آدم

سبک زندگی حسینی

تحریر عقول خردمندان

■ آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

در این یادداشت که توسط آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی نوشته شده و در پایگاه تخصصی امام حسین (ع) منتشر شده است، نویسنده امام حسین (ع) و واقعه عاشورا را مانند قرآن کریم، معجزه ماندگار اسلام معرفی کرده‌اند که باعث زنده شدن دین شده است. ■



« بسم الله الرحمن الرحيم، الحسين وما دراک ماالحسين همان‌گونه که قرآن کریم معجزه جاویدان اسلام و معجزه نبی اعظم (ص) و سلم بوده است، آقا و سرور ما ابی عبدالله الحسین، سیدالشهدا (ع)، آن بخشنده خون خود در راه خداوند برای نجات بندگان از جهالت و سردرگمی ضلالت، معجزه جاودان دیگری به مانند آن است. پس همان‌گونه که اگر جن و انس گرد هم آیند که به مانند قرآن بیاورند نخواهند توانست چنین کنند، اگر همه جن و انس و ملائکه نیز گرد هم آیند که از میانشان کسی به مانند حسین (ع) و جایگاهی چون جایگاه عظیم او - از جمله آنچه از نشانه‌های جلال و عظمت ذات نورانی و صفات ربانی خداوند در اوست - نمی‌توانند بیابند. «بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورید مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آن‌ها پشتیبان برخی دیگر باشند.»

جایگاه پراهمیت ایشان عقول خردمندان را متحیر ساخته و او کسی است که بانگ برآورده که شایسته نیست انسان، خواری و بدنامی را بپذیرد؛ و گفت: «نمی‌پسندیم که ذلیلانه تسلیم شویم و اطاعت و فرمانبرداری از پست فطرتان را ترجیح دهیم بر کشته شدن با بزرگواری و چه بسیار دور است از ما که ذلت و خواری را قبول کنیم.» و آنچه در روز عاشورا از قدر و شأن از این انسان به ظهور رسید، حتی از ملائکه نیز ظهور نکرده است.

و ایشان بزرگ‌ترین معجزه ماندگار است و برادرش عباس معجزه دیگری است و پسرش که شبیه رسول خداست معجزه‌ای دیگر و طفل شیرخواره او معجزه است و همه شهیدان در پیش روی او و اهل بیتش معجزه‌ای دیگرند.

الله اکبر! چه بزرگ و عظیم است آنچه که انسان به آن می‌رسد با ایمان و صبر و توکل بر خدای تعالی و اعتماد به او و تسلیم امر او شدن و مقدم دانستن رضای خداوند بر رضایت خلق او و ایثار برای حق علیه باطل. پدر و مادرم به فدای تو و فرزندان تو و اهل بیت تو و اصحاب تو که شهدای راه توحید، شهدای راه قرآن و شهدای کرامت انسانی هستند. پس تأیید و تفسیر عظمت شما در این فرمایش خداوند متعال به ملائکه اش نهفته است که: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

قسم به حق، سزاوار است که انسان به واسطه شما در برابر ملائکه رحمان به خود ببالد. چرا که از طاغوت‌ها و جبارین و ارباب استبداد و استضعاف بیزاری جسته و در برابرشان می‌ایستید و دشمنان خداوند را که بندگان را تحقیر می‌کنند، کوچک می‌شمارید و زنده‌کننده و حی الهی هستید و بهترین مقام‌ها و بالاترین درجات را به دست می‌آورید.

سلام و رحمت و برکات خداوند و ملائکه مقربین و مرسلین او و همه بندگان صالح او بر شما بادای یاریگران خداوند و رسولش.

ای کاش که ما هم با شما بودیم تا به فوز عظیمی نائل می‌شدیم. ■

دو بالی که پرواز کنید تا اعلایین تهیه کردی. بی بال طیران محال است، با یک بال هم پرواز غیر ممکن است، دو بال لازم است. بال اول پرواز به درجات علامی شود تفقه. بال دوم می شود انذار و امر به معروف و نهی از منکر. آن وقت است که می توانی بگویی: ما به آن راهی رفتیم که سیدالشهدا رفت «اریدان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر». در این راه چه کرد؟! کاری کرد که باور کردنی نیست. امری که خدا - ذات قدوس حی قیومی که لا یدرک و لا یوصف - اول کسی است که ذکر مصیبت او کرده؛ خدا! مصیبت خوان او، ابراهیم، خلیل، موسای کلیم، عیسی مسیح، نوح نبی، همه انبیا و مرسلین مستمع عاشورای او.

❑ شناخت سیدالشهداء

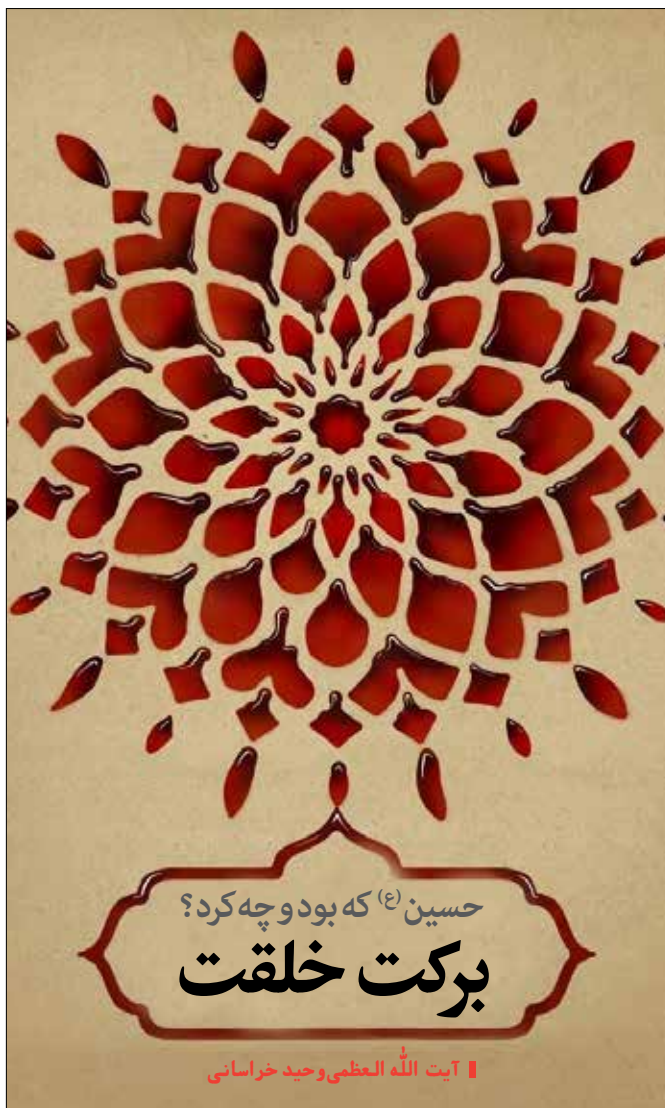
هرگز نشناختیم او را. که بود؟! اولاً اگر بفهمیم «حسین منی وأنا من حسین»، غوغاست این جمله. «أنا» کیست؟ انیت را بشناس. «من» این دست نیست، این، دست من است. این، سر نیست، این سر من است. این، بدن نیست این بدن من است. من از حسینم. عقل اینجا حیران است. حسین از من، از انیت من جدا شده، من هم از انیت او جدا شدم. این جمله محیر العقول است. انیت خاتم، عقل کل، منشأش حسین بن علی است. اگر خدا توفیق داد یک وقت این عقده را باز می کنیم تا بفهمید او که بود اولاً؛ او چه کرد ثانیاً؛ کسی که روز اول که به دنیا آمد قنداقه اش را به عرش بردند. این روز اول او. اما روز آخر: یا أَتَيْهَا النَّفْسُ الْمُظْلِمَةُ از جَعَى إِلَى رَبِّكَ راضِيَةً مَرْضِيَّةً فَأَدْخَلَنِي فِي عِبَادِي وَأَدْخَلَنِي جَنَّتِي؛ روز اول، آن، روز آخر، این!

❑ غوغای محشر

که بود؟ چه کرد؟ نه خودت را کسی شناخت، نه کارت را! آنچه معلوم است مسلم است؛ تمام خلقت عالم، بعثت تمام انبیا از آدم تا به پیغمبر خاتم به ثمر نرسید الا به برکت خون گلی او. این اثر اول.

اثر آخر؛ آن وقتی که تمام انبیا و انفسا می گویند، همه ملائکه مقربین متحیر و سرگرداند، یک مرتبه در این غوغا، آن هم در قیامت کبری: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ * يَوْمَ تَوَدُّ أَنْ تَرْجُوَ أَنَّهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

در همچو روزی، در همچو هنگامه ای ناگهان هودجی پیدا می شود، باطنها عفو الله ظاهرها رحمه الله، می آید تاعرش خدا؛ وقتی رسید آنجا، پیاده می شود، می آید کنار قائمه عرش، آن وقتی که ابراهیم، موسی، عیسی، همه درمانده اند، حلال محشر یک مطلب است؛ آن مطلب این است - نص کلام امام این است - امام ششم فرمود: می آید کنار عرش خدا پیراهن غرقه به خون روی سر؛ جبرئیل نازل می شود، می گوید: یا زهر! خدا به تو سلام می رساند، می فرماید: این پیراهن را از روی سر بردار، آنچه می خواهی به تو داده می شود. و سلام علیه یوم ولد و یوم استشهد و یوم یبعث حیا. ❑



« سیدالشهدا رفت اما ما که مدعی هستیم به راه او رفتیم؟ دو جمله تمام مطلب است: اینما... کلمه حصر- «اینما خرجت لطلب الإصلاح فی أمة جدی»؛ این مطلب اول. مطلب دوم: «اریدان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر». همه تان این دو جمله را برنامه کنید، مبدا غفلت کنید، این ایام را از دست بدهید، از این نسیم بهار که دل ها را زنده می کند، غفلت کنید.

یکی اصلاح در امت؛ دوم امر به معروف و نهی از منکر. معروف را بشناسید، منکر را بشناسید. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ دَعَوْتُ كُنْتُ خَيْرَ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». این چه مقامی است؟ اولاً قرآن را بفهمید؛ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» این یک آیه. حالا از این امتی که خیر الامم است ولتكن منكم... - کاری کنید که از این عده باشید - ولتكن منكم امه، دعوت کننده به خیر، امر کننده به معروف، نهی کننده از منکر. خوشا به حال آن ها که این سعادت را یافتند؛ ایام تحصیل تفقه در دین، ایام تبلیغ انذار مؤمنین.

امام پنجم به جابر بن یزید جعفی وصایایی دارد بسیار عمیق. یک جمله اش این است: عرضه کن خودت را بر کتاب الله. کتاب خدا میزان است. میزان زندگی بشر قرآن است. اگر دو کفه این میزان را بگیری: یک کفه تفقه در دین است، کفه دوم انذار مؤمنین و مؤمنات.





«احیای امر اهل بیت علیهم السلام» تعبیر شده است. امام صادق (ع) در مورد این گونه مجالس فرمودند: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَجْزُهَا فَأَخْيَرُهَا أَفْزَنُهَا؛ این گونه مجالس (شما) را دوست دارم، از این طریق مکتب ما رازنده بدارید».

❏ وحدت امت اسلامی

بی شک تأکید ائمه اطهار علیهم السلام به ضرورت برگزاری مراسم عزاداری حسینی (ع)، بر مبنای «وحدت مردم» استوار است، به گونه‌ای که امروزه در ایام شهادتش میلیون‌ها انسان با اختلاف طبقات و نژاد و مذهب در هر کوی و برزن به عزاداری آن حضرت بپا خاسته و گرد بیرق حسینی اجتماع می‌کنند.

هر ملتی برای بقا و موفقیت خویش محتاج به عامل وحدت و اجتماع است. بدون شک بهترین عامل وحدت پیروان اهل بیت علیهم السلام که با کمترین زحمت و کمترین هزینه می‌تواند توده‌های میلیونی را حول یک محور جمع کند، همین مراسم عزاداری حسینی است.

❏ ظلم‌ستیزی

بدیهی است از جمله اهداف و عوامل برپایی عزاداری، زنده نگه داشتن تاریخ امام حسین (ع) و هدف او، یعنی مبارزه با ظلم و ذلت است، لذا باید عزاداری به گونه‌ای محقق شود که همگان را به اهداف آن پیشوای بزرگ آشنا سازد که عزاداری، حمایت از مکتب امام حسین (ع) در ظلم‌ستیزی و اعلام برائت و بی‌زاری از ظالمان از جمله شاخصه‌های وجودی برپایی مراسم سوگواری امام حسین (ع) است.

❏ پیوند عاطفه و بصیرت

باید اذعان کرد برپایی مراسم سوگواری و عزاداری بر مبنای گریه بیانگر عواطف و عشق به بنیان‌گذار این مکتب است که درس شجاعت و ایمان و ظلم‌ستیزی را به ما آموخت. مگر می‌شود رابطه عمیق عاطفی باشد، و قطره‌های اشک در مصائب آن‌ها جاری نشود، لذا گریه‌ها به خاطر ظلم‌هایی است که دشمنان بر آن‌ها روا داشتند و در واقع اعلان جنگ با دشمنان ایشان و به تعبیر دیگر با ظالمان و ستمگران دنیا است. علاوه بر این، صحنه‌های کربلا چنان بوده است که هر کس کمترین عاطفه‌ای داشته باشد، با شنیدن آن متأثر می‌شود این همان رابطه و پیوند عاطفی است.

❏ جریان تاریخی

اصل عزاداری که باعث بیداری و آگاهی امت اسلامی و دارای جنبه ظلم‌ستیزی است در واقع مکتبی است برای پرورش صفات برجسته انسانی، از این رو باید گفت عاشورا یک «حادثه» نبود بلکه یک «جریان تاریخی» بود. جریان مبارزه حق و باطل، عدالت و ظلم به نحوی و این مبارزه در همه اعصار و قرون ادامه دارد و عاشورای حسینی درس لازم را برای پیروزی حق بر باطل به طرفداران حق می‌دهد و شعار «هیئات منالله» بیانگر این جهاد پرارزش است و ما از این درس در طول تاریخ استفاده فراوان برده‌ایم. □

راز سوگواری

❏ آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

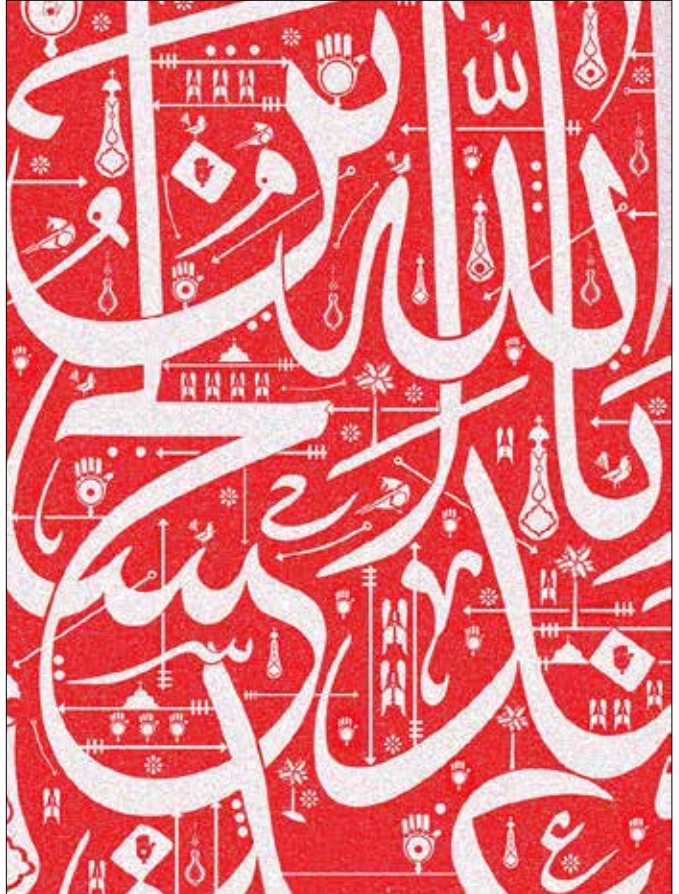
« به یقین تأکید و توصیه‌ای که در روایات نسبت به برپا نمودن مجالس عزاء و گریه بر مصائب امام حسین (ع) وارد شده است، نسبت به هیچ یک از امامان معصوم علیهم السلام حتی وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) وارد نشده است. گویا در این مسئله سزی نهفته است که ائمه اطهار علیهم السلام این همه آن را مورد تأکید و سفارش قرار داده‌اند.



❏ حفظ مکتب اهل بیت (ع)

در تبیین چستی تأکیدات بی‌شائبه ائمه معصومین (علیهم السلام) به لزوم برپایی عزاداری امام حسین (ع) باید گفت: به اعتراف دوست و دشمن، مجالس عزای امام حسین (ع) عامل فوق‌العاده نیرومندی برای بیداری مردم است و راه و رسمی است که آن حضرت آن را به پیروان خود آموخته تا ضامن تداوم و بقای اسلام باشد.

همچنین اهمیت برپایی این مجالس و رمز تأکید ائمه اطهار علیهم السلام بر حفظ آن، آنگاه روشن ترمی شود که ملاحظه کنیم شیعیان در عصر صدور این روایات به شدت در انزوا به سر می‌بردند و تحت فشارهای گوناگون حکومت امویان و عباسیان چنان گرفتار بودند که قدرت بر انجام کوچک‌ترین فعالیت و حرکت سیاسی و اجتماعی نداشتند و چیزی نمانده بود که به کلی منقرض شوند ولی مجالس عزای امام حسین (ع) آنان را نجات داد و در پناه آن، تشکل و انسجام تازه‌ای یافتند و به صورت قدرتی چشمگیر در صحنه جامعه اسلامی ظاهر شده و باقی ماندند. به همین دلیل، برپایی این مجالس در روایات به عنوان



مرحله، امام حسین (ع) به احترام پدر عظیم الشان خود خطبه و مانند آن را اظهار نمی کردند؛ زیرا مسؤولیت امامت و رهبری به عهده امیرمؤمنان بود. همین امر درباره حضرت علی بن ابی طالب (ع) در دوران حیات رسول خدا (ص) صادق است؛ یعنی سخنان و نامه های آموزنده آن حضرت (ع) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) صادر شده است. امام حسین (ع) در این دوران به فرمان امیرمؤمنان (ع) در جنگ ها شرکت می کرد و در همین دوران، مبارزه با حکومت ستم، شناخت دوست و دشمن و درس مقاومت و پایداری را فرا گرفت و به منتهی ظهور گذاشت.

۱ تابع رهبر

مرحله سوم زندگی آن حضرت (ع) توأم با امامت امام حسن (ع) بود. در این دوره نیز از سالار شهیدان مطالب چشمگیری نقل نشده است؛ بلکه آن حضرت در مسأله امامت و رهبری، تابع برادر خود، امام دوم شیعیان حضرت حسن بن علی (علیهما السلام) و در نوع نبردها پرچمدار رسمی آن حضرت (ع) بود.

۲ سلطنت اموی

مرحله چهارم، زمانی است که امویان، امام حسن (ع) را مسموم کردند و به شهادت رساندند و معاویه، حکومت خودمختار را به غارت برد و خفقان فکری و عملی بر مناطق مسلمان نشین آن زمان حاکم شد. معاویه، بر پایه شایستگی یا نصب یا شورا به خلافت نرسید؛ بلکه ستمکارانه خلافت را به غنیمت برد و آن را به سلطنت منحوس تبدیل کرد.

از همین رو بود که برخی افراد، پس از حضور در نزد معاویه به جای «السلام علیک یا خلیفه رسول الله» یا تعبیری شبیه این، می گفتند: «السلام علیک ایها المَلِک»؛ یعنی تو خلافت را به سلطنت مبذل کردی.

چون آخرین درجه کمال، مسأله نبوت و امامت بود، دودمان ننگین اموی برای برهم زدن نظام اسلامی از حلقه اخیر (امامت) شروع کردند؛ یعنی بنای اسلام که بر توحید و نبوت و رسالت استوار بود و آخرین خشت آن را ولایت اهل بیت (علیهم السلام) تشکیل می داد و با این مصالح ساختاری و مصالح معماری بنیان مرصوص ساخته شد، بنی امیه برای واژگون کردن این کاخ مجلل الهی، ابتدا امامت را و کم کم نبوت را از آن جدا نمودند و سرانجام نیز وحی و توحید را انکار کردند.

۳ احیاء اسلام

پس از هلاکت معاویه و پایان دسیسه گری های او، مرحله پنجم زندگی سالار شهیدان (ع) آغاز شد که کم تر از یک سال بود، ولی به همه زندگی آن حضرت (ع) بها داد و نهضت ایشان را شهره جهانی کرد و نیز آن حضرت توانست دین غارت شده را احیا کند؛ به طوری که سنت متروک نبوی و علوی، حیات مجدّد خود را باز یافت و بدعت اموی و مروانی رخت بربست. □

۵ دوره زندگی امام حسین (ع)

اشرف اولاد آدم

۱ آیت الله عبدالله جوادی آملی

برای شناخت بیشتر و بهتر امام حسین (ع) باید مراحل زندگانی آن حضرت را به خوبی تحلیل کرد. از نظر تحلیل تاریخی، زندگی سالار شهیدان را می توان در پنج مرحله خلاصه کرد. مرحله پنجم زندگی آن حضرت (ع) روشن کننده سیره ممتاز ایشان است.



۲ مهد پرورش رسول خدا (ص)

مرحله اول، دوران کودکی آن حضرت بود که در مهد پرورش رسول خدا (ص) و صدیقه کبری سیده زنان عالمیان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به سر می برد. هنگامی که پیکر مطهر امام حسین (ع) را در پارچه ای پیچیدند و به حضور ایشان آوردند، پیامبر اکرم (ص) گریست و فرمود: «تقتله الفتنه الباغیه»؛ «گروه ستم گر، او را به قتل می رسانند». در این مرحله، رسول خدا (ص) به بزرگان و سالمندان که اهل ادراک و حدیث بودند، امامت آینده امام حسین (ع) را خبر می دادند؛ اما برای افراد خردسال که نمی توانستند علوم اسلامی را از محضر آن حضرت کسب کنند، علاقه خود را به امام حسین (ع) در حدّ عواطف و احساسات بشری خلاصه کرده، به آنان تفهیم می کردند. مثلاً گاهی از منبر فرود آمده و او را می بوسیدند و بر بالای منبر در دامن خود می نشاندند.

۳ نبرد و ایستادگی

مرحله دوم زندگی امام حسین (ع) در پرتو تربیت پدر بزرگوارشان حضرت علی (ع) و بخش کوتاهی از آن در عصر عصمت کبری حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) سپری شد. در این

پیامبر(ص) مجال هر گونه فعالیت ثمر بخش را، از آنان سلب کرده بود.

۱ حزب شیطان

پیامبر اسلام(ص) چشم از جهان برپست، نسل جدیدی، به خاطر سوء سیاست و انحراف دستگاه خلافت، محیط مساعدی برای نمو بقایای ریشه این «شجره خبیثه» فراهم گردید. نقشه های ارتجاعی «بنی امیه» برای بازگشت مسلمانان به دوران «عصر جاهلیت» به تدریج، به مرحله اجرا درآمد، که یکی از اقدام های مؤثر آن «تثبیت خلافت موروثی» بود.

لازم نیست برای درک اهمیت این خطر، اعمال وحشیانه و انتقام جویانه «یزید» در قتل عام مردم «مدینه» و ویران ساختن خانه کعبه، توسط ابن عنصر آلوده در سال ۶۳ هجری را، شاهد این جنبش ارتجاعی قرار دهیم، بلکه همان جمله کوتاه و پر معنی ابوسفیان گواه این مطلب است. او در حضور جمعی از «بنی امیه» تمام پرده ها را بالا زد و گفت: «تلقفوها یا بنی امیه تلقف الکره، فوالذی یحلف به ابوسفیان ما ین جنه ولا نار» «شما ای بنی امیه! سرعت کنید و گوی خلافت و ریاست را از میدان برابید، سوگند می خورم: نه بهشتی در کار است و نه دوزخی».

آیا حسین(ع) فرزند اسلام و فرزند پیامبر(ص) و تربیت یافته دامان وحی، وظیفه ای جز این داشت که برای حفظ موجودیت این آیین پاک، برای کوبیدن این جنبش ارتجاعی، و برای احیای اصول حق و عدالت – که می رفت با گسترش سلطه بنی امیه به کلی برچیده شود – قیام کند و آخرین ریشه های این «شجره خبیثه» را قطع نماید؟

امام حسین(ع) این رسالت بزرگ را با فداکاری بی نظیر خود و به قیمت خون پاک خود و فرزندان و یارانش انجام داد. درست است که در آن روز مردم ظاهرین شهادت آن حضرت را، پیروزی دیگری برای یزید و بنی امیه می دیدند، ولی حوادث بعدی ثابت کرد که مسلمانان با الهام گرفتن از قیام امام حسین(ع) دست به قیام های پی در پی زدند و پس از مدت کوتاهی آخرین بقایای این شجره خبیثه را درهم کوبیده و برای همیشه نابود گردید.

بنابراین چرا ما حسین(ع) را دوست نداشته باشیم؟ و ازدل و جان، به او عشق نورزیم؟ در حالی که او ما و آیین مقدس ما را با خون پاک خود نجات داد؟ و راه و رسم فداکاری، آزادی، شهادت و افتخار، جانبازی و فضیلت، تسلیم نشدن در برابر کجروی ها و ستمگری ها، مردانگی و شهادت را به بشریت آموخت؟

او به حق رهبر آزادگان و سرسلسله شهدای راه خدا است، و همین موضوع است که به تاریخ زندگی او رنگ ابدیت بخشیده و دل های آزادگان و مجاهدان و مردم با ایمان و حق طلب را به سوی خود مجذوب ساخته است.

۱ جاودانه و جهانی

اگر شخصیت امام حسین علیه السلام جاودانی و جهانی است به این دلیل است که سستی حق و باطل، پیکار

چرا عاشورا همیشه زنده است؟

شورش در خلق عالم

۱ آیت الله جعفر سبحانی



«إِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحَ الْهَدَى وَ سَفِينَةَ النِّجَاحِ . حَسِينَ بْنِ عَلِيٍّ (ع) . چراغ هدایت و رستگاری و کشتی نجات از غرق در مهلکه ها است». گردش روزگار و پی در پی آمدن شب و روز، حوادث و رویدادهای جامعه را به دست فراموشی می سپارد. گاهی رویدادی در وسعت یک کشور رخ می دهد اما چیزی نمی گذرد که از آن اثری جز در لابلای کتاب ها باقی نمی ماند. اما در این میان برخی رویدادها هر چه زمان بگذرد تازه تر و عمیق تر جلوه می کند، تو گویی این حادثه امروز رخ داده است. وجه این چیست؟

آنچه می توان گفت این است که بخش دوم نوعی ارتباط با خدا و فطرت انسانی دارد و چون خدا برای بشر فراموش شدن نیست و انسان هم با فطرت همراه است، هر خدایی که با این دو محور پیوند داشته باشد هرگز از قلوب و اذهان فراموش نمی شود، از این قبیل است نهضت انبیاء بالآخر پیامبران اولوالعزم.

مراسم عاشورا – بدون شک – همچنان انگیزترین حرکتی است که در طول سال در محیط ما برگزار می گردد. مراسمی است پر شور، پراحساس، همگانی، تکان دهنده و در عین حال فراموش نشدنی که با گذشت قرون و اعصار، هرگز از شکوه آن کاسته نمی شود، بلکه همچون امواجی که هر چه از مرکز پیدایش خود دورتر می گردد، پدیده دایره دار تر و وسیع تر می شود، همچنین نهضت حسینی هر سال از سال پیش گسترده تر می گردد. ولی با این تفاوت که امواج دریا با توسعه خود ضعیف تر می گردند ولی موج عاشورا، هم وسیع تر و هم نیرومندتر می شود. این هم از عجایب تاریخ کربلاست!

با این همه برخی درست نمی دانند انگیزه اصلی از این قیام خونین چه بود؟ حسین(ع) به دنبال کدام هدف قدم برمی داشت؟ چرا نام «سالار شهیدان» در تاریخ برای او جاوید ماند؟ و چرا تاریخ زندگی او این قدر احساس انگیز و تکان دهنده است؟

۱ احیاء فضایل انسانی

تاریخ با صراحت می گوید: هنگامی که پیامبر(ص) برای نشر آیین توحید و شکستن بت ها، برای درهم کوبیدن امتیازات غلط و ناروا، برای احیاء فضایل انسانی قیام نمود، به موازات آن، یک حزب نیرومند با نقشه های وسیع شیطانی در برابر او تشکیل گردید. اعضای اصلی این حزب را رباخواران مکه، ثروتمندان ستمگر، صاحبان زر و زور، استثمار کنندگان طبقات ضعیف، تشکیل می دادند و در رأس آنان مردی به نام «ابوسفیان بن حرب بن امیه» بود.

آن ها با پیروی از اصل «الغایات تبرر الوسائط» (هدف، وسیله را توجیه می کند!) از هر وسیله ای برای پیشبرد مقاصد شوم خود، استفاده می نمودند، با دروغ، تهمت، شکنجه افراد، و افروختن آتش جنگ ها، برای خاموش کردن نور خدا می کوشیدند. به همین دلیل بخشی از تاریخ اسلام را می توان در مبارزه پیامبر و یارانش (حزب الله) با این حزب شیطانی خلاصه کرد. در نهایت اسلام ریشه دار و پرمایه، پس از مدتی، اساس این حزب را درهم کوبید و هسته مرکزی آن را به کلی از هم متلاشی ساخت.

سرنخانبان این حزب شکست خورده که پس از فتح مکه و سقوط آخرین پایگاه آنان به دست ارتش نیرومند اسلام، چون تاپ کمترین مقاومتی در خود نمی دیدند، تغییر قیافه داده و ابوسفیان و یارانش به حسب ظاهر اسلام آوردند و از مصونیتی که اسلام به افراد با ایمان می داد استفاده نموده و یک «حزب زیرزمینی» تشکیل دادند و نقشه های تخریبی خود را به طور سری، تعقیب نمودند. اما نفوذ و قدرت اسلام و هوشیاری و تدبیر فوق العاده

اصلاح و قطع ریشه های گندیده حکومت جائرو سامان دادن به نظام اسلامی است.

سرور آزادگان با شهادت خود در روز عاشورا حیات جاودانه پیدا کرد و لذا امروز هم حسین (ع) زنده است زیرا مکتب او زنده است.

نه تنها حسین سلام الله علیه زنده است بلکه کلیه یاران او که در عاشورای حسینی شربت شهادت نوشیدند، زنده هستند، از اینجا می توان گفت همه انقلابیون جهان که برای خدا، و رفع ظلم از زندگی مستضعفان برخاسته اند در پیشگاه خدا زنده هستند، چنان که می فرماید: (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ) (آل عمران: ۱۶۹) «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.» کلام خود را با سه بیت به پایان می رسانم:

پایان زندگانی هرکس به مرگ اوست
جز مرد حق که مرگ وی آغاز دفتر است
آغاز شد حیات حسینی به مرگ او
این قصه رمز آب حیات است و کوثر است
سربازی حسین سرافرازی حسین
امروز زینت سر هراتاج و افسر است



نهضت حسینی

تنها مربوط به

عصر خود نیست

بلکه یک مکتبی

است برای بشر

که در مقابل

نظام های فاسد

و مستبد، دست

روی دست

نگذارند و به

مبارزه عدالت

طلبانه در راستای

احقاق حقوق

انسان ها برخیزند

عدالت با بیدادگری، مخصوص قوم و ملت و زمان و مکان معینی نیست. پیشوای جهان اسلام پیغمبر گرامی (ص) سال ها پیش از شهادت فرزندش امام حسین (ع) این حقیقت را پیش بینی کرده و فرمود: «شهادت امام حسین (ع) آن چنان شعله ای از عواطف و احساسات را در دل های مردم با ایمان برمی افروزد، که هرگز سرد و خاموش نمی گردد، نیز اشاره به همین واقعیت است.

اکنون که مادر آستانه عاشورای حسینی قرار گرفته ایم جهان اسلام حرکت جدیدی در خود احساس می کند، درهای مساجد و حسینیه ها و مأتم ها، گشایش نویی پیدا کرده و مداحان و گویندگان راز نهضت حسینی را مطرح می کنند.

نهضت حسینی تنها مربوط به عصر خود و زمان خویش، یا در مقابل خصوص حاکم ملحد خود نیست، بلکه یک مکتبی است برای بشر که در مقابل نظام های فاسد و مستبد که هر نوع آزادی را از انسان ها سلب می کنند، دست روی دست نگذارند و به مبارزه عدالت طلبانه در راستای احقاق حقوق انسان ها برخیزند و خدا با آن هاست، چنان که می فرماید: (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ) و لذا حسین بن علی (علیهما السلام) می فرماید: «اَنْتِ لَمْ أُخْرَجْ بَطْرًا» تا اینکه می فرماید: «اَنْتِ خَرَجْتَ لِلْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى»، من هرگز برای خوش گذرانی دست به این نهضت نزده ام، بلکه نظرم



رزق‌های معنوی محرم

بزم مقربان

■ حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری

رزق‌ها دو دسته‌اند گاهی ظاهری‌اند گاهی باطنی و رزق‌های پوشیده‌ای هستند که خدای متعال در پوشش آن رزق را قرار داده است. گاهی نکته در پوشش بودنش هم حرمت آن‌ها است مثل قرآن «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ، فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ» (واقعۀ ۷۷-۷۸) تا خودش رفعت پیدا نکند، نمی‌تواند به آن رزق‌های باطنی راه پیدا کند یا لاقل آن رزق‌ها را بشناسد. ممکن است آن رزق به آن برسد ولی درک ظهور آن رزق احتیاج به توجه و تذکر اضافه‌ای دارد. بعضی رزق‌ها همیشه هستند، بعضی رزق‌ها ایام خاص دارند که باید خودمان را در معرض آن رزق‌ها قرار بدهیم و مواظب باشیم فرصت‌ها از دست نرود. در مطلب پیش رو درباره رزق معنوی محرم صحبت می‌کنیم. ■

رزق اصلی محرم این است که انسان به تصمیم‌های بزرگ برسد. خدا رحمت کند استاد عزیزی ایشان می‌فرماید من تصمیم‌های بزرگ‌ام را عمدتاً در کنار سفره سیدالشهدا و در ماه محرم گرفتم. واقعاً این‌طور است. خیلی‌ها این‌طورند. یک محرم تائب می‌شوند. مطهر می‌شوند. سفره‌امام حسین وقتی پهن می‌شود سفره تحولات عظیم است. چه روح‌های بزرگی که توبه می‌کنند و توبه‌شان حقیقی است و واقعاً می‌رسند به مقصد.

بنابراین رزق ماه محرم رزق اصلی که تقسیم می‌شود اگر انسان بتواند بهره‌بردار این است که انسان به معیت و همراهی سیدالشهدا برسد. این معیت معیت ظاهری فقط نیست یعنی همه قوای انسان همسفر سیدالشهدا باشد. در این سیرالی‌الله با امام حسین سیر کند، جزو آن‌هایی باشد که بار خودشان را انداختند در سایبان منزل سیدالشهدا. این رزق اصلی محرم است و این شدنی است فرصتش هم تمام شدنی نیست می‌شود انسان جزو کسانی باشد که به این رزق برسد.

توصیه امام رضا(ع)

یک رزق‌هایی است که مقدمات درک این رزق است. پنج دستور را امام رضا(ع) در روز اول محرم به ریان این شبیب دادند. بعد از اینکه محرم را توضیح دادند و واقعۀ عاشورا را آنجا در آغاز این بیان نورانی حضرت به ریان‌الشبیب می‌فرمایند: محرم ماهی است که اهل جاهلیت هم حرمتش را نگاه می‌داشتند. این امت نه حرمت ماه را نگاه داشتند و نه حرمت رسول را. بعد حضرت توضیح می‌دهند اهل بیت ایشان را به شهادت رساندند. سه کار کردند، هم زنان ایشان را زنان اهل بیتشان را به اسارت بردند که خیلی مصیبت عظیمی است. در نقل است از امام سجاد سؤال کرد چرا این قدر گریه می‌کنید؟ شهادت عادت شما است. کرامت شما است. ظاهر ابوجهمه ثمالی عرض کرد. حضرت فرمودند: بله ولی اسارت سابقه نداشت در ما. فرمود مردان را به شهادت رساندند زنان اهل بیت پیغمبر را به اسارت بردند و خیمه‌های حضرت را غارت کردند یعنی غارت، اسارت و قتل. دیگر هیچ حرمتی نگاه نداشته نشده برای پیامبر.

پس اول حضرت توضیح می‌دهند این صف بندی با نبی اکرم است. موضوع سیدالشهدا است ولی از این فراتر صف بندی با وجود مقدس رسول‌الله است و در این جهاد اعظم عالم دو صف شده است. حضرت می‌فرمایند شما سعی کنید خودتان را به صف حضرت سیدالشهدا برسانید. پنج دستور هم می‌دهند. یک دستورات این است که فرموده‌اند: إِنَّهُ بِكِتَابِ عَلِيِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَّيْكَ غَفَرُ اللَّهِ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانُ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانُ أَوْ كَثِيرًا. اگر گریه بر سیدالشهدا کنی به طوری که اشک بر گونه‌ات جاری شود همه گناهات کوچک و بزرگ، ریز و درشت آمرزیده می‌شود. این اولین دستورات برای رسیدن به همراهی با سیدالشهدا. اگر به کسی رزق بکا بدهند که البته سؤالات زیادی اینجا است. اصل بکا بر سیدالشهدا اکسیر اعظم است. یک مس

از آیات قرآن و از روایات این استفاده می‌شود که یکی از چیزهایی که در انسان قساوت قلب می‌آورد و نمی‌گذارد انسان از شرایط بهره بگیرد و بهره بدهد، قلب قسی است. «فَهِيَ كَالْجِبَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْجِبَارَةِ لِمَا يُتَفَقَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ» (بقره ۷۴) قلب قسی به قساوت رسیده، داد و ستدی ندارد، منجمد است.



یکی از چیزهایی که قساوت قلب می‌آورد طول عمر است. آدم خیال کند فرصت خیلی زیاد است. آدم مبتلا به طول امل می‌شود خیال می‌کند فرصت‌هایش طولانی است و قساوت قلب می‌گیرد. محرم هم همین‌طور است. آدم باید مواظب باشد از فرصت‌ها زود استفاده کند. یکی از خصوصیات اصحاب سیدالشهدا که بزرگان فرموده‌اند آن‌ها را ممتاز کرد همین سرعت داشتن‌شان است یعنی مبتلا به قساوت نمی‌شدند، خیال نمی‌کردند حالا خیلی وقت زیاد است. تازه امام حسین را دم کربلا می‌بیند، می‌گوید داریم گندم می‌بریم یمن برای زن و بچه‌ها و جا می‌ماند. بنابراین محرم همین‌طور است. هر محرمی که می‌آید گویا درهای محرم از نو گشوده می‌شود. ما می‌توانیم به ساحت محرم ورود پیدا کنیم.

رزق اصلی این است که روز عاشورا ما در کربلا خودمان را ببینیم و این شدنی است. آدم می‌تواند یک جوری استفاده کند از این بهره‌برداری‌های ماه محرم که گناه روز عاشورا که می‌رسد حجاب بین ما و حضرت برداشته شود و واقعاً با همه وجود آماده این هستیم که سپر حضرت شویم و حضرت نماز بخوانند. آن تحولاتی که باید اتفاق بیفتد در انسان تا به انسان به این نقطه برسد، خصوصیات اصحاب در او پیدا شود در دهه محرم ممکن است.

معیت با امام

بنابراین اصلی‌ترین رزق این ایام این است که انسان به معیت با امام برسد که بابش بسته نیست. اگر چه شهدای کربلا مثل ندارند. در بعضی روایات است در کامل‌الزیارات و غیره و اینکه انسان می‌تواند به همراهی آن‌ها برسد. این همراهی را شما در زیارت عاشورا مکرر می‌خواهید هم در دنیا هم در آخرت: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزَقَتِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ این غیر شفاعت دنیا است وقتی شامل حال تان شد و تَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ يَذَلُّوهُمْ مَهْجَرُهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام. نمی‌خواهم بگویم حتماً این عبارت است. شاید این ثبات قدم لاقل ثبات قدم در برزخ و قیامت هم باشد، یعنی ما می‌توانیم به اینجا برسیم که این ثبات قدم را داشته باشیم و این رزق اصلی محرم است.



حضرت نامه‌ها را در آورد گفت: شما نامه نوشتید. اول انکار کردند. حضرت خورجین بزرگ نامه را آورد. فرمود انکار نکنید. همان‌هایی که دعوت کرده بودند آمده بودند صف بسته بودند.

یک گریه‌ای این است که آدم وقتی مظلومیت سیدالشهدا را می‌بیند بر محرومیت خودش از نصرت سیدالشهدا گریه می‌کند. این هم یک نوع گریه است که در زیارت ناحیه شاید به این اشاره شده *فَلَيْتَنِي أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ الْبَيْتَةَ* نمی‌خواهم بگویم حتماً این استقلالند *نَبْكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً*، *وَلَا بُكْيَيْنَ لَكَ بَدَلُ الدُّمُوعِ دَمًا*. اگر من به تأخیر افتادم تقدیر الهی این بود. این قدر گریه می‌کنم به خاطر اینکه نبودم کمکت کنم و جان بدهم تا شعله‌های مصیبت جان من را بگیرد. این هم یک نوع گریه است.

یک نوع گریه هم بحث محرومیت و اینها نیست. بحث این است که چرا من نبودم سپر شوم. این خیلی گریه خوبی است. انسان وقتی بلای ولی خدا را می‌بیند نگران است که من لا اقل قطعه قطعه می‌شدم بعد بدن شما هدف قرار می‌گرفت. سعید بن عبدالله بعد از نماز ظهر گفت حلقه محاصره دشمن تنگ شده من بیش از این نمی‌توانم غربت شما را ببینم، اجازه بدهید من بروم نباشم. در توانم نیست بیشتر از این. قمر بنی‌هاشم در آخرین لحظه همین را عرض کرد که سینه‌ام تنگ شده. این یک قسم است.

ولی یک قسم بکا این است که آدم بر خود واقعه گریه می‌کند. این هم اقسامی دارد عالی‌ترین درجه‌اش این است که انسان ارتباط سرشتی پیدا کند و به مقام حب برسد. این گریه‌ای که از سر حب است هیچ طمع و توقعی ندارد و اگر رشته محبت برقرار شد و انسان به امامش متصل شد آن چیزی که خیلی قیمتی است این است که حال امام منتقل به ما شود من این عبارت را این طور ترجمه می‌کنم بزرگان معنا کنند که *يَخْرُجُونَ لِحُرْنِئَا* معنای لطیف‌اش این است که حزن امام در آدم می‌آید. بهترین بکا این است که انسان در یک موقعی قرار بگیرد که تحولات حال امام در انسان جاری شود. □



.....

گریه‌ای که از سر حب است هیچ طمع و توقعی ندارد و دوست می‌دارد و اگر رشته محبت برقرار شد و انسان به امامش متصل شد آن چیزی که خیلی قیمتی است این است که حال امام منتقل به ما شود

تا بخواهد در سیر طبیعی خودش طلا بشود ممکن است هزاران سال در زیر زمین بماند و فعل و انفعالات اتفاق بیفتد و این بشود طلا، ولی اگر اکسیر بزنند سرعتش زیاد می‌شود و فوری می‌شود طلا. یک اکسیرهایی ما در تحولات معنوی داریم. یکی از این اکسیرها بکا بر سیدالشهدا است. اتصال به سیدالشهدا که سرچشمه طهارت است که بکا حاصل این اتصال است. انسان تا مرتب نشود نمی‌تواند گریه کند. این اتصال است که طهارت می‌آورد. آدم وقتی به دریا وصل شد نجس هم باشد پاک می‌شود.

امام سرچشمه ظهور است. آب ظاهر ما را پاک می‌کند. امام آن آب سرچشمه حیاتی است که ظاهر و باطن را شستشو می‌دهد. یک راه اتصال بکا است. ظاهر و باطن آدم را هم طاهر می‌کند. پس اثر اصلی بکا مال اتصال به امام است. این است که اتصال می‌آورد.

نکته دوم اینکه بکا اقسامی دارد. یک قسم تباکی است، یعنی آدم اهل اشک نیست به زور از خودش اشک می‌گیرد. یعنی می‌خواهد جزو گریه کنندگان باشد. دوست دارد تلاش می‌کند جزو آن‌ها بشود. هنوز حالت بکا به او ن داده‌اند. این ارزشمند است. حضرت فرمود اگر تباکی هم بکنید، به زور از خودتان اشک بگیرید هم آموزیده می‌شوید. در مرحله تحول حال نیست، اتصال پیدا نکرده اما سعی می‌کند خودش را ملحق کند. این خودش فضیلت دارد این روایت را در باب بکا برای دعا دیدم حضرت فرمود: «بهترین حالت شما حالت قرب به خدا حالت سجده و بکا است»، کسی در حالت سجده گریه بکند از خوف خدا از محبت خدا حالاتی در او پیدا می‌شود.

۱ اشک خوف

اشک هم اقسامی دارد. من دیده‌ام بزرگان گاهی تقسیم کرده‌اند. یک قسم اشک، اشک خوف است. یک عزیز بزرگی می‌فرمود من یکی از گریه‌هایم از اول محرم گریه خوف است. من خیلی نگرانم نکند دنیا ما را مثل اهل کوفه از امام حسین جدا بکند. مقابل امام حسین قرار بدهد.

تبارشناسی کوردلان در حماسه عاشورا

فرزندان جهل و ظلمت

| دکتر سید جعفر شهیدی

یکی از نکاتی که در حادثه عاشورا قابل تأمل است، آن است که تنها پنجاه سال پس از رحلت رسول خدا (ص)، امام حسین (ع) را به بدترین وجه کشتند و خاندان



وی را به اسارت گرفتند. چه عواملی باعث این حادثه شد؟ نقش کوفیان و مردم عراق در این حادثه چه بود؟ نتیجه‌های قیام سیدالشهدا (ع) در تاریخ چه بود؟ نهضت عاشورا قیامی بزرگ بود، قیامی که آن روز به ظاهر بی نتیجه ماند، اما نتیجه نه که نتیجه‌ها در پی داشت و هنوز هم دارد؛ در این، جای سخن نیست. در برپایی این نهضت چه کسانی شریک بودند؟ و چه می خواستند؟ اینجاست که سخن بسیار است و کمتر بدان توجه شده است. چنانکه می دانیم این نهضت پنجاه سال پس از رحلت رسول صلی الله علیه و اله و سلم آغاز گردید و برپا کنندگان آن عراقیان بودند.

عراقیان چه مردمی بودند و چه می خواستند؟ همگی مسلمان بودند و با سالار نهضت هم آواز؟ چون او از بدعت‌ها که در دین پدید آمده بود رنج می بردند؟ و می گفتند: «می خواهیم سنت مرده را زنده و بدعت زنده را بمیرانیم»؟ اگر چنین بود پس چرا نهضت، پایانی چنان غم انگیز گرفت؟ در کتاب «پس از پنجاه سال» در این باره تحلیلی کرده‌ام و با توجه به جامعه‌شناسی تاریخ ریشه‌های آن را یافته‌ام و گمان دارم اگر همه کسانی که در این باره تحقیق می کنند بدین دقیقه توجه فرمایند با من هم سخن خواهند شد. پس باز هم می پرسم عراقیان یا پدیدآورندگان نهضت چه کسانی بودند؟ خلاصه پژوهش من این است. عراقیان گروه‌هایی چند بودند و هر گروهشان، از این نهضت، رسیدن به هدفی خاص را در نظر داشت:

۱. مردمی که از روزگار رسول خدا (ص) تا سال‌های نخست حکومت اموی، سادگی اسلام را دیده بودند و از عدالت اسلامی آگاهی داشتند، سپس آن دوره را با آنچه جای آن را گرفت می‌سنجیدند و بر روزگار گذشته دروغ می‌خوردند، چنان که شیوه هر نسلی است که چون پارا از مرزهای چهل و پنجاه سالگی فراتر می‌نهد می‌گوید: چه روزگار خوشی بود؛ یاد باد آن روزگاران، یاد باد.





.....

در بسیاری از
شهرهای شبه
قاره هند و برخی
سرزمین های
مسلمان نشین
تعزیه سرایی
و نوحه سرایی
است که نخست
دل ها را به سوی
حسین (ع)
کشاند، سپس
گردن آنان
را به امامت
پدر و فرزندان
حسین (ع)
درآورد. امروز نیز
چنین است و
به خواست خدا
چنین خواهد بود

۲. گروهی که پایبند دین و احکام اسلام بودند و می دیدند چگونه حدود شریعت معطل مانده و فقه اسلام و سنت رسول (ص) بازیچه حکومت ها گردیده است، اینان خون دل می خوردند و روی به خدا می بردند که خدایا برسان آن را که بدعت ها را بزداید و سنت ها را زنده نماید.

۳. گروهی که سال ها پیش برای شرکت در فتح اسلامی و برخورداری از غنیمت های جنگی از بیابان های نجد و تهامه به راه افتاده بودند و در پادگان ها به سر می بردند، آسیب های جنگی برای آنان بود و بهره گرفتن از بیت المال برای دیگران، بدین رو فرصت می بردند تا برخیزند و حق خود را بگیرند.

۴. مردمی از ایران که پیش از درآمدن سپاهیان مسلمان بدان سرزمین جاهی یانانی داشتند و آن را از دست دادند، ناچار رو به عراق نهادند، بیشتر در کوفه و کمتر در بصره رخت افکندند، از عجم رانده و در دیده عرب خوار، به ظاهر آرام و در نهان دست به کار.

۵. مردمی که داستان های درگیری لخمی و غسانی را دهان به دهان شنیده بودند و به خاطر داشتند که پدران شان سال ها با مردم سرزمین های شمال عربستان می جنگیدند و اکنون می دیدند شام مرکز خلافت اسلامی است و عراقیان ریشخند شامیان اند.

۶. کسانی که فریب وعده های دروغین معاویه را خوردند و علی (ع) و فرزندان او را رها کردند و چون معاویه بر مسند نشست آنان را از خود راند و این روش حکومت های خودکامه بوده و هست.

۷. سودجویانی که بهره گیری را در اوضاع آشفته می بینند و می کوشند تا چنین پیش آید و از آن بهره گیرند. اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کوفه را که آن روز سیاستگزار عراق بودند این مردم تشکیل می دادند. اینان همگی در یک چیز یک سخن بودند «حکومت دمشق برافتد و عراق مرکز خلافت اسلامی شود». اما همه آنان حکومت دین و زمامداری فرزند رسول خدا (ص) را می خواستند؟ چنانچه نوشتیم جای سخن بلکه سخن هاست. سرانجام گروه ها دست به کار شدند.

در اجتماعی که دین هر چند به ظاهر مورد پذیرش همگان باشد بیشتر از هر چیز مردم را به نام دین می توان به راه انداخت، پس نهضت باید به نام دین آغاز شود و شخصیتی که همه این گروه ها او را می پذیرند، اداره کننده اش گردد، چه کسی بهتر از پسر دختر پیامبر که هیچ گاه با حاکم شام بیعت نکرد.

پایان غم انگیز نهضت را همه می دانید و چنانکه نوشتیم تحلیلی از آن را در کتاب «پس از پنجاه سال» آورده ام؛ اما با شهید شدن حسین (ع) خون نخوابید. یزید به گمان خود نهضت را خاموش ساخت؛ لیکن پنداری باطل بود و از

خامی چون وی جز آنچه کرد انتظار نمی توان داشت. این نهضت، به ظاهر خاموش شد ولی هیچ گاه از سوزش نیفتاد، گاه با قیام سلیمان پسر صرد که مردی مخلص بود و گاه با حکومت مختار که به نام خونخواهی سالار شهیدان پایه های حکومت خود را برای مدتی کوتاه محکم ساخت؛ و از آن پس وسیله ای گردید برای آنان که از دست حاکمان اموی در رنج بودند و چنانکه می دانیم تیره ای از عرب از حکومت آنان دل خوش نداشت، کوشید تا با یاری خراسانیان و همه آن گروه ها که بر شمردیم و در هر عصر و هر نهضتی دست به کار می شوند حکومت را سرنگون کردند اما به جای «الرضا من آل محمد»، «الرضا من آل عباس» پیش از پانصد سال بر سرزمین های اسلامی خلافت کرد.

در همه این آشوب ها و قیام ها دسته ای که کمتر بهره گرفت دوستان را راستین رسول الله (ص) و آل علی (ع) بودند که زبان هایشان همان را می گفت که دل هایشان می خواست و آنان که در حکومت آل عباس بیش از همه ستم دیدند فرزندان رسول خدا بودند که از دم تیغ گذشتند و یا در سیاه چاله ها پوسیدند و یا از ترس جان گمنام در دهکده ها و بیغوله ها به سر می بردند.

و پایان کار بعضی از آنان را در مقاتل الطالبیین ابوالفرج و دیگر کتاب ها می توان دید. از پس این ناکامی ها بود که شیعیان راستین و دل بستگان به خاندان پیغمبر دردهای درونی را در قالب چکامه ها ریختند و با سوزناک ترین تعبیرها، مظلوم بودن خود را به گوش این و آن رسانیدند. نوحه گری درون خانه ها آغاز شد، سپس به مسجدها و حلقه های عزاکشید. نمونه ای از این سوگواری ها و سروده ها را در کتاب زندگانی فاطمه (س) آورده ام و به سال ۳۵۲ هجری که زنان شیعه روی سیاه کردند و با گریبان چاک در بازارهای بغداد به راه افتادند، صفحه ای تازه در تاریخ عزاداری سالار شهیدان گشوده شد و آن چنان مؤثر افتاد که تاریخ نویسان سنی آن سال را سنه البدعه نامیدند. هر چه سالیان می گذشت بر شمار این مردم می افزود.

همین عزاداری ها بود که اندک اندک پایه های حکومت بنی عباس را به لرزه درآورد. نمونه هایی از این مرثیه ها را تاریخ از آغاز سده دوم ثبت کرده است، لیکن مسلماً آغاز آن از روز حادثه، یا اندکی پس از آن بوده است، اما به دست ما نرسیده است. در سروده های شاعران کشورمان پیش از سده هشتم هجری در این باره نمونه هایی اندک می بینیم اما در سده های دهم تا امروز کمتر شاعری است که با سرودن مرثیه ای، ارادت خود را به خاندان پیامبر نشان نداده باشد؛ و این مرثیه ها و عزاداری ها بود که هر سال گروه های تازه ای را به تشیع درمی آورد.

در بسیاری از شهرهای شبه قاره هند و برخی سرزمین های مسلمان نشین تعزیه سرایی و نوحه سرایی است که نخست دل ها را به سوی حسین (ع) کشاند، سپس گردن آنان را به امامت پدر و فرزندان حسین (ع) درآورد. امروز نیز چنین است و به خواست خدا چنین خواهد بود. □



محرم فرصتی برای تربیت فرزندان

سبک زندگی حسینی

محمد حسین افشاری

کنند. آن‌ها باید تلاش کنند آثار تربیتی به دست آمده از مراسم عزاداری بعد پایان این ماه نیز حفظ شود و پس از تمام شدن محرم و مراسم عزاداری نکات تربیتی را فراموش نکنند. برخی ماه محرم و عزاداری روزهای عاشورا و تاسوعا را تنها یک مراسم مذهبی و فرصتی برای رسیدن به ثواب می‌دانند؛ اما چنین نگرشی درباره این واقعه عظیم درست نیست؛ عاشورا و محرم گنجینه بزرگ فرهنگی و تربیتی است که همه افراد جامعه بدون توجه به گروه سنی و جنسیتشان می‌توانند در آن مشارکت داشته باشند و از آن بهره‌مند شوند.

از سوی دیگر وجود هویت دینی و اسلامی افراد یک جامعه است که می‌تواند عاملی باشد برای ایجاد آرامش روان و ساختار شخصیتی هر فرد؛ در این راستا والدین زمانی که با مشارکت کودکان مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان را برگزار می‌کنند، به کودکان در ایجاد و شناخت هویت اسلامی و دینی‌شان کمک می‌کنند تا خود را شایسته شرکت در این مراسم بدانند و در بسیاری از مواقع؛ زمانی که در معرض مشکلات قرار گرفتند بتوانند خویشتندار باشند و در زمان سختی بهترین انتخاب را داشته باشند. کودکان باید در مراسم عزاداری هم پای بزرگترها مشارکت داشته باشند تا توانایی فهم و نحوه شرکت در عزاداری‌ها را پیدا کنند. آن‌ها می‌توانند در بخش‌های مختلف عزاداری مانند پذیرایی کردن، نصب پرچم و... مشارکت داشته باشند و این امر کمک می‌کند تا کودکان تجربیات مختلفی در زمینه دین اسلام کسب کنند. تجربیات دینی برای کودکان مقدمه هویت دینی است. کودکان معمولاً آنچه را که تجربه می‌کنند بیشتر در زندگی مورد استفاده قرار می‌دهند و شرکت در عزاداری یکی از بهترین فرصت‌ها برای کسب این تجربه دینی است.

تأثیر محیط

فضاهای تربیتی، محیط خانه و مدرسه بر تربیت کودکان اثر گذارند و والدین در کنار تغییر پوشش کودکان باید محیط خانه را نیز برای این ایام آماده کنند و از کودکان بخواهند در آماده سازی محیط خانه به ایشان کمک کنند و با نظرخواهی از کودکان، نشان دهند مشارکت کودکان برایشان چقدر مهم و با ارزش است. برای مثال والدین

ایام محرم هر سال یادآور خاطرات کودکی است. روزهایی که مادران لباس‌های مشکی‌مان را می‌پوشاندند و در مراسم عزاداری شرکت می‌کردیم. روزهایی که در ذهن ما سؤال‌هایی درباره امام حسین(ع)، کربلا، شهادت و... به وجود می‌آورد و پدران و مادران در حالی که اشک می‌ریختند پاسخ سوالات ما را می‌دادند و جرعه جرعه از معارف اهل بیت(ع) در جان ما جاری می‌کردند. در مطلب زیر به جنبه‌های تربیتی محرم اشاره شده است.

بهترین موهبت

جامعه ما به عنوان جامعه‌ای ایرانی اسلامی در مناسبت‌های مختلف حال و هوایش تغییر می‌کند و این تحول، خود نعمت‌ها و موهبت‌های بسیاری را به همراه دارد. فرصت‌های بی‌نظیر همچون اعیاد غدیر، قربان، بعثت و ولادت ائمه اطهار(ع)؛ همچنین ایام سوگواری که مهمترین آن ایام محرم و وفات پیامبر اکرم(ص) است. این مناسبت‌ها هر کدام در دل خود نکات و آموزه‌های تربیتی بسیاری دارند که با اتخاذ تدابیر صحیح و ایجاد فضایی سازنده از این ایام می‌توان بهترین استفاده را در راستای آموزش و تربیت کودکان داشت.

حماسه عاشورا و داستان رشادت‌ها و دلآوری‌های امام حسین(ع) و یارانش آنچنان عظیم و بزرگ است که نمی‌توان آن را فقط متعلق به مسلمانان یا دسته و گروه سنی خاصی دانست؛ کودکان و نوجوانان نیز باید با این واقعه مهم آشنا باشند و در مراسم عزاداری سالار شهیدان پا به پای بزرگترها در عزاداری‌های محرم شرکت کنند. کودکان و نوجوانان به راستی مهمترین شرکت‌کنندگان مراسم عزاداری محرم هستند؛ آن‌ها می‌توانند بیشترین بهره را از شرکت در این مراسم ببرند و آینده جامعه را با سبک زندگی حسینی و با معرفت امام حسین(ع) بسازند. خانواده‌ها نیز با استفاده از نکات اخلاقی و تربیتی این ماه برخی آسیب‌های اجتماعی و فردی اعضای خانواده؛ خصوصاً کودکان را اصلاح کنند. آموزه‌های بسیاری در قیام عاشورا نهفته است که می‌تواند به عنوان فرهنگ تربیتی مورد استفاده قرار گیرد. ایثار، از خود گذشتگی، عرفان، دعا، مناجات، ظلم‌ستیزی، یاری رساندن به مظلومان و هر آنچه به عنوان زندگی متعالی مد نظر است در این حماسه وجود دارد و می‌تواند به کودکان و نوجوانان دیدگاه متعالی بدهد که آینده خود را به جای مشغول شدن به اهداف پوچ، با انگیزه‌ای بالا بسازند و این فرهنگ می‌تواند در شغل، درس، مسائل اجتماعی، فرهنگی و تشکیل خانواده در آینده به آن‌ها کمک کند. پس خانواده‌ها و متولیان برگزاری مجالس عزاداری از جمله مدیحه‌سرایان و ذاکرین اهل بیت باید نسبت به نکات تربیتی مربوط به کودکان در این ایام حساس باشند.

گنجینه معارف

محرم و مراسم عزاداری که در این ایام برگزار می‌شود بهترین فرصت تربیتی برای خانواده‌ها، کودکان و جامعه است. والدین می‌توانند برای نشان دادن عظمت و اهمیت این واقعه بزرگ قبل از محرم آماده شوند و کودکان را نیز برای شرکت در این مراسم آماده



.....

حضور کودکان
در هیأت‌ها
آماده کردن آن‌ها
برای دوران
نوجوانی است.
حزن عزاداری
ایام محرم، حزنی
خاص و هدفمند
است و باعث
افسردگی کودکان
نخواهد شد؛ بلکه
مقدمه‌ای برای
ایجاد نشاط و
مسئولیت‌پذیری
در آن‌ها است

چند کودک در این مراسم در کنار هم قرار گرفتند نباید مانع از بازی آن‌ها شوند. برگزارکنندگان مراسم عزاداری، سخنرانان و مداحان هم باید در جهت جلب توجه و علاقمند کردن بیشتر کودکان از تذکر دادن به ایشان خودداری کرده و با صبوری بکوشند تا کودکان را با دیگر عزاداران همراه کنند.

یکی از مباحث مهم عزاداری‌های کودکان در ایام محرم شیوه برخورد والدین قبل از عزاداری، حین عزاداری و بعد از مراسم است؛ صبوری والدین در آماده کردن بچه‌ها بسیار موثر است. کودکانی که با عجله آماده می‌شوند یا با تحکم والدین مواجه می‌شوند نسبت به حضور در این مراسم بی‌علاقه خواهند شد. همچنین در زمان مراسم عزاداری باید به سن و کودکی فرزندان توجه داشت و بعد از مراسم نیز باید پاسخگوی سؤالات و ابهامات احتمالی آن‌ها بود. مطمئناً برخورد خشن و تحقیرآمیز با کودکان در این مجالس و پس از آن تأثیرات بسیار بدی بر شخصیت و رویکرد ایشان نسبت به مراسم عزاداری محرم خواهد داشت.

از سوی دیگر شور و هیجان مجالس عزاداری محرم باعث می‌شود تا کودکان به داستان حماسه عاشورا علاقمند شوند و در ادامه پیگیر علل قیام عاشورا شده و با نحوه زندگی امام حسین (ع) آشنا شوند. برخی از خانواده‌ها تصور می‌کنند نیازی نیست که کودکان در سن کم در این مراسم شرکت کنند و با داستان واقعه عاشورا آشنا شوند، اما این تصور غلطی است زیرا اگر کودکان در این مراسم حضور پیدا نکنند و با صداها و آواها آشنا نشوند بعدها حضور پیدا کردن آن‌ها در این مراسم دشوار است.

در اصل حضور کودکان در هیأت‌ها آماده کردن آن‌ها برای دوران نوجوانی است. حزن عزاداری ایام محرم، حزنی خاص و هدفمند است و باعث افسردگی کودکان نخواهد شد؛ بلکه مقدمه‌ای برای ایجاد نشاط و مسئولیت‌پذیری در آن‌ها است. حادثه عاشورا حماسه‌ای خانوادگی است، امام حسین (ع) همراه خانواده به سمت کربلا حرکت کرد در میان اعضای خانواده ایشان هم طفل شیرخوار بود و هم افراد کهنسال؛ حوادثی که در کربلا رخ داد هر تک به تک درس‌های اخلاقی و معرفتی بزرگی است برای همه افراد جامعه و والدین باید بدانند که کودکان این دلاوری‌ها و رشادت‌ها را به خوبی می‌فهمند و با شخصیت‌های حاضر در واقعه کربلا ارتباط برقرار می‌کنند.

در ایام عزاداری محرم خیمه‌های بسیاری برپا می‌شود و افراد زیادی نذری می‌دهند. والدین می‌توانند به کودکان بیاموزند فلسفه و هدف از پخش غذای نذری چیست و بدانند که آن‌ها نیز می‌توانند همانند افرادی که نذری می‌دهند برای باورها و ارزش‌های خود با مدیریت پول توجیبی‌شان در بعضی فرصت‌ها در کارهای خیر مشارکت کنند. همچنین والدین می‌توانند خوراکی کوچکی آماده کنند تا فرزندان در مدرسه آن را به عنوان نذری بین همکلاسی‌های خود تقسیم کند. از سوی دیگر کودکان باید بدانند، کسی که می‌خواهد غذای نذری بگیرد هم اول باید با خویشتنداری به حقوق دیگران احترام بگذارد. □

می‌توانند با نظرخواهی از کودکان کتبی یا پرچم‌ها را نصب کنند و با تعریف داستان مربوط به متون درج شده بر روی پرچم‌ها کودکان را با واقعه عاشورا بیشتر آشنا کنند و با این کار احترام گذاشتن به این ایام را به کودکان آموزش دهند. همچنین خانواده‌ها می‌توانند تکیه‌ها و مساجدی را که مراسم عزاداری‌شان مناسب کودکان است را شناسایی کرده و همراه با کودکان در مراسم عزاداری این مکان‌ها شرکت کنند یا در این زمینه می‌توانند از کودکان نظرخواهی کنند که دوست دارند در مراسم کدام مسجد یا تکیه شرکت کنند. اگر هم والدین علاقمند هستند در مراسم مکان دیگری شرکت کنند بهتر است ابتدا در مجالسی که کودکان پیشنهاد می‌کنند شرکت کنند؛ این رفتار باعث می‌شود کودکان نسبت به مراسم مورد انتخابشان علاقه و پیوند قوی‌تری را احساس کنند.

امروزه در شهرهای بزرگ، بیشتر خانواده‌ها زندگی آپارتمان نشینی دارند و به دلیل کوچک و محدود بودن فضای آپارتمان، کودکان بسیاری از فعالیت‌ها را نمی‌توانند انجام دهند، اما والدین می‌توانند این فرصت را به کودکان بدهند تا مراسم عزاداری کوچکی را به همراه دوستان یا همکلاسی‌هایشان در خانه برپا کنند و خودشان هم تمام کارهای این مراسم را انجام دهند.

□ مقدمه معرفت

کسب معرفت نیازمند شور و هیجان است؛ افراد از طریق وقایعی که در زندگی با آن مواجه می‌شوند و اطلاع از وقایع گذشته نسبت به دنیای اطراف خود شناخت پیدا می‌کنند. واقعه عاشورا یکی از راه‌هایی است که با مطالعه دقیق آن و شور و هیجانی که در ایام محرم هر عاشق دل‌باخته امام حسین (ع) به آن می‌رسد می‌توان به معرفتی رسید که هدف اصلی قیام عاشورا است، پس آگاهی از واقعه عاشورا و شرکت در مراسم محرم را می‌توان مقدمه‌ای برای کسب معرفت دانست.

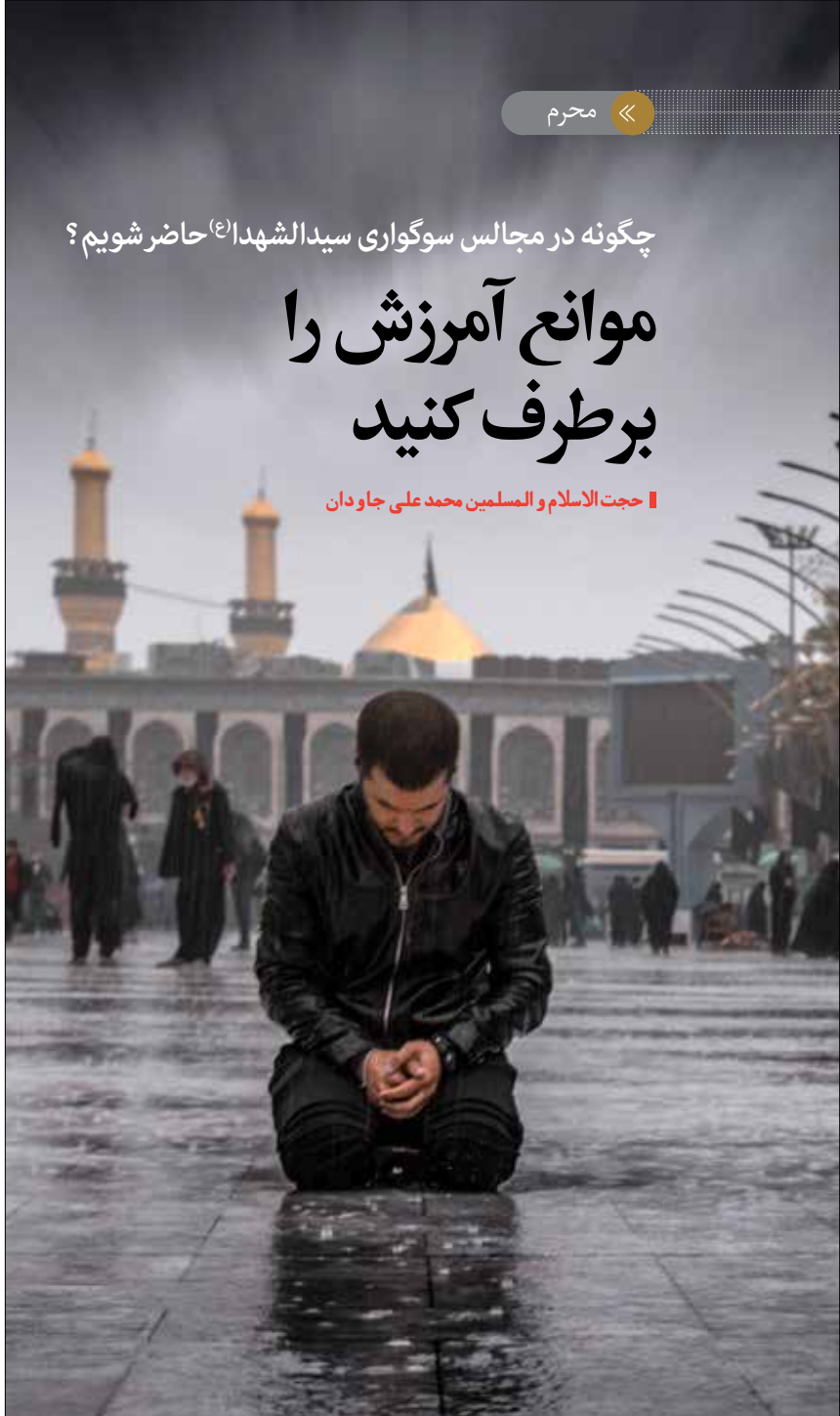
حضور کودکان در اینگونه مراسم باعث می‌شود آن‌ها به دنبال پاسخ این سوال باشند که چرا امام حسین (ع) به همراه اعضای خانواده‌اش در کربلا به جنگ با دشمن رفت. همچنین حضور در مراسم عزاداری یک نوع فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود و کودکان وقتی شور و هیجان اجتماعی را در این مراسم می‌بینند این شور و هیجان به آن‌ها سرایت می‌کند، که تمام این‌ها می‌تواند در کسب معرفت و خودشناسی به آن‌ها کمک کند.

والدین باید توجه داشته باشند که در کنار تمام محسنات شرکت در مراسم عزاداری محرم، فرزندانشان هنوز کودک هستند و اگر در مراسم عزاداری می‌خواهند راحت بنشینند یا اسباب‌بازی همراه داشته باشند نباید مانع کار آن‌ها شوند. اگر کودک زیر ۴ سال را به این مراسم می‌برند حتماً همراه خودشان مقداری غذا، کاغذ و مداد رنگی داشته باشند تا اگر حوصله کودک سررفت سرگرم شود و توجه داشته باشیم نباید کودکان را مجبور کنیم مثل بزرگترها در اینگونه مجالس بنشینند و عزاداری کنند. حتی اگر

چگونه در مجالس سوگواری سیدالشهدا(ع) حاضر شویم؟

موانع آمرزش را برطرف کنید

■ حجت الاسلام و المسلمین محمد علی جاویدان



وقت عزاداری مقبول، اثر دارد. اگر کسی درست عزاداری کند، ولو دو قطره اشک بریزد، ولو یک قطره، در روایت آمده حتی به اندازه بال مگس، به قدری که تنها پلکتان تر شود و حتی جاری نشود، آن اثرات بزرگی که برای عزاداری می‌گویند اینجا است. عزاداری زمانی درست است که فقط برای امام حسین (ع) باشد، هیچ چیز دیگر در آن نباشد، خالص خالص یک کمی از پلک من تر شده. اگر گفتند یک چیزی به دنبال این هست، مربوط به آن زمانی است که این با قصد خالص خاص است. هیچ چیز جز امام حسین (ع) در آن نیست. هیچ چیز جز خدا در آن نیست.

آن چیزی که در روایات ما در مورد عزاداری حضرت امام حسین (ع) آمده است این است که اگر پلکت تر شود، گناهان ترمزیده می‌شود؛ اما شرط اولش این است که خالص باشد و هیچ چیز در آن نباشد. گریه و عزاداری برای امام حسین (ع) یک مقتضی است؛ اما باید مانعی هم وجود نداشته باشد؛ یعنی این تر شدن پلک توانایی دارد که تمام گناهان شما را پاک کند، توانایی دارد. در این مورد روایات بسیار زیادی وجود دارند. به عنوان مثال نمونه‌هایی که در زیارت امام حسین (ع) داریم.

زیارت امام حسین (ع) باعث می‌شود که گناهان گذشته و آینده انسان ترمزیده شود؛ مثلاً زیارت شب جمعه امام حسین (ع) این طور است. شب جمعه خیلی مهم است. اربعین که عالم این طور برایش اهمیت قائل است سه روایت برایش وجود دارد؛ اما در مورد شب جمعه صد روایت وجود دارد. نه یک مضمون، مضامین بسیار ممتازی در مورد زیارت شب جمعه وجود دارد؛ اما باز تمام اینها مقتضی است. اگر ماشین شما بخواهد حرکت کند، شما باید پایت را روی پدال گاز فشار دهید. غیر از آن باید جلویت دیوار نباشد تا حرکت کنی. ببینید روشن بودن موتور و گذاشتن پاروی پدال گاز لازم است. اینها مقتضی است؛ اما باید مانع هم نداشته باشد. این مطالبی که در روایات گفته شده یک یا دو مورد نیست که انسان در آن‌ها شک کند. پس مسلماً این موارد هست.

اما من صد هزار هزار گناه بردوشم هست، وقتی بخشیده شوم نمی‌فهمم؟ نمی‌شود انسان یک تغییر به این مهمی را متوجه نشود. حالا که معلوم نیست چه قدر بار روی دوش ماست، اما باور کنید که کم نیست. اگر این همه باری که روی دوش من است برداشته شود، نمی‌شود که من نفهمم. اگر شما به مجلس امام حسین (ع) آمدی و تغییری را فهمیدی معلوم می‌شود که اثر کرده است. در روایت آمده که همه بارهایت برداشته می‌شود.

اگر برداشته شود، نمی‌شود که من نفهمم. اگر چیزی نفهمیدم، معلوم می‌شود که برداشته نشده. پس موانع هم مسأله است؛ بنابراین روایت تمام گناهان ترمزیده می‌شود، حتماً هم هست و درست هم هست، قطعی و یقینی و مسلم هم هست؛ اما یک مطلب دیگر هم در آن هست و آن اینکه مانع نباشد و مقتضی درست باشد. مقتضی، باید باشد، بدون آن نمی‌شود، مانع هم نباید باشد. اگر مانع نباشد آن مقتضی اثر می‌کند. ■

این دهه خاص عزاداری است. من و شما این دهه را خاص عزاداری قرار نداده‌ایم. ائمه (ع) ما این موضوع را مشخص کرده‌اند. ده روز، دوران عزاداری است. قاعده این است که شما بعد از این که مصیبت واقع شد عزاداری کنید؛ بنابراین ما باید به طور طبیعی از روز عاشورا عزا بگیریم؛ اما امام صادق (ع)، حضرت موسی بن جعفر (ع) و حضرت رضا (ع) فرموده‌اند در این



ده روز عزاداری کنید.

عزاداری نشانه هم‌شکلی ما با امامان است. ما با امامان هم‌شکلیم و کاملاً همراه هستیم. حالا هر که بتواند این همراهی را بیشتر کند بهتر است. اگر شما به قصد درستی نیامده باشید و فقط یک لباس سیاه پوشیدید و به مجلس امام حسین (ع) آمدید، فقط یک سیاهی لشکرید؛ اما اگر می‌خواهید همه چیز حساب شود، قصد درست می‌خواهد. اگر قصدت درست باشد آن

فرهنگ و ادب «

نوشتار نخست این بخش به تجزیه و تحلیل رویکردهای مختلف در تاریخ نگاری حادثه عاشورا می‌پردازد. سپس بخشی از روایت کتاب «فتح خون» را از زبان شهید سید مرتضی آوینی نویسنده این اثر می‌خوانیم. در ادامه داستانی عاشورایی از مرحوم دکتر قیصر امین‌پور شاعر نام‌آشنای انقلاب اسلامی را برگزیده‌ایم. در دوران معاصر نویسندگان به ادبیات منشور عاشورایی اهتمام ویژه مبذول داشتند و آثاری در حوزه داستانی و روایی برای مخاطبان به بازار نشر عرضه شد. در مطلب بعدی ۶ اثر در زمینه داستان و نثر عاشورایی را به شما پیشنهاد می‌کنیم. سپس در گفتگویی با دکتر محمدرضا سنگری، ادیب و عاشورا پژوه مروری بر ۴۰ سال شعر عاشورایی داشته‌ایم و در مطلب بعدی ۶ مجموعه شعر را که تماماً به موضوع عاشورا اختصاص یافته است به علاقمندان ادبیات آیینی معرفی می‌کنیم.



عزای تو حماسه است

شبیّه، شبیه، شبیه

راز رشیدی که فرات بر لب آورد

نگاهی به نخستین گفتمان‌های واقعه کربلا

روایت‌های اولین از رندان تشنه لب

■ سیده رقیه میرابو القاسمی

«براساس روایتی، نخستین وقایع‌نگاری رویداد کربلا، در همان قرن اول هجری و اندک زمانی پس از این رخداد، به رشته تحریر درآمد. نظیر این اثر که تک‌نگاری موسوم به مقتل الحسین (ع) نگاشته قاسم بن اصبح بن نباته مجاشعی بوده، توسط دیگرانی چون جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸)، فضیل بن زبیر اسدی کوفی و عمار بن ابی معاویه به جلی ذهنی (م ۱۳۳) به نگارش درآمد.

هم‌زمان روایات نقل شده از ائمه شیعی (ع)، بخش دیگری از این میراث اولیه را شکل می‌داد که بعدها مجامع حدیثی شیعی به ثبت و ضبط آن پرداختند. این فهرست با مقتل ابومخنف ازدی (م ۱۵۸)، هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۴)، محمد بن عمرو واقدی (م ۲۰۷)، ابوعبیده معمر بن مثنی (م ۲۰۹)، نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۲) و بسیاری دیگر از مؤلفان و مصنفان قرون سوم تا چهارم هجری قمری ادامه می‌یابد.

امروزه از بسیاری از این آثار، جز نام به جای نمانده و از این رو سخن گفتن از چند و چون و سمت و سوی این نخستین گزارش‌ها، در موارد بسیار ناممکن است. با این حال درباره برخی از آن‌ها با نقل قول‌های به جای مانده در آثار متأخر مواجهیم و معدودی نیز به طور کامل یا ناقص بر جای مانده‌اند.

□ رویکرد عاطفی

از میان گروه نخست، کهن‌ترین گزارش رویداد کربلا یعنی گزارش قاسم بن اصبح بن نباته، به استناد چند روایت به جای مانده از آن حائز اهمیت است. این مسأله که اصل این روایت چگونه بوده، روشن نیست؛ اما روایات به جای مانده از آن، سمت و سوی گزارش این نباته را بیش از هر چیز حاوی گفتمانی عاطفی می‌نماید که عقوبت دنیوی برخی از مسیبان فاجعه کربلا را به تصویر می‌کشد.

چنین گفتمانی، در روایت عمار دهنی (اصل این یک نیز به جای نمانده است) به نقل از امام محمد باقر (ع) به چشم نمی‌خورد و این گزارش مختصر، در انعکاس رویداد کربلا گفتمان تاریخی را ترجیح داده است. درباره گزارش ابومخنف ازدی که تا امروز معتبرترین و مستندترین گزارش به جای مانده از رخداد کربلا به شمار می‌رود، گفتمان تاریخی بازترین ویژگی محتوایی است. این گزارش نیز به لحاظ بر جای نماندن اصل آن، مشابه نمونه‌های پیشین است، با این تفاوت که محتویات این اثر از چند طریق و به شکلی بسیار کامل تر نقل شده است. گفتمان تاریخی وقعه الطف، البته شاکله اصلی آن را تشکیل داده و به نحوی محسوس بر سراسر این گزارش سیطره دارد. با این حال نباید آن را اثری تک‌گفتمانی به شمار آورد، چه، در بخش‌هایی از آن با گفتمان‌هایی عاطفی و ماورائی نیز مواجهیم.

به فاصله کمی از حماسه عاشورا روایت عاشقی مردان خدا توسط مورخان و محدثان در صفحات تاریخ ضبط شد و پس از آن نیز سنت زنده نگه داشتن یاد سالار شهیدان بخشی از آیین کتابت شیعی را رقم زد. نویسندگان در طول تاریخ از منظر گفتمان‌های مختلف از جمله تاریخی، عاطفی و... به واقعه کربلا نگریسته‌اند. نوشتار پیش رو به تجزیه و تحلیل این رویکردها در اولین روایت‌ها از عاشورا خواهد پرداخت. ■





گزارش محمد بن سعد کاتب واقدی (۱۶۸-۲۳۰) که متن کامل آن تا امروز بر جای مانده، پس از گزارش ابومخنف، از مهم ترین منابع مورد استناد درباره واقعه کربلا است. این گزارش، نه اثری مستقل که بخشی از اثر مهم وی طبقات الکبری است و به لحاظ محتوایی، سمت و سویی کاملاً متفاوت و حتی مغایر با گزارش های پیشین دارد.

۴. رویکرد ماورائی

گفتمان ابن سعد به شکلی محسوس گفتمانی غیر تاریخی است که حتی آن بخش از اخبار که به صورت خبر تاریخی نقل شده نیز بیش از آن که نمایان گر روایتی تاریخی باشد، داستان پردازی تاریخ گونه می نماید که (صرف نظر از تناقضات صریح آن با اخبار مسلم تاریخی) نمی توان عنوان گفتمان تاریخی را بر آن اطلاق کرد. ویژگی بارز این اثر، برخورداری از گفتمان ماورائی و عاطفی است که تمامی رویداد کربلا را در قالب حادثه ای از پیش مقدر به تصویر کشیده است.

خلیفه بن خیاط (۲۴۰) دیگر گزارش گری است که در همان روزگار ابن سعد، در سال نگاری تاریخی اش، اشاره مختصری به رویداد کربلا کرده است. گزارش او با برخورداری از گفتمانی تاریخی، در نقطه مقابل گزارش ابن سعد قرار دارد؛ هر چند که به دلیل نقل اخبار گزینشی که تفصیل برخی از آن ها و اختصار برخی دیگر، از هیچ منطق موجهی پیروی نمی کند، حذف بسیاری از وقایع مهم و نیز سکوت کامل خبری اش درباره مهم ترین بخش رویداد یعنی وقایع ده روزه کربلا، نوعی مشابهت با گزارش ابن سعد نشان می دهد. ضمن آن که گزارش وی حاوی تفاوت های قابل توجهی با گزارش های مشابه است.

گزارش کوتاه ابن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶) در الامامه و السیاسة (البته این اثر منسوب به اوست و به دلیل اشتباهات تاریخی اش، سندیت آن مورد تردید قرار دارد) به لحاظ تناقضات محتوایی و جنبه های داستان پردانه اش، طبقات ابن سعد را به خاطر می آورد، با این تفاوت که گفتمانی تمام تاریخی دارد. این ویژگی، البته نکته مثبتی به شمار نمی رود، چه، تفاوت های چشمگیر محتوایی این گزارش با دیگر گزارش های واقعه کربلا و اشتباهات و حذفیات صورت گرفته در آن، به گونه ای است که اصالت گفتمان تاریخی آن را زیر سؤال برده است.

هم زمان با ابن قتیبه، احمد بن یحیی بلاذری (۲۷۹) بخشی از کتاب انساب الاشراف را به گزارش مفصلی از رویداد کربلا اختصاص داده که روز شمار آن از زمان حیات معاویه و دعوت کوفیان از امام حسین (ع) برای قیام علیه معاویه آغاز می شود.

تفصیلی بودن این گزارش، البته به معنای کامل بودن آن نیست؛ چنان که جز تصاویری ناقص از رخداد کربلا عرضه نشده و به لحاظ تحریفات صورت گرفته، آشفتنگی

اطلاعات، روایت اخبار کاملاً گزینشی، فقدان نظم و ترتیب تاریخی در نقل اخبار و کم رنگ بودن گفتمان تاریخی، نمونه ای مشابه روایت ابن سعد است. در این جا نیز گفتمان غالب، گفتمان عاطفی است با حاشیه ای کم رنگ از گفتمان ماورائی که با اخبار گزینشی آن متناسب می نماید.

۴. رویکرد تاریخی

احمد بن داود (ابوحنیفه دینوری (م ۲۸۲)) از دیگر مورخان این روزگار است که ارائه گزارشی تفصیلی از واقعه کربلا را در قالب گفتمانی تاریخی ترجیح داده است. وضوح این گفتمان در سرتاسر کتاب چنان چشم گیر است که حتی وجود رگه هایی از گفتمان های عاطفی و ماورائی نیز خدشه ای بدان وارد نکرده و از اهمیت آن نکاسته است.

این ویژگی اما در تاریخ یعقوبی (م ۲۸۴) چنین وضوحی ندارد و به رغم تاریخ نگاری بودن اثر، تأکیدات و توجهات خاص یعقوبی به گفتمان های غیر تاریخی در ترسیم وجوه مختلف واقعه کربلا، حاکی از کم اهمیت بودن وجه تاریخی این رویداد نزد او است. البته گفته شده که وی اثری موسوم به مقتل الحسین (ع) نیز داشته که بر جای نمانده است. در صورت صحت این خبر، بی تردید اصلی ترین رویکردهای وی درباره رخداد کربلا، در آن جا منعکس بوده است؛ با این حال عدم یادکرد از چنین اثری در فهرست نگاری های کهن، احتمال این که چنین اثری به اشتباه به وی منسوب شده باشد، دور از ذهن نیست.

در همین روزگار، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار (م ۲۹۰) در اثر ویژه اش بصائر الدرجات الکبری گفتمان ماورائی پیرنگی عرضه کرده است. بصائر، البته اثری حدیثی و مناقبی است که هیچ گزارشی از واقعه کربلا در آن نمی توان یافت؛ اما روایات مندرج در آن درباره امام حسین (ع) که گاه اشاراتی غیر مستقیم به واقعه کربلا دارند، چگونگی رویکرد مؤلف به این واقعه را که گفتمان ماورائی در آن، محوریتی اساسی دارد، به روشنی نشان می دهند.

احتمالاً در همین قرن است که در بخشی از کتابی موسوم به تاریخ الخلفاء از مؤلفی مجهول، مقتل الحسین (ع) مفصلی بر مبنای گزارش ابومخنف (البته با برخی تفاوت ها) گنجانده شده است. مؤلف انگیزه خود از شرح و بسط گزارش واقعه کربلا را بی نظیر بودن آن در تاریخ بر شمرده و موضع گیری های آشکار وی به نفع جناح امام (ع) و خاندان پیامبر (ص) بر تشیع یا گرایش های شیعی قوی او صحه می گذارد، به ویژه آن که گزارش خود را با لعن بر دشمنان امام و اهل بیت (ع) به پایان برده است. با این حال این گزارش عقیدتی، گفتمان سراسر تاریخی او را تحت الشعاع قرار نداده و در تمامی گزارش او، اندک موارد مربوط به گفتمان های عاطفی و ماورائی نیز قالب همان گفتمان تاریخی را به خود گرفته است. □

احمد بن داود
از دیگر مورخان
این روزگار است

که ارائه گزارشی
تفصیلی از واقعه
کربلا را در قالب
گفتمانی تاریخی

ترجیح داده
است. وضوح
این گفتمان در
سرتاسر کتاب

چنان چشم گیر
است که حتی
وجود رگه هایی

از گفتمان های
عاطفی و ماورائی
نیز خدشه ای

بدان وارد نکرده
و از اهمیت آن
نکاسته است

آشنایی با ۶ اثر داستانی درباره عاشورا

عزای تو حماسه است

هرچند که شعر آیینی یا تکیه بر حماسه عظیم حسینی در ادبیات فارسی سابقه طولانی دارد لیکن خلق آثار داستانی در این باره کمتر مورد توجه ادبای ماقرار داشته است. خوشبختانه در دوران معاصر نویسندگان به این مسأله اهتمام ویژه مبذول داشتند و آثاری عاشورایی در حوزه داستانی و روایی نیز برای مخاطبان به بازار نشر عرضه شد. در این مطلب ۶ اثر در زمینه داستان و نثر عاشورایی را به شما پیشنهاد می‌کنیم. ■

حسین علی (درود خداوند براو)

کتاب «حسین علی» تنها کتاب غیرشعری استاد محمدحسین مهدوی سعیدی (م. مؤید) است که اول بار توسط شرکت چاپ و نشر بین‌المللی در سال ۱۳۸۶ منتشر شد. محمدحسین مهدوی سعیدی که با تخلص شعری م. مؤید شناخته می‌شود، متولد ۱۳۲۲ در نجف اشرف است و از شاعران مدرن و موج نو به حساب می‌آید. مؤید در کتاب «حسین علی» در فصل‌هایی متعدد و کوتاه به روایت واقعه عاشورا می‌پردازد کتاب از حرکت امام از مدینه آغاز می‌شود و با شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین به پایان می‌رسد. کتاب «حسین علی» در مقایسه با کتاب‌های دیگر در این زمینه دارای ویژگی‌های منحصر به فرد زیادی است مهم‌ترین ویژگی کتاب مستند بودن روایات آن است کتاب در عین حال که از لحاظ ادبی اثری ارزشمند و قوی است ولی از لحاظ روایات تاریخی نیز متکی بر منابع متعدد و موثق است و در پایان هر فصل از این منابع نام برده شده است دیگر ویژگی‌های کتاب «حسین علی» نثر منحصر به فرد مؤید است. مؤید که خود دارای تحصیلات حوزوی است و بر زبان عربی تسلط کامل دارد در این کتاب کمتر از لغات عربی استفاده کرده است و سعی نموده در این مقتل گونه فارسی جایگزین‌های مناسب و هنرمندانه‌ای برای لغات و عبارات عربی بیاورد و ترجمه‌ای بدیع از احادیث و روایات ارائه کند و آخرین نکته این که در بعضی از فصل‌های کتاب شعرهایی در قالب‌های کلاسیک نواز موبد در رثای سالار شهیدان و یاران‌شان آورده شده است که خواننده‌شان خالی از لطف نیست.

بخش ابتدایی فصل ۶۷ با عنوان «کربلا، چرایی گزینش» را با هم می‌خوانیم: «کربلا، همان جای که حسین علی در آن کشته شد - خداوند پذیره‌اش گردد - در سوی خشکی سرزمین کوفه است خُرآن گروه را واداشت در همان جا فرود آیند، بی آب و آبادی. و این بیست و سومین جای فرود او بود. و آن روز، روز پنج شنبه بود؛ روز دوم محرم سال شصت و یک. و خربا سپاهیان‌ش کناری او فرود آمد.

سید می‌فرماید: و چنین شد که هرگاه رفتن می‌آغازید، باز می‌داشتند گاهی، و هم پایش می‌شدند گاهی دیگر؛ تا به کربلا رسید. و این دوم محرم بود. و چون بدان جا رسید، فرمود: «نام این سرزمین چیست؟» گفتند: «کربلا». فرمود: «فرود آید؛ به خدا سوگند! اینجا است جای فرودمان و جای فرو ریختن خونمان. به خدا سوگند! اینجا است نگاره‌های گورهایمان. به خدا سوگند! اینجا است شکنج گاه به بند گرفتار آمدن بانوانمان. نیایم - درود خداوند بر او - چنین مرا فرمود.»

پس فرود آمدند و توش و وثه در سویی از فرات نهادند و خرگاه حسین برای خاندان و پسران و دخترانش برپا شد. همچنین خرگاه برادران و عمو زادگان برپا شد کنار خرگاه او؛ و خرگاه یاران و همراهان نیز و خرفرود آمد حسین را در کربلا، برای عبیدالله نوشت.



• نویسنده: محمدحسین مهدوی سعیدی (م. مؤید)

• انتشارات: امیرکبیر

۴ فراموشان

کتاب «فراموشان» اثری در حوزه ادبیات عاشورایی از داوود غفارزادگان نویسنده نام آشنای معاصر است که توسط انتشارات قدیانی به چاپ رسیده است. داوود غفارزادگان از نویسندگان با سابقه معاصر است که تا به حال آثار متعددی از وی چه در زمینه ادبیات بزرگسال و چه در زمینه ادبیات کودک و نوجوان منتشر شده است.

کتاب «فراموشان» نیز یکی از آثار وی در حوزه ادبیات نوجوان است که در داستان‌هایی جداگانه ولی به هم پیوسته به وقایع عاشورا می‌پردازد یکی از نکات قابل توجه در رابطه با این کتاب راویان آن افرادی هستند که تا به حال کمتر به آن‌ها پرداخته شده است افرادی نظیر: تامه؛ والی مدینه، همسر زهیر بن قین، یکی از سربازان حرین زید ریاحی و... نکته دیگر درباره این کتاب، نحوه روایت نویسنده است. تاکنون در مقاتل، حادثه عاشورا و وقایع قبل و بعد آن، در یک روایت کلی و یکپارچه بیان می‌شد. نهایتاً با یک فصل بندی، بخش‌های مختلف این ماجرا از هم تفکیک می‌شد، اما کل واقعه در قالب یک روایت بود. در حالی که غفارزادگان این واقعه را به شکل داستان‌هایی جداگانه دیده است که هر کدام هم راوی خود را دارند. این داستان‌ها وقتی کنار هم چیده می‌شوند، کلیت حادثه کربلا و شهادت امام حسین (ع) را ترسیم می‌کنند، ولی به تنهایی نیز دارای مزیت و معنا هستند.

قسمتی از کتاب «فراموشان» در ادامه آمده است:

«می‌بینید که با من چه کردند؟ میان زباله‌ها نشسته‌ام و زخم‌هایم را با سفال می‌تراشم. گفتند که طاقت بوی ناخوشایندم را ندارند و زخم‌های کربهم را نمی‌خواهند ببینند. زن و فرزندانم را از من دور کردند و مرا آوردند در این مزبله‌ها ساختند. برادر زخم آورد! آن کفتار پیر سگ کش. می‌دانید! وقتی از شما سگان یکی‌ها می‌شود، اوست که می‌آید برای کشتن. و مرا چون سگی‌ها را آورد و اینجا رها کرد.

هرچه نالیدم و التماس کردم، گوش نداد. می‌گفت: وقت مردنت رسیده، قیس! و از روی گاری پرتم کرد میان زباله‌ها. همه بودید و دیدید. ایستاده بودید بالای بلندی و زبان سرختان بیرون بود.

این قدر نزدیک نشوید! چه می‌خواهید از جانم؟ مگر من لاشه‌ام که می‌خواهید بدریدم؟ کمی عقب‌تر بروید! نفستان که به صورت می‌خورد، می‌لرزم... لااقل بگذارید سینه‌ام را خالی کنم! مگر فقط من بودم؟ کدام یک از این کوفیان نبودند؟ همه آنجا بودند. آن‌هایی که توان جنگیدن نداشتند، مثل شما ایستاده بودند بالای بلندی. منتظر بودند که کار یکسره شود. من میان سربازان بودم. همه آمده بودند برای غارت، همه بودند. من هم یکی از آن‌ها. وقتی نامه نوشتند که «بیای حسین»، من هم بودم.

مگر آن‌ها نبودند که مسلم را تنها گذاشتند و گماشتگان پسر مرجانه در کنج در خانه طوعه او را به سنگ و تیر مجروح کردند و گرفتند؟! پادشان رفته وقتی مسلم از مسجد بیرون آمد، هیچ یک از آن‌ها پشت سرش نبود!

مگر من او را غریب و تنها در کوچه‌های تاریک رها کردم؟ مگر همه نخزیدند به کنج خانه‌ها، که من هم نرفته باشم؟ خب، زن و فرزند داشتم و از پسر زیاد، مثل شما سگان می‌ترسیدم. مگر یادم رفته بود که پدرش با پدران ما چه کرد؟ آن‌ها را از همین نخل‌های کوفه به دار آویخت و دست و پایشان را برید. عبدالله پسر عمو بود! با شمشیر آخته و انبان پر از طلا آمده بود و من یکی از این مردمان، بیشتر نبودم...»

۵ نامیرا

کتاب «نامیرا» رمانی در حوزه ادبیات عاشورایی از صادق کریمیار نویسنده و کارگردان معاصر است که اول بار در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات کتاب نیستان منتشر شد. پیرنگ اصلی رمان «نامیرا» داستان عاشقانه دختر و پسر از اهالی کوفه است که در متن وقایع عاشورا قرار می‌گیرند و بدون منفعت طلبی‌های روزافزون مردم کوفه به دنبال حقیقت هستند. اما در میان رفتارهای متناقض سرداران بزرگ کوفه، بین حمایت از امام حسین (ع) و یافاداری به یزید سرگردانند.

صادق کریمیار که پیش از این بیشتر به عنوان فیلمنامه نویس و کارگردان شناخته می‌شود در چند سال اخیر با انتشار چند رمان و داستان خود را به عنوان یک داستان نویس جدی نیز مطرح کرد. از دیگر آثار کریمیار می‌توان به رمان‌های غنیمت، دشت‌های سوزان و درد



• نویسنده: داوود غفارزادگان

• انتشارات: قدیانی



• نویسنده: صادق کریمیار

• انتشارات: نیستان

اشاره کرد.

بخشی از زمان «نامیرا» را مرور می‌کنیم:

«...مرد ایستاد و دوباره رو به عبدالله برگشت. عبدالله به سوی او رفت. گفت: «من هم پسر فاطمه را شایسته تراز هم برای خلافت می‌دانم، اما در حیرتم که حسین چگونه به مردمی تکیه کرده که پیش از این، پدرش و برادرش، آن‌ها را آزموده‌اند و اکنون نیز به چشم خویش دیدم کسانی را که او را دعوت کردند، به طمع بخشش‌های ابن زیاد چگونه به پسر عقیل پشت کردند و هانی را تنها گذاشتند. به خدا سوگند تردید ندارم که این مردم حسین را در مقابل لشکر شام تنها خواهند گذاشت. یزید به خونخواهی ابن زیاد خون‌ها خواهد ریخت.»

مردم آرام گفت: «آیا حسین بن علی اینها را نمی‌داند؟! »

«اگر می‌داند، پس چرا به کوفه می‌آید؟»

مرد گفت: «او حجت خدا بر کوفیان است که او را فراخوانند تا هدایت‌شان کند.»

عبدالله گفت: «چرا در مکه نماند، آن‌هم در روزهایی که همه مسلمانان در آن جا گرد آمده‌اند. آن‌ها نیاز به هدایت ندارند؟»

مرد گفت: «آن‌ها که برای حج در مکه گرد آمده‌اند، هدایتشان را در پیروی از یزید می‌دانند و یزید کسانی را به مکه فرستاد تا امام را پنهانی بکشند، همانطور که برادرش را کشتند. و اگر ما را در خلوت می‌کشتند، چه کسی می‌فهمید، امام چرا با یزید بیعت نکرد؟»

عبدالله گفت: «می‌توانست به یمن برود یا مصر یا به شام برود و با یزید گفتگو کند.»

مرد گفت: «اگر معاویه با گفتگو هدایت شد، فرزندش هم هدایت می‌شود؛ و اما اگر به یمن یا به مصر می‌رفت، سرنوشتی جز آنچه در مکه برایش رقم زده بودند، نداشت. اما حرکت او به کوفه، آن‌هم با اهل بیت، بیش از هر چیز یزید را از خلافتش به هراس خواهد انداخت و مسلمانان را به فکر.»

خواست برود لختی مکث کرد و دوباره رو به عبدالله برگشت و گفت: «و اما من! هرگز برای امام خویش تکلیف معین نمی‌کنم، که تکلیف خود را از حسین می‌پرسم. و من حسین را نه فقط برای خلافت، که برای هدایت می‌خواهم. و من... حسین را برای دنیای خویش نمی‌خواهم، که دنیای خویش را برای حسین می‌خواهم. آیا بعد از حسین کسی را می‌شناسی که من جانم را فدایش کنم؟»

ورفت. عبدالله مات ماند. وقتی مرد دور شد، عبدالله لحظه‌ای به خود آمد. برگشت و اسب خویش را آورد و مرد را صدا زد: «صبر کن، تنها و بی مرکب هرگز به کوفه نمی‌رسی!» مرد ایستاد و افسار اسب را گرفت و گفت: «بهای اسب چقدر است؟» «دانستن نام تو!» مرد سوار بر اسب شد: «من قیس بن مسهر صیداوی هستم. فرستاده حسین بن علی!» و تاخت. عبدالله مانند کسی که گویی سال‌ها در گمراهی بوده و تازه راه هدایت را یافته بود، به زانو نشست و سرش را میان دست‌ها گرفت...»

۱ شماس شامی

کتاب «شماس شامی» یکی از رمان‌های مجید قیصری از نویسندگان مطرح معاصر است که چاپ سوم آن توسط نشر افق در اختیار علاقمندان ادبیات قرار گرفته است. مجید قیصری در «شماس شامی» با نگاهی کاملاً جدید و بدیع به سراغ واقعه عاشورا را رفته است که مهمترین امتیاز کتاب به حساب می‌آید. راوی کتاب خادم جالوت سفیر روم در شام است. سفیر روم در دربار شام، طی اتفاقات بعد از ماجرای کربلا ناپدید می‌شود و کل کتاب نامه‌های خدمتگزار او (شماس) به مأمور امپراتوری روم است که برای پیگیری این قضیه به شام آمده. شماس واقعه را از زمانی که زمزمه‌های شورش علیه خلیفه در شام پیچیده بود، تا ورود اسرا به دربار یزید و کمی بعد از آن نقل می‌کند. در حقیقت در «شماس شامی» حوادث عاشورا از زبان شخصی خارجی است که شناخت چندانی از اوضاع و احوال اعراب و مسلمانان ندارد. بخشی از کتاب در ادامه آمده است:

«جنگ هنوز تمام نشده داستان‌های بسیاری از کشته‌ها و اسرا شنیده می‌شد که باورش برای من کمی سخت بود. اما این داستان بین راهبان دیردهان به دهان می‌گشت. شاید اخبار به این علت زودتر از جاهای دیگر به دیر و راهبان می‌رسید که آن‌ها بیشتر به امور ماوراء طبیعی علاقه دارند تا امور طبیعی. همان طور که طبیعت راهبان دیر اقتضا می‌کند، انتظار می‌رفت از همان ابتدای شورش کاری به جنگ و نتیجه جنگ نداشته باشند و این برای من که آدمی دست پرورده سیاست و استدلال بودم، سخت عجیب می‌آمد.

این اخبار کمتر از یک هفته پس از خاتمه جنگ بر سر زبان‌ها افتاده بود. می‌گفتند تعداد شورشیان کم‌تر از دویست تن بوده. راهبان دیر می‌گفتند این چگونه جنگی بوده است که ناراضیان خلیفه جوان، زن و بچه‌های خود را به میدان درگیری آورده‌اند؟ آن چه راهبان دیر از احوال شورشیان شنیده بودند بیش تر به آوارگی و بی خانمانی می‌مانست تا شورش علیه خلیفه! با این جنبه از حرکت شورشیان کاری ندارم، حرف و نقل‌هایی که بعد از جنگ شروع شده بود بسیار شنیدنی تر بود. در آن حال که اخبار مربوط به اسرا را می‌شنیدم به این فکر می‌کردم که لشکریان خلیفه که توانسته بودند. به ضرب تیغ شمشیر صدای مخالفان خود را قطع کنند، حالا به چه حربه‌ای می‌خواستند جلوی شایعات بعد از جنگ را بگیرند؟ اخباری که در دل راهبان دیر (ما کافران) رسوخ کرده بود، با مسلمین که دیگر معلوم است چه می‌کند!

به عنوان نمونه می‌گفتند: «وقتی که سربازانه محافظ اسرا، سرفرمانده دشمنان خلیفه جوان را روی تخته سنگی گذاشته‌اند تا استراحت کنند، چکه‌ای خون تازه بر تخته سنگی چکیده و از دل سنگ، خون تازه‌ای جوشیدن گرفته!» وقتی این داستان را برای سرورم تعریف کردم، می‌دانید چه گفتند؟ گفتند: «هم چون سربارک حضرت یحیی نبی.»

۱ آنجا که حق پیروز است

کتاب «آنجا که حق پیروز است» یکی از سه گانه‌های عاشورایی پرویز خرسند نویسنده و شاعر نام‌آشنای معاصر است که یازدهمین چاپ آن توسط انتشارات کتاب نیستان منتشر شده است. پرویز خرسند با کتابهای «آنجا که حق پیروز است»، «برزگران دشت خون» و «مرثیه‌ای که ناسروده ماند» از پیشگامان عرصه ادبیات آئینی و عاشورایی محسوب می‌شود. وی در «آنجا که حق پیروز است» با رویکردی کاملاً مستند به سراغ واقعه عاشورا رفته است ولی در عین حال زبان و بیانی ادبی و هنرمندانه دارد. بخش‌هایی از این کتاب در کتب درسی مدارس نیز آورده شده است. بخشی از کتاب «آنجا که حق پیروز است»:

«...حسین به سوی مرگ می‌شتابد و می‌رود تا سینه را آماج پیکان دشمن سازد. آیا همراهی‌اش کنیم؟ آیا ما همچون او از همه چیز بگذریم و با پای خود به کام مرگ رویم؟ یا به زندگی‌مان بیندیشیم و جان خود را حفظ کنیم؟... این فکرو اندیشه در مغز همه به وجود آمد و به معارضه پرداخت: در آن دوردستها شرف هست و افتخار، عظمت است و پاکی، اما پایی راهوار و نیرویی شگرف و قلبی آهنین می‌خواهد و اینجا سکوت است و سکون، آسایش است و لذت، پول است

و شهرت و تنها رسیدن به این‌ها فقط به چند کرنش و تعظیم و اظهار چاکری و عبودیت احتیاج دارد. کدام یک را باید انتخاب کرد؟
آیا نیرویی هست که به راه افتد؟ آنجا که خورشید بی دریغ به همه جا نور می‌پاشد. آنجا که حق حکومت می‌کند. آنجا که ... و آنجا که انسان‌ها آزاد زندگی می‌کنند و زنجیر بافان از بیکاری در حال مرگند. راهی بس دشوار دارد. تنگه‌های مرگ باز و گشوده‌اند، کویرهای خشک دامن گسترده‌اند، گرگان گرسنه دهان باز کرده‌اند و سنگلاخ‌ها به انتظار نشستند تا پاهای برهنه پیشروان را در هم شکافند و از راهشان بازدارند، اما در برابر عشقی بزرگ و مقدس، تاب مقاومت ندارند. اگر آرزوی چنان دیاری در دل خانه کرده، باید از این راه پرخطر گذشت و نمی‌توان گذشت مگر این که عشق خدا به دل و شمشیر آزادی در دست گرفت...

طلسم سنگ

کتاب «طلسم سنگ» مجموعه نثرهای عاشورایی دکتر سید حسن حسینی شاعر و پژوهشگر معاصر است که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است. سید حسن حسینی از شاعران شناخته شده انقلاب اسلامی است که اشعار زیادی با مضامین انقلابی در سالهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده است و پس از سال‌های دفاع مقدس به صورت جدی به شعر آئینی روی آورد و در اوایل دهه هفتاد مجموعه شعر عاشورایی «گنجشک و جبرئیل» از وی منتشر شد که جریان تازه‌ای در حوزه شعر عاشورایی به راه انداخت. حسینی علاوه بر شعر در حوزه‌های مختلف نثر نظیر نقد، ترجمه و نثر ادبی نیز فعالیت داشت و چند اثر نیز در این زمینه منتشر کرد. مجموعه نثرهای عاشورایی «طلسم سنگ» اول بار در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو منتشر شد و در بردارنده یازده نثر عاشورایی پیوسته است که در جای جای آن برای زیباتر شدن کار و همچنین تأثیر گذاری بیشتر از اشعار شاعران کلاسیک استفاده شده است. عناوین کتاب عبارتند از: چهل سال در چهار ثانیه، راز ماندگاری کربلا، تصویرنامه شقایق، در ذکر شام عاشورا، نمایی از شهادت حر، با چنگ‌های خمیده قامت، دست‌هایی از این دست، تنهایی امام پس از شهادت همه یاران، فصلی با سالار صبوران، با چارمین چکاد و هفت منزل تا بهار کربلا. بخشی از نثر «با چنگ‌های خمیده قامت» در ادامه آمده است:

«راوی: چگونه بود که کلام امام همام جز در جان حزن گرفت؟
سروش: گوهر پاک به باید که شود قابل فیض، ورنه هر سنگ و گلی لولو و مرجان نشود!
راوی: مگر باران نبود که می‌بارید از ابر کریم گلی حسین؟
سروش: باران بود و از جان حر، شکوفه‌های ابدی پرکشید و در شوره زار جان «تن‌بندگان» زمانه، جز بر خار و خس نیفزود!
راوی: مگر می‌شود آفتاب عالم تاب را ندید!
سروش: آن که پشت به آفتاب ایستاده است، جز سایه خود را نمی‌بیند! لشکریان عمر سعد در رکاب راهنمای گمراهشان، پشت به آفتاب صدای حسین (ع) تا ختند و جز سایه «خود» که سایه شیطان است ندیدند!

راوی: در واپسین دم، حربا مولای خود چه‌گونه دم زد؟
سروش: عرض کرد: ای زاده نبی خدا! آیا از من راضی شدی؟
راوی: حسین چه گفت؟
سروش: سالار کربلا فرمود: آری از تو راضی شدم! تو به راستی که حرو آزاده‌ای، همان گونه که مامت تو را آزاد نامید!

راوی: پس از رستگاری حر، جوانان بسیاری به میدان شدند و مردانه جنگیدند و حریم رسول الله را از هجوم اشقیای درامان داشتند! تا آنکه نوبت به پیران رسید.
راوی: شگفتا پیران پیرو به میدان درآمده‌اند؟

سروش: پیرو و جوان زهم نکنند فرق، شور عشق، اینجا فلک به قد دو تا رقص می‌کند!
راوی: گویا مسلم بن عوسجه و حبیب بن مظاهرند که با قامت کمائی، شمشیر حمایل کرده‌اند و به قصد اذن میدان به محضر امام می‌رسند!

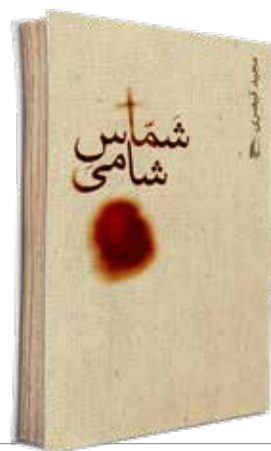
سروش: اذن میدان می‌طلبند و امام این پیران را از جهاد معاف می‌دارد.
راوی: می‌پذیرند!

سروش: آه از نهادشان برآمده به زبان حال عرضه می‌دارند: قد خمیده ما سہلت نماید اما، بر چشم دشمنان تیر از این کمان توان زد...» □



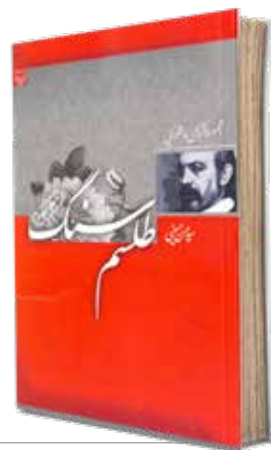
• نویسنده: پرویز خرسند

• انتشارات: نیستان



• نویسنده: مجید قیصری

• انتشارات: افق



• نویسنده: سید حسن حسینی

• انتشارات: سوره مهر



• نویسنده: علیرضا مختارپور

• انتشارات: موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی

قافله عشق به روایت سید شهیدان اهل قلم باب شیدایی در فتح خون

■ سید مرتضی آوینی

حسین، روی به راه نه که خداوند می خواهد تو را در راه خویش کشته بیند. محمد بن حنیفه گفت: «انا لله وانا الیه راجعون.»

راوی: عقل می گوید بمان و عشق می گوید برو و این هر دو، عقل و عشق را، خداوند آفریده است تا وجود انسان در حیرت میان عقل و عشق معنا شود، اگرچه عقل نیز اگر پیوند خویش را با چشمه خورشید نبرد، عشق را در راهی که می رود، تصدیق خواهد کرد؛ آنجا دیگر میان عقل و عشق فاصله ای نیست.

عبدالله بن جعفر طیار، شوی زینب کبری (س) نیز دو فرزند خویش «عون» و «محمد». افرستاد تا به موکب عشق بپیوندند و با آن دو، نامه ای که در آن نوشته بود: «شمارا به خدا سوگند می دهم که از این سفر بازگردی. از آن بیم دارم که در این راه جان دهی و نور زمین خاموش شود. مگر نه اینکه تو سراج منیر راه یافتگانی؟...» و خود از عمرو بن سعید بن عاص درخواست کرد تا امان نامه ای برای حسین بنویسد و او نوشت.

راوی: عجب! امام مأمّن کره ارض است و اگر نباشد، خاک اهل خویش را یکسره فرو می بلعد و اینان برای او امان نامه می فرستند... و مگر جز در پناه حق نیز مأمّن هست؟ عقل را ببین که چگونه در دام جهل افتاده است! و عشق را ببین که چگونه پاسخ می گوید: «... بهترین امان، امان خداست و آنکس که در دنیا از خدا نترسد، آنگاه که قیامت برپا شود در امان او نخواهد بود. و من از خدا می خواهم که در دنیا از او بترسم تا آخرت را در امان او باشم...»

عبدالله بن جعفر طیار بازگشت، اگرچه زینب کبری (س) و دو فرزند خویش عون و محمد را در قافله عشق باقی گذاشت.

راوی: یاران! این قافله، قافله عشق است و این راه که به سرزمین طف در کرانه فرات می رسد، راه تاریخ است و هر بامداد این بانگ از آسمان می رسد که: الرحیل، الرحیل. از رحمت خدا دور است که این باب شیدایی را بر مشتاقان لقای خویش ببندد... □

«فتح خون» اثر شهید سید مرتضی آوینی کتابی مستند به منابع تاریخی در کنار روایتی ادبی و عاشقانه است. این کتاب ده فصل دارد که از بیعت خواستن یزید از امام حسین (ع) و حرکت ایشان به سوی مکه آغاز می شود و به روز عاشورا ختم می شود. دو روایت تاریخی و ادبی در کل کتاب پا به پای هم پیش می روند و روایت ادبی با کلمه «راوی» آغاز می شود. بخشی از روایت فتح خون را از زبان راوی روایت فتح می خوانیم. ■

راوی: صبح شد و بانگ الرحیل برخاست و قافله عشق عازم سفر تاریخ شد. خدایا، چگونه ممکن است که تو این باب رحمت خاص را تنها بر آنان گشوده باشی که در شب هشتم ذی الحجه سال شصتم هجری مخاطب امام بوده اند و دیگران را از این دعوت محروم خواسته باشی؟ آنان را می گویم که عرصه حیاتشان عصری دیگر از تاریخ کره ارض است. هیئات ما ذلک الظن بک. ما را از فضل تو گمان دیگری است. پس چه جای تردید؟ راهی که آن قافله عشق پای در آن نهاد راه تاریخ است و آن بانگ الرحیل هر صبح در همه جا بر می خیزد. و اگر نه، این راحلان قافله عشق، بعد از هزار و سیصد و چهار و چند سال به کدام دعوت است که لبیک گفته اند؟



الرحیل! الرحیل! اکنون بنگر حیرت میان عقل و عشق را! «ابوبکر عمر بن حارث»، «عبدالله بن عباس» که در تاریخ به «ابن عباس» مشهور است، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمرو و بالاخره محمد بن حنیفه، هر یک به زبانی با امام سخن از ماندن می گویند... و آن دیگری، عبدالله بن جعفر طیار، شوی زینب کبری، از «یحیی بن سعید»، حاکم مکه، برای او امان نامه می گیرد... اما پاسخ امام در جواب اینان پاسخی است که عشق به عقل می دهد: اگر چه عقل نیز اگر پیوند خویش را با سرچشمه عقل نبریده باشد، بی تردید عشق را تصدیق خواهد کرد. محمد بن حنیفه که شنید امام به سوی عراق کوچ کرده است، با شتاب خود را به موکب عشق رساند و دهانه شتر را در دست گرفت و گفت: «یا حسین، مگر شب گذشته مرا وعده ندادی که بر پیش نهاد من بیندیشی؟» محمد بن حنیفه، برادر امام، شب گذشته او را از پیمان شکنی مردم عراق بیم داده بود و از او خواسته بود تا جانب عراق را رها کند و به یمن بگریزد.

امام فرمود: «آری، اما پس از آنکه از تو جدا شدم، رسول خدا به خواب من آمد و گفت: ای



• نویسنده: علیرضا مختاریپور

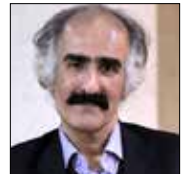
• انتشارات: موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی

ماه به روایت آه

■ ابوالفضل زروبلی نصرآباد

هرچند که نام مرحوم ابوالفضل زروبلی نصرآباد به طنز شناخته می‌شود لیکن او با خلق رمانی درباره حضرت ابوالفضل عباس (ع) به نام «ماه به روایت آه» چیره دستی خود در نثر مذهبی و ارادت خویش به ساحت مقدس سقای آب و ادب را جاودانه کرد. زروبلی در این کتاب با پرهیز از روایت محض، دست به انتخاب ۱۲ راوی برای ترسیم هر بخش از زندگانی حضرت عباس (ع) زده است و بر این اساس به ترتیب با معرفی شخصیت‌هایی مانند مسلم بن عقیل، ام البنین، عبدالله بن ابی محل، کزمان، لبابه، حضرت زینب (س)، زید بازرگان، شبت بن ربیع، ام کلثوم، امام حسین (ع)، سرجون و عبیدالله بن عباس بن علی به توصیف فرازهای مختلفی از زندگانی حضرت عباس (ع) در این کتاب می‌پردازد. بخشی از این اثر را می‌خوانیم. ■

طی این مدت، همواره سیمای معصوم و محبوب خدمتگزار حسین در نظر من بود. با آنکه دیدار حسین و



درک کرامت و بزرگواری‌های غیر قابل توصیف او، موجب شده بود تا از نیت فخر فروشانه و شهرت طلبانه‌ام سخت شرمگین و سرافکنده باشم اما این بار از صمیم دل، تصمیم به جبران محبت آن جوان فرشته جمال و فرشته خصال داشتم. در آن مدت دانسته بودم که نه فقط خادمان که تمامی مردم، از فقیر و غنی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان به خدمتگزاری او افتخار می‌کنند و در خدمت به او از هم سبقت می‌گیرند.

تازه معنای لبخند محبوب جوان خادم را در جواب پرسش من فهمیدم. چاره‌ای دیگر اندیشیدم، صد دینار در همیانی گذاشتم تا ضمن هدیه آن به جوان، به او بگویم محبتش را از یاد نبرده‌ام... اما چگونه؟ آیا بی کسب اجازه از حسین، حق داشتم که... نه هرگز. آیا باید این هدیه ناقابل را به حسین می‌سپردم تا چنانچه صلاح بداند...؟ اف بر من! نه... متحیر و مستأصل بر در مسجد پیامبر ایستاده بودم که دستی پرشانه‌ام خورد.

– سلام برادر. آیا به انتظار کسی هستی؟

عبدالله بن جعفر، پسر عمومی حسین بن علی بود و پیش از آن، او را در محضر حسین دیده بودم. سلامش را پاسخ دادم و گفتم از حسین خواهشی دارم ولی شرم، مانع می‌شود که با او بگویم.

خندید و گفت: خدا امورات را اصلاح کند. چرا از درگاه وارد نمی‌شوی؟

– درگاه؟ کدام درگاه؟

– درگاه حاجات، باب الحوائج، عباس بن علی؟

– عباس بن علی؟ کیست؟ با حسین نسبتی دارد؟

این بار بلندتر خندید: خدا تو را ببخشد. مگر ممکن است او را ندیده باشی؟ پدر فضل، عباس،

برادر حسین و پسر عمومی من. او و سه برادرش (فرزندان ام البنین) همواره با حسین اند.

– همیشه عده‌ای همچون پروانه گرد وجود حسین می‌گردند. حتی اگر او را در آن میانه دیده باشم، الان به خاطر ندارم.

– پس حتم دارم که او را ندیده‌ای. عباس پروانه‌ای نیست که ببینی و از یادش ببری. او را از زیبایی و تابناکی به ماه تشبیه می‌کنند، ماه بنی هاشم. می‌دانی چرا؟ چون مثل ماه از خورشید وجود حسین، نور و گرما می‌گیرد و دورش می‌گردد. نمی‌شود چشم در چشم خورشید دوخت و راز دل گفت: اما ماه، ماه واسطه راز و نیاز است. عباس، برادر، نایب، مشاور و امین حسین و نزدیکترین فرد به اوست.

بخت بلندی داری برادر. آن جا را ببین... نزدیک نخلستان... آن سه نفر را می‌بینی...؟ آن که از همه رشیدتر است و به سختی کار می‌کند. عباس هموست. بی شک نور تند آفتاب و دوری فاصله، عبدالله را به اشتباه انداخته بود. حاضر بودم قسم یاد کنم که آن مرد، همان خادم محبوب و فرشته سیمای حسین است.

گفتم: اشتباه می‌کنی برادر. او یکی از خادمان فرزند رسول خداست. او را به خوبی می‌شناسم. اگر او به داد من و همراهانم نرسیده بود، بی شک از تشنگی، در بیابان جان سپرده بودیم. آن دو نفر دیگر هم از زندگان حسین اند. عبدالله دستش را سایبان چشم کرد و دقیق‌تر به نخلستان چشم دوخت.

– اشتباه نمی‌کنم برادر، آن‌ها عباس و دو برادرش جعفر و عبدالله هستند.

دست و پایم سست شد و بر زمین زانو زدم.

عبدالله با لبخندی تلخ ادامه داد: ام البنین به پسرانش آموخته که حسن و حسین را سرور و مولای خود خطاب کنند و خود را خدمتگزار آنان بخوانند. به خدا قسم در زیر این آسمان لاجوردین کسی را به ادب، تواضع و وفاداری عباس ندیده‌ام... ■

داستان عاشورایی یک شاعر

شبیهِ، شبیهِ، شبیهِ

■ قیصر امین‌پور



زن به میدان زد. سراسیمه می‌دوید. ناگهان ایستاد. خم شد. مشتی خاک برداشت، به سر خود زد و به سر کودکش نیز. همچنان سراسیمه می‌رفت. چه می‌خواهد بکند؟ قرار نبود کسی از صف تماشاگران به میدان برود. قبل از اینکه کسی متوجه بشود به وسط میدان رسید. شبیه حضرت عباس به تاخت از کنار او گذشت. زن به دنبالش دوید. به او رسید. دست در رکابش زد. اسب ایستاد. زن کودکش را بر سر دست به اهتزاز درآورد. شبیه حضرت عباس گویی می‌دانست. دستی از آستین برآورد و به پیشانی کودک کشید. خدایا چه نذری و نیازی بود؟

زن، فاتحانه برمی‌گشت. ولی من دیگر چیزی نمی‌دیدم. شکستم و به زمین نشستم. خدایا، چه باوری! و من که تا این موقع باور نمی‌کردم؛ به باور آن زن ایمان آوردم. ولی چطور می‌شود باور کرد؟ آخرین نمایش بود و واقعیت نداشت. همه می‌دانستند. ولی راستی مگر خود عاشورا هم نمایش نبود؟ وقتی که خود واقعیت، نمایش باشد؛ نمایش هم واقعیت است. عیب از من بود که در جزئیات مانده بودم؛ صورت‌ها، چشم‌ها، لباس‌ها، زمان، مکان... جزئیات آدم را به اشتباه می‌اندازد. به هیئت کلی سوار نگاه کردم، خودش بود- حضرت عباس!- داشت به سمت

مرحوم دکتر قیصر امین‌پور، علاوه بر آنکه به عنوان شاعر بزرگ انقلاب و دفاع مقدس به آثار نوآورانه‌اش در حوزه شعر شناخته شده است در عرصه نویسندگی نیز خالق آثاری جذاب و خواندنی است. داستانی عاشورایی از او را که نخستین بار در کتاب «طوفان در پراگت» منتشر شد، می‌خوانیم. ■



« من دیر رسیدم. شبیه حضرت عباس می‌خواست به میدان برود. حتی از «حر» هم دیرتر رسیده بودم! اما گویا هنوز هم دیر نشده بود. شبیه شمر با کلاه خود و شمشیر و زره، در میدان جولان می‌داد و وقیحانه به قصد خود اعتراف می‌کرد. سمت راست میدان، اهل حرم و سبزه‌پوشان ایستاده‌اند. و سمت چپ، سرخ پوشان. چقدر نزدیک و چقدر دور! مشکل بود تا باور کنم که اینجا کربلا و امروز عاشورا است؛ ولی شبیه بود!

شبیه حضرت عباس از امام اذن میدان می‌خواست. اما در زمینه شور می‌خواند و شبیه عباس با شور پاسخ می‌داد؛ اما سرخ پوشان همه خارج از دستگاه و بی تحریر می‌خواندند. من خیلی دلم می‌خواست امام را ببینم؛ اما دور بود و چهره‌اش را خوب نمی‌دیدم. امام با دست مبارک، بر تن شبیه عباس کفن پوشاند. شبیه عباس برق آسا به قصد آب بر اسب جست. اسب بال گرفت و تماشاگران غوغا کردند.

همه چیز معمولی بود؛ تا اینکه ناگهان زنی از میان جمعیت تماشاگر بیرون پرید. تنم لرزید. زن زمین خورد. از زمین برخاست؛ یا حضرت عباس! زن سیاه پوش بود با کودکی در آغوش! همین که از صف تماشاگران جدا شد به میدان رسید. خدایا، هیچ وقت میدان این قدر نزدیک نبوده است! در یک قدمی!

خدایا! وقتی که تشبیه به واقعیت، این همه تقدس می آورد؛ خود واقعیت چه می کند؟ خاکی که تا چند لحظه قبل و چند لحظه بعد برایشان هیچ ارزشی نداشت؛ حالا چقدر مقدس شده بود! سرخ پوشان حضرت عباس را محاصره کرده بودند. طبل ها بردل می کوبید، و سنج ها در دل می لرزید و سواران سرخ پوش در جولان. برای یک تن بی دست مگر چند لشکر لازم است؟

میدان غرق غبار بود و چشم، چیزی نمی دید جز برق گاه شمشیرها. چرا غبار نمی گذاشت تا خوب ببینم که واقعه چگونه اتفاق می افتد؟ معنی این غبار چه بود؟ حضرت عباس در میدان افتاده بود و هجوم زنان بود که شال سبزی از گردن کودکانشان نذر دست بریده حضرت می کردند. مشتی خاک از کنار نعلش برمی داشتند و به سر و صورت می کشیدند. هر چند که دیگر خاک نبود؛ همه چیز بود. معنای دیگری داشت؛ چرا که شهادت «ماده» را «معنی» می کند. امام، کمرشکسته به خیام می رود....

من داشتم می نوشتم که علی اکبر چگونه شهید شد. و به یاد آن سال ها بودم که پیدا کردن کسی که نقش حضرت عباس و علی اکبر را بازی کند، چقدر دشوار بود؛ و حالا چه فراوان و آسان! که ناگهان صدای کل زدن زنان در مغز استخوانم پیچید. چه شده است؟ و او یلاست! قاسم به میدان می رود؟

خدایا چقدر سریع اتفاق می افتد! اصلاً فرصت نوشتن و تحلیل چند و چون وقایع نیست. قاسم به میدان می رود سراپا سبز، سوار بر اسب سفید، با گستوان سبز. قاسم شهید می شود و زنان کل می زنند! مگر عروسی است؟!

من نمی دانم این زنان تماشاگرند، یا بازیگر؟! بعد از قاسم، طفلان زینب به میدان می روند - کفن پوش - ولی این ها که هنوز کودک اند! شمشیرهایشان به زمین می خورد! کسی چه می داند، شاید دور از چشم مادر، در شناسنامه هایشان دست برده اند! دو طفل برخاک پرپرمی زنند....

علی اصغر بردست امام زمان ظهور می کند. میدان ساکت است؛ اما صدای انفجاری در ذهن من تداومی می شود - صدایی شبیه انفجار توپ یا موشک - حمله تیرا را می کند. تیر صدایی ندارد؛ اما در ذهن من صدای موشک تداومی می شود. خدایا، تیر حمله امروز چه صدای عجیبی دارد! حرکت آخر علی اصغر و سپس آرامش و پاشیدن مشتی خون به آسمان! اما این نمایش واقعاً چقدر شبیه عاشورا است؟ تنها یک نفر غیر از خدا می تواند قضاوت کند. او که هر دو نمایش را دیده است؛ خورشید! ظهر شده است. خورشید، آن روز ظهر هم آن جا بوده و همه چیز را دیده است! هم اکنون هم در وسط آسمان به تماشا ایستاده است.

اگر چه خورشید به مساوات بر هر دو دسته می تابد؛ ولی این عادلانه نیست. خورشید نباید بر تشنگان، این گونه بی رحمانه بتابد! اما خورشید هم انگار باور کرده و در نمایش شرکت کرده است. و چه خوب نقش خودش را بازی می کند! - گرم و سوزان - درست مثل آن روز. صدای اذان مرا به خود می آورد. امام به نماز می ایستد. در گرما گرم جنگ! پس از نماز، نوبت به امام می رسد. یعنی دیگر هیچ کس نمانده است که پیش از امام به میدان برود؟

امام بر ذوالجناح طلوع می کند و بال می گیرد. خدایا چقدر شبیه امام است! مخصوصاً حالا که سوار اسب است! و دیگران چقدر شبیه آن هفتاد و دو نفر بودند؟ و من چقدر شبیه تماشاگران هستم! و ما همچنان تماشاگر بودیم. اما چطور می شود تنها تماشاگر بود گذاشت تا همه چیز عیناً شبیه آن روز تکرار شود؟

تا چند لحظه دیگر مثل همیشه، امام هم به میدان می رود، شهید می شود و نمایش هم به پایان می رسد. فریاد «هل من ناصر» از گلو امام برخاست. میدان ساکت بود. دوباره فریادش به آسمان رفت؛ ولی باز هم همه جاساکت بود.

ناگهان از گوشه سمت راست میدان غوغایی برخاست. صف تماشاگران به هم خورد. همه چشم ها به آن سو چرخید - نگران - ناگهان یک صف منظم از سبزپوشان کفن پوش به میدان زدند. - تفنگ به دوش - گویا دیگر تاب تماشا نداشتند. سبزپوشان در جلو امام ایستادند. خدایا چه شده است؟

قرار نبود نمایش چنین باشد. پشت سر سبزپوشان، مردم که تا آن لحظه تماشاگر بودند، به میدان ریختند. پیر، جوان، زن، کودک - بالباس های معمولی - میدان سراسر سبز شد! سرخ پوشان گم شدند. خدایا این ها چه می کنند؟ آیا می خواهند نمایش را از نو شروع کنند؟ نه، مثل اینکه می خواهند نمایش را ادامه دهند. گویا پس از هفتاد و دو نفر، باز هم کسانی هستند که پیش از امام به میدان بروند.... هنوز نوبت امام نرسیده است. □



سرخ پوشان می تاخت. جهت هم همان جهت بود. پس دیگر چه می خواستم؟

حضرت عباس به سوی رود فرات اسب می راند، ولی سرخ پوشان نگذاشتند. سرخ پوشان چقدر زیادند! سرخ پوشان چقدر بی چهره اند! اما آن ها هم خودشان بودند و واقعیت داشتند. پس چرا نباید باور کرد؟ وقتی که تمام رود فرات در یک تشت آب خلاصه می شود، وقتی که یک نخلستان در یک شاخه نخل خلاصه می شود؛ چرا یک انسان نمی تواند حضرت عباس بشود؟

اینجا همه چیز خلاصه بود. اصلاً مگر خود عاشورا خلاصه نبود؟ مگر عاشورا خلاصه تاریخ نبود؟ و تاریخ مگر گسترش عاشورا نیست؟ آیا کسی ادعا کرده است که تشت آب همان رود فرات است؟ به همین نسبت هم آن سوار، خود حضرت عباس است.

زنان عرب بادل های پاکشان خیلی زودتر از من، این را فهمیده بودند و پشت سر آن زن، کودک در بغل به میدان زده بودند و هیچ کس هم جلودارشان نبود؛ یک قدم برمی داشتند و از سر مرز تاریخ می گذشتند. هزار سال، هزار فرسخ سفر با یک قدم! به کربلا یا می گذاشتند، مشتی خاک بر سر؛ دستی در رکاب عباس و نیت و حاجت!

« در شاخه شعر آیینی یا دینی، هیچ قلمروی به شگفتی شعر عاشورا نبوده است.



حادثه عاشورا سهم مهمی در قلمرو تاریخی شعر ما دارد. شعر در آن زمان نقش رسانه اصلی را بر عهده داشت و این تأثیر در شعر عرب و شعر فارسی مشهود است. نگاه به عاشورا در حوزه شعر ما معمولاً چهاروجه داشته است. قالب‌ترین و برجسته‌ترین وجه شعر عاشورایی، بخش تراژیک آن است. یعنی سوگ و مرثیه و اندوه و غم که عنوان عمده کتاب‌هایی است که در این رابطه داریم. مثلاً «مهیچ الاحزان» یا «نفس‌المهموم». از سروده‌های گذشته عصر سیف فرغانی گرفته تا ترکیب بند محتشم کاشانی و کسانی که به پیروی از محتشم کاشانی صدها ترکیب بند ساختند، نیز در همین بخش دسته‌بندی می‌شوند.

در کنار این جریان، جریان دیگری دیده می‌شود که به کربلا نگاهی عارفانه دارد. برجسته‌ترین آثار این نگاه کتاب‌هایی مثل «زبد الاسرار»، یا «آتشکده» نیرتبریزی و یا «روضه الاسرار» سروش و کتاب برجسته «گنجینه اسرار» عمان سامانی. این دو نگاه نگاه‌های قالب بودند و سهم سوگ و مرثیه بسیار بیشتر بوده است. نگاه سوم به کربلا، نگاهی حماسی است. این نگاه کربلا را در هیئت یک حماسه دیده است. این در روزگار ما بسیار بیشتر بوده است. شاید اولین کسی که بتوان او را در این زمینه مطرح کرد وحشی بافقی است. اما بعدها به خصوص بعد از عصر بیداری و بعد از مشروطه و بعد از انقلاب به این بُعد توجه شده است. برخی از شاعران مثل م. آرم یا همان نعمت‌الله میرزاده، دکتر موسوی گرمارودی و آقای جواد محدثی در این گروه جای می‌گیرند.

در حقیقت شکل‌گیری شعر حماسی عاشورا، پس از سال ۴۲ بود که باید شروع انقلاب را از آن زمان بدانیم. در همان دوره بعضی از سروده‌های مرحوم ریاضی یزدی مطرح می‌شد و یا تک سروده‌ای از دکتر شفیعی کدکنی؛ باز در خاطره‌ها یاد توای رهرو عشق / شعله سرکش آزادی افروخته است / یک جهان بر تو و بر نهضت و مردانگی ات / از سر شوق و شغف دیده جان دوخته است. سروده‌های این دست شاعران برای تهییج احساسات و نوعی تقابل با نظام سلطنتی سروده می‌شد. نگاه دیگری وجود دارد که می‌توانیم آن را نگاهی معرفتی نسبت به کربلا بدانیم که در آن درس‌ها و پیام‌های کربلا مطرح می‌شود و گاهی تلفیقی از همه این‌هاست. اما شعر انقلاب، رسیدن به وجوه چهارگانه فرهنگ حسینی است. یعنی هم پیام طرح می‌شود و هم حماسه دارد و هم سوگ و هم نگاه عارفانه نسبت به کربلا دیده می‌شود.

۱ عاشورا و شعارهای انقلاب

وقتی به ۱۰ ماهی رسیدیم که انقلاب رخ داد، به این سبب که خاستگاه انقلاب و رهبر انقلاب با دین پیوند داشت و

مروری بر ۴۰ سال شعر عاشورایی
در گفتگو با دکتر محمدرضا سنگری

بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید



واقعۀ عاشورا همواره در ادبیات و تاریخ تشیع، پررنگ‌ترین عنصر بوده است. از روزی که حضرت امام حسین(ع) را در صحرای کربلا به شهادت رساندند و خانواده و اصحاب مویه کردند شعر عاشورایی متولد شد و همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهد. نکته قابل توجه برای ما نحوه این بروز و ظهور در دوره‌های مختلف تاریخی و سیاسی است. به همین منظور «خیمه» در گفتگو با دکتر محمدرضا سنگری که ادیب و عاشورا پژوه است، نقش شعر عاشورایی را در ۴۰ سال اخیر بررسی کرده است. ■



.....

ما می جنگیم و

شهید می دهیم.

شهادت

فرماندهان مان

را در حضرت

ابوالفضل (ع)

می بینیم. یا

وقتی جوانی

شهید می شد،

در مجلس او

مرثیه حضرت

علی اکبر (ع)

خوانده می شد.

یا وقتی مادرانی

صبرانه در

شهادت فرزند

ایستادگی

می کردند، حضرت

زینب (س) را

یادآوری می کردیم.

یا به همین

بهانه ها، اشعاری

در رثای حضرت

قاسم و حضرت

علی اصغر سروده و

خوانده می شد

به طور روشن و مشخص تفکر شیعی و بارزترین بخش تفکر شیعی، یعنی عاشورا مطرح شد، تمام مظاهر این حرکت با نهضت حضرت امام حسین (ع) گره خورد. در آن زمان سربازانی که به فرمان امام (ره) پادگان ها را ترک می کردند، حُرّ زمان خویش نامیده می شدند. یعنی یک عنصر عاشورایی بکار گرفته می شد. جوانانی که به شهادت می رسیدند قاسم و علی اکبر خوانده می شدند.

شعار همیشه همسایه طبیعی شعراست. چون هم وزن دارد و هم کوتاه و هم آهنگین است و خاستگاه اصلی شعارها باز هم عاشورا بود. یعنی همیشه از نمادها و نموده های عاشورایی نشانی وجود داشت. سروده های آن زمان با بهره گیری از عناصر عاشورا و در قالبی رجز گونه و حماسی مطرح می شد. اینکه می گویم رجز گونه، گویی صحنه، صحنه نبرد است و واقعاً نیز اینچنین بود و مردمی که در خیابان ها حضور داشتند خود را برای یک نبرد آماده می کردند. در تظاهرات سروده هایی که صاحب آن ها معلوم نبود بر زبان مردم بود و ما بعدها فهمیدیم که سراینده بسیاری از آن ها مرحوم استاد حمید سبزواری است. شعارها و سرودهای دسته جمعی، چه آن ها که در تظاهرات خوانده می شد و چه سایر شعارها تماماً با عاشورا پیوند داشتند.

در آن روزگار دیوار نوشته ها، بخشی از فرهنگ انقلاب را بازتاب می دادند و معمولاً یکی از محورها، سخنان امام حسین (ع) بود، یا سخنانی که مردم تصور می کردند از حضرت امام حسین (ع) است. مثل: ان الحیاه عقیده و جهاد. این جمله از امام حسین (ع) نیست و ظاهراً از محمود درویش است و مصرعی از یک بیت است که می گوید: قف دون رایک فی الحیاه المجاهد / ان الحیاه عقیده و جهاد. یا این جمله که: ان کان دین محمد لم یستقم الا به قتل فیاسیوف خذینی، که این شعر در کتاب «الحارات» است که شاعرش فرد عربی است به نام محب الهویزی. حتی بزرگان هم این جمله را می خواندند و نمی دانستند که این جمله از امام حسین (ع) نیست. او در قصیده ای بسیار بلند این بیت را به کار برده و برخی آن را برش زدند و به حضرت امام حسین نسبت دادند.

۴ رشد پیام و ضعف شاعرانگی

بعد از پیروزی انقلاب، هنوز هم حال و هوای انقلاب وجود داشت. و روح هیجانی و حماسی و شورمندان به بعد از انقلاب منتقل شده بود. در فاصله بین بهمن ماه تا شروع جنگ متوجه می شویم که لحن حماسی نسبت به سایر ابعاد دیگر وزن بیشتری دارد ولی عنصر دیگری آرام آرام خودش را نشان می دهد. عنصر عبرت و پیام که در اشعار گذشته مغفول بود. وقتی پیام ها بیشتر خود را نشان می دهند از کیفیت شعرها کاسته می شود و وجه شاعرانه بودن اندکی افول می کند و پیامی که شاعر می خواهد منتقل کند برجسته تر و شاخص تر می شود.

این سیر وقتی به دوره جنگ می رسد، نوعی هماهنگی و توازن و تعادل می آفریند و تبدیل به شعری می شود که هم در آن سوگ می بینید و هم روح حماسی را احساس می کنید

و هم درس ها و عبرت ها طرح می شود. من بین دو کلمه درس و عبرت تفاوت می بینم. عبرت به مفهوم عبور است، یعنی عبور از لایه های بیرونی و سطحی به سمت عمق، یعنی آنچه که باید برای آینده چراغ راه فرداهای ما باشد وجه عبرت است ولی درس چیزی است که در دنیای فردی خود از آن استفاده می کنیم. شعر عاشورایی ما در این دوره همه این ابعاد را می یابد و به همین سبب، تراز شعر عصر انقلاب از آن دوره تا به حال، تراز است که در هیچ دوره انقلاب آن را نمی یابیم.

۴ توجه به اصحاب

نکته مهم دیگر این است که برخی از ابعاد کربلا و عاشورا که در شعر گذشته به آن ها پرداخته نشده بود، در این دوره مورد توجه قرار گرفت. مثل اصحاب حضرت امام حسین (ع). در شعر عاشورایی گذشته به ندرت می توان نشانی از نام اصحاب پیدا کرد. گاهی به نام حرا اشاره شده و یا در شعر سنایی گاه گاهی به دوسه نفر از اصحاب اشاره شده است. ولی ما در عصر انقلاب کم کم می بینیم برای برخی از اصحاب سیدالشهدا سروده هایی طرح می شود و به استقلال می رسد. به طور مثال منظومه حُرّ از آقای علی انسانی و منظومه حُرّ از استاد سازگار که هر دو اشعاری قابل اعتنا و قابل توجه هستند. به خصوص اثر آقای انسانی کاری برجسته است. ما در چهار منظومه عارفانه آتشکده، گنجینه اسرار، روضه الاسرار و زبده الاسرار، گاهی اسم برخی از اصحاب را می بینیم اما بسیار کوتاه و گذراست ولی در این دوره به طور مفصل تری به آن ها پرداخته شده و حتی برای آن ها نوحه گفته می شود.

شاید علت مطرح شدن اصحاب این است که انقلاب ما هویتی شیعی دارد و هویت شیعی تمام مسائل خود را از درون این مخزن و گنجینه عاشورا استخراج می کند. ما می جنگیم و شهید می دهیم. شهادت فرماندهان مان را در حضرت ابوالفضل (ع) می بینیم. یا وقتی جوانی شهید می شد، در مجلس او مرثیه حضرت علی اکبر (ع) خوانده می شد. یا وقتی مادرانی صبرانه در شهادت فرزند ایستادگی می کردند، حضرت زینب (س) را یادآوری می کردیم. یا به همین بهانه ها، اشعاری در رثای حضرت قاسم و حضرت علی اصغر سروده و خوانده می شد.

۴ رنگ حماسی

وقتی به جنگ رسیدیم و چون جنگ نیازمند حماسه است، این دو عنصر با هم به تلفیق شد، یعنی سوگ و حماسه به هم پیوند خوردند. یکی از شعارهای آن زمان بود که من ساخته بودم و در مراسم صبحگاهی رزمندگان خوانده می شد این بود که: همسفران مقصد ما تا کجاست؟ / کربلاست کربلاست کربلاست. در سال های دفاع مقدس وقتی بچه ها برای عملیات آماده می شدند، فضای جبهه تماماً با فرهنگ عاشورا همراه بود. در این موقعیت وقتی قرار بود شعر گفته شود و نیروها تهییج شوند، باید بُعد حماسی بر بُعد تراژیک غلبه می کرد. □



• نویسنده: علیرضا قزوه

• انتشارات: سوره مهر

با کاروان نیزه

کتاب «با کاروان نیزه» ترکیب بند عاشورایی علیرضا قزوه شاعر و پژوهشگر معاصر است که در اکتفای ترکیب بند مشهور محتشم کاشانی در چهارده بند سروده شده است. سرودن مرثیه برای اباعبدالله الحسین (ع) در قالب ترکیب بند در اواخر قرن نهم و به احتمال قوی با ترکیب بند وحشی بافقی آغاز شد و اوج آن در شعر محتشم کاشانی جلوه گر شد، گزافه نیست اگر بگوییم این ترکیب بند مشهورترین و یکی از بهترین اشعار عاشورایی تا به امروز است. پس از محتشم کاشانی ترکیب بندهای بسیار زیادی به اقتفا و یا تقلید از وی به خصوص در دوران بازگشت ادبی سروده شد. در دوران معاصر نیز شاعران بسیاری نظیر جلال الدین همایی (سنا) و امیری فیروزکوهی به سرودن ترکیب بندهای عاشورایی اقدام کرده‌اند و این امر در شاعران پس از انقلاب به اترکیب بند «با کاروان نیزه» علیرضا قزوه در سال ۱۳۸۵ ادامه پیدا کرد و پس از او چندین نفر مانند دکتر سید علی موسوی گرم‌رودی اشعاری در این قالب سرودند. «با کاروان نیزه» هرچند که در استقبال از ترکیب بند محتشم کاشانی سروده شده ولی دارای زبان و منظومه فکری مربوط به زمان خودش است به بیان دیگر این ترکیب بند از تعالیم نیما که در غزل نئو کلاسیک به فعلیت رسیده بهره‌های بسیاری برده است و همین نکته باعث اهمیت آن شده است. کتاب با مقدمه‌ای از علی معلم دامغانی با عنوان «شعر آیینی روزگار» و پایان سخن، «نگاهی به ترکیب بند با کاروان نیزه» نقدی از عبدالجبار کاکایی به سرانجام رسیده است. در ادامه بند دوازدهم این ترکیب بند آورده شده است:

گودال قتلگاه، پراز بوی سیب بود
تنهاتراز مسیح، کسی بر صلیب بود
سرها رسید از پی هم، مثل سیب سرخ
اول سری که رفت به کوفه، حبیب بود!
مولا نوشته بود: بیای حبیب ما
تن ها همین، چقدر پیامش غریب بود
مولا نوشته بود: بیا، دیر می شود
آخر حبیب راز شهادت نصیب بود
مکتوب می رسید فراوان، ولی دریغ
خطش تمام، کوفی و مهرش فریب بود
اما حبیب، رنگ خدا داشت نامه اش
اما حبیب، جوهرش «امن یحیی» بود
یک دشت، سیب سرخ، به چیدن رسیده بود
باغ شهادتش، به رسیدن رسیده بود

با شش مجموعه شعر عاشورایی آشنا شویم

راز رشیدی که فرات بر لب آورد

شاعران پارسی گو چه آن‌ها که مانند حافظ در قله ادبیات، نورافشانی می‌کنند و چه آن‌ها که در مقامات پایین تر از لحاظ صناعات و بلاغات ادبی قرار دارند عموماً با زبان شعر عرض ارادت‌ی عاشقانه به ساحت سیدالشهدا (ع) و یاران وفادارش در حماسه عاشورا داشته‌اند. در مطلب پیش رو ۶ مجموعه شعر را که تماماً به این موضوع اختصاص یافته است به علاقمندان ادبیات آیینی معرفی می‌کنیم.

ضربان ذات

کتاب «ضربان ذات» یا عطش نامه منظومه عاشورایی دکتر قربان ولیی شاعر و پژوهشگر معاصر است که در اواخر سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات کتاب نیستان روانه بازار کتاب شد. این مثنوی بلند که در حدود دویست و بیست بیت دارد بر وزن حدیقه الحقیقه حکیم سنایی غزنوی سروده شده است و به مانند آثار دیگر قربان ولیی از زاویه دید عرفانی به واقعه عاشورا نگریسته شده است. زاویه دیدی که به جز چند اثر که شاخص‌ترین آن‌ها «گنجینه اسرار» عمان سامانی است چندان در بین شاعران گذشته و امروز با اقبال روبرو نشده است و کار ولیی از این جنبه دارای اهمیت خاصی است و تا حدود بسیار زیادی موفق بوده است.

من چه دیدم؟ خدا، خدا، سرخ است
از کجاست تا به ناکجا سرخ است
خون الله در تن هستی
مستم از سرخ دیدن هستی
حمد بی حد نثار حضرت دوست
کائن جنون حسینی ام از اوست
ساغری دارم از عطش سرشار
تشنه‌ام، تشنه، تشنه دیدار
این عطش را تویی، تویی ساقی
ای دلیل جلیل مشتاقی



• نویسنده: قربان ولیی

• انتشارات: نیستان

گنجشک و جبرئیل

کتاب «گنجشک و جبرئیل» دربردارنده سی و یک قطعه شعر نواعم از سپید و نیمایی دکتر سید حسن حسینی شاعر پژوهشگر و منتقد فقید معاصر است که نخستین بار در تابستان ۱۳۷۱ توسط انتشارات افق به چاپ رسید. کتاب «گنجشک و جبرئیل» یکی از مهم‌ترین مجموعه شعرهای پس از انقلاب اسلامی و مهم‌ترین مجموعه شعر آئینی این دوران است. کتابی که به صورت کلی شامل اشعار آیینی در قالبهای نوست، در واقع سید حسن حسینی در گنجشک و جبرئیل نظریه افرادی را که قالبهای نو را «قالب‌های لائیک» می‌خواندند رد می‌کند و معبر و منظری تازه برای شاعران آئینی پس از خود باز می‌کند البته ناگفته نماند که پیش از حسینی افرادی چون سید علی موسوی گرمارودی و مرحوم طاهره صفارزاده مضامین آئینی را وارد شعر نو کرده بودند و شعرهای ماندگاری چون «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون» مبین این نکته است ولی این سید حسن حسینی بود که برای اولین بار به صورت نظاممند و در قالب یک مجموعه مستقل شعرهای نو و مذهبی خود را ارائه داد.

سید حسن حسینی از شاعران نسل اول پس از انقلاب اسلامی است که همواره جز جریان سازان اصلی شعر انقلاب اسلامی بوده است چه آن زمان که در ابتدای انقلاب با سرودن اشعار در حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پیشرو بود و دفتر شعر «همصدا با خلق اسماعیل» خود گواه بر این مدعا است و چه بعد از جنگ و در اوایل دهه هفتاد که با دفتر «گنجشک و جبرئیل» تأثیر شگرفی در شعر نو آئینی و بالخصوص شعر عاشورایی گذاشت و چه بعدها که با «نوشداروی طرح ژنریک» خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین طنزپردازان معاصر مطرح کرد. اما اهمیت «گنجشک و جبرئیل» در بین کارهای دکتر حسینی تا حدی است که ایشان وصیت کرده بودند که در هنگام مرگ این کتاب را بر روی سینه‌شان بگذارند و همراه با ایشان دفن کنند.

به گونه ماه

نامت زبانه آسمان‌ها بود

و پیمان برادری ات

با جیل نور

چون آیه‌های جهاد

محکم

توان راز رشیدی

که روزی فرات

بر لب‌ت آورد

و ساعتی بعد

در باران متواتر پی‌لود

بریده

بریده

افشاشدی

و باد

تورا با مشام خیمه‌گاه

در میان نهاد

و انتظار در بهت کودکانه حرم

طولانی شد

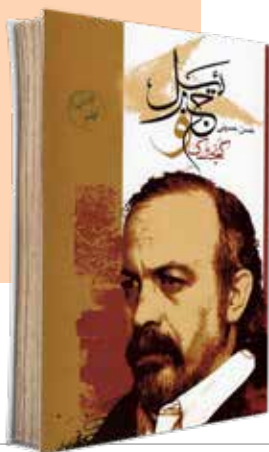
توان راز رشیدی

که روزی فرات

بر لب‌ت آورد

و کنار درک تو

کوه از کمر شکست



• نویسنده: سید حسن حسینی

• انتشارات: افق



• نویسنده: سید علی موسوی گرمارودی

• انتشارات: سوره مهر

آغاز روشنائی آینه

کتاب «آغاز روشنائی آینه» ترکیب بند عاشورایی دکتر سید علی موسوی گرمارودی شاعر و پژوهشگر معاصر است که در پانزده بند سروده شده است. «آغاز روشنائی آینه» با نام اولیه «از گلولی غمگین فرات» در نیمه فروردین سال هزار و سیصد و هشتاد و هفت در روزنامه اطلاعات منتشر شد و توجه شاعران و ادیبان را به خود جلب کرد. هر چند این ترکیب بند هم به مانند بسیاری از شعرها در این قالب در اقتفای ترکیب بند مشهور محتشم کاشانی سروده شده است ولی از لحاظ شکل کار دارای فرمی جدید است به صورتی که در این ترکیب بند هریک از بندها مختص به یک شخصیت عاشورایی است و از این لحاظ دارای امتیازی ویژه است.

این کتاب شامل ترکیب بندی پانزده بندی است و در آن صاحب نظرانی چون بهالالدین خرمشاهی، سید صدرالدین قوام شیرازی، محمد یزدانپرست، حمیدرضا شکارسری و مرتضی امیری اسفندقه درباره این ترکیب بند نقد و نظرهایی ارائه کرده‌اند. در بخش دیگر کتاب، موسوی گرمارودی در دو مطلب جداگانه شعر زنده یاد سید حسن حسینی با نام «شاعری در تصرف شعر» و شعرهای آیینی قصیر امین پور مورد بررسی قرار داده است. بند ششم «آغاز روشنائی آینه» که مربوط به حضرت علی (ع) است:

چون موج روی دست پدر پیچ و تاب داشت

و زنازی، تنی به صفای حباب داشت

چون سوره‌های کوچک قرآن ظریف بود

هر چند، او فضیلت ام الکتاب داشت

چون ساقه‌های تازه ریواس، تُرد بود

از تشنگی اگر چه بسی التهاب داشت

از بس که در زلالي خود، محو گشته بود

گویی خیال بود و تنی از سراب داشت

لبخند، سایه‌ای گذرا بود بر لبش

با آن که بسته بود دو چشمان و خواب داشت

یک جاسه پاسخ از لب خاری شنیده بود

آن غنچه لبیک فرصت یک انتخاب داشت

خونش پدر به جانب افلاک می‌فشاند

گویی به هدیه دادن آن گل، شتاب داشت

خورشید، در شفق شرری سرخ گون گرفت

یعنی که راه شیرین او، رنگ خون گرفت

۱ مجلس حربین یزید ریاحی

کتاب «مجلس حربین یزید ریاحی» منظومه‌ای بلندی در قالب نیمایی از علی معلم دامغانی شاعر و پژوهشگر معاصر است که توسط انتشارات سوره مهر در بازار کتاب عرضه شده است. «مجلس حربین یزید ریاحی» در واقع قسمتی از منظومه مفصلی از معلم دامغانی است که ایشان بر مبنای زیارت وارث آن راسرووده‌اند و دارای جنبه‌های مختلفی اعم از عشق و حماسه است. این کتاب در دو فصل تدوین شده است که فصل اول آن به مقدمه با تشریح و توضیح به قلم محمد رضا تقی دخت اختصاص یافته است و فصل دوم منظومه را شامل می‌شود.

علی معلم دامغانی که از شاعران برجسته نسل اول شعر انقلاب اسلامی به حساب می‌آید و با کتاب «رجعت سرخ ستاره» خود در دهه شصت نه تنها در معنا و محتوا تأثیر گذار بود بلکه در حوزه فرم نیز از احیا کنندگان قالب مثنوی محسوب می‌شود در تمامی آثارش نگاهی آئینی و مذهبی به پدیده‌های سیاسی و اجتماعی دارد که در بیشتر مواقع این نگاه در لایه‌های زیرین آثارش محسوس است و در تعدادی از کارهایش مانند مثنوی معروف: «روزی که بر جام شفق مل کرد خورشید/ بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید» این موضع آئینی صراحتاً نشان داده می‌شود. حال معلم همین موضع آئینی و مذهبی را که همیشه در قالب‌های کلاسیکی به مانند مثنوی قصیده و غزل خودنمایی می‌کرد با زبانی به روزتر و متناسب با قالب‌های نو در قالب نیمایی پیاده کرده است و اولین ثمره‌اش این منظومه است که عنوان آن به سبک مجالس تعزیه، «مجلس حربین یزید ریاحی» است.

من و این مایه خودبینی؟

خدایا دور، بد کردم

چرا وقتی سخن از راه رجعت کرد،

چرا وقتی به جد آهنگ هجرت کرد

رد کردم؟

مرامور کردستند

پس معذور کردستند

و چشمان دلم را کور کردستند

و دورم از جمال نور کردستند

چرا وقتی که فرمودند: ماتم سوگمند ماتم باشد

«چرا» گفتم خداوند؟

چرا؟

ای خاک بر فرق من و کبر و غرور من

بر این ترک ادب

شاید نشیند

مادر مسکین به گور من

دل ای دل، پای دارو

هر چه پیش آید تحمل کن

و پیش از دوزخ،

از دل، دوزخی گل کن

به رسم خونیان توبه گر

در خویشتن بشکن

ز سر بر «خود» را برگیرو

از پا موزه‌ها بر کن

پیاله گیر و قرآن را میانجی کن

دل ای دل

تکیه بر مولا و

منجی کن...



• نویسنده: علی معلم دامغانی

• انتشارات: سوره مهر



• نویسنده: مهدی مظفری ساوجی

• انتشارات: سوره مهر

۲ همه آیینها

مجموعه شعر «همه آیینها» گزیده‌ای از غزل‌های عاشورایی شاعران معاصر است که توسط مهدی مظفری ساوجی از اعضای دفتر شعر حوزه هنری جمع‌آوری شده است و اول بار در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب شد.

این گزیده شعر عاشورایی از دارای دو ویژگی منحصر به فرد است اولین ویژگی اینکه تمام شعرها در قالب غزل است و دیگر آنکه دایره زمانی انتخاب غزل‌ها به دوران معاصر (و بیشتر در بعد از انقلاب اسلامی) محدود شده است و همین امر سبب شده است که کتاب معیار مناسبی برای سنجش میزان رشد و اعتلای شعر (و یا بهتر است بگوییم غزل) آئینی در چند دهه اخیر باشد. در «همه آیینها» غزل‌هایی از شاعران مطرحی چون: سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور، یوسفعلی میرشکاک، مرتضی امیری اسفندقه، علیرضا قزوه، حمید سبزواری، سعید بیابانکی، عبدالجبار کاکایی، ساعد باقری، محمود اکرامی، سپیده کاشانی، مصطفی محدثی خراسانی، محمدحسین جعفریان، اسماعیل امینی، علی محمد مؤدب، محمد سعید میرزایی، سیدضیاءالدین شفیعی، فاضل نظری آورده شده است. در ادامه غزلی از یوسفعلی میرشکاک را که غلام کویتی پور نیز آن را خوانده است آورده شده است:

خیز و جامه نیلی کن روزگار ماتم شد / دور عاشقان آمد نوبت محرم شد
نبض جاده بیدار از بوی خون خورشید است / کوفه رفتن مسلم گویا مسلم شد
ماه خون گواه آمد جوش اشک و آه آمد / رایت سیاه آمد کربلا مجسم شد
پای خون دل و اکند دست موج پیدا کن / رو به سوی دریان ساحلی فراهم شد
گریه کن! گلاب افشان! گل به خاک می افتد / باد مهرگان آمد قامت علی خم شد
قاسم و تپیدن‌ها لاله و دمیدن‌ها / مجتبی و چیدن‌ها گل دوباره خرم شد
تشنه، اضطراب آورد، آب می شود عباس / گوفرات، خیبر شو! مرتضی مصمم شد
خادم برادر بود از ره پرستاری / در قدم مؤخر بود از وفا مقدم شد
نوبت حسین آمد کاورد به میدان رو / نه فلک به جوش آمد منقلب دوعالم شد
چرخ درخروش آمد خاک شعله پوش آمد/ آسمان به جوش آمد گشته اسم اعظم شد
بر سر از غم زهرا خاک می کند مریم / با مصیبت خاتم تازه داغ آدم شد
گرچه عقده دل بود آبروی بیدل بود/ کز هجوم فرصت‌ها این فغان فراهم شد □



« هلال

در بخش هلال این شماره علاوه بر گزارشی از مراسم تقدیر از جامعه فرهنگی و هنری کشور برای همراهی با جمعیت هلال احمر در سیل های اخیر چند مطلب مختلف درباره شرکت نویسندگان در اردوی سه روزه آموزشی- امدادی در لار را برای شما تدارک دیده ایم. همچنین گزارشی درباره سفر نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر به استان خوزستان و خبرهایی درخصوص فعالیت های دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان های خراسان شمالی، مرکزی، اردبیل، قم، کهگیلویه و بویر احمد، البرز و آذربایجان شرقی را خواهید خواند



مشق امداد و نجات

هلال ادبی

عملکرد اقتصادی هلال احمر نامطلوب است



۵۰ نویسنده در اردوی سه روزه آموزشی- امدادی در لار شرکت کردند

مشق امداد و نجات

نویسندگانی که در این دوره شرکت کرده بودند، پس انجام مراحل پذیرش با حضور در آئین آغازین این دوره از نحوه برگزاری و ساعات آموزشی مطلع شدند و پس از آن در نخستین کارگاه آموزشی که با عنوان سرفصل و تاریخچه آشنایی با نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال احمر بود شرکت کردند. در این کارگاه آموزشی استاد اصغری ضمن اشاره به اهداف سازمان هلال احمر، تاریخچه تشکیل نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر، تاریخچه فعالیت های اجرایی و چگونگی به رسمیت شناختن جمعیت های ملی آن را برای شرکت کنندگان تشریح کرد. دومین کارگاه روز نخست این اردوی آموزشی امدادی، با عنوان آشنایی با ابعاد بحران و مدیریت آن، توسط استاد شعاعی، از مدرسین حوزه مدیریت بحران برگزار شد. مفاهیم اصلی مدیریت بحران، مخاطرات پیش روی آن، همچنین اصول آمادگی در برابر حوادث و بحران ها از جمله موضوعاتی بود که در این بخش از دوره برای شرکت کنندگان تشریح شد.

کارگاه پایانی روز نخست دوره آموزشی امدادی ویژه نویسندگان نیز، با عنوان آموزش کمک های اولیه، به اصول و قواعد کمک های اولیه اختصاص داشت و استاد نجفی اصول اساسی و پایه مفاهیم امدادی، نحوه برخورد با مصدوم و روش های احیای قلبی ریوی CPR را به صورت تئوری و عملی به شرکت کنندگان آموزش داد. بازدید از منطقه لاریجان پایان بخش نخستین روز این دوره در پایگاه امداد و نجات جاده های پلور آمل بود.

روز دوم: آموزش تجربه نگاری از حوادث اصول پیمایش و اجرای مانور امدادی

در دومین روز برگزاری اردوی آموزشی امدادی نویسندگان پایگاه امداد و نجات پلور، شرکت کنندگان با قواعد و مراحل انجام کمک های اولیه آشنا شدند. اصول تجربه نگاری از حوادث طبیعی با تاکید بر سیل و زلزله را از برخی امدادگران با تجربه آموختند و اصول پیمایش و کوهپیمایی و مواجهه با خطرات طبیعی، اصول اسکان اضطراری و چادرزنی و

اردوی آموزشی، امدادی نویسندگان مرداده ماه سال جاری با حضور بیش از پنجاه نفر از نویسندگان کشور و به همت معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر و با مشارکت جمعیت هلال احمر استان مازندران در پایگاه امداد و نجات جاده پلور (یادمان شهید ملک زاده) واقع در شهرستان آمل در استان مازندران برگزار شد.

باسرا احمدوند معاون فرهنگی و آموزشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر در خصوص اهداف برگزاری این اردوی سه روزه گفت: آشنایی با تاریخچه، اصول و اهداف نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر، آشنایی با سوره های ادبی در حوزه های امدادی، فراگیری اصول کمک های اولیه، آشنایی با برخی از مفاهیم مدیریت بحران و مخاطرات و تجربه نگاری از حوادثی همچون سیل و زلزله با محوریت سیل اخیر و آشنایی با اصول پیمایش و مسیریابی در طبیعت از جمله برنامه های این اردوی سه روزه بود. معاون فرهنگی و آموزشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر با اشاره به نقش تاثیرگذار نویسندگان در جوامع بشری افزود: در این دوره تلاش شد تا با ایجاد فضایی امدادی و آموزشی زمینه آشنایی بیش از پیش نویسندگان به عنوان اقشار مهم و حرکت ساز جامعه با اهداف و اصول این نهاد و نحوه امداد رسانی به آسیب دیدگان از حوادث فراهم شود.

روز اول: آموزش مبانی و اصول امداد

اردوی سه روزه آموزشی امدادی ویژه نویسندگان با حضور بیش از پنجاه نفر از نویسندگان کشور، کارشناسان ستادی، استانی و شهرستانی جمعیت هلال احمر استان مازندران، بیست و سوم مرداده ماه سال جاری در پایگاه امداد و نجات جاده پلور آغاز شد. آشنایی با نهضت صلیب سرخ و هلال احمر، آشنایی با مباحث امدادی، مدیریت بحران و کمک های اولیه از جمله موضوعاتی بود که در روز نخست این دوره آموزشی امدادی، برای شرکت کنندگان تشریح و آموزش داده شد.



.....

خیر فقط آن
کسی نیست که
کمک مادی و
مالی می‌کند. یک
معلم، یک دبیر
و یک نویسنده
هم می‌تواند با
تخصص و هنر
خود خیر باشد.
اینجا دریایی
از سوژه‌هاست.
سوژه‌ها را دریابید
و آن‌ها را در
جهت هدایت و
راهنمایی انسان‌ها
به کار ببرید

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به تفسیر اهداف و فعالیت‌های جمعیت هلال احمر و نقش نویسندگان در پیشبرد هرچه بهتر اهداف هلال احمر پرداخت.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به وجود چندین سازمان در جمعیت هلال احمر که یکی از آن‌ها سازمان جوانان است، افزود: این سازمان نزدیک به یک میلیون عضو دارد و هلال احمر بعد از بسیج، بزرگ‌ترین نهاد در کشور است که شاهد حضور گسترده جوانان است. هلال احمر این جوانان پرتلاش را در گروه‌های مختلف مانند کانون دانش‌آموزان، دانشجویان، طلاب، عشایر و کانون‌های آزاد و بازاریان دسته‌بندی کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: فلسفه ایجاد صلیب سرخ در جهان کمک و خدمت‌رسانی مستقل و بی‌طرفانه به مردم سراسر دنیا است. دید هلال احمر نسبت به افراد براساس دین و مذهب نیست، بلکه انسانیت و بشردوستی است که حرف اول و آخر را می‌زند. همین‌که انسانی در گوشه‌ای از جهان، دستی به نشانه نیازمندی به سوی جهانیان دراز کند، هلال احمر بدون توجه به مسائل سیاسی و دینی به یاری او می‌شتابد؛ همانطور که امیرمومنان علی (ع) خطاب به امام حسن و امام حسین (ع) می‌فرماید: دشمن ظالم باشید و به یاری مظلوم و مظلومین بشتابید.

نماینده مقام معظم رهبری در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر یادآور شد: ادبیات آینه تمام‌نمای جامعه است. ما در آثار هنرمندان، نویسندگان و شعرا، زندگی مردم و جامعه را به خوبی مشاهده و احساس می‌کنیم و می‌بینیم. ادبیات به جامعه ما نیرو، کمال، رشد، ترقی و تعالی می‌دهد، همانطور که در طول هزاران سال به بشر خدمت کرده است. هنر و ادبیات عالی‌ترین تجلیات جمال الهی و به وجود آورنده بهترین لذت‌های روحی و معنوی است. آدمی وقتی غزل می‌خواند یا رمانی را مطالعه می‌کند، روح و روانش آسوده می‌شود. ادب یعنی آیین بهتر زیستن جان و وقتی در زبان ساری و جاری می‌شود، ادبیات نامیده می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در سخنان پایانی خود خاطرنشان کرد: شما برادران و خواهران هنرمند، در این عرصه می‌توانید با خلق آثار هنری کمک حال و یاری‌گر هلال احمر باشید. کاری کنیم که این خدمت‌رسانی ماندگار شود. این همه زحمت و زیبایی را چه کسی باید به تصویر بکشد؟ روایت کردن این خدمت‌رسانی بر عهده کیست؟ سرودن این همه عشق و وظیفه کیست؟ خیر فقط آن کسی نیست که کمک مادی و مالی می‌کند، یک معلم، یک دبیر و یک نویسنده هم می‌تواند با تخصص و هنر خود خیر باشد. اینجا دریایی از سوژه‌هاست. سوژه‌ها را دریابید و آن‌ها را در جهت هدایت و راهنمایی انسان‌ها به کار ببرید.

در پایان مراسم اختتامیه، شرکت‌کنندگان با استقرار در کمپ‌های برپا شده توسط جمعیت هلال احمر در دشت لار، اصول استفاده صحیح از طبیعت بکر و زندگی در طبیعت را آموختند. □

اطفاء حریق را در فضای باز فرا گرفتند.

نخستین کارگاه آموزشی روز دوم این اردو که در ادامه آخرین کارگاه روز نخست بود به آموزش اصول، قواعد و مراحل انجام کمک‌های اولیه در حوادث اختصاص داشت و شرکت‌کنندگان اصول کنترل خونریزی، شکستگی‌ها، آتل‌بندی، پانسمان، همچنین مواجهه با مسمومیت‌های ناشی از عوامل مختلف از جمله مارگزیدگی توسط استاد نجفی تشریح شد.

کارگاه دوم نیز با عنوان تجربه نگاری از حوادث، به بازگویی تجربیات اساتید، مربیان و فعالان حاضر در عملیات‌های امدادی حوادث طبیعی اختصاص داشت. استاد اصغری، استاد شعاعی، نیکزاد؛ مدیر شعبه شهرستان آمل و حجت الاسلام والمسلمین پیروزفر در این کارگاه خاطرات خود از حوادث طبیعی سیل گلستان، لرستان و خوزستان همچنین زلزله کرمانشاه و حوادث غیر طبیعی مانند تصادفات در راستای آموزش روش‌های صحیح تجربه نگاری برای شرکت‌کنندگان بازگو کردند.

در ادامه این کارگاه آموزشی، نجاتگران جمعیت هلال احمر شهرستان آمل با اجرای مانور امدادی در فضای این پایگاه، توان عملیاتی نجاتگران در عملیات امدادی شامل تصادفات و حوادث کوهستانی را به نمایش گذاشتند. همچنین در پایان این مانور تعدادی از نویسندگان علاقمند، عملیات اطفای حریق را زیر نظر اساتید این دوره انجام دادند.

کارگاه سوم روز دوم نیز با عنوان آشنایی با اصول پیمایش و کوهنوردی ابتداء در داخل پایگاه و پس از ارائه بخش‌های تئوری در فضای باز برگزار شد. استاد لشکری در این کارگاه ابتدا اصول اولیه پیمایش در کوهستان، شامل مسیریابی در کوهپیمایی و مواجهه با خطرات طبیعی را تشریح کرد و در ادامه اصول اسکان اضطراری و چادر زنی به صورت عملی در فضای آزاد کوهپایه دماوند با کمک اساتید توسط شرکت‌کنندگان اجرا شد.

پایان بخش کارگاه‌های آموزشی دومین روز اردوی آموزشی امدادی نویسندگان، صعود به ارتفاعات دماوند و بازدید از غار گل زرد در ارتفاع ۲۳۰۰ متری بود.

□ روز سوم: اختتامیه و زندگی در طبیعت

سومین و آخرین روز اردوی آموزشی امدادی ویژه نویسندگان با برگزاری آئین اختتامیه و با حضور حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، یاسر احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، عبدالمجید معزی مشاور نماینده ولی فقیه و مدیر کل حوزه نمایندگی و مسئولین استانی و شهرستانی برگزار شد. کارگاه آموزشی روز پایانی این دوره در خصوص هم‌اندیشی نویسندگان با جمعیت هلال احمر با حضور نماینده ولی فقیه در هلال احمر برگزار شد و نماینده نویسندگان جمع بندی از نظرات و پیشنهادهای شرکت‌کنندگان را ارائه کرد. سپس در آئین اختتامیه این دوره آموزشی امدادی،



روایت خبرنگار «مهر» از اردوی نویسندگان

از خودگذشتگی برای تویی که نمی شناسمت

حمید نورشمسی

نویسنده ای که مدت ها از او خبر نداشتم با من همکلام شد و ساعتی درباره کتاب و ادبیات و خیلی از اهالی و مدیران چسبیده و نجسبیده به آن گپ زدیم. چشم هایم گرم شده بود از آن همه صحبت اما می دانستم این خلوت احتمالا به زودی دستگیرم نخواهد شد. چشم انداختم به متنی که برای خواندن در اوقات فراغت با خودم همراه کرده بودم. صبحانه را جایی میان راه خوردیم. پنیر محلی شمال و گردو. نان هم به ابتکار میزبان در محل پخت شده بود. دقایقی بعد از حرکت از رستوران بود که اتوبوس در میانه جاده ایستاد و دستور پیاده شدن صادر شد. روبرویمان ساختمانی نسبتاً نو در حاشیه جاده نمایان شد و قرمز و سفیدپوشان هلال احمر که برای خیرمقدم گویی دعوتمان می کردند به داخل.

در همان ابتدای ورود از همه خواسته شد که کفش ها را بکنند و با پای بدون کفش قدم به داخل ساختمان بگذارند. ساختمان الحق والانصاف تمیز بود. از همان ابتدا نظم و سازماندهی امدادگران را می شد حس کرد. همه چیز محاسبه شده بود. تک تک حاضران پذیرش شدند و اطلاعاتی از آن ها گرفته شد و در ادامه پکیج برنامه سه روزه پیش روی آن ها به همراه یک کیسه خواب به همه اهدا شد.

جاگیر شدیم. در اتاق های بزرگی که باید هر کسی گوشه ای از آن برای خود مهیا می کرد تا بنشیند و برنامه پیش رویش را مرور کند. جدول شلوغی برای سه روز نویسندگان تدارک دیده شده بود و همین داشت کم کم در میان آن ها اعتراضاتی درست می کرد. انتظار نداشتند که برنامه این سفر آموزشی امدادی این طور حساب شده تدارک دیده

به دعوت معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر بیش از پنجاه نفر از نویسندگان کشور در اردویی سه روزه در منطقه پلور مازندران شرکت کردند تا ضمن آشنایی با فعالیت های امدادگران و جمعیت هلال احمر ایده و راهکارهای مدنظرشان را در راستای همکاری و همیاری با این نهاد پیشنهاد کنند. آنچه در ادامه می خوانید گزارش کوتاهی است که یکی از نویسندگان حاضر در این مراسم در خصوص این تجربه خاص به رشته تحریر در آورده است. ■

بسیار سفر باید

قصه هر سفری باید از جایی و با از اتفاقی شروع شود، خبری برسد یا حتی چیزی به ذهن تداعی شود. قصه سفر سه روزه نویسندگان به پایگاه امدادی هلال احمر در استان مازندران نیز برای راقم این سطور با یک تلفن شروع شد. تماسی از سوی یک دوست نویسنده عزیز که از قضا مدت ها بود از او خبری نداشتم. بعد از سلام و احوال پرسی گفت که فلانی؛ تو دوگانه سوزی، هم در رسانه می نویسی و هم در دنیای ادبیات. سفری در پیش داریم برای آشنا کردن جمعی از نویسندگان با فعالیت های جمعیت هلال احمر و اگر میسر شود پیوند زدن آن ها و قلمشان با آن، پس قرار را گذاشتیم. به نظر می رسید اتفاقات جالب و تجربه نکرده ای در پیش رو خواهد بود. قرار ما برای حرکت ساعت هفت صبح بود از جلوی سازمان. هفت صبح ساعتی نبود که اهل قلم و ادبیات با آن مأنوس باشند. برخی در شبکه مجازی که برای سفر و پیش از آن شکل گرفته بود غرمی زدند که این چه وقت حرکت است و پاسخ این بود که برنامه ریزی با امدادگران است.

ساعت هفت رسیدم به جایی که آدرس داده بود. جز خودم و دوست دیگری کسی نبود. به سرمان زد که رفقا کار خودشان را کرده اند؛ که خودجوش با نیامدن نشان داده اند که مرغشان یک پا دارد، اما چند دقیقه ای که گذشت و ساعت به حدود هفت و نیم صبح که رسید متوجه شدیم دو نفرمان جزو جاماندگانیم و همه از قضا به موقع و بسازودتر از هفت صبح رسیده اند به محل معهود.

سفر شروع شد. مقصد را جایی ده کیلومتر پس از امامزاده هاشم در جاده هراز اعلام کردند. در این فکر بودم که قرار است کجا بمانیم و چه چیزی در انتظار ماست، که دوست شاعرو



.....

شده باشد. شاید انتظاراتها بیشتر یک سفر تفریحی بود تا آموزشی اما نظم امدادگران با چاشنی ادبی که خجالت به روی مخاطبش می آورد با کسی شوخی نداشت.

چند دقیقه ای از جاگیر شدن گذشت که همه را برای شروع دوره به اتاق دیگری در پایگاه دعوت کردند. گفته شد که پایگاه امدادی در منطقه پلور ساخته شده برای اسکان مسافران و افرادی که در سوانح و حوادث در جاده گرفتار می شوند. پایگاه رئیس دارد و امدادگرانی که همه به صورت داوطلبانه و تنها با دریافت مبلغ بسیار ناچیزی که شاید هزینه رفت و آمدشان از آمل به پلور بشود در اینجا مشغول هستند. گفته شد که دوره سه روزه تلاشی است برای آموزش برخی نکات امدادی به حضران و آشنا کردنشان با آنچه هلال احمر به دنبال احقاق آن شکل گرفت است. از تعارفات ابتدایی و مراسم افتتاحیه که عبور کردیم نوبت به کلاس ها رسید. آشنایی با نهضت جهانی صلیب سرخ و مفاهیم مدیریت بحران. این دو چیزی نبود که حضران انتظارش را داشته باشند. خستگی راه و شکل نامرغوب ارائه مطالب همان ساعت اول برخی از نویسندگان را دلزده کرده بود. کم کم صدای غرغزیدن ها بلند شد و اعتراض به بی تناسبی توانایی حضران و آنچه در حال ارائه بود ادامه داشت. اما نوبت سوم کلاس های روز اول چرت همه را پاره کرد. کلاسی که در آن امدادگر جوانی آموزش های ابتدایی کمک های اولیه را به حضران تدریس می کرد. دیگر می شد چشم ها و دهان های باز شده از تعجب و هیجان را در میان جمع نویسنده دید و اشتیاقشان به آنچه به آن ها عرضه می شد مشهود بود. دکتر جوان که نشان ایثار هلال احمر را داشت با شوخی ها و کنایه های نویسندگان جوان کنار می آمد و چند باری هم تأکید داشت که تا به حال نشده در یک جمع پنجاه شخص نفره آموزش بدهد و خودش هم از این کار هیجان زده است و البته در نهایت هم حرفه گری اش بر هیجان غلبه کرد و به اعتراض ها پایان داد.

دم دمه های غروب روز اول، برنامه منظم تیم اجرایی خبر از حرکت به سمت روستاهای اطراف لاریجان و آبگرم معدنی آن را می داد. چهار مینی بوس در آفتاب کم رمق عصر البرز به دل جاده های خاکی باریک پلور و رینه می زنند. دماوند زیبا نزدیک از هر وقت دیگری در کنار جاده خودنمایی می کند. دوست داری ساعت ها بایستی و نگاهش کنی و غرق شوی در شکوهش و جلالش.

بعد از به در کردن خستگی روز اول سفر در آبگرم منطقه پلور به پیشنهاد یکی از رفقای نویسنده راهی مسجد روستا می شویم. مسجد کوچکی به نام حاجی محمد. مسجد خلوت است اما بسیار منظم و شلوغ. آذین های عزای محرم بر در دیوار خودنمایی می کند و اتاق کوچکی در انتهای مسجد که با زیبایی آئین کاری شده و منقش به نام نامی ابوالفضل العباس (ع) است. در میانه مسجد اما مزاری خودنمایی می کند. خودمان را می رسانیم به آن. رویش نوشته شده که پیرمرد خوابیده در مزار بیش از بیست سال بانی مسجد بود و زمین مسجد را به نیت پسر شهیدش

نوبت می رسد به

روحانی حاضر

در جمع. مدیر

نهاد نمایندگی

ولی فقیه در

استان لرستان.

درباره اش شنیده

بودم که اهل

ورزش است و

امدادگر حرفه ای،

اما وقتی دهان باز

کرد و از خاطراتش

در امداد رسانی

به لرستانی ها در

سیل سال جاری

گفت تازه فهمیدیم

که باید فارغ از

لباسش به او نگاه

کنیم

در جبهه خرید و مسجد را ساخت و در این سال ها به یاد عزیزش آن را بانی گری کرد. حالا وقتی دوباره به درو دیوار مسجد نگاه می کنی می شود فهمید که چرا خودش و گلدسته ساده اش و صدای اذانش چنین دلچسب هر شب دل دامنه البرز را نوازش می دهد و هر مسافری را به خود می خواند. بحث های اتوبوسی اما جذابترین بخش روز اول سفر بود. بحث هایی جدی درباره ادبیات، جوایز ادبی، نویسندگان و کتاب. هفته هجده نویسنده یک ساعتی که مینی بوس باز حمت دل دامنه های البرز را می کند به بالا و پایین، دارند از دنیای کاری خود با هیجان و علاقه وافر حرف می زنند. از جوایزی که به تعبیرشان بابی عدالتی و نافهمی از ادبیات شکل گرفته، از کتاب هایی که حقشان بود تکریم شوند و نشدند آدم هایی که به نام ادبیات و به کام خود دست در کار جایزه دارند. آنقدر بحث ها جدی است که مشخص نمی شود کی به پایگاه باز می گردیم. بخشی از افراد دور هم می نشینند، به گپ و گعده شبانه برای آشنایی با هم و برخی هم خود را رها می کنند در خنکای شب جاده در ایوان پایگاه امداد. من هم سرم را فرو می کنم در متن های خواندنی باقی مانده از صبح.

شب به آستانه خود می رسد که دیگر همه جمع شده اند. معلوم است که رمقی نمانده، اما نوبت تمرین خوابیدن در شرایط دشوار است. اصطلاحی که مدیر پایگاه صبح نویدش را داده بود و البته تنها منظورش خوابیدن در کیسه خواب است. خستگی اما مجالی برای فکر کردن به آن نمی دهد.

❑ تادوستی گل دهد میان ما

ساعت هفت صبح بیدار باش است. امدادگران با کسی شوخی ندارند. هر چند در هم غر بزنی باید بیدار شوی و خودت را به برنامه برسانی. نیم ساعت برای صبحانه و یک ربع برای آماده شدن به منظور حضور در کلاس ها. بخش دوم کلاس آموزش کمک های اولیه باز هم با استقبال همراه شده است و بیشتر نویسندگان در آن حاضرند. هر چند جمعی دوست دارند بنشینند گوشه ای به گپ و گفت با دوستان. بعد از استراحتی کوتاه نوبت به روایت از خاطرات می رسد. امدادگران خاطرات و تجربیات تلخ و شیرینی از سال ها حضور خود در ماموریت ها دارند. یکی از ماجرای مرگ هجده نفر در سقوط اتوبوس به دره هراز می گوید و دیگری از یک سال افسردگی ناشی از مرگ جوانی در آغوشش در یک حادثه و دیگری از نجات یک غریق در دریا و زنده شدن او ساعتی پس از نجاتش از آب و اینکه همان دیشب که گروه در جدال با خواب در شرایط سخت بوده اند هم امدادگران از نیمه شب تا دمدمه های صبح مشغول امداد رسانی به آسیب دیدگان در تصادفی در جاده بوده اند. نوبت می رسد به روحانی حاضر در جمع. مدیر نهاد نمایندگی ولی فقیه در استان لرستان. درباره اش شنیده بودم که اهل ورزش است و امدادگر حرفه ای، اما وقتی دهان باز کرد و از خاطراتش در امداد رسانی به لرستانی ها در سیل سال جاری گفت تازه فهمیدیم که باید فارغ از لباسش به او نگاه کنیم.



.....

چشم که بلند
کردیم دو ساعتی
بود که بی خود از
خود گوش سپرده
بودیم به خاطراتی
که برخی شان
جان مایه یک
داستان بلند
می شد. اما جان
کلام همه شان
تعریف انسانیت
است، معنای
از خودگذشتگی
برای امداد به
آن هایی که شاید
هیچگاه دیگر
نبینیشان

بود که حرف و تجربه های زیادی برای گفتن دارد. خودش می گفت روزی که به ایران بازگشته به رهبرانقلاب عنوان کرده که به عنوان سرباز گوش به فرمان و آماده هرکاری به دستور ایشان است، اما انتظارش را هم نداشته که راهی هلال احمر شود. می گفت که شناختی از آن نداشته اما پس از کوتاه مدتی حضور، بسیار دلبسته اش شده. از جانفشانی همکارانش در امدادها گفت و اینکه امدادگران به معنی واقعی کلمه از خود و زندگی خود برای آرامش مردم گذشته اند.

با سخنرانی او دوره عملیات تمام است و حسن ختامش را پیاده روی در دشت لار قرار می دهند. باز هم مینی بوس ها و باز هم فراز و فرود در دامنه البرز و بحث های ادبی مینی بوسی. وقتی به دل دشت می زنیم برای رسیدن به محل اسکان، برابمان می گویند که ماهیگیری در رودخانه و چیدن گون های دشت ممنوع است و جریمه سنگینی در انتظار خاطیان است. خنکای صبح از سوی کوه دماوند و صدای ناب رودخانه همسفر راه است تا برسیم به چادرها. بچه های هلال برای ساعت های حضور در آنجا هم برنامه دارند مثل همه بخش های دیگر اردو از خوردن ماهی تا مسابقه طناب کشی و بازدید از دریاچه سد لار.

ساعت به حوالی عصر رسیده که باید عزم خانه کنیم. برخی با ماشین شخصی آمده اند و راهی سرزمین خود هستند و برخی دیگر با اتوبوس راهی می شوند. نویسندگان قبل از پایان اردو جمعی دوستانه برگزار می کنند و پیشنهادهایی برای استفاده از توانشان برای هلال احمری ها دارند. از تشکیل کانونی برای اهل قلم تا برگزاری یک جایزه ادبی. از حضور در مناطق حادثه دیده برای روایت نویسی تا خلق داستان. هلال احمری ها با روی باز می پذیرند. از معاون فرهنگی نهاد نمایندگی تا شخص نماینده ولی فقیه در هلال احمر همه می گویند ما آماده کاریم این گوی و این میدان و شما. □

در این میان نوبت به خاطره گویی اهل قلم نیز رسید. یکی بخشی از تک نگاری اش از سفر یک هفته ای به خوزستان سیل زده در نوروز گفت که حاصلش کتابی شده است و دیگری از امداد فرهنگی به زلزله زدگان کرمانشاه. چشم که بلند کردیم دو ساعتی بود که بی خود از خود گوش سپرده بودیم به خاطراتی که برخی شان جان مایه یک داستان بلند می شد. اما جان کلام همه شان تعریف انسانیت است، معنای از خودگذشتگی برای امداد به آن هایی که شاید هیچگاه دیگر نبینیشان.

اجرای عملیات راپل هم از بخش های جذاب این روز است. عملیاتی که به گفته فرمانده پایگاه برای نجات مصدومان از درون دره ها و به صورت معلق میان زمین و آسمان انجام می شود.

عصر روز دوم را امدادگران پایگاه برای کوه نوردی اختصاص داده بودند. پیش قراول، یکی از کوه نوردان زبده و جوان مازندران بود. امدادگری که بیش از یکصد صعود به قله دماوند در سال را برای نجات کوه نوردان در کارنامه اش داشت و همان شب قبلش برای پایین آوردن بدن یخ زده کوه نوردی در یخچال های دماوند گذشته بود. برابمان از اصول کوهپیمایی گروهی گفت و حضور در دماوند و بعد از آن راهی منطقه ای شدیم برای رسیدن به غاری با اسم گل زرد.

از بحث های ادبی مینی بوسی میانه راه که باز هم بازارش داغ بود که بگذریم پای کوه همه را به ستون یک کردند و حرکت دادند به ایستگاه اول برای آموزش شیوه بپا کردن چادر امداد و اطفاء حریق. پس از آن کوه پیمایی به سمت ایستگاه دوم و پای دامنه کوه و پس از آن صعودی از دامنه سنگلاخ کوه بالا می رویم به سمت غار. دهانه غار چیزی نبود که انتظارش را داشته باشیم. بسیار باریک بود و باید برای ورود به غار روی خاک دقایقی سینه خیز عبور می کردی. از خیر تجربه اش گذشتم اما بسیاری از همسفران رفتند و آن دنیای درون آن شگفت زده بازگشتند. در این میان برخی هم ترجیح دادند به صعود ادامه دهند و به دل کوه بزنند. دوست نویسنده ای در کنارم آرام می گفت بالاخره یک روز از دماوند بالا می روم؛ نگاهش کردم. برق اطمینان در چشم هایش موج می زد. خندید و زد به دل کوه. دقیقه ای نگذشته بود که محو شد و خودش را بالای خط الراس رساند.

□ با من صنمادل یک دله کن

بیدارباش هفت صبح برای دومین روز انجام شد. دیگر کسی غرمی زند. هر کسی کار خودش را می کند. می دانند که برنامه ریزی امدادگران بدون تغییر است و رد خور ندارد. صبحانه روز سوم را در فضای باز می خوریم. سرمای صبح جمعه هزار عجیب دلچسب است. میهمان روز سومان نماینده ولی فقیه در هلال احمر است و معاون فرهنگی او. حجت الاسلام والمسلمین معزی پیرمردی بود که صبح جمعه ما را ساخت. پانزده سال حضورش در انگلستان و اتریش به نمایندگی از رهبرانقلاب از او مرد پخته ای ساخته





هلال ادبی

لیلا امانی

که جناب حافظ پیشرو آن است می فرماید:

توانگر ادل درویش خود به دست آور

که مخزن درو گنج درم نخواهد ماند

بر این رواق زبرجد نوشته اند به زر

که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

زمهربانی جانان طبع مبر حافظ

که نقش جرم و نشان ستم نخواهد ماند

صائب تبریزی شاعر قرن یازده هجری به نحوی زیبا

تقسیم احسان و نیکوکاری را بیان نموده:

همچون خورشید به ذرات جهان قسمت کن

گر نصیب تو زگردون، همه یک نان باشد

ادبیات تعلیمی جاری در تمام متون بر نوع دوستی بشری

تاکید دارد و آن را زمینه ساز تعالی بشری می داند. انسان غرق

در ثروت و مقام درکی از رنج بشری نخواهد داشت زیرا رنج ها

و درد ها همواره از نقصان امری به وجود می آیند. اتفاق کردن

چون خورشید بدون تبعیض حتی اگر سهم انسان یک نان

باشد تمام اصل هفتگانه نهضت صلیب سرخ و هلال احمر

در این بیت چکیده می شود. در میان تمام پدیده های عالم

هستی فقط خورشید است که با بی غرضی، بی طرفی،

استقلال، بشردوستی، یگانگی و جهان شمولی بر عالم

انسانی می تابد و تمام مردم را بهره مند می سازد.

در نهایت وظیفه نویسنده امروزی این است که لحظه ای

قلم را بر کاغذ بگذارد و به واکاوی جامعه خویشتن بپردازد و

از راهکارهای ادبی که شاعران و نویسندگان گذشته در بیان

نوع دوستی بشری بکار برده اند بهره برد زیرا یکی از فنون

نویسنده یافتن زندگی بهتر در همین کلام خلاصه می شود تا

زمانی که نویسنده یا شاعر خود را از جامعه کنار بکشد جامعه

نیز در واکنش به این امر او را نادیده خواهد گرفت. بهترین

رویکرد آشتی و برگشت صلح آمیز نویسنده به جامعه است

تا امر تعالی بشر که از اهداف سازمان هلال احمر است برای

نویسندگان و سازمان هلال احمر صورت بگیرد. □

همواره قرار گرفتن دو امر متفاوت در کنار هم نتیجه ای متفاوت تر را به ثمر

می رساند. ادبیات در ذات خویش نوعی مرکز اعلان همدردی بشری است برای

تسکین دردهایی که بر فرد یا جامعه می گذرد. شاعر یا نویسنده زبان گویای ادبیات می شود

برای بیان آن درد. درد جمعی جامعه بشری ممکن است ناشی از جنگ ها، تفرقه ها،

قحطی، بیماری، بلای طبیعی باشد. روح نویسنده و شاعر درد را در بر می گیرد و به بیان آن

می پردازد تا تسکینی برای آن باشد.

امداد جمعی فعالیت های بشردوستانه انسان ها در قالب جمعیت هلال احمر تعریف شده و

از اصول هفتگانه پیروی می کنند. دو امر ادبیات و امداد به صورت مجزا هر کدام به فعالیت

مشغول بودند اما برنامه اردو امدادی پلورمازندان نقطه وحدتی را به وجود آورد که بسیار

فرخنده است. زیرا در این اردوی اجتماعی تجربیات و اتفاقاتی مبادله شد که تا به امروز

ادبیات اجتماعی ایران از آن غافل مانده بود. ادبیات و امداد هلال احمر هر کدام در خدمت

مفاهیم خود زیست می کردند اما تلاقی این دو امر در نهایت به تغییری شگرف دست

خواهد یافت.

نیاز جامعه امروز از نویسندگان و شاعران انتظار دارد چارچوب ها را کنار بگذارند و ابداعی

جدید در مفاهیم انسان دوستی جامعه بشری پایه ریزی کنند. رخوت ادبی بر جامعه

نویسندگان سایه انداخته و نویسنده در جامعه خویش بیگانه شده. مفاهیم امداد همان نیاز

جامعه امروز ایرانی است که جامعه از نویسنده انتظار دارد از او بنویسد از دردها و مشکلاتی

که در وجودش چرکین شده و آن نیست بر عهده نویسندگان و شاعران به زخم بزنند و آن را

بیرون بگذارند و مرهمی بر روی آن قرار دهند و آن مرهم از جامعه هلال احمر در قالب حمایت

انتظار می رود. زیرا گستردگی و ارتباط این سازمان به مراتب بیشتر از جامعه نویسندگان

است. سازمان هلال احمر میلیون ها انسان عضو دارد که داوطلبانه خدمت می کنند. ادغام

داوطلبانه نویسندگان در این بین به رشد و شکوفایی و نگاه نو خواهد رسید.

اثر قهقرای ادبیات کهن ایرانی زمانی مسجل می شود که شاعران و نویسندگان بر مفاهیم

عام مبتلا بشری دست یافته اند و درباره آن سخن گفته اند و نبض حکمت کلام را ساده

نوشته اند. نویسندگان و شاعران می توانند از این موضوع بهره ببرند و سرمشقی را از شاعران

و نویسندگان برای بهبود اوضاع نوشتاری داشته باشند.

فراخوان عمومی شاعران بزرگ ایرانی چون حافظ، سعدی، فردوسی صائب تبریزی در

اشعارشان دعوت به نوع دوستی، مبارزه با ظالمین و دستگیری از مظلوم است. در ازمنه ای

که ضحاک مار دوش روزگار را بر مردم سیاه می کند و جان جوانان یک ملت را به غارت

می برد کاوه آهنگر در ادبیات حماسی پیش بند چرمین را می کشاید به خون خواهی خون

جوانان می رود و ضحاک را با همراهی جامعه از بین می روند. در ادبیات عاشقانه و عارفانه

خاطره نویسی بانوی نویسنده از اردوی لار

درس استقامت در پای دماوند

آهسته شاکری مهر



همه سر ساعت آمده بودند و طبق معمول تمامی سفرات دانش آموزشی، دانشجویی و ... بنده آخرین نفری بودم که رسیدم. شانس بامن یار بود که بی خواب شدن و عجله باعث شد پدر جمله همیشگی «من اگر جای اینا بودم جات می داشتم تا زودتریای» را فراموش کند، بگویند. مینی بوسی گرفته بودند و نویسندگان همگی که تعدادشان فراتر از ظرفیت آن بود سوار شدند. من هم به ردیف آخر و دوستانم پیوستم و پنج نفری روی چهار صندلی نشستیم. مینی بوس که حرکت کرد و از کنار پدر خواب آلودم گذشت تازه متوجه شدم یک نویسنده تنبل تر از من نیامده و کمی جلوتر سوار می شود. افسوس که نشد به پدر بگویم... در تمامی سفرات مجردی که قبلاً داشتم، همه همیشه بیدار و سر حال بودند و من تصورم این بود که این سفر با بقیه فرق دارد و جمع نویسندگان اکثراً متأهل ساکت و غرق در خواب و داستان هایشان هستند پس کتابی و دفترچه ای برداشته بودم که من هم غرق در جو نویسندگی شوم اما خب انسان جایز الخطاست و جمع در آن نزدیک سحر تقریباً خنک مرداد ماه طوری پرانرژی و سر حال بود که انگار نه انگار همه با هم تفاوت سنی و فکری دارند.

نماز صبح را میان خنکای نسیم سحرگاهی مسجد بین راهی اتوبان قم-تهران خواندیم و حرکت کردیم. نمی دانم بعد از نماز کدام نویسنده محترمی هنوز میل به تنفس هوای خنک و نسیمی که از روی خاک بلند می شد داشت که ده دقیقه ای پنجره ماشین را باز گذاشت و در صدی پیش خودش فکر نکرد ممکن است یک بینوایی آلرژی فصلی و یک شامه کاملاً فعال داشته باشد. چشمتان روز بد نبیند که بینی بنده از همان موقع سرناسازگاری برداشت و تا غروب منهدم کرد.



شبانه روز اول

»

چشمانم نیمه باز بود که الو گفتم. گفت: خواب بودی حق داری از بس این مدت خسته شدی. خودم را از تک و تا نینداختم و گفتم: نه بابا بیدارم. گفت: یک خبر خوب، یک خبر بد. کدوم رو بگم؟ خمیازه ام را قورت دادم و گفتم: اول بد. گفت: استاد برایش سفر پیش آمده باید جلسه را... صاف نشستم و با جیغ گفتم: وای نکو! گفت و گفت تا بالاخره راضی شدم وسط شلوغی ها فکری به حال جلو انداختن جلسه کنم. دستی به گل های بنفش بالشت کشیدم و دراز کشیدم. گفت: خبر خوب را بپرس دختر. خبر خوب شبیه یک فلفل سبز بود. اول چشمکی غلیظ زد و دلم غنچ رفت. انتخاب شدن برای اردوی آموزشی نویسندگان برای هلال احمر. شنیدن تاریخ سفر شبیه گاز زدن به فلفل بود که همه وجودت را بسوزاند. گفتم: نیام. گفت: چرا؟ گفتم: فرداش عروسی خواهرمه می دونید که! انگار تندی فلفل خط به خط به او هم منتقل شد. گفت: ای بابا ولی خب خانواده تو همیشه همراهند، این بار هم... گفتم این بار فرق داره آخه و واقعاً این بار فرق بزرگی داشت و سفارش بزرگی کردند که وسایل شخصی برای عروسی را آماده بذارو برو. فقط سالم برگرد! چهارشنبه که رسید، ساعت ۴ نصف شب یک عدد خواهر عروس خسته و کوفته از یک ماه دوندگی با چمدانی همراه نویسندگان به سمت پلور مازندران راهی شد.



.....

خواب از

چشم‌های مان

در همان یک

ربع اول پرید.

با عوض شدن

جو کلاس

و انرژی‌های

پزشک جوان و

آموزش عملی

نحوه برخورد با

مصدوم، احیای

قلبی و تنفسی،

کنترل خونریزی،

شکستی و ...

در پایان از

نویسندگان حاضر

نیز تعدادی وارد

عمل شدند

هدایت شدند و خانم‌ها به طبقه سوم و دو سوپیت مجهز. همه مشغول ذوق از هدیه‌های جذاب و واریسی کردن و تست خوابیدن در کیسه خواب قرمزمان بودیم که دوستی گفت الان طبق برنامه کلاس داریم. تازه فهمیدیم که ما شب تا صبح نخوابیده‌ایم و چقدر خسته‌ایم ولی خب فهمیدن دردی دوا نمی‌کرد چون زمان رفتن به افتتاحیه و شروع کلاسی با تیتراژی با نهضت جهانی صلیب سرخ و جمعیت هلال احمر ج.ا.ا بود.

کلاس سالنی بزرگ در طبقه دوم دقیقاً روبروی محل اسکان آقایان بود، با دری که به ایوانی باصفا وصل می‌شد. در شروع افتتاحیه از زحمات نمایندگی مقام معظم رهبری، هلال احمر مازندران و علی‌الخصوص جناب آقای نیکزاد رییس هلال احمر مازندران صحبت شد و از جناب نیکزاد دعوت به صحبت کردند. وسط چرت زدن و استفاده فراوان از دستمال کاغذی و اشتیاق برای دیدن رییس بودم که چشمانم از تعجب گرد شد و دیدم که آن خدمه مهربان رستوران شخص محترم رییس است.

کلاس که از یک ساعت گذشت شرایط اورژانسی آلرژی مجبورم کرد از جلسه خارج شوم و تقاضای قرص کنم. دوستان امدادی با روی باز با ماسک، دستمال، قرص و چای داغ به دادم رسیدند که دکتر نیکزاد سر رسید و با دیدن حالم از آلرژی خواهرش که از کودکی همراهش بوده و با دیدن من یاد او افتاده ذکر کرد و پیشنهاد استراحت و رفتن به کلاس داد ولی خب من مشتاق حضور در کلاس بودم و روانه کلاس شدم. بعد از کلاس در همان مکان، زمان نماز و ناهار اعلام شد.

بعد از نماز سفره‌ای در ایوان پهن شد، قرمه سبزی و ماست موسیرو نوشابه‌ها ردیف شدند و خب طبیعتاً آدمی که آلرژی دارد از خوردن ماست موسیر باید پرهیز... بگذریم. به سوپیت نرسیده و دراز نکشیده بودیم که اعلام شروع کلاس آشنایی با مفاهیم مدیریت بحران و مخاطرات شد. وسط‌های کلاس رگ زمین شناس بودنم قلمبه شد و دلم می‌خواست خودم وارد عمل شوم و ایرادات جناب استاد را بگیرم درخصوص مفاهیم و مسائلی که مربوط به طبیعت و زمین بود، ولی خب رگ مادرانه وجودم جلویم را گرفت.

خستگی و نخوابیدن از یک طرف، نوع خشک و تئوری کلاس از طرف دیگر باعث در آمدن صدای نویسنده‌ها و غرغرها شد. نویسنده‌هایی که دنبال ایده و هیجان و روشن شدن جرقه‌های امدادی در ذهنشان بودند که دست به قلم بشوند این سبک آموزشی به مذاقشان خوش نمی‌آمد و اعتراض‌ها شروع شد. در تایم میان وعده حتی عده‌ای اظهار پشیمانی از همراه شدن کردند و افسوس از تلف شدن وقت مبارکشان. اعتراض‌ها تمام نشده کلاس بعدی با عنوان اصول کمک‌های اولیه با پزشکی جوان شروع شد. خواب از چشم‌های مان در همان یک ربع اول پرید. با عوض شدن جو کلاس و انرژی‌های پزشکی جوان و آموزش عملی نحوه برخورد با مصدوم، احیای قلبی و تنفسی، کنترل خونریزی و شکستی و ... و در پایان از نویسندگان حاضر نیز تعدادی وارد عمل شدند، آموزش‌ها

قبل از ساعت هفت صبح به خیابان ولیعصر و هلال احمر تهران رسیدیم. عده‌ای آمده بودند و عده‌ای در حال آمدن بودند از شهرهای مختلف. قرار بود ساعت هفت به سمت پلور حرکت کنیم که خب ما ایرانی‌ها کاری بدون تأخیر اصلاً به دلمان نمی‌چسبد، پس نیم ساعتی با تأخیر حرکت کردیم و این تأخیر در کل برنامه‌های روز تأثیر منفی داشت. دو اتوبوس که هر کدام یک سومی خالی بود و ترکیبی از بیش از پنجاه نویسنده حوالی ساعت ده به پلور رسید. مقابل رستورانی که نیروهای هلال احمر ایستاده بودند از اتوبوس پیاده شدیم و با بغرما و خوش آمد به داخل رستورانی که رودخانه و کوه از داخل نمایان بود دعوت شدیم.

اولین صدای بی سیم بعد از ورود اعلام این بود که گروه نویسندگان فرهیخته وارد شدند. از این حجم عزت و احترام اشتباهی رفته همه باز شد. نان، پنیرهای دون دون محلی، گردوی تازه شکسته شده در پوست، املت، نیمرو، چای و ... همه را برابریم ردیف کردند. از مانکار که یک رقم کافیسیت و از آقای که بی سیم داشت اصرار که کم است. پیش خودم گفتم هلال احمر چه نیروی خدماتی مهربانی داره ایول!!

آلرژی و عطسه‌ها اوج می‌گرفت و چشمانم را هر لحظه قرمزتر می‌کرد. وسط عطسه و کندن پوست گردو بود که پوست گردو انگار پد رکشتگی داشته باشد در پوست نازک انگشت مبارکم فرو رفت و حالا خون نیا کی بیا، از یک نیروی امدادی جوان تقاضای چسب زخم کردم. گفت: پایگاه داریم. گفتم: ماسک. گفت: پایگاه. نگاه طلبکارم را که دید، گفت شرمند پایگاه نزدیکه در خدمتیم. تازه فهمیدم دق دلی پوست گردو را سر این بنده خدا با نگاهم خالی کردم. ولی خب من به پایگاه نرسیده چسب زخم و ماسک از دوستان نصیبم شد. صبحانه که تمام شد حرکت به سمت پایگاه هلال احمر و مراسم استقبال از نویسندگان فرهیخته اعلام شد.

هنوز سوار نشده و خود را مرتب نکرده و آماده استقبال نشده بودیم که گفتند بفرمایید پایین رسیدیم. نیروهای هلال احمر از درب ورودی و حیاط تا درب ساختمانی نوساز که در حاشیه جاده بود در دو ردیف منظم با منقل اسپند و سلام و خوشامد منتظرمان بودند. سند این حرکت قشنگ و اثبات حرفم در سایت نمایندگی مقام معظم رهبری در هلال احمر موجود است با عکس در حال ورود بنده، که خدایی شانس یارم بود که عینک دودی قرمزی چشم‌ها را پنهان کرده و در آن لحظه ماسک را برداشتم، وگرنه که انگار مصدومی به هلال احمر وارد می‌شده است.

وارد ساختمان سه چهار طبقه‌ای شدیم. در طبقه اول درمیان حجم استقبال و عکس و فیلم دو صف تشکیل دادیم و مشخصات خود را برای ثبت نام اعلام کردیم. پوشه‌ای آبی رنگ شامل دفترچه، خودکار، برنامه فشرده اردو و برگ ثبت نام هلال احمر به دستمان داده شد. دستی به وسایل و پوشه داشتیم که گفتند نفری یک کلاه امدادی و یک کیسه خواب هم باید به عنوان هدیه تحویل بگیرید. آقایان به طبقه دوم و محل اسکان



خوزستان و زلزله کرمانشاه. جلسه با صحبت‌ها و خاطرات تلخ و شیرین نیروهای هلال احمر و تعدادی از نویسندگان حاضر در این حوادث همراه بود. یک ساعت اول تقریباً همه در جلسه حضور داشتند. از یک ساعت نگذشته تعداد حاضرین آقا ریزش پیدا کرد. آخرهای جلسه مشخص شد که درب محل استراحت آقایان باز است و خب همه هم که خسته و تشنه خواب. کلاس هم لابد برای خانم‌ها فقط گذاشته شده بود دیگر... بگذریم.

بعد از اتمام جلسه نیروهای هلال احمر عملیات جذاب راپل را در محوطه پایگاه انجام دادند و نویسنده خانمی داوطلبانه همراه امدادی‌ها وارد عملیات راپل شد و سربلند بیرون آمد. نماز، ناهار اکبرجوجه، چند دقیقه‌ای استراحت و باز هم اعلام کلاس و توضیح و توجیه شدن نویسندگان بود توسط یک نیروی امدادی جوان کوهنورد که تازه شب قبل از دل دماوند و عملیات پایین آوردن جنازه یخ زده دختری کوهنورد برگشته بود.

بعد از کلاس کتانی و لباس گرم و آب معدنی به دست، سوار مینی بوس راهی یک کوهپیمایی امدادی شدیم. به محل مورد نظر که رسیدیم منظره دماوند و ابرهای پنبه‌ای و چادرهای عشایر روح و روانمان را آماده قدم برداشتن در سربالایی و سربالینی‌ها و جمع کردن تجربه کرد.

همه را به یک صف کردند و در ایستگاه اول آموزش برپا کردن چادرهای امدادی و اطفای حریق دیدیم. پس از آن وارد ایستگاه دوم و مرحله جدی کوهپیمایی شدیم. هر قدمی که با یک نفس عمیق برمی داشتم بیشتر مشتاق می شدم از تجربیات نویسندگان و اساتید استفاده کنم. قبل از رسیدن به غار این فکر در ذهنم رژه رفت که باین



منظره دماوند و
ابرهای پنبه‌ای
و چادرهای
عشایر روح و
روانمان را آماده
قدم برداشتن
در سربالایی و
سربالینی‌ها و
جمع کردن تجربه
کرد

را انجام دادند و حالا به مقدار فراوانی از حجم غرغرها کاسته شده بود.

بعد از کلاس اعلام حرکت به سمت آبگرم رینه لاریجان شد. در تمامی سفرهای دوستانه قبل تجربه رفتن به آبگرم و استخر را نداشتم. پس مشتاقانه آب جامه یا همان مایو و حوله خودمان را برداشتیم و به سمت مینی بوس عهد شاه وزوزک رفتیم. تجربه آبگرم و تماشای طبیعت زیبای رینه خستگی روز را بر باد داد. مینی بوس که به سمت پایگاه حرکت کرد بعد از ۲۸ ساعت نخوابیدن و مبارزه با آلرژی چرتی زدیم و بقول امروزی‌ها شارژ شدیم. شام را که خوردیم اعلام دورهمی و جلسه معارفه شد. با قیافه‌های خسته دورهم جمع شدیم و گپ زدیم. همدیگر را شناختیم و صمیمی‌تر شدیم. تا دیروقت بیدار بودن با حجم خستگی برای نیروهای هلال احمر عجیب بود ولی خب ما نویسنده‌ها با شب رفیق ترییم.

۱ شبانه روز دوم

برای منی که اوایل نوجوانی و نازک نارنجی بودن در اردویی شرکت کردم که چهارنصف شب بیدارباش بود بیدار شدن ساعت شش صبح و آماده آغاز شروع روز دوم شدن زیادی سخت نبود، ولی خب غرغره‌های عده‌ای گوش فلک را کر می‌کرد. روز دوم با صبحانه و عدسی داغ آغاز شد. بلافاصله بعد از صبحانه ادامه کلاس کمک‌های اولیه جذاب و یادگیری بقیه آموزش‌های دیروز از سر گرفته شد. تایم یک ربع بعد از کلاس به میان وعده و استراحت گذشت و بعد شروع جلسه‌ای با عنوان تجربه‌نگاری از حوادث طبیعی با تاکید بر سیل گلستان، لرستان،



فرهنگی شان مهمانان ویژه اختتامیه بودند و چه شیرین اختتامیه‌ای وقتی نگاه و لطف آقا بر آنست. صحبت‌های شیرین جناب آقای معزی و شنیدن درخواست و پیشنهاد‌های نویسندگان و اعلام آمادگی برای همکاری همه را به وجد می‌آورد. اختتامیه که به پایان رسید آماده رفتن به آخرین برنامه امدادی‌ها شدیم. کتانی به پا کردیم و سوار بر مینی بوس به سمت دشت لار حرکت کردیم، برای پیاده روی در دشت و رسیدن به دریاچه سد لار.

محل استراحت زاویه دیدی عجیب دلنواز داشت چای ذغالی، چادرهای سفید هلال احمر، دریاچه، تک درخت لب رود، کوه‌های استوار و صدای بوسه‌هایی که آب بر سنگ و صخره‌ها می‌زد و خدایی که وجودش فراوان حس می‌شد. عده‌ای به سمت سد لار راه افتادیم و آب‌های زلال آبی رنگ را با روحمان بلعیدیم. از سد بازنگشته امدادی‌ها باز هم برنامه‌ای هیجان انگیز ترتیب داده بودند با عنوان مسابقه طناب کشی با جایزه جعبه کمک‌های اولیه و چه شور و رقابتی بود میان شرکت کنندگان اهل قلم. شمال بروی و ماهی نخوری از نظر من انگار روزه بی سحری گرفته‌ای. خدا را شکر اعمال شمال رفتن تکمیل شد و کنار رودخانه و زیر چادر چلوماهی را هم نوش جان کردیم. برگه گواهی آموزشی هلال احمر مبنی بر گذراندن ۲۰ ساعت آموزشی را که گرفتیم گرما و تنبلی قلقلکمان داد و همراه تعدادی از خانم‌ها سوار ماشین مخصوص هلال احمر شدیم و از پیاده روی فرار

کردیم. به مینی بوس نرسیده بودیم که بی سیم آقای راننده اعلام کرد زودتر برگردید یک نفر عروسی دارد باید زود برگردد. □



.....

صحبت‌های شیرین آقای

معزی در مراسم
اختتامیه و شنیدن
درخواست و
پیشنهاد‌های
نویسندگان و
اعلام آمادگی
برای همکاری
همه را به وجد
می‌آورد

همه خستگی بیکار بودی بیایی. فکرم تمام نشده بود که سنگی از زیر پایم غلتید و پایین رفت. صدایی گفت چه سنگ قشنگی. تازه یادم افتاد چهار سال دانشجویی وسط سنگ و کوه بودم و لذت بردم. حالا بماند که در آخر فقط نام مهندس را بیدک... بگذریم.

با شوق بالا رفتیم تا به غار گل زرد که در دهانه کوه بود رسیدیم. دهانه غار تنگ و باریک بود و باید سینه خیز وارد می‌شدی، که این کار با شرایط خواهر عروس بودن جور در نمی‌آمد، لذا با ناراحتی و تحمل سرما به تماشای طبیعت و صحبت داستانی نشستیم. عکس دسته جمعی یادگاری در دهانه کوه گرفتیم و برشی هندوانه در نیمه راه نوش جان کردیم و ایده‌های داستانی مزه مزه کردیم و سوار مینی بوس به پایگاه برگشتیم. همه چیز عالی بود یک روز پراز انرژری و کباب کوبیده و دوش آب گرم تا اینکه بقول پدرم شصت پای محترمم رفت توی جیب بغلم و قبل از دورهمی شبانه، پیشانی خواهر عروس به کابینت خورد و شبیه تام در تام و جری متورم و قرمز شد. خدا را شکر دوستان بودند و یخچالی سرشار از یخ. با پیشانی باد کرده و دردسری عجیب تا دیروقت در جلسه دوستان نویسنده مبنی بر هم‌اندیشی و نظرات در جهت داستان و فعالیت، درخواست همکاری از هلال احمر و نهاد‌های مربوطه ماندیم و روز دوم را به پایان رساندیم.

۴ | شبانه روز سوم

صبح جمعه روز سوم نیمی در ایوان و نیمی در سالن صبحانه خوردیم و آماده مراسم اختتامیه شدیم. حجت الاسلام و المسلمین معزی نماینده ولی فقیه در هلال احمر و معاون

کند و لشگری هلال احمر را برای ما اینگونه معرفی کرد:

هلال احمر یک سازمان غیرانتفاعی، عضو صلیب سرخ جهانی است که از سال ۱۳۰۱ تأسیس شد و به فعالیت‌های امدادی و بشردوستانه فعالیت دارد. پیش از انقلاب سازمان، با نام و علامت شیر و خورشید سرخ بود، که پس از انقلاب به نام هلال احمر درآمد. هلال احمر در بحران‌هایی نظیر سیل، زلزله، جنگ و... زمانی که تعداد مصدومین آنقدر زیاد است که دیگر از یک سازمان به تنهایی کاری ساخته نیست، ورود می‌کند. در حال حاضر، در هر نقطه از کشور، حتی نقاط کور و یا حداقل آنتن دهی هم که باشیم، می‌توانیم با شماره ۱۱۲ تماس بگیریم و کمک بخواهیم. این شماره جزو تماس‌های ضروری تلفن همراه است و ما را به مرکز کنترل فرماندهی عملیات هلال احمر وصل می‌کند. در بسیاری از حوادث می‌توانیم این شماره را بگیریم. مثلاً تصادفات جاده‌ای یا سقوط وسیله نقلیه به دره. در چنین حوادثی، خدمات نجات با هلال احمر است و خدمات امدادی با اورژانس با شماره ۱۱۵. باز هم اگر اورژانس نتواند تمام مصدومان را پوشش دهد، هلال احمر به عنوان همکار ورود پیدا می‌کند و از آمبولانس‌های خود برای انتقال مصدومین استفاده می‌کند. در کوهستان نیز اگر اتفاقی رخ دهد اگر با شماره ۱۱۲ تماس بگیریم، امداد کوهستان به کمک ما می‌شتابد و آن حادثه را پوشش می‌دهد.

پس از این آشنایی مختصر، به سراغ خود آقای لشگری، از بیان خودشان می‌رویم:

بنده از سال ۷۹ کوهنوردی و سنگ‌نوردی را در یک باشگاه کوهنوردی در ساری، آغاز کردم. بعد از مدتی در سال ۸۰ دیدیم اگر کسی از ما آسیب ببیند، کسی نیست که کمکش کند؛ وارد هلال احمر شدم و دوره امداد و کمک‌های اولیه را گذراندم. بعد این قضیه جدی‌تر شد، در سال ۸۳ مربی جستجو نجات در ارتفاع و فضامعلق هلال احمر شدم. ما در این راه خیلی جدی کار کردیم و با کمک دوستانمان دیواره‌ها و مسیرهای زیادی باز کردیم. ۱۵۰ مسیر سنگ‌نوردی و دیوارنوردی جدید در مازندران باز کردیم. این مسیرها، مسیرهایی بود که تا بحال صعود نشده بود، ما برای اولین بار صعود کردیم و مسیر را رول کوبی کردیم. یعنی مسیرهای غیر قابل رفتن را برای دیگر کوهنوردان مهیای استفاده کردیم. تمام مسافت را از ابتدا تا نوک مسیر، میخ کوبیدیم تا کوهنوردهای دیگر که می‌خواهند صعود بکنند از همین مسیر استفاده کنند.

سال ۹۲ آزمون استخدامی هلال احمر برگزار شد، چون این کار با روحیه من سازگار بود، آزمون دادم و به دلیل استعداد و علاقه زیاد از ۲۰۰ نفره ۲۰۰ را کسب کردم. استخدام شدم و به پایگاه امداد کوهستان پلور آمدم. سیستم سازمانی هلال احمر امداد کوهستان نیست، اما طبق اصول هفت‌گانه هلال احمر، که یکی از مهم‌ترین اصولش انسان دوستی است، هلال احمر برای تسکین آلام بشری، وارد قضیه امداد کوهستان نیز می‌شود.

در ابتدا عملیات نجات در قله دماوند به این صورت سازمان



فراز و نشیب امداد
در گفتگو با داود لشگری

قهرمان کوهستان

فاطمه نفی

یکی از خبرنگاران خوش ذوق حاضر در اردوی نویسندگان از فرصت پیش آمده بهره برده و در پایگاه هلال احمر شهید ملک زاده با داود لشگری مسئول کارگروه جستجو و نجات هیات کوهنوردی استان مازندران به گفتگو نشست.

اولین بار آقای لشگری را در پایگاه هلال احمر شهید ملک زاده، در پلور آمل دیدم. همسر و دو فرزندشان هم همراهشان بود. همسرش برایم تعریف کرد که بچه‌ها تازه شب به پدرشان رسیده‌اند و صبح نتوانسته‌اند از بابا داودشان دل بکنند و برای همین همراهش آمده‌اند. گفت که او پس از هفت روز، تازه از دماوند برگشته، بسیار خسته است و کاهش وزن ناشی از هفت روز عملیات در دماوند، کاملاً در چهره‌شان مشهود است. اما وقتی برای مصاحبه به سراغشان رفتم، با روی باز من را پذیرفت و افتخار این مصاحبه را به ما داد. داود لشگری، متولد ۱۳۶۱ است. او مسئول کارگروه جستجو و نجات هیات کوهنوردی استان مازندران است؛ یعنی یک رنج‌بر تمام معنا. مهارت او فقط در اینها خلاصه نمی‌شود، لشگری تخصص‌های دیگری هم دارد مانند: تدریس جستجو و نجات در ارتفاع و فضای معلق، تدریس جستجو و نجات در بهمن، مربی سنگ‌نوردی داخل سالن، مربی نقشه خوانی و کار با قطب نما و مربی کوهپیمایی فدراسیون کوهنوردی.

از او درخواست کردم، پیش از هر چیزی اندکی ما را با جمعیت هلال احمر و ساختارش آشنا



.....

گاهی یک
امدادگر در ارتفاع
۵۰۰۰ متری یک
مصدوم را روی
کول می‌گذارد و
به پایین حمل
می‌کند. این در
حالی است که
در آن ارتفاع و
جو، بدن حالت
طبیعی ندارد،
آدم دچار بی
حالی و بی رمقی
می‌شود و حتی
راه رفتن معمولی،
یا صحبت کردن
برای انسان
سخت است، چه
برسد به اینکه
یک انسان را
روی کول بگذارد
و به پایین، با آن
خطرات فراوان،
حمل کنی. اما
بچه‌های ما
به این توانایی
رسیده‌اند و با
تمام وجود، به
انسان‌ها کمک
می‌کنند

را باهم انجام می‌دهیم چهار یا پنج نفر است. این تعداد کم عملاً به خاطر سختی زیاد این کار است، که هم باید مهارت بسیار داشت، هم تحمل شرایط بسیار سخت. مثلاً ما در هفت روز گذشته کامل در دماوند بودیم. برای جستجوی یک تیم چهار یا پنج نفره که در جبهه شمال شرقی دماوند مفقود شده بودند، هر روز به ارتفاع ۴۵۰۰ یا ۵۰۰۰ متری می‌رفتیم، بعد دوباره برمی‌گشتیم پایین و دوباره جست و جو را آغاز می‌کردیم و به سمت قله می‌رفتیم. اینکه هر روز این مسافت را در شرایط خاص قله دماوند پیمایش کنی، اصلاً کار راحتی نیست و سختی‌های بسیار دارد.

از حقوق و مزایایش سؤال کردم، سکوت کرد.

می‌دانستم که ایشان و دوستانشان با هدفی غیر از پول، در این راه قدم گذاشته‌اند. بعضی از بچه‌های امدادگر، با یک مبلغ بسیار ناچیز «حدوداً شصت هزار تومان در روز» این کار سخت را انجام می‌دهند. کدام یک از ما حاضریم برای این مبلغ که حتی کرایه ماشین رانیت تأمین نمی‌کند، به ارتفاع پنج هزار متری برویم و هفت روز کامل را با این شرایط سخت در دماوند جست و جو کنیم؟ آن هم در میان آن دره‌های ریزشی که اگر ثانیه‌ای غفلت کنی، جانت را از دست داده‌ای! همین شرایط سخت باعث شده، هر کسی در این مسیر وارد نشود، زیرا کمترین هزینه در این راه جان عزیز آدم است.

وقتی از ایشان پرسیدم، با وجود این سختی کار، آیا در صدد تربیت نیروهای جدید و جایگزین هستند، پاسخ داد:

یکی از فعالیت‌های مثبت ما، تشکیل ستادهای اطلاع رسانی در دماوند است. امدادگرهای جدید ما وارد کار می‌شوند، ما آن‌ها را به ارتفاع ۴۲۰۰ متری می‌بریم و آن‌ها در ارتفاع، درگیر کار امدادی می‌شوند، یعنی هر روز مجبور می‌شوند تا ارتفاع حدوداً ۵۰۰۰ متری دماوند بروند و بعد مصدوم را به پایین منتقل کنند. این قضیه سطح آمادگی جسمانی، و سطح توانایی امدادگر را بالا می‌برد و ما در خیلی موارد می‌توانیم از حضور این امدادگر استفاده کنیم. ما این کار را از سال ۹۲ آغاز کرده‌ایم و آرام آرام داریم چند نفر را به این سیستم اضافه می‌کنیم اما کار سخت و طاقت فرسایی است و هر کسی طاقتش را ندارد. مثلاً ما در بعضی روزها که بچه‌ها برای امداد رسانی به بارگاه سوم می‌روند، سی‌الی چهل نفر مصدوم داریم. مصدومیت‌هایی مانند ارتفاع زدگی، هیپوترمی، آدم مغزی، آدم ریوی، شکستن دست و پا، بیهوشی در ارتفاع و... که این مصدومین باید به پایین حمل شوند. گاهی یک امدادگر در ارتفاع ۵۰۰۰ متری یک مصدوم را روی کول می‌گذارد و به پایین حمل می‌کند. این در حالی است که در آن ارتفاع و جو، بدن حالت طبیعی ندارد، آدم دچار بی حالی و بی رمقی می‌شود و حتی راه رفتن معمولی، یا صحبت کردن برای انسان سخت است، چه برسد به اینکه یک انسان را روی کول بگذارد و به پایین، با آن خطرات فراوان، حمل کنی. اما بچه‌های ما به این توانایی رسیده‌اند و با تمام وجود، به انسان‌ها کمک می‌کنند.

یافته انجام نمی‌شد. اوایل کار امکانات کم بود، با وسایل شخصی امداد رسانی می‌کردیم. به مرور تجهیزات خریداری شد و اوضاع بهتر شد. اما هنوز هم نقص‌هایی وجود دارد. امداد کوهستان وظیفه هلال احمر نیست، اما با تعامل‌هایی که با فدراسیون کوهنوردی انجام شد، می‌توانیم به این قضیه ورود پیدا کنیم. وظیفه فدراسیون آموزش کوهنورد، و یا ایمن‌سازی مسیرهاست. همچنین از طرف فدراسیون کوهنوردی، ستادهای اطلاع رسانی و پیشگیری از حوادث کوهستان تشکیل شده که این ستاد هر هفته چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه در بارگاه سوم مستقر می‌شود و برای پیشگیری از حوادث به کوهنوردها راهنمایی می‌کند که دچار سانحه نشوند. اطلاعاتی نظیر اینکه چه زمانی صعود کنند، چه زمانی برگردند، هوا چگونه است و... اما با همه اینها اگر اتفاقی هم بیفتد این دوستان در ستاد هستند و خدمات امدادی به افراد آسیب دیده ارائه می‌دهند. مثلاً در تابستان گذشته این خدمات به هزار مورد رسید. اگر حوادث خیلی شدید تر بود و فدراسیون به کمک نیاز داشت، هلال احمر ورود پیدا می‌کند. مثلاً ما پارسال دوازده پرواز برای انتقال مصدوم داشتیم و هلال احمر در چنین حوادثی کمک حال فدراسیون است.

اما در حال حاضر نیز امکانات ما چندان سازمان یافته نیست. مثلاً بالگردهای ما توانایی ارتفاع بیش از ۴۰۰۰ متر را ندارند و مجاز به پرواز در بیش از این ارتفاع نیستند. یا هلیکوپترهای ما سان‌ست «محدودیت زمان پرواز دارند و مخصوص روشنی هستند» هستند و در شب امکان پرواز ندارند و این محدودیت‌ها باعث می‌شود هر زمان که نیاز به هلیکوپتر داشتیم، نتوانیم هوایی اقدام کنیم و ناگزیر به اقدام زمینی هستیم. اقدام زمینی مستلزم صرف زمان است و زمان در حوادث اهمیت بسیاری دارد. گاه جان یک انسان بسته به چند دقیقه است. ما سعی کرده‌ایم که با تمرین‌های سخت، آمادگی مان را زیاد کنیم و این زمان را به حداقل برسانیم. ما هر روز ۱۴ تا ۲۰ کیلومتر پیمایش دو کوهستان انجام می‌دهیم. یعنی از ارتفاع بالا می‌رویم و دوباره با سرعت بسیار زیاد این مسافت را برمی‌گردیم تا آمادگی مان افزایش پیدا کند.

در حالت عادی پیمایش قله دماوند، چهارالی پنج ساعت زمان لازم است تا به پناهگاه برسیم و بعد از پناهگاه تا قله، پنج ساعت زمان لازم است. جمعاً ده ساعت. بسیاری از کوهنوردها نیز این کار را در دو روز انجام می‌دهند، یعنی روز اول را هم هوایی می‌کنند، تا روز دوم صعود به قله داشته باشند. اما ما با تمرین و سختی بسیار، این زمان را به سه ساعت در روز رسانده‌ایم. یعنی یک ساعته خودمان را به پناهگاه می‌رسانیم و دو ساعته خودمان را به قله می‌رسانیم. ما سعی می‌کنیم آمادگی جسمانی خودمان را در بهترین حالت نگه داریم تا اگر کسی دچار سانحه شد، خیلی سریع نجاتش دهیم.

وقتی از تعداد افرادشان پرسیدم او اینگونه پاسخ داد:

در امداد کوهستان قله دماوند، تعداد بچه‌هایی که اینکار

برایمان کمی از قله دماوند بگویید و بفرمایید که برای فتح قله دماوند چه فصلی را انتخاب کنیم؟

قله دماوند قدیمی‌ترین قله صعود شده تاریخ کوهنوردی بشر است. یکی از دلایل آن استخراج گوگرد بوده است. گوگرد کاربردهایی مانند آتش روشن کردن، یا ضد عفونی کردن داشت. آن‌ها گوگرد را استخراج می‌کردند، در پوست گاو و گوسفند پرمی‌کردند و به پایین می‌انداختند یا قیل می‌دادند.

دماوند چهاردهمین قله مرتفع دنیا از نظر میزان پیمایش است. شانزده یال اصلی دارد، ۵۷ مسیر فرعی برای صعود دارد و چهار جبهه اصلی که در هر چهار جبهه، پناهگاه داریم و کوهنورد ها در ارتفاع ۴۲۰۰ متری می‌توانند استراحت کنند و بعد صعود کنند.

در ایران ۹۵ درصد کوهنورد ها و یا حتی بیشتر، تابستانی هستند، یعنی به محض اینکه مهر شروع می‌شود، صعود ها تمام می‌شود، تا تابستان سال بعد. این به دلیل شرایط سخت دمایی است. هر هزار متر که بالا می‌رویم، دمای هوا پنج الی شش درجه کاهش پیدا می‌کند. دما در تابستان، در بدترین حالت به منفی سیزده می‌رسد، ولی در زمستان به منفی شصت و یا هفتاد هم ممکن است برسد.

اگر جوانان یا نوجوانان بخواهند وارد هلال احمر شوند چه باید کنند؟

در سازمان جوانان هلال احمر دوره‌هایی برگزار می‌شود، نوجوان‌ها می‌آیند و بدون هیچ گونه محدودیتی ثبت نام می‌کنند و دوره‌هایی را می‌بینند. وقتی سنشان بیشتر می‌شود، وارد سازمان امداد و نجات می‌شوند، در آنجا دوره‌های سخت‌تر و فشرده‌تری برایشان گذاشته می‌شود تا بتوانند یک امدادگر خوب شوند. هر چه پیشرفت کنند، به درجه بالاتری می‌رسند. ترتیب درجه‌ها در هلال احمر اینگونه است: امدادگر سه، امدادگر دو، امدادگر یک - وقتی دوره‌های تخصصی بگذرانند، نجات گر سه، نجات گر دو، نجات گر یک - وقتی تمام دوره‌ها را بگذرانند دوره ایثار است که این امدادگر می‌تواند در تمام حوادث نظیر جاده، سیلاب، آوار و کوهستان ورود پیدا کند.

در همین دوره‌ها، ما دوره امداد کوهستان را نیز، به شکل دوره‌های شش الی هفت روزه برگزار می‌کنیم، اگر علاقه داشته باشند، دوره‌های کامل‌تری به نام دوره ارتفاع نیز هست که نجات در فضای معلق را به افراد آموزش می‌دهیم. در نجات‌های شهری، یا حوادثی نظیر، خرابی ساختمان‌ها و برج‌هایی که امکان دسترسی به آن‌ها وجود ندارد، این افراد می‌توانند وارد شوند و افراد مصدوم را منتقل کنند. آموزش‌های ما به صورتی است که عملاً نقطه غیرقابل دسترسی برای امدادگرانمان وجود ندارد. خصوصاً در ایران که ما سخت‌ترین رشته کوه‌ها را داریم، مثلاً در فرانسه بلندترین ارتفاع ۴۸۰۰ متر است و یا در آلمان بلندترین ارتفاع ۲۶۰۰ متر بیشتر نیست، اما در ایران ۵۶۰۰ متر ارتفاع را داریم. و یکی از دلایل محدودیت‌های پروازی ما همین است. آن‌ها می‌توانند به دلیل فشار هوای مناسب، با هلیکوپتر، به همه جاد دسترسی پیدا کنند، اما



ما دوره امداد کوهستان را به شکل دوره‌های شش الی هفت روزه برگزار می‌کنیم، دوره‌های کامل‌تری به نام دوره ارتفاع نیز هست که نجات در فضای معلق را به افراد آموزش می‌دهیم. در نجات‌های شهری، یا حوادثی نظیر، خرابی ساختمان‌ها و برج‌هایی که امکان دسترسی به آن‌ها وجود ندارد، این افراد می‌توانند وارد شوند و افراد مصدوم را منتقل کنند. آموزش‌های ما به صورتی است که عملاً نقطه غیرقابل دسترسی برای امدادگرانمان وجود ندارد

در ارتفاعات بالای ۴۰۰۰ متر بالگردهای ۲۰۵ یا ۴۱۲ ما نمی‌توانند پرواز کنند و حتماً باید هلیکوپتر mi۱۷ باشد. هر چند این مدل نیز بالگرد ترابری است نه امدادی. هلیکوپتر مخصوص امداد و نجات مدل یورو کوپتر است که می‌تواند تا ارتفاع ۸۰۰۰ متر پرواز کند، اما در ایران ما به دلیل تحریم از بالگردهای مخصوص امداد و نجات محروم هستیم.

یک خاطره نیز برایمان تعریف کنید:

خاطرات خوب و بد زیادی دارم، که به علت فراوانی فراموشم می‌شود و در خاطرم نمی‌ماند. اما یکی از آن‌ها که در خاطر دارم این است: نجات کوهنوردی در جبهه شمال شرقی دماوند که چهار روز بود گم شده بود. مادر جبهه‌های مختلف گشته بودیم و هنوز او را نیافته بودیم. زیرا این فرد خودش را در ارتفاع ۴۶۰۰ در جان پناهی، قرار داده بود و قابل رویت نبود. زیرا دماوند یک قله آتش فشانی است و سوراخ‌ها و جان پناه‌های زیادی دارد.

وقتی این فرد را در ارتفاع ۴۷۰۰ متری یافتیم، افرادمان رفتند تا صدمتر او را به پایین بیاورند، اما آنقدر ضعیف شده بود که بی‌هوش شد. ما آمدمیم در ارتفاع ۴۲۰۰ متری در پناهگاه تخت فریدون و از آنجا درخواست پرواز دادیم. بالگرد آمد و بالای سر مصدوم به پرواز درآمد و با وینچ بنده را پایین فرستاد. من مصدوم را که نفس‌های آخرش را می‌کشید، در بسکت ثابت کردم و بعد با وینچ ما را بالا کشیدند. مصدوم چهار روز بود بدون آب و غذا در کوه مانده بود و واقعاً اگر هلیکوپتر امداد نمی‌رسید و او را با سرعت منتقل نمی‌کردیم، زنده نمی‌ماند. یادم هست ساعت شش عصر بود و هلیکوپتر داشت به سان یست «هلیکوپتر یک ساعت مانده به غروب آفتاب باید در منطقه مخصوص خود باشد» خودش نزدیک می‌شد و ما باید خیلی سریع کارمان را انجام می‌دادیم. وقتی داشتیم مصدوم را می‌کشیدیم بالا، نفر دوم که روی صخره گیر کرده بود را هم پیدا کردیم، دوباره برگشتیم و او را هم با وینچ بالا کشیدیم. هر دو مصدوم را با بالگرد به بیمارستان میلاد انتقال دادیم و آن‌ها نجات یافتند.

در انتها باید بگویم که جناب آقای لشگری، دارای درجه ایثار هستند. این درجه یعنی حاضری از تمام زندگی‌ات برای کمک به انسان‌ها بگذری و نام این افراد را از نظر من باید قهرمان گذاشت. امیدوارم قدر این قهرمان‌ها را بدانیم، خودشان و خانواده‌شان را حمایت کنیم و سختی‌های کارشان را با حمایت‌ها شیرین کنیم. □





فعالیت بیش از ۳ هزار عضو کانون طلاب در خراسان شمالی

طرح شوق رویش خبرداد و گفت: از مهمترین برنامه‌های اجرا شده می‌توان به همایش دین، نشاط، زندگی اشاره کرد که در آن ۴ هزار مراجعه کننده در این همایش تحت پوشش برنامه‌های فرهنگی قرار گرفتند.

حجت الاسلام والمسلمین رضایی در ادامه به حضور اعضای کانون طلاب در کارگاه‌های آموزشی آسیب‌های اجتماعی و تربیت مربی طرح پیمان اشاره کرد و گفت: در کنار اعضای کانون‌های دانشجویی و جوانان، اعضای کانون طلاب نیز دوره‌های آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری موثر از اعتیاد در جهت نشاط اجتماعی را گذرانده و به عنوان مربی طرح پیمان دوره‌های آموزشی برای سایر اعضا برگزار می‌کنند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی با اشاره به لزوم گسترش فعالیت‌های فرهنگی به موازات اجرای برنامه‌هایی همچون کاروان سلامت گفت: در همه کاروان‌های سلامت اعزام شده از اعضای کانون طلاب خواهران و برادران نیز حضور داشته که با ارائه فعالیت‌های فرهنگی و همچنین پاسخگویی به مسائل شرعی و ارائه بسته‌های فرهنگی، به ترویج اشاعه فرهنگ اسلامی می‌پردازند.

وی مشارکت اعضای کانون طلاب در اجرای مسابقات علمی، فرهنگی و ورزشی، مسابقات کتابخوانی، اجرای طرح پویش با مهر تاهمهر، برپایی ایستگاه سلامت، برگزاری شب شعر با گویش محلی و همچنین حضور در طرح ملی غربالگری فشار خون را از دیگر فعالیت‌های اعضای این کانون عنوان کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان شمالی در پایان یکی از مشکلات عمده فعالیت در کانون طلاب را عدم وجود بودجه مناسب دانست و گفت: تخصیص بودجه کافی به این کانون می‌تواند تأثیرات مثبتی در اشاعه مسائل فرهنگی و دینی داشته باشد. □

« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی گفت: اعضای کانون طلاب حوزه‌های علمیه در ۸ شهرستان این استان همگام با اعضای کانون‌های جوانان در فعالیت‌های عام المنفعه، بشردوستانه و امدادی مشارکت دارند.

حجت الاسلام والمسلمین رضایی با اشاره به ۱۶ کانون طلاب خواهر و برادر این استان افزود: اعضای کانون‌های طلاب در حوزه‌های علمیه ۸ شهرستان استان خراسان شمالی پس از عضویت در کانون، آموزش‌های مرتبط با دوره‌های کمک‌های اولیه و خدمات داوطلبانه را با موفقیت طی کرده‌اند.

حجت الاسلام والمسلمین رضایی با اشاره به مصوبه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی گفت: در جلسه شورای فرهنگی با نظر مدیر عامل هلال احمر استان مصوب شد از توان و ظرفیت کانون‌های طلاب خواهران و برادران در تمامی برنامه‌های حوزه‌های جوانان و معاونت‌های استان استفاده شود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی در همین زمینه ادامه داد: بر این اساس با فرا رسیدن ایام تعطیلات تابستان و اوقات فراغت جوانان، بیش از سه هزار نفر عضو آموزش دیده کانون طلاب با حضور در فعالیت‌های عام المنفعه و بشردوستانه در کنار کانون‌های جوانان و دانشجویی حضور مستمر و فعال داشتند.

وی در خصوص اهم فعالیت‌های انجام شده در چهار ماهه نخست سال ۹۸ افزود: اعضای کانون طلاب در مراسم هفته هلال احمر، هفته حجاب و عفاف، ایام ماه مبارک رمضان و دهه کرامت با اجرای برنامه‌های فرهنگی برپایی ایستگاه‌های صلواتی و همچنین برپایی ایستگاه‌های سلامت و پاسخگویی به سوالات شرعی، حضور پرشوری در فعالیت‌های ابلاغی و پیشنهادی سازمان جوانان داشتند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان شمالی همچنین از برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت زندگی، همایش‌ها و آموزش‌های فرهنگی در اجرای



حجت الاسلام والمسلمین معزی
در سفر به خوزستان:

حفظ اعتماد مردم به هلال احمر نیازمند فرهنگ سازی است

حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به توصیه ایشان عمل کردیم و جوانان نیز در این عرصه خوش درخشیدند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر افزود: حوزه نمایندگی مقام معظم رهبری در هلال احمر جایگاه خدمتگزاری به مردم و ملجاء آنهاست. با توجه به نزدیکی ماه‌های محرم و صفر و عبور زائران حسینی از این استان، جمعیت هلال احمر پیش بینی‌های لازم را برای خدمت رسانی به زائران انجام داده است. امسال اربعین در فصل گرما قرار دارد و پیاده روی در گرما برای زائران سخت و گاه با مشکلاتی همراه است. جمعیت هلال احمر نیز همچون سال‌های گذشته در ایام اربعین امکانات خدماتی و درمانی خود را به صورت رایگان در اختیار زائران اربعین حسینی (ع) قرار می‌دهد.

فداکاری امدادگران

در ادامه این دیدار نماینده ولی فقیه در استان خوزستان و امام جمعه اهواز نیز با تأکید بر فداکاری امدادگران هلال احمر در خدمت رسانی به سیل‌زده‌گان اظهار داشت: در سیلاب امسال به هر نقطه‌ای که می‌رفتم حضور برجسته هلال احمر را مشاهده می‌کردم. اردوگاه‌های اسکان اضطراری که توسط هلال احمر برپا شده بود از حرکات بسیار مؤثر و مثبت این جمعیت به ویژه در خوزستان بود. این اردوگاه‌ها به واقع نقطه امید سیل‌زده‌گان بود و کمک شایانی در امداد رسانی به مردم آسیب دیده کرد.

حجت الاسلام والمسلمین موسوی فرد با اشاره به نزدیکی ماه محرم و پیاده روی زائرین حسینی در اربعین گفت: جمعیت هلال احمر تاکنون در بسیاری از مشکلات از جمله زلزله کرمانشاه و سیل امسال بسیار اثرگذار عمل کرده و در بحث اربعین نیز همه ساله نقش مهمی را ایفا کرده است. طی چند سال اخیر جمعیت هلال احمر در پیاده روی

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر: حجت الاسلام والمسلمین معزی مرداد ماه سال جاری طی سفر دو روزه‌ای به استان خوزستان علاوه بر حضور در مراسم تکریم و معارفه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان با نماینده ولی فقیه در استان دیدار و از مناطق سیل زده شهرستان کارون بازدید نمود.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در بدو ورود به خوزستان در جمع خبرنگاران اظهار کرد: هلال احمر همواره در همه زمینه‌ها به ویژه در سیلاب امسال حضور تأثیرگذاری داشت و در کنار سایر دستگاه‌ها در خدمت رسانی به مردم و سیل‌زده‌گان خوش درخشید. حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به نقش خوزستان در دوران دفاع مقدس و تنوع اقوام در آن یادآور شد: خوزستان استانی وسیع و گسترده با فرهنگ‌های مختلف، سوابق و اقوام متعدد است و همین امر بر اهمیت و جایگاه این خطه می‌افزاید. خوزستان سابقه‌ای درخشان در دفاع مقدس دارد و جانفشانی مردم این خطه بر هیچ کس پوشیده نیست و هرگز فراموش نخواهد شد. اکنون نیز همچون گذشته این استان نقش پررنگ و مائثری در بالندگی کشور ایفا می‌کند.

صحنه حضور ملت ایران

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر: حجت الاسلام والمسلمین معزی در دیدار با نماینده ولی فقیه در استان خوزستان؛ حجت الاسلام والمسلمین موسوی فرد ضمن اشاره به فعالیت‌های هلال احمر، اظهار کرد: هلال احمر دستگاهی مردمی است و دولتی نبودن، مهم‌ترین عنصر و ویژگی آن محسوب می‌شود.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با اشاره به نقش پررنگ و تأثیرگذار هلال احمر در سیل خوزستان، تصریح کرد: امدادگران، داوطلبان و جوانان جمعیت هلال احمر در سیل اخیر با ذوق و شوق به مردم و سیل‌زده‌گان خدمت کردند و انصافاً در خوزستان زحمات بسیاری کشیدند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با بیان اینکه در سیلاب خوزستان هلال احمر به عنوان نماینده همه ملت ایران در اینجا حضور داشت، گفت: هلال احمر چنین جایگاه رفیعی نزد مردم دارد و چنین سرمایه‌ای باید حفظ و تقویت شود.

وی با اشاره به تأکید رهبر معظم انقلاب بر سپردن امور و مسئولیت‌ها به جوانان و اعتماد به آنها، یادآور شد: با تأکیدی که رهبر معظم انقلاب برای سپردن امور به جوانان دارند در



۱. بستری مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی طلاب

حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه سفر خود به استان خوزستان با آیت الله موسوی جزایری و آیت الله شفیعی از اعضای مجلس خبرگان رهبری دیدار و گفتگو کرد.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در دیدار با آیت الله سید محمد علی موسوی جزایری رئیس حوزه‌های علمیه خوزستان با تأکید بر نقش روحانیت در ایجاد انسجام و همبستگی اقشار جامعه در زمان بحران گفت: روحانیون ملجاء مردم هستند و باید در فعالیت‌های اجتماعی وارد شوند و هلال احمر بستر مناسبی برای ورود طلاب به اینگونه فعالیت‌های اجتماعی است.

وی افزود: در جمعیت هلال احمر کانون‌های دانش‌آموزی، دانشجویی و طلاب زیر مجموعه سازمان جوانان وجود دارد که در خوزستان ۱۲ کانون طلاب ایجاد شده و از این ۱۲ کانون، ۹ مورد مربوط به برادران با ۷۵ عضو و ۳ کانون مربوط به خواهران با ۵۵ عضو است. این کانون‌ها شورای اجرایی دارند و اعضای آن از طریق برگزاری انتخابات، دبیر کانون را انتخاب می‌کنند. افزایش کانون‌های طلاب باعث فعالیت هرچه بیشتر طلاب در زمینه‌های مختلف می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در خصوص حمایت از افزایش کانون‌های طلاب هلال احمر، افزود: این موضوع نیازمند حمایت شما به عنوان زعیم حوزه‌های علمیه خوزستان است تا کانون‌های هلال احمر طلاب افزایش یابد و گستردگی حوزه‌های علمیه در خوزستان خود عامل



.....

روند بازسازی

مناطق آسیب

دیده باید

همچنان به عنوان

یک اولویت

مهم در استان

دنبال شود و مردم

باید مطلع شوند

خدمتگزاران نشان

خصوصاً در این

مناطق که اموال

مردم آسیب

زیادی دیده، چه

اقداماتی انجام

داده‌اند و عملیات

بازسازی روستاها

تا کجا پیش رفته

است

۱. تداوم روند بازسازی یک اولویت مهم است

حجت الاسلام والمسلمین معزی در دیدار با غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان ضمن تأکید بر تداوم روند تکمیل بازسازی مناطق آسیب دیده استان خوزستان به عنوان یک اولویت مهم؛ در جریان آخرین وضعیت رسیدگی و خدمت رسانی به ساکنان مناطق سیل زده، تعمیر و بازسازی مسکن و پرداخت خسارت سیل به آن‌ها قرار گرفت.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در ادامه این دیدار با اشاره به حوادث طبیعی که طی سال‌های اخیر در استان خوزستان رخ داده اظهار کرد: زلزله مسجد سلیمان و پس از آن سیل سال اخیر باعث خرابی‌های بسیاری در مناطق مختلف این استان شد. خدمات ارائه شده به مناطق سیل زده و نقاط آسیب دیده ناشی از زلزله از جمله اقدامات شایسته‌ای است که طی این سال‌ها در استان خوزستان انجام شده است.

وی با تأکید بر عملکرد، اقدامات و تلاش‌هایی که کارگزاران نظام انجام می‌دهند تا آسیب دیدگان بلایای طبیعی مجدداً به شرایط عادی زندگی بازگردند افزود: روند تکمیل بازسازی مناطق آسیب دیده باید همچنان به عنوان یک اولویت مهم در استان دنبال شود و مردم باید مطلع شوند خدمتگزاران نشان خصوصاً در این مناطق که سرمایه و اموال مردم آسیب زیادی دیده، چه اقداماتی انجام داده‌اند و عملیات بازسازی و تجهیز روستاها تا کجا پیش رفته است.



نماد ایستادگی ملت ایران و سرزمین جوانمردان است، جوانمردانی که هیچگاه تاریخ ایران و تاریخ تشیع و خوزستان آن‌ها را فراموش نخواهد کرد.

❑ برگرفته از فطرت پاک بشری

آیت الله سید علی شفیعی عضو مجلس خبرگان رهبری هم در ادامه این دیدار گفت: حقیقت وجودی کارنامه درخشان هلال احمر نیاز به اثبات ندارد چرا که همگان خدمات هلال احمری‌ها را می‌بینند. خدماتی که عوامل هلال احمر در شرایط خاص انجام می‌دهند برای مردم پنهان نمی‌ماند چرا که هراسانی سهمی از فطرت بشری دارد، مردم دعیانشان می‌کنند و احترامشان را حفظ می‌کنند.

وی افزود: آرامش فکری که عوامل جمعیت هلال احمر در خدمت به مردم احساس می‌کنند و همچنین آرامش و معنویت که به دنبال اقدامات خداپسندانه برای آن‌ها به همراه دارد، بسیار بار ارزش است و گرهی از کار مشکل داری باز کردن و نجات جان مجروح در حوادث و از جمله این اقدامات کار کمی نیست.

❑ آزمون سرنوشت ساز

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه سفر خود به استان خوزستان با حضور در آیین تکریم و معارفه مسئولان سابق و جدید دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خوزستان اظهار کرد: هلال احمر نهادی مردمی و از میان مردم و برای آن‌ها و در خدمت آن‌ها به ویژه در هنگام بروز حوادث است. مردم در سیلاب اخیر به هلال احمر اعتماد کردند اما حفظ این اعتماد و تقویت آن بسیار مهم و ضروری است.

وی افزود: بسیاری از مردم هلال احمر را تنها در هنگام وقوع حوادث و بحران‌ها می‌شناسند، در حالی که هلال احمر در مواقع عادی و غیر بحرانی نیز در کنار مردم است و به آن‌ها خدمت رسانی می‌کند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با اشاره به خدمات رسانی هلال احمر در ایام اربعین و حج یادآور شد: جمعیت هلال احمر در ایام اربعین و حج؛ در بحث سلامت، بهداشت و درمان به مردم خدمت رسانی می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با بیان این که سرمایه اجتماعی هلال احمر مرهون ارائه خدمات بشردوستانه است، گفت: هلال احمر پیام آور برادری، دوستی و صلح در

جامعه است و این از سرمایه‌های بزرگ اجتماعی آن است. جریان سیل اخیر بار سنگینی را برای هلال احمر به دنبال داشت اما مردم سیل زده به هلال احمر پناه آوردند و به آن اعتماد کردند که حفظ و تقویت این اعتماد بسیار مهم است.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر بیان کرد: کشور ما حادثه خیز است و یکی از وظایف مهم هلال احمر مستندسازی در حوادث و بحران‌ها است، اگر حوادث و بحران‌ها مستندسازی نشوند هر بار حادثه‌ای رخ می‌دهد باید کارها را تجدید کرد. با وجود برخی مشکلات، خوشبختانه منازل سیل زدگان به سرعت در حال بازسازی

سیل اخیر در چند

استان خسارات

فراوانی وارد کرد،

بسیاری از مردم

در یک لحظه

تمام زندگی‌شان

را از دست دادند

و چشم به راه

کمک‌های مردمی

شدند در اینجا

نخستین پرچمی

که برافراشته

شد پرچم هلال

احمر بود که به

نمایندگی از طرف

تمام مردم ایران

در بحرانی‌ترین

شرایط برای

کمک‌رسانی به

سیل‌زدگان در

صحنه حاضر بود

مهمی در ایجاد کانون‌های هلال احمر طلاب است و می‌تواند مفید و مثبت واقع شود.

وی با اشاره به حضور طلاب در سیلاب لرستان و خوزستان، تصریح کرد: حضور طلاب در سیلاب بسیار مؤثر بود و هلال احمر یکی از بسترهای حضور طلاب برای ساماندهی آن‌ها به منظور انجام فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی بود. جمعیت هلال احمر همواره در تمام زمان‌ها و در حوادث و بحران‌ها در کنار مردم بوده و حضور طلاب در خیمه‌های نماز در ایام نوروز در پایگاه‌های جاده‌ای هلال احمر تأثیر بسیار زیادی بر مردم دارد و طلاب با شرکت در چنین فعالیت‌هایی می‌توانند در همه صحنه‌ها حضور داشته باشند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با بیان اینکه در دنیا ۴۴ نوع حادثه ثبت شده که در ایران ۳۳ نوع آن اتفاق افتاده، گفت: ایران کشور زلزله‌خیزی است به طوری که طی ۴۰ سال بعد از انقلاب اسلامی ۴ زلزله مهیب در رودبار، بزم، ورزقان و کرمانشاه رخ داده است. از سوی دیگر حوادثی نظیر آتش‌سوزی، رانش زمین و بافت فرسوده در کشور از دیگر کانون‌های خطر و حادثه‌ساز هستند و هلال احمر با دانش، تجربه و جایگاه بین‌المللی که در زمینه حوادث و بحران‌ها دارد، می‌تواند به کاهش حوادث کمک کند.

❑ افزایش کانون‌های طلاب در خوزستان

در ادامه این دیدار آیت الله سید محمد علی موسوی جزایری؛ زعيم حوزه‌های علمیه خوزستان با تقدیر از اقدامات فرهنگی هلال احمر گفت: انتظار داریم همانند کانون‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، کانون‌های طلاب در حوزه‌های علمیه استان بیشتر شود.

آیت الله سید محمد علی موسوی جزایری تأکید کرد: حوزه‌های علمیه پس از انقلاب توسعه پیدا کردند و به لحاظ کمی و کیفی توانمند هستند، لذا می‌توانند در زمینه‌های مورد نیاز هلال احمر فعالیت داشته باشند. مسئول دفتر نمایندگی رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر خوزستان این موضوع را یک دستورالعمل بداند و ما هم از او پشتیبانی می‌کنیم. در خوزستان ۲۰ حوزه علمیه تحت نظر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم فعالیت می‌کنند و در سطح استان بیش از ۵۰ مدرسه علمیه دیگر که تحت پوشش ما نیستند نیز وجود دارد.

❑ استان مقاومت و پایداری

حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر همچنین در دیدار خود با آیت الله سید علی شفیعی عضو مجلس خبرگان رهبری گفت: سیل اخیر در چند استان خسارات فراوانی وارد کرد، بسیاری از مردم در یک لحظه تمام زندگی‌شان را از دست دادند و چشم به راه کمک‌های مردمی شدند در اینجا نخستین پرچمی که برافراشته شد پرچم هلال احمر بود که به نمایندگی از طرف تمام مردم ایران در بحرانی‌ترین شرایط برای کمک‌رسانی به سیل‌زدگان در صحنه حاضر بود.

وی تصریح کرد: خوزستان استان مقاومت، پایداری و



در ادامه این دیدار نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در جمع مردم روستای خویسه در محل مسجد علی بن ابیطالب (ع) اظهار کرد: در سیل اخیر خوزستان مردم، بسیاری از سرمایه‌های خود را از دست دادند اما تمام نهادهای دولتی و مردمی تلاش کردند تا نهایت کمک و امدادسانی را در این منطقه داشته باشند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی افزود: علاوه بر سختی که سیل بر مردم وارد کرده دشمنان این نظام نیز با فشار تحریم تلاش دارند تا زندگی را بر مردم این کشور سخت‌تر و دشوارتر کنند اما این سختی‌ها و مشکلات را با کمک و حمایت مردم سپری خواهیم کرد. وی با اشاره به انعکاس مشکل نبود خانه بهداشت و مدرسه برای دوره متوسطه و پوشش تلفن همراه در این روستا از سوی مردم، قول پیگیری موارد مطرح شده را اعلام کرد.

در ادامه این برنامه مدیر عامل جمعیت هلال احمر خوزستان با اشاره به اقدامات صورت گرفته از سوی هلال احمر گفت: ۱۳۵ روستای استان خوزستان در فروردین ماه امسال درگیر سیل شدند که تلاش شده همچنان با امدادسانی و توزیع بسته‌های حمایتی به مردم آسیب دیده این مناطق کمک رسانی شود.

وی با اشاره به طرح با مهر تا مهر جمعیت هلال احمر تصریح کرد: از هفته گذشته این طرح در استان خوزستان اجرایی شده است و بسته‌های آموزشی و فرهنگی با کمک مردم تهیه و در بین دانش آموزان مناطق سیل زده استان توزیع می‌شود.

در پایان این دیدار ۲۰۰ بسته آموزشی و فرهنگی به توسط معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر میان دانش آموزان روستای سیل زده خویسه شهرستان کارون توزیع شد. روستای خویسه از توابع شهرستان کارون در فروردین ماه امسال درگیر سیلاب شد، جمعیت این روستا یک هزار و ۲۰۰ نفر و جمعیت دانش آموزی آن ۲۰۰ نفر است. □



هلال احمر

می‌تواند نقش

الگوساز را ایفا

کند و برای مردم

سبک زندگی

بیافریند. نخستین

برنامه هلال

احمر پس از

صدور بیانیه گام

دوم توسط مقام

معظم رهبری،

تیین آن است

و باید براساس

این بیانیه حرکت

کنیم و موظف

هستیم که نقشه

راه ۴۰ سال آینده

را براساس این

بیانیه تنظیم و

همه موارد آن را

اجرا کنیم

است و این روند، امید آفرین و نشاط بخش قلمداد می‌شود. حجت الاسلام والمسلمین معزی با بیان اینکه حفظ اعتماد مردم به هلال احمر نیازمند فرهنگ سازی است، گفت: باید فرهنگ کمک رسانی، ایثار و خدمت بی منت به مردم را در جامعه ارتقا دهیم و این کار به گفتمان سازی نیاز دارد. ۱۹۰ کشور دنیا عضو فدراسیون بین المللی صلیب سرخ هستند اما امتیاز جمعیت هلال احمر این است که کمک و خدمت به مردم برای رضای خدا و رضایت خلق او است و هلال احمر ۸ هزار کارمند در سراسر کشور دارد که با نگاه بشردوستانه به مردم کمک می‌کنند.

وی در ادامه تصریح کرد: دشمنان چون توان جنگ با ایران را ندارند، به دنبال ایجاد ناامیدی در میان مردم هستند و دشمن در صدد نابودی اعتماد مردم است و تمام تلاش‌ها باید در جهت افزایش اعتماد عمومی باشد. در راستای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و نابودی آن‌ها به دلیل تأثیر مخربی که بر جامعه و خانواده دارند؛ ۷۰ آسیب اجتماعی در کشور شناسایی شده و سازمان امور اجتماعی کشور در جهت مقابله با این آسیب‌ها تشکیل شده که هلال احمر هم عضو این سازمان است.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: هلال احمر می‌تواند نقش الگوساز را ایفا کند و برای مردم سبک زندگی بیافریند. نخستین برنامه هلال احمر پس از صدور بیانیه گام دوم توسط مقام معظم رهبری، تییین آن است و باید براساس این بیانیه حرکت کنیم و موظف هستیم که نقشه راه ۴۰ سال آینده را براساس این بیانیه تنظیم و همه موارد آن را اجرا کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در پایان این مراسم از تلاش‌های حجت الاسلام والمسلمین سعادت نیا در طول تصدی مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان خوزستان تقدیر و برای حجت الاسلام والمسلمین محمد انصاری مسئول جدید این دفتر آرزوی موفقیت کرد.

۴ بازدید از مناطق سیل زده شهرستان کارون

حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه سفر خود به استان خوزستان از روستای سیل زده خویسه شهرستان کارون بازدید کرد و در خصوص مشکلات موجود با ساکنان این روستا گفتگو کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی، حجت الاسلام والمسلمین ذاکری معاون نظارت و امور شرعی، یاسر احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی و عبدالمجید معزی مشاور نماینده ولی فقیه در هلال احمر همراه با مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان خوزستان در بازدید از روستای سیل زده خویسه در شهرستان کارون در خصوص مشکلات و کمبودهای روستا به گفتگو با مردم این منطقه پرداختند.

کودکان و جوانان روستای خویسه در ابتدای ورود حجت الاسلام والمسلمین معزی و همراهانش، با خواندن اشعار عربی با مضمون شکرگزاری و تشکر، از نماینده رهبری در جمعیت هلال احمر استقبال کردند.



نماینده ولی فقیه در هلال احمر:

عملکرد اقتصادی

هلال احمر نامطلوب است

حادثه دیده پرداخت. باید امکانات متناسب با زمان و آگاهی و علم مایه روز باشد.

وی با بیان مسئله آسیب های اجتماعی که همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری نیز بوده است، یادآور شد: با دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی، شورایی در وزارت کشور با نام شورای اجتماعی تشکیل شد و اعضای در این شورا عضو شدند که هلال احمر یکی از این اعضاست. هلال احمر می بایست با نقش آفرینی سازمان جوانان به مسائلی همچون اعتیاد، فروپاشی بنیان خانواده و دیگر معضلات اجتماعی حضور جدی و موثری در این شورا داشته باشد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به اهمیت و نقش موضوعات فرهنگی در پیشبرد اهداف مورد نظر در جامعه خاطرنشان کرد: کار فرهنگی تنها برگزاری چند اردو در سال نیست. الگو و سرلوحه همه مادر حوزه فرهنگی در عمل، بیانیه مهم گام دوم انقلاب رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران است. در شورای فرهنگی هلال احمر مصوب شد که سازمان ها و معاونت های مختلف این بیانیه را به عنوان خط مشی مسائل فرهنگی به کار برند و امیدوارم نتایج این مصوبه به زودی در جمعیت هلال احمر قابل ملاحظه باشد.

وی با اشاره به کمک چشمگیر مردم و خیرین در حادثه سیل اخیر تاکید کرد: ارتباط با خیرین احتیاج به بازنگری دارد. این ارتباط باید پویا و سازنده باشد. اعتبار هلال احمر بسیار مهم است و باید روز به روز به این اعتبار افزوده شود تا همکاری با خیرین میسر شود. انتقاداتی به این ارتباط وجود دارد و باید بتوانیم این همکاری را موثرتر برقرار کنیم، اما در زمینه مسایل اقتصادی عملکرد هلال بسیار نامناسب و نامطلوب است. □

نماینده مقام معظم رهبری در هلال احمر در گردهمایی مدیران عامل استان های جمعیت، با غیرقابل قبول دانستن عملکرد هلال احمر در حوزه مسائل اقتصادی خاطرنشان کرد: عملکرد هلال احمر در حوزه مسائل اقتصادی بسیار نامناسب و نیازمند امداد و نجات است. فعالیت های اقتصادی هلال به اعتبار عمومی و مردمی هلال احمر آسیب می رساند. باید در این حوزه بازنگری جدی صورت گیرد. ما نیازمند قوانین منسجم و پویاتری هستیم. نمی توان با این سرمایه ملی بر اساس تصمیم گیری های شتاب زده و انفرادی و مدیریت منفعلانه برخورد کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در همین ارتباط تاکید کرد: حوزه نمایندگی ولی فقیه به دستور مقام معظم رهبری مأموریت نظارت بر امور جمعیت هلال احمر را دارد و صیانت از اعتبار و جایگاه آن را از وظایف ذاتی خود می داند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر با اشاره به تلاش های صورت گرفته توسط هلال احمر در جریان حادثه سیل اخیر و حضور شایسته و قابل تقدیر همه استان ها در این حادثه غم انگیز، گفت: متخصصان و دانشمندان این حوزه باید به بررسی اصولی و علمی این حادثه بپردازند تا کشور حادثه خیز ما در آینده، از چنین مخاطراتی کمتر آسیب ببیند.

وی با اشاره به اهمیت و نقش نقد کردن به خصوص نقد منصفانه گفت: انتقاد و نقد کردن دیگران زمانی ارزش و اثر دارد که منصفانه باشد؛ یعنی به قصد بهبود اوضاع و شرایط و نه به قصد اهانت و تخریب گفته شود. باید سره از ناسره، کاستی ها از فزونی ها و زشتی ها از زیبایی ها تشخیص داده شود. جمعیت هلال احمر خود باید پیشتر از حوزه نقد در چگونگی ورود و پرداختن به حوادث این چنینی باشد. روایتی از امام جواد (ع) نقل شده است که مومن را محتاج و نیازمند سه صفت می دانند: توفیق از جانب خدا؛ از درون برای خودش واعظی داشته باشد و این که اگر خیر خواهان وی را نصیحت کردند بپذیرد و نصیحت پذیر باشد. همانطور که امیر مومنان علی (ع) همیشه از خدای بزرگ، که صاحب رحمت وسیع و قدرت برتر و لایزال است، می خواست که ایشان را در به دست آوردن رضایت خود موفق بدارد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تحلیل وضعیت و شرایط کنونی جمعیت هلال احمر در سه حوزه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گفت: باید پذیرفت فعالیت هلال احمر در حوزه امداد و نجات چشمگیر و امیدوار کننده است. اما نکته ای که قابل پیگیری است، به روز کردن ابزار و وسایل امداد رسانی است. با وسایل قدیمی نمی توان به نحو شایسته ای به نجات مردم



در استان مرکزی برپا شد

دوره آموزش خبرنگاری ویژه دبیران کانون‌های طلاب

« معاون امور جوانان جمعیت هلال احمر استان مرکزی از برگزاری دوره آموزش خبرنگاری ویژه دبیران کانون‌های طلاب معاونت امور جوانان این جمعیت خبر داد.

به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان مرکزی؛ آرش اشری در این باره گفت: دوره آموزش خبرنگاری ویژه دبیران کانون‌های طلاب این معاونت با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان و معاون امور جوانان در محل جمعیت هلال احمر استان برگزار شد.

اشری عنوان کرد: این دوره آموزشی با حضور ۲۰ تن از طلاب فعال شعب جمعیت هلال احمر که به عنوان دبیران کانون‌های طلاب در شعب جمعیت هلال احمر مشغول به فعالیت هستند و تدریس اساتید مجرب به مدت یک روز برگزار شد.

وی افزود: هدف از برگزاری این دوره آموزشی، تعلیم و تربیت خبرنگاران داوطلب در تمامی حوزه‌ها جهت انعکاس صحیح، بروز و مداوم اخبار و فعالیت‌های کانون‌های مختلف بوده که جهت فرهنگ سازی و جذب مشارکت همگانی از تمامی اقشار جامعه در انجام فعالیت‌های عام المنفعه و بشردوستانه است.

معاون امور جوانان جمعیت هلال احمر استان مرکزی تصریح کرد: مهم‌ترین عناوین تدریس شده در این کارگاه آموزشی مباحثی همچون اصول خبرنگاری، سوژه‌یابی و سوژه‌پردازی، عکاسی خبری، اصول مصاحبه و... بوده که پس از اتمام مباحث تئوری، شرکت‌کنندگان به نقد و بررسی اخبار سایت‌های مختلف خبرنگاری پرداختند. □

برگزاری کارگاه مهارت‌های زندگی در استان مرکزی

« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان مرکزی از برگزاری کارگاه مهارت‌های زندگی ویژه زوج‌های جوان استان مرکزی با حضور بیش از



۱۲۰ نفر در اردوگاه تفریحی امیرکبیر شازند خبر داد.

حجت الاسلام والمسلمین سیدرضا میرهاشمی در گفتگو با خبرنگار مهر و ماه گفت: به مناسبت دهه پیر خیر و برکت کرامت، کارگاه یک روزه مهارت‌های زندگی ویژه‌های زوج‌های جوان شعب این جمعیت با حضور مدیرعامل و معاونین این جمعیت و ۶۰ زوج جوان هلال احمری که در سال ۱۳۹۷ و ابتدای سال ۱۳۹۸ پیمان مقدس ازدواج خود را ثبت نموده بودند برپا شد. از این تعداد ۶ زوج از فرزندان پرسنل هلال احمر و مابقی (۵۴ زوج) از اعضای جمعیت هلال احمر بودند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان مرکزی افزود: در این برنامه دروسی شامل شناخت و مهارت‌های همسرمداری، راه‌های رسیدن به آرامش در خانواده، ارتقاء سطح زندگی زوجین و آموزش مسائل بهداشتی توسط اساتیدی از دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی استان مرکزی ارائه شد.

همچنین دکتر محمدی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان مرکزی درباره این دوره گفت: مهارت‌های زندگی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌هایی هستند که کسب آن‌ها قدرت سازگاری و رفتار مثبت و کارآمد فرد را افزایش داده و این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازند با پذیرش مسئولیت اجتماعی خود، بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواسته‌ها، انتظارات و مشکلات روزمره به ویژه در روابط بین فردی به شکل موثری برخورد کنند.

وی افزود: هدف اصلی آموزش مهارت‌های زندگی در واقع افزایش توانایی روانی - اجتماعی و در نهایت پیشگیری از شکل‌گیری رفتارهای آسیب‌رسان و ارتقای سطح بهداشت روانی است. □



همایش ملی خیریه‌ها
و تشکل‌های مردم نهاد همکار با هلال احمر برگزار شد

اعتماد مردم مهم‌ترین سرمایه اجتماعی هلال احمر است

باشند اما انسان‌های ارزشمند، والامقام و نوع دوستی که در این عرصه فعالیت دارند آنچنان بدون چشم داشت به هموعان خود یاری می‌رسانند که حتی از نیازمندان و افراد مورد حمایت نیز قدرانی می‌کنند چرا که زمینه خدمت‌گزاری و دستگیری با نیت و هدف انسان دوستانه و فرصت کمک، حمایت و تعالی در اختیارشان قرار گرفته است و این همان چیزی است که افراد خیریه دنبالش هستند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر افزود: نباید کارها، فعالیت‌ها و اقدامات راستین را با منت، آزار و اذیت و رفتارهای تبعیض آمیز زیر سوال برد و باطل کرد. همواره ضروری است در اینگونه فعالیت‌ها کرامت و شأن انسان‌ها مد نظر قرار گیرد و احترام افراد نیازمند حفظ شود. در حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل و دیگر حوادث غیر مترقبه، در چند دقیقه تمام زندگی انسان نابود می‌شود و بسیار مهم است که افراد خیر قبل از هر اقدامی با این دید نسبت به حادثه دیدگان تصمیم به انجام اقدامات خیرخواهانه کنند. مطمئناً با این نگاه در عین حفظ شأن و کرامت آسیب دیدگان، خیرین به بهترین شکل ممکن می‌توانند به افراد نیازمند کمک‌رسانی کنند.

وی با اشاره به این موضوع که در دین مبین اسلام انسان‌ها با یکدیگر برابر و برادر هستند گفت: در قرآن آمده است رنگ‌ها و نژادها برای شناخت بهتر یکدیگر قرار داده شده

همایش ملی خیریه‌ها و تشکل‌های مردم نهاد همکار با جمعیت هلال احمر با حضور حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، دکتر علی اصغر پیوندی رئیس جمعیت هلال احمر، مرتضی سلیمی رئیس سازمان امداد و نجات، محمد نصیری رئیس سازمان داوطلبان، شاهین فتحی مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان تهران و روسای خیریه‌ها و تشکل‌های مردم نهاد برگزار شد.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر با اشاره به سیل ابتدای سال جاری و اقدامات خیرین و خیریه‌ها در کمک‌رسانی به آسیب دیدگان این حادثه گفت: افرادی که در این همایش هستند وجه مشترکی دارند که آن هم خدمت به مردم است که بر اساس فرموده پیامبر گرامی اسلام، بهترین مردم کسی است که خیرش به مردم می‌رسد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی ضمن تقدیر از برگزار کنندگان این همایش افزود: سودمندترین افراد کسی است که به مردم خدمت می‌کند و خوشبختانه در صحنه‌های مختلف شاهد آن هستیم که ملت تلاش‌گر و خیر ایران تمام قد در راستای تحقق حاکمیت الهی ایستاده است و در مواقع لزوم در صحنه حاضر هستند و از جان و دل در راه خدمت‌رسانی به هموطنان خود گام برمی‌دارند.

وی خطاب به این تشکل‌های مردم نهاد گفت: همه شما برای تسکین آلام بشری مجاهدت می‌کنید و امیر المومنین (ع) در این خصوص می‌فرمایند زندگی با درد و رنج همراه است و انسان‌ها باید در کنار یکدیگر تلاش کنند تا درد و رنج را کاهش دهند پس این رفتار باید بدون توقع و منت باشد.

فرصت تعالی

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به نیت و هدف اصلی تشکل‌های مردم نهاد تاکید کرد: رفتارها، اقدامات و کمک‌رسانی‌های انسان دوستانه می‌توانند با منت یا بدون منت



سیل امسال

بسیاری

روستاهای

کشورمان را

تخریب کرد و

مردم بیشمار

تمام سرمایه و

زندگیشان را در

این حادثه از

دست دادند. اما

آنچه در کنار درد

و رنج مشاهده

می شد حضور

فعال همه مردم

ایران در کمک

رسانی به سیل

زده ها بود، در

واقع این حادثه

تلخ عامل اتحاد

و یکپارچگی مردم

شد

برقراری عدالت در جامعه دانست و افزود: برای جمعیت هلال احمر، نژاد، قومیت، جایگاه و طبقه اجتماعی ملاک نیست، در مواجهه با افرادی که با مشکل یا حادثه‌ای درگیر شده‌اند، تلاشگران جمعیت همه تلاش خود را می‌کنند تا به بهترین شکل ممکن از آن‌ها حمایت کنند و شرایطی مناسب برای ادامه زندگی ایشان فراهم کنند.

وی افزود: همانطور که در ابتدای قرآن کریم درس انفاق را ملاحظه می‌کنیم، سپس تعاون و کمک بیان شده است و لذا باید قیام به قسط و برقراری عدالت نماییم و نوجوانان و جوانان کشور را بر این اساس تربیت و آموزش دهیم.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با اشاره به فعالیت‌های آموزشی فرهنگی هلال احمر گفت: سازمان جوانان جمعیت هلال احمر یک میلیون عضو در حوزه‌های غنچه‌های هلال، نوجوانان، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه دارد و بخش‌های فوق در قالب قانون دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب هستند. دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب عضو این قانون‌ها به صورت داوطلبانه در زمان‌های عادی در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و مذهبی فعالیت می‌کنند و در زمان بروز حوادث نیز با توجه به توانایی‌شان به یاری آسیب دیدگان می‌شتابند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه با اشاره به ویژگی‌های جغرافیایی کشور و بالا بودن میزان حوادث و بلایای طبیعی در آن گفت: ایران کشور زلزله خیزی است به طوری که طی ۴۰ سال اخیر شاهد ۴ زلزله مهیب و مخرب در استان‌های شمالی و جنوبی بوده‌ایم که همانند سیل اخیر برخی روستاها را کاملاً ویران کرد و هیچ اثری از آن به جای نگذاشت. همانطور که در سیل امسال نیز مشهود بود جمعیت هلال احمر با کمک و یاری مردم همچون گذشته با دانش، تجربه و جایگاه بین‌المللی که در زمینه حوادث و بحران‌ها دارد، تمام تلاش خود را به کار بست تا به آسیب دیدگان خدمت رسانی کند اما این کار بدون همکاری مردم هرگز به سرانجام نمی‌رسید.

سیل امسال بسیاری روستاهای کشورمان را تخریب کرد و مردم بیشمار تمام سرمایه و زندگیشان را در این حادثه از دست دادند. اما آنچه در کنار درد و رنج مشاهده می‌شد حضور فعال همه مردم ایران در کمک رسانی به سیل زده‌ها بود، در واقع این حادثه تلخ عامل اتحاد و یکپارچگی مردم شد.

وی ساخت ایرانی پیشرفته را از برنامه‌های اعلام شده در بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری برشمرد و افزود: زیرساخت‌های کشور براساس بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری نیاز به تغییر پیشرفت‌های اساسی دارد و مطمئناً با اتحاد، یکپارچگی و کمک مردم این مهم می‌تواند به بهترین شکل و در سریع‌ترین زمان ممکن محقق گردد و ما شاهد کشوری پیشرفته با معیارهای اسلامی ایرانی باشیم. حجت الاسلام والمسلمین معزی در پایان با تقدیر از برگزار کنندگان این همایش برپایی چنین نشست‌هایی را برای ایجاد اتحاد میان خیرین سودمند دانست. □

است و لذا برتری انسان‌ها به رنگ و نژاد نیست و این کرامت انسانی است که برای مآتعالی به همراه خواهد داشت.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه با اشاره به آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه افزود: از مهمترین مشکلات اجتماعی کشور طلاق و اعتیاد است که از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی جامعه امروز محسوب می‌شود و به شدت سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد. این عوامل باعث فروپاشیدن خانواده‌ها و تعداد افراد بزهکار را در جامعه افزایش می‌دهد. از سوی دیگر برطرف کردن دغدغه، کمبود و مشکلات نیازمندان و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی از جمله وظایفی است که نهادهای مردمی و خیریه‌ها در شرایط عادی جامعه به آن می‌پردازند و در حال حاضر جامعه در این زمینه نیازمند کاری جهادی و همه جانبه است.

□ برادری در عمل

حجت الاسلام والمسلمین معزی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: قرآن به برقراری صلح و دوستی بین برادران تأکید دارد. بیش از ۳۰۰۰ تشکل مردم نهاد و خیریه طی سال‌های اخیر همکاری مستمری با جمعیت هلال احمر داشته‌اند. همکاری تنگاتنگ تشکل‌های مردم نهاد با جمعیت هلال احمر خود نشان از روح اعتماد و اطمینان نسبت به هلال احمر و باعث افتخار ما است و باید تأکید کرد که مهمترین سرمایه اجتماعی جمعیت هلال احمر نیز همین اعتماد و اطمینانی است که مردم نسبت به آن دارند. وی افزود: شعار و اعتقاد کارکنان جمعیت هلال احمر در اولین قدم این است که ما تنها به خودمان نمی‌اندیشیم و برادری را در عمل هم اثبات کرده‌ایم، ما آسان‌ترین و ابتدایی‌ترین حق برادری را اجرایی کردیم و هرچه برای خود پسندیدیم برای دیگران نیز می‌خواهیم و هرآنچه در توان داریم برای مردم در طبق اخلاص گذاشته‌ایم.

وی با اشاره به فعالیت‌های جهادی که توسط نیروهای داوطلب انجام می‌شود تأکید کرد: همه افراد خیر و داوطلب همگام با کارکنان خدوم جمعیت هلال احمر باید فکر و تلاش جهادی داشته باشند و همه در کنار هم به فکر پیشرفت باشیم. اینکه هلال احمر به تنهایی فعالیت کند به معنای راکد شدن است و لذا باید این حرکت خیرخواهانه و ایثارگرانه باید به یک باور جمعی، گفت‌وگو و رفتار گروهی تبدیل شود. ما باید در راهمان ثابت قدم باشیم و در مقابل سختی‌ها با تمام قدرت و توان بایستیم.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تأکید بر نفس اعمال خیرخواهانه افزود: حرکت جهادی باید بر پایه ایمان به خداوند منان باشد و همه ما باید بر پایه ایمان به خدا و برای رضای خدا فعالیت کنیم چرا که انسان‌ها خانواده خدا هستند و نفس عمل خیرخواهانه ما نیز بر پایه ایمان ما انجام می‌شود.

□ انفاق، تعاون و قسط

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر؛ یکی از اهداف و مقاصد فعالیت‌های این جمعیت را خدمت رسانی برای

نگاهی گذرا به آنچه در «نذر آب ۲» جریان دارد

چشمه زلال مهر

«نذر آب ۲» با هدف رسیدگی به مناطق خشکسالی زده چهار استان کشور در حال اجرا است و علاوه بر ارائه خدماتی به منظور تسهیل در رسیدن آب شرب به هموطنان این مناطق، خدمات معیشتی، حمایتی و فرهنگی را نیز ارائه می‌کند. ■



نذر آب مناطق متاثر از خشکسالی استان کرمان را هم در بر گرفت و جمعیت هلال احمر استان کرمان همزمان با آغاز مرحله دوم طرح ملی نذر آب ۲، در منطقه رودبار جنوب این استان علاوه بر نصب تانکرهای آب اقدام به توزیع بسته‌های بهداشتی و لوازم فرهنگی میان روستائیان این منطقه کرد.

جمعیت هلال احمر استان گلستان نیز در ادامه طرح نذر آب ۲ به استان سیستان و بلوچستان اعزام شد و در شهرستان نیمروز خدمت‌رسانی کرد. کاروان سلامت جمعیت هلال احمر گلستان با ۱۸ پزشک عمومی، متخصص، فوق تخصص، جراح و دندانپزشک داوطلب در این منطقه به ارائه خدمات درمانی و ویزیت رایگان پزشکی و توزیع دارو پرداخت.

جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی نیز از هفتم شهریور به مدت ۵ روز در شهرستان مهرستان استان سیستان و بلوچستان مستقر شده و این منطقه را تحت پوشش قرارداد. کاروان سلامت این استان شامل پزشکان متخصص اعصاب و روان، زنان و زایمان، عفونی، دندانپزشک، ارتوپد و کودکان به همراه پرستاران و روانشناسان بود. محمودرضا پیروی دبیرکل جمعیت هلال احمر نیز ۸ شهریور در سیستان و بلوچستان حاضر شد و از نزدیک اجرای طرح نذر آب ۲ را بررسی کرد.

بخش‌های دچار خشکسالی استان خراسان جنوبی از دیگر مناطق مورد هدف جمعیت هلال احمر در اجرای طرح نذر آب دواست و از همین رو جمعیت هلال احمر خراسان رضوی در این مناطق خدمت‌رسانی می‌کند. کاروان سلامت این استان از روز پنجشنبه در روستاهای طبسین و چاه عباسی اردونی، در شهرستان نهبندان اقدام به ارائه خدمات بهداشتی و درمانی کرده است.

تیم استان خراسان جنوبی متشکل از پزشک متخصص و فوق تخصص شامل فوق تخصص عفونی، جراح چشم و چشم‌پزشک، دندان‌پزشک، متخصص زنان و زایمان، اورولوژ، داخلی و... پرستار، کارشناس دارویی، مددکار اجتماعی، روانشناس، پیرایشگر زنانه و مردانه و تیم سحر معاونت جوانان استان است که از هفتم تا دهم شهریور به بیماران نیازمند خدمات بهداشتی و درمانی ارائه کرده است. ۱۰ عدد مخزن آب ۳ هزار لیتری سه لایه پلاستونیک، سه دستگاه آب سردکن به همراه پکیج‌های سلامت و سبد کالا از جمله خدمات بشردوستانه در برنامه این کاروان است. ■

«طرح نذر آب ۲» در چهار استان سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان آغاز شده است و جمعیت‌های هلال احمر استان‌های مختلف با حضور در مناطق متاثر از خشکسالی این استان‌ها در حال خدمت‌رسانی هستند.

دکتر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر در برنامه «سلام، صبح بخیر» حاضر شد و در مورد طرح نذر آب و علت اجرای آن برای دومین سال گفت: هر ساله ۱۰ میلیون نفر از خشکسالی رنج می‌برند و از این میان ۸،۵ میلیون نفر در استان‌های جنوب شرقی کشور هستند. سال گذشته طرح نذر آب یک در سیستان و بلوچستان اجرا شد و استان‌ها را به مناطق مختلف تقسیم کردیم و به ۵۰۲ روستایی که از خشکسالی رنج می‌بردند، هزار و ۲۰۰ مخزن آب در حجم‌های مختلف با حضور آب‌ای استان ارسال کردیم. امسال نیز نذر آب ۲ را اجرایی کرده ایم.

به علاوه این طرح از دوشنبه گذشته در رودبار جنوب، جازموریان و زهک‌کوت استان کرمان نیز آغاز و ۴۰ تانکر آب با ظرفیت هزار تا ۵ هزار لیتری در روستاها توزیع شد. علاوه بر آن، ۴۵۰۰ ست بهداشتی، پوشاک، پتو، جعبه کمک‌های اولیه و بسته لوازم التحریر از جمله اقلامی است که در میان خانواده‌ها توزیع شده است.

۴۰ پزشک و پیرایشگر نیز در این مناطق حضور دارند و کار ویزیت، درمان و جراحی‌های سرپایی را انجام می‌دهند و در صورتی که افرادی نیز به درمان بیشتری داشته باشند به استان کرمان و تهران منتقل می‌شوند. همچنین جوانان جمعیت هلال احمر نیز در قالب تیم سحر (تیم‌های حمایت روانی) برنامه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی را برگزار می‌کنند. این طرح تا هفتم شهریور در رودبار جنوب کرمان اجرایی شد. از سوی دیگر، جمعیت هلال احمر قم نیز مسئولیت طرح نذر آب ۲ در شهرستان سرباز استان سیستان و بلوچستان را به عهده گرفت و اکنون مأموریت این استان به پایان رسیده است. در مدت زمان ارائه خدمات این استان در سرباز، توزیع تانکرهای آب صورت گرفت و علاوه بر آن رسیدگی‌های پزشکی و برنامه‌های حمایت روانی نیز مدنظر قرار گرفت. خدمت‌رسانی جمعیت هلال احمر قم در پیامک سرباز ۵ روز انجام شد و در این مدت به ۴۵۰۰ روستایی خدمات ارائه شد.

جمعیت هلال احمر استان تهران نیز مأمور شد تا خدمت‌رسانی در طرح نذر آب ۲ را در منطقه خاش استان سیستان و بلوچستان به سرانجام برساند. در طول حضور این تیم در منطقه، ۱۵ پزشک و ۴ نیروی اجرایی در بخش «نوک‌آباد» و روستای «چاه‌احمد» خاش خدمات سلامت شامل دندانپزشکی، پزشکی عمومی، روانپزشکی، جراح عمومی ارائه و روزانه ۳۰۰ نفر ویزیت رایگان شده و بیش از یک هزار نفر خدمات رایگان دریافت کردند.

همچنین زمینه توزیع ۶۰ تانکر آب در سه نوع هزار، ۲ و پنج هزار لیتری در روستاهای شهرستان خاش ایجاد شد. حضور تیم بهسازی و بازسازی مدارس در بخش نوک‌آباد برای بازسازی مدرسه، از خدمات دیگری است که هلال احمر استان تهران در این منطقه ارائه می‌کند.

تیم‌های سحر سازمان جوانان نیز در این مناطق حضور یافته‌اند و فضای دوستدار کودک نیز در ۴ مدرسه نوک‌آباد آغاز شده و خدمات فرهنگی و هنری و همچنین توزیع اسباب بازی میان کودکان منطقه از فعالیت‌های این گروه‌ها است. یک دستگاه تصفیه آب صنعتی با ظرفیت ۷ هزار لیتر در روز که از طریق خیرین اتاق بازرگانی تهران تأمین شده بود در بخش نوک‌آباد شهرستان خاش نصب شده است.



گزارشی از اجرای طرح نذر آب ۲ در سیستان و بلوچستان کمک به کام تشنه نيمروز

این روزها با اینکه در سومین ماه فصل تابستان به سر می‌بریم اما سیستان و بلوچستان هنوز گرمایی بالای ۴۰ درجه را تجربه می‌کند، این در حالی است که آنچه مردم این خطه پهناور را عذاب می‌دهد، گرمای هوا نیست بلکه نبود آب، اقتصاد و زندگی مردم را به زیر خط فقر رسانده است. جمعیت هلال احمر طرح «نذر آب ۲» را برای کاهش بعضی از رنج‌های ناشی از کم‌آبی آغاز کرده است. گزارش «ایران» درخصوص اجرای این طرح در استان سیستان و بلوچستان را می‌خوانیم. ■



باید بروی و از نزدیک ببینی تا عمق دردی را که سیستانی‌ها و بلوچ‌ها می‌کشند، با پوست و استخوانت حس کنی. بلوچستان، سرزمین نیمروز به دلیل مساحت زیادی که دارد روستاهای متعددی را در خود جای داده است، روستاهایی که کیلومترها از هم فاصله دارند و راه‌های ارتباطی آن‌ها نیز خطرناک است. مردم این روستاها با معضلات زیادی از جمله نبود امکانات اولیه، آب، غذا، اعتیاد و بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند. محترم آباد، روستایی که کمتر می‌توان نام روستا روی آن گذاشت یکی از مناطق محرومی است که به محض اینکه چشم‌ت به آن می‌خورد موج محرومیت را در آن می‌توانی براحتی لمس کنی. در این گرمای نفسگیر، اهالی، تنها دو ساعت در روز آب دارند و همزمان نوسانات شدید برق هم گذران زندگی را سخت‌تر کرده است. یخچال‌ها به خاطر همین نوسانات برق به کرات خراب می‌شوند و زندگی را دشوار می‌کنند. به دلیل نبود آب سالم کودکان درگیر بیماری‌های زیادی هستند. در یک ماه اخیر شش کودک این منطقه به هیاتیت مبتلا شده‌اند. امکانات پزشکی در این روستا تقریباً نزدیک به صفر است و مردم مجبورند برای انجام آزمایش و مراجعه به پزشک تا ایرانشهر طی طریق کنند. هرچند به دلیل شرایط بد اقتصادی بسیاری از مردم از درمان بیماری‌های خود یا فرزندانشان سرباز می‌زنند، در سال گذشته چندین کودک به دلیل تب بالا و نبود امکانات پزشکی جان خود را از دست دادند. مریم ۳۵ ساله است و پنج فرزند دارد. کم‌کم درد دلش باز می‌شود. این همه فقر و محرومیت باور کردنی نیست. از لیلان دیگری که مشغول گلدوزی است سؤال می‌کنم درآمدتان از کجاست؟ شوهرت چه کاری دارد؟ سرش را به زیر انداخته، جواب می‌دهد که شوهرم بیکار است، تا ۱۰ سال پیش کپرنشین بودیم اما حالا صاحب خانه شده‌ایم اما چه خانگی؟ نه حمام داریم و نه دستشویی. پنج خانواده از یک دستشویی مشترک استفاده می‌کنیم. هوا رو به تاریکی می‌رود صدای طبل و دهل بلند می‌شود. عروسی در راه است. به ماشین گل زده نزدیک می‌شوم. عروس را نمی‌بینم چند مرد خوشحال و شاد در ماشین نشسته‌اند، سؤال می‌کنم عروس خانم کجاست؟ گفتند ما عروس را بیرون نمی‌آوریم، عروس نباید در ماشین



نماینده ولی فقیه در هلال احمر
در مراسم تقدیر از ایثارگران این جمعیت:

هیچگاه به این ملت آسیبی نخواهد رسید

«مراسم تقدیر از ایثارگران جمعیت هلال احمر با حضور حجت الاسلام و المسلمین معزی نماینده ولی فقیه در هلال احمر، دکتر پیوندی رئیس این جمعیت و ۱۶ تن از آزادگان و ایثارگران دفاع مقدس شاغل در جمعیت هلال احمر در ساختمان صلح هلال احمر برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در این دیدار با اشاره به راه‌های رسیدن انسان به سعادت گفت: انسان براساس حقیقت راه تکامل را طی نخواهد کرد مگر اینکه شناخت و معرفت پیدا کند و در مسیر این معرفت ایستادگی نماید. امام باقر(ع) در این خصوص می‌فرماید: کمال و رشد در فهم دین است، انسان باید دین را بفهمد، بر دردها و رنج‌ها، صبر و شکیبایی داشته باشد و برای طی کردن مسیر سعادت برنامه‌ریزی نماید.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر افزود: ملت ایران برای رهایی از جامعه استکبار زده و خروج از سلطه آمریکاقیام کرد تا بتواند سرنوشت خود را در دست بگیرد. تحقق این هدف بر پایه رهبری امام امت، صوری مبارزان و پیروان امام بود و از نگاه بسیاری غیر قابل باور تصور می‌شد که دین بتواند در پایان قرن بیستم بر مردم کشوری تاریخی حاکم شود اما این امر به خواست خداوند و رهبری حضرت امام و حضور مردم صورت پذیرفت.

وی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های جامع دشمنان برای آسیب‌زدن به این حرکت مردمی قبل، هنگام و پس از انقلاب اسلامی ایران، جنگ اقتصادی، جنگ و روانی را برای ضربه زدن به انقلاب دانست و افزود: البته به فضل الهی با رهبری مقتدرانه مقام معظم رهبری و حضور با بصیرت مردم در صحنه هیچگاه به این ملت آسیبی نخواهد رسید.

حجت الاسلام والمسلمین معزی افزود: استکبار جهانی از نادانی صدام استفاده کرد و براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده ظرف مدت ۴ روز قرار بر تصرف ایران را داشتند اما با دفاع ملت ایران این توطئه نقش بر آب شد.

وی با اشاره به برخوردهای دوگانه در خصوص اسرای ایرانی و عراقی گفت: برخی از اسرای ما حتی گروه‌های صلیب سرخ را ملاقات نکردند و ندیدند و این اقدام با حمایت کشورهای رخ داد که مدعی حقوق بشر بودند، با این وجود کشور ایران با اسرا طبق قوانین بین‌المللی و حقوق بشر برخورد می‌کرد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر افزود: اسرای ایران از حق دیدن نور خورشید، راه رفتن، درمان و ابتدایی‌ترین امکانات محروم بودند و این در حالی بود که رزمندگان اسلام بدون هیچ چشم داشتی به جنگ حق علیه باطل رفته بودند و همچنین عملکرد جانبازان مادر ۸ سال دفاع مقدس و دوران اسارت قابل تقدیر بود.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به شور و اشتیاق خانواده‌ها برای دفاع از انقلاب و ایران افزود: با این روحیه ایران همیشه پیروز است.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: درود می‌فرستیم به روح شهدای آزاده و سید الاسراء، سید علی اکبر ابوترابی که در زندان‌های عراق چگونه اسرا را مورد توجه و آموزش قرار داد و مقاومت ایشان انرژی مثبتی برای همه آنان

عروس بنشینند. داماد می‌گوید: «امشب دو داماد داریم و دو عروس، بیکاری، فقر و نبود آب، زندگی راسخت کرده با اینکه فوق‌لیسانس دارم، بیکارم اما با این همه مشکل باز هم می‌خندیم، باز هم امید داریم و باز هم شادیم. البته در کنار این مشکلات شاهدیم مسئولان دولت هم تلاش‌های خودشان را برای ریشه کنی فقر و ایجاد اشتغال انجام می‌دهند.»

روستاهایی مانند محترم آباد در سیستان و بلوچستان زیاد هستند، محمودآباد، چاه احمد، لال آباد، صیادان، گل آباد، نوک آباد، زراباد و کهیر و خیلی روستاهای دیگر منطقه همگی از بی‌آبی و نبود امکانات اولیه رنج می‌برند. اما این مردم به طرز عجیبی، نجیب و قانع هستند. وقتی همراه با نیروهای هلال احمر برای توزیع اقلام درون خانه‌ها رفتیم در چشمان تک‌تک اهالی از کودک تا جوان چه زن و چه مرد بارقه‌های امید همراه با تواضع و تشکر از ته قلب را به چشم دیدیم و لمس کردم. سیستان و بلوچستان آباد می‌شود، با همت مردم و دولت.

امسال برای دومین بار سازمان هلال احمر به طور جدی برای کاهش آسیب‌ها و مشکلات ناشی از کم‌آبی در مناطق محروم این استان همچون دیگر استان‌های کشور که از بی‌آبی رنج می‌برند، اقدامات ویژه‌ای داشت. مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان سیستان و بلوچستان با بیان اینکه بیش از دودهمه است که استان خشکسالی را تجربه می‌کند، می‌گوید: امسال بارندگی داشتیم ولی چون بارندگی‌ها رگراری است زیاد مؤثر نیستند. از آنجایی که بسیاری از کسب و کارها مانند کشاورزی و صیادی به آب مربوط می‌شود مردم دچار مشکلات عدیده‌ای شدند. بیشتر مردم سیستان و بلوچستان درگیر شده‌اند. بسیاری مهاجرت کرده‌اند و به مشهد، تهران و یزد کوچ کرده‌اند. باید به فکر مردم منطقه بود. طرح «نذر آب» در همین راستا امسال هم مانند سال گذشته در این استان خدمات رسانی داشته است. در سه محور تأمین آب، سلامت محور و معیشت محور فعالیت داشتیم. در ۱۱ نقطه در استان سیستان و بلوچستان به صورت کاملاً داوطلبانه توسط خیرین از خرید تانکر گرفته تا خرید سیدهای حمایتی، معیشتی و فرهنگی خدمات رسانی انجام گرفته است.

رسول راشکی در ادامه با اشاره به خدمات پزشکی و درمانی توضیح می‌دهد: در نقاطی که دچار مشکل هستند خدمات پزشکی، درمانی و دارویی توسط پزشکان و متخصصان آن هم به صورت داوطلبانه صورت گرفته است. با اعلام سازمان آب و فاضلاب روستایی ۵۲۰ روستا دچار مشکل کم‌آبی هستند. خیرین هم در این خصوص ورود کرده و تانکرهای آب در اختیار این مناطق قرار می‌گیرد. در سال گذشته در برخی مناطق که بحران‌ها ادامه دارد، خیرین کمک‌های خود را ادامه داده و نیازمندان را رها نکردند. در طرح «نذر آب» تا پایان شهریور ماه، ۱۱ استان مختلف کشور برای اجرای طرح به استان سیستان و بلوچستان می‌آیند. سال گذشته ۱۲۶۵ تانکر داده شده امسال ۱۹۷۴ تانکر از هزار لیتری تا ۷ هزار لیتری براساس مناطق روستایی و تعداد خانوارها، جاگذاری می‌شود. □



مقاومت و ایثار شما قابل ستایش است. ما قدردان تلاش‌ها، ایستادگی و گذشت شما عزیزان هستیم. قدر نعمت امنیت و آسایش را می‌دانیم و امیدواریم پرچمی که اکنون در دست رهبرانقلاب است را به دست صاحب واقعی آن امام عصر (عج) برسانیم و تمام رنج‌ها و زحماتی که در طول ۱۴۰۰ سال انجام شده را به نتیجه برسانیم

۴ گنجینه تاریخی ما

در ادامه این دیدار دکتر پیوندی رئیس جمعیت هلال احمر نیز ضمن گرامیداشت سالروز بازگشت آزادگان به میهن گفت: تنها کسانی می‌توانند از اسارت صحبت کنند که شرایط اسارت را پیشیده باشند، ما در جمعیت هلال احمر تلاش می‌کنیم که شرایطی را براساس مقررات و وظایف ایجاد کنیم که قدردان شما عزیزان باشیم و امیدواریم بتوانیم زمینه استفاده از فعالیت‌ها و تجربیات شما را در جمعیت فراهم کنیم.

وی افزود: مقاومت و ایثار شما قابل ستایش است. ما قدردان تلاش‌ها، ایستادگی و گذشت شما عزیزان هستیم. قدر نعمت امنیت و آسایش را می‌دانیم و امیدواریم پرچمی که اکنون در دست رهبرانقلاب است را به دست صاحب واقعی آن امام عصر (عج) برسانیم و تمام رنج‌ها و زحماتی که در طول ۱۴۰۰ سال انجام شده را به نتیجه برسانیم. رئیس جمعیت هلال احمر با تشکر از فعالیت‌های مرحوم بهجت افراز برای رساندن خبری از اسرا به دست خانواده‌ها، گفت: افراد زیادی در جمعیت تلاش کردند که با رساندن نامه، عکس و خبر از مفقودین و اسرا، خانواده‌های آن‌ها را تسکین دهند.

دکتر پیوندی افزود: جمعیت هلال احمر با تمام توان سعی در برطرف کردن نیازهای ایثارگران جمعیت دارد. دفاع مقدس با همه ابعاد خود اعم از ابعاد لجستیک، نرم افزار و سخت افزاری؛ دوران پرتلاشی را برای ما ساخت و سالیان سال این افتخار، متعلق به شما و خانواده ایثارگران و جانبازانی است که دارایی، آبرو، مال و جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند و سربلندی نشأت گرفته از آموزه‌های دینی ما را آفریندند.

وی از معاونت ایثار و شهادت جمعیت هلال احمر خواست تا با ثبت خاطرات، زندگی نامه، عکس‌ها و تولید مستنداتی در حوزه ایثار و شهادت، این دلاوری‌ها و یاد و خاطره این ایثارگری را ثبت و ضبط کند و در ادامه تصریح کرد: خاطرات دلاوری‌های اسرا و جانبازان بخشی از گنجینه تاریخی ماست و ثبت و ضبط این خاطرات بسیار ارزنده است زیرا آیندگان از ما خواهند پرسید که این افراد چه کسانی هستند و ما می‌توانیم این گنجینه‌های بزرگ را در قالب مجموعه داستان، زندگینامه و... به آیندگان معرفی کنیم.

دکتر پیوندی در پایان به پاس صبوری و ایثار خانواده‌های آزادگان فعال در جمعیت هلال احمر آن‌ها را به سفر کربلا و نجف دعوت کرد، تا بار دیگر در شرایط مناسب‌تری به عراق سفر کنند. □



جمهوری اسلامی ایران
وزارت بهداشت و درمان



نادیده گرفته شوند و کسی که ۳۰ سال در هلال احمر فعالیت کرده و چندین بلایای طبیعی و ویرانی‌هایی را مشاهده کرده تجربیات ارزشمندی دارد و هیچ ملتی ذخایر خود را نادیده نمی‌گیرد که اگر نادیده بگیریم کفران نعمت کرده‌ایم و بی تردید این عزیزان برای جامعه ما نعمت هستند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با ارائه برخی توصیه‌ها و پیشنهادات افزود: بازنشسته باید به زندگی خود معنا ببخشد و آن را در دوره جدید نیز هدفمند نماید و بر اساس روایت ائمه معصومین (علیهم السلام)، انسان باید به گونه‌ای زندگی کند، مانند آن که تابد می‌خواهد حیات داشته باشد و در عین حال به گونه‌ای به فکر قیامت باشد که گویی به زودی از دنیا خواهد رفت و این کاملاً منطبق با دین و آیین است و باید دانست که خدای متعال ولی و سرپرست ماست و به این ایمان داشته باشیم که خداوند حافظ و نگهبان است و باید به او توکل کرد.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر به برخی از آسیب‌های احتمالی این دوران هم اشاره کرد و افزود: یکی از این آسیب‌ها این که فرد بازنشسته هویت خود را از دست می‌دهد و لذا نه جامعه و نه خانواده برایش جایگاه قائل نمی‌شود و دیگر این که تصور می‌شود یک بازنشسته از نظر اجتماعی جایگاهی ندارد و متأسفانه داغ بی‌خاصیتی را می‌چسبانند بدون آن که به سی سال تجربه و تلاش توجهی نمایند. آسیب سوم این که از خود بیگانه و تنها می‌شود و افسردگی به سراغش می‌آید و آسیب چهارم هم موضوع معیشت و اقتصاد یک بازنشسته است.

وی در همین ارتباط گفت: اداره کل رفاه کارمندان و بازنشستگان می‌تواند این آسیب‌ها را از ذهن بازنشسته عزیز و بزرگوار دور کند و همان طور که به فکر سلامت بازنشستگان هستیم، در بحث مالی هم باید توجه خاصی صورت بگیرد. □

حجت الاسلام والمسلمین معزی

در مراسم تجلیل از بازنشستگان هلال احمر

هیچ ملتی ذخایر خود را نادیده نمی‌گیرد

«نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر، در مراسم تجلیل از بازنشستگان این جمعیت که در بیمارستان نورافشار برپا شد، با تأکید بر اهمیت جایگاه و شأن بازنشستگان گفت: اگر از انسان‌ها و مخلوقات پروردگار تشکر و قدردانی نشود در واقع قدرانی و سپاس از خداوند متعال به انجام نرسیده است و لذا از تمام کسانی که سی سال از عمر خودشان را در خدمت به مردم سپری و تلاش کرده‌اند صمیمانه تقدیر می‌کنیم. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی افزود: من برای تمامی عزیزانی که امروز به بازنشستگی رسیده و همچنین خانواده‌های معزز و گرامی آنان آرزوی توفیق و بهروزی دارم و از خداوند متعال مسئلت دارم با سعادت، سربلندی و نیک‌بختی زندگی خود را ادامه دهند.

وی افزود: بازنشستگی یک قرارداد اجتماعی، کاری و حقوقی است که انسان در طول چند سال فعالیت و پس از مدت معینی، دوران خدمت‌رسانی خود را بر اساس آن به پایان می‌رساند اما به معنای آن نیست که بازنشسته نباید تلاش و کوشش کند و در خانه بنشیند. خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که تا آخرین لحظه حیات خود فعال باشد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تأکید بر این که اگر در این دوره نیز فعالیت‌ها ادامه پیدا نکند می‌تواند آسیب‌هایی را به دنبال داشته باشد گفت: خداوند متعال در قرآن به پیامبر می‌فرماید اگر از کاری فارغ‌شدی به کار دیگری بپرداز که این دستور برای تمام مسلمانان است و باید امید به زندگی، فکر و اندیشه فعال، ادامه تلاش، اراده هدفمند و طرح‌ها و اهدافی را به همراه داشت که موجب می‌شود فعالانه به زندگی خود ادامه دهند. نماینده ولی فقیه در هلال احمر تأکید کرد: بازنشسته کوله‌باری از تجربه است و نباید این ذخایر

فعال سازی دبیران شورای فرهنگی هلال احمر گیلان

دوره آموزشی ویژه ائمه

جمعه جمعیت هلال

احمر استان گیلان با حضور

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه

در جمعیت هلال احمر استان

گیلان برگزار شد. در این دوره

حجت الاسلام والمسلمین امیرچهری فعال سازی دبیران

شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر را در شعب

شهرستان ها این استان از اولویت های دفتر نمایندگی

بیان کرد.

وی با اشاره به تاکید نماینده مقام معظم رهبری در

جمعیت هلال احمر بر گسترش برنامه های فرهنگی و

مذهبی در استان ها توسط ائمه جماعت فعال در جمعیت

هلال احمر افزود: دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت

هلال احمر استان گیلان با هدف آشنایی بیشتر اعضا و

کارکنان جمعیت هلال احمر با امامت ولایت دوره آموزشی

فرهنگی را با حضور ۶ نفر از امامان جماعت و اعضای

خانواده آنان در اردوگاه مهر بندرانزلی برگزار کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

استان گیلان همچنین افزود: در این برنامه یک روزه، دوره

آموزشی امداد و کمک های اولیه ویژه امامان جماعت و

خانواده آنان با همکاری امدادگران جمعیت هلال احمر

استان گیلان برگزار گردید.

حجت الاسلام والمسلمین امیرچهری در ادامه تصریح کرد:

واقع غدير بر همگان ثابت کرد كه امامت مكمل نبوت

و نیاز جامعه اسلامی است و امروز وظیفه ما ایجاد بستر

لازم جهت آشنایی و گسترش این مهم در بین آحاد مردم

خصوصا جوانان است.

وی همچنین با اشاره به برگزاری مسابقه کتابخوانی با

عنوان «غدير» گفت: مسابقه کتابخوانی با عنوان «غدير»

و با معرفی کتاب «غدير سرچشمه توحيد» ویژه کارکنان

جمعیت هلال احمر به صورت هم زمان در کلیه شعب

برگزار شد و در روز جشن عید غدیر به ۲۰ نفر از برندگان این

مسابقه کتابخوان هدایایی تقدیم شد و از سوی مدیر

عامل و دفتر نمایندگی ولی فقیه از ایشان تقدیر گردید. □



فعالیت جهادی اعضای کانون طلاب هلال احمر زنجان در روستای «قبله بلاغی»

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت

هلال احمر استان زنجان با اشاره به

فعالیت های جهادی طلبه های جوان عضو کانون

طلاب استان زنجان گفت: کانون طلاب استان زنجان

طی شش ماه ابتدایی سال جاری خدمات عمرانی و

فرهنگی را در برخی روستاهای این استان به هم

استانی های خود ارائه کرده است که از آن جمله می توان به ارائه خدمات عمرانی و

فرهنگی توسط ۴۵ نفر از طلاب داوطلب در روستای «قبله بلاغی» اشاره کرد.

حجت الاسلام والمسلمین جواد نصیری در ادامه ضمن تاکید بر نقش و اهداف

اعضای جوان کانون طلاب استان زنجان افزود: طلاب جوان، توانمند و پر

شور عضو کانون این اقدامات و فعالیت های جهادی را به صورت داوطلبانه و

با هدف محرومیت زدایی از روستاهای کم برخوردار و رشد و تعالی کشور انجام

می دهند.

وی تاکید کرد: بر این اساس دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

استان زنجان با همکاری اعضای کانون طلاب در جهت محرومیت زدایی

مناطق و بخش های کم برخوردار استان خدمات عمرانی و فرهنگی را به ساکنان

این مناطق ارائه می دهند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان همچنین

اظهار کرد: روستای «قبله بلاغی» از جمله مکان هایی بود که در لیست کانون

طلاب استان زنجان قرار داشت. بر اساس اطلاعات به دست آمده، ۴۵ نفر از

طلبه های داوطلب برای انجام اقدامات جهادی راهی این روستا شدند. طلاب

جوان و توانمند در کنار انجام خدمات عمرانی چون تعمیر، بازسازی و ساخت

بناهای تخریب شده این روستا؛ برنامه های فرهنگی مختلفی را برای کودکان،

نوجوانان و جوانان روستا اجرا کردند.

حجت الاسلام والمسلمین جواد نصیری در پایان با اشاره به نیازهای روستاهای

استان زنجان متذکر شد: نیروی های جوان و فعالی که به صورت داوطلبانه در

عرصه خدمت رسانی به مناطق محروم فعالیت می کنند؛ با وجود محدود بودن

فعالیت هایشان، می توانند کمک بزرگی باشند. در زمینه محرومیت زدایی نیز

گروه های جهادی ظرفیت قابل توجهی برای ایران اسلامی هستند که امروزه

در قالب این گروه های جهادی در عرصه های مختلف به مردم شریف ایران

اسلامی خدمت می کنند. □



کانون طلاب جهت ارائه مسابقات فرهنگی و قرآنی برای کودکان و خردسالان استفاده می‌شود و با اهدای جوایز خاطره خوشی برای شرکت کنندگان ایجاد می‌کنند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به برگزاری نشست و هم‌اندیشی‌های ماهانه شورای اجرایی کانون‌های طلاب اظهار داشت: نتایج این جلسات عمدتاً به صورت ارائه طرح‌های ابتکاری و فعالیت‌های فرهنگی ماهانه و یا فصلی است.

حجت الاسلام والمسلمین غفاریان در بخش دیگری از سخنان خود در تشریح فعالیت‌های کانون طلاب در ایام اوقات فراغت و طرح شوق رویش گفت: در اجرای این طرح ملی و جهت غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان اعضای کانون طلاب در تمامی برنامه‌های اجرایی سازمان حضور فعال و موثر داشته و به برگزاری کلاس‌های آموزشی و فرهنگی اقدام می‌کنند.

وی در همین زمینه ادامه داد: برگزاری اردوهای تفریحی و کلاس‌های آموزشی تجوید و تلاوت قرآن، همچنین آموزش احکام که توسط یکی از اعضای کانون طلاب انجام می‌شود از مهمترین فعالیت‌های این کانون است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی که در ماه مبارک رمضان توسط اعضای کانون طلاب اجرایی شده، افزود: برگزاری محفل انس با قرآن به همراه تفسیر و قرائت قرآن در کنار صرف افطاری در جمع صمیمانه امدادگران و نجاتگران در پایگاه‌های امدادی به مدت ۹ شب، همچنین برگزاری مسابقه پیامکی انس با قرآن ویژه کارکنان جمعیت هلال احمر از برنامه‌های شاخص دفتر نمایندگی ولی فقیه با همکاری کانون‌های طلاب بود.

حجت الاسلام و المسلمین غفاریان در خصوص برنامه‌های پیش روی کانون طلاب که ویژه اوقات فراغت است گفت: براساس تفاهم‌نامه منعقد شده با حوزه آموزش جمعیت هلال احمر مقرر شد کلاس‌های آموزش سخنوری، احکام و اخلاق امدادگری با همکاری اعضای کانون طلاب برگزار گردد.

وی در ادامه به برنامه‌ریزی‌های انجام شده جهت فعالیت اعضای این کانون در ایام محرم اشاره کرد و گفت: در ایام محرم از روحانیون مسلط و سخنور در هیأت و مراسم پرجمعیت جهت برپایی ایستگاه‌های پاسخگویی به مسائل شرعی استفاده خواهد شد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد در پایان به حضور فعال اعضای کانون طلاب این استان و کارشناسان دفتر نمایندگی در سیل لرستان اشاره کرد و گفت: اعضای کانون طلاب و کارشناسان ستاد با سرپرستی کارشناسان دفتر نمایندگی هلال احمر در استان به مدت قریب به دو ماه در شهرستان پلدختر حضور فعال داشتند و به آسیب دیدگان سیل خدمت رسانی می‌کردند. ■

تشریح فعالیت‌های دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد:

از خیمه فرهنگی تا کاروان سلامت

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد از فعالیت‌های فرهنگی مذهبی هفت کانون طلاب در حوزه‌های علمیه خواهران و برادران این استان خبر داد.



حجت الاسلام و المسلمین سید جواد غفاریان با اشاره به تشکیل کانون‌های طلاب در حوزه‌های علمیه سطح استان، گفت: در نشست مشترک در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه استان مصوب شد تا در هفت حوزه علمیه خواهران و برادران استان کهگیلویه و بویراحمد کانون‌های طلاب تأسیس و در زمینه‌های فرهنگی و امدادی در طول سال و مناسبت‌ها از ظرفیت کانون‌های طلاب بهره‌گیری شود.

وی در همین زمینه ادامه داد: پس از این مصوبه تأسیس کانون‌های طلاب در چهار حوزه علمیه برادران و سه حوزه علمیه خواهران در دستور کار قرار گرفت. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به حضور و فعالیت اعضای کانون‌های طلاب در پایگاه‌های امدادی گفت: طبق هماهنگی‌های انجام شده از سوی این دفتر با روسای شعب و مسئولان امدادی هلال احمر استان، اعضای کانون‌های طلاب به صورت دوره‌ای در پایگاه‌های امداد و نجات شهرستان‌ها حضور یافته و پاسخگوی سوالات شرعی امدادگران و نجاتگران هستند.

حجت الاسلام والمسلمین غفاریان در همین زمینه ادامه داد: اعضای کانون طلاب در شیفت‌های مختلف در پایگاه‌های امداد و نجات به ارائه خدمات مشاوره‌ای نیز می‌پردازند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد به استفاده از ظرفیت‌های کانون‌های طلاب در سطح برنامه‌های کشوری و استانی اشاره کرد و گفت: در ایام نوروز از ظرفیت‌های کانون‌های طلاب جهت ارائه خدمات مشاوره‌ای و پاسخگویی به سوالات شرعی در خیمه‌های معرفت در ورودی شهرستان‌ها بهره‌گیری می‌شود که با استقبال خوبی از سوی مسافران مواجه شده بود.

حجت الاسلام والمسلمین غفاریان به حضور فعال و موثر اعضای کانون طلاب در کاروان‌های حمایتی و بهداشتی درمانی اشاره کرد و افزود: اعضای کانون طلاب با حضور فعال در کاروان‌های سلامت در روستاها و مناطق محروم از فعالیت‌های فرهنگی انجام می‌دهند. وی در همین زمینه ادامه داد: در این برنامه‌ها با برپایی خیمه‌های فرهنگی از ظرفیت



با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر البرز انجام شد

بازدید از پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای

« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان البرز با حضور در پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای جمعیت هلال احمر شهرستان کرج از این پایگاه‌ها بازدید کرد.

سید فتح‌الله هاشم‌نژاد رییس جمعیت هلال احمر شهرستان کرج در این خصوص گفت: حجت الاسلام والمسلمین الهی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و هیات همراه از پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای کندوان، کوشک بالا و شهرستانک در جاده کرج چالوس بازدید کردند. طی این بازدید، نجاتگران مشکلات و مسائل پایگاه‌ها را جهت طرح در شورای معاونین و ارائه به مدیرعامل جمعیت بیان کردند و پیشنهاداتی در خصوص بهبود فضای فرهنگی و ایجاد کتابخانه در پایگاه‌ها مطرح شد.

حجت الاسلام والمسلمین الهی در پایان این بازدید ضمن تقدیر از تلاش‌های بی‌دریغ امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر در خدمت‌رسانی به هموطنان و نجات جان انسانها به بررسی مسائل و مشکلات پایگاه‌ها پرداختند و از طرف دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به رسم یادبود به پرسنل و نجاتگران حاضر در این دیدار یک جلد کلام الله مجید و هدیه‌ای اهدا شد. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خوزستان:

هلال احمر روی نیازمندان رازمین نمی‌اندازد

« نشست کارکنان جمعیت هلال احمر استان خوزستان با مدیران این جمعیت و با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خوزستان برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین محمد انصاری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان



خوزستان در این نشست ضمن اشاره به اهداف و عملکرد جمعیت هلال احمر گفت: در جمعیت هلال احمر به سرعت نسبت به درخواست‌های نیازمندان واکنش نشان داده می‌شود و این مسئله را به طور مشهود می‌توان دید.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خوزستان در ادامه افزود: هلال احمر احمر روی نیازمندان رازمین نمی‌اندازد، تسکین آلام انسان‌های دردمند و آسیب دیده اولویت اصلی هلال احمر است.

حجت الاسلام والمسلمین محمد انصاری اظهار کرد: حوزه کاری جمعیت هلال احمر ارائه خدمات بشردوستانه است و تمام تلاش عوامل این جمعیت، باری رسانی به نیازمندان، تسکین آلام بشری و به ویژه انسان‌های دردمند و آسیب دیده است.

وی افزود: جمعیت هلال احمر به درخواست‌ها و نیازهای مطرح شده از سوی نیازمندان را به سرعت پاسخ می‌دهد و امدادگران و کارکنان این جمعیت از هیچ تلاشی برای رفع مشکل و برآورده ساختن نیاز انسان‌های نیازمند دریغ نمی‌کنند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خوزستان تصریح کرد: در گام دوم انقلاب ساده زیستی مسئولان وجود دارد به طوری که در انتصابات جدید مقام معظم رهبری چنین مسئله‌ای دیده می‌شود.

انصاری ادامه داد: مردم از مانور اشرافی‌گری و ریخت و پاش‌های بیهوده خسته شده‌اند و خواهان بازگشت مسئولان کشور به اصل انقلاب یعنی ساده زیستی هستند. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان اردبیل:

میزان اعمال انسان نماز است

جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان اردبیل با حضور حجت الاسلام سیدعلی فاطمی نیا مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل برگزار شد.

حجت الاسلام سیدعلی فاطمی نیا با اشاره به اهمیت نماز گفت: میزان و ملاک قبول اعمال انسان، نماز

است. کسی با بخشنامه، آئین نامه و دستورالعمل نماز خوان نمی شود. هیچ مسأله ای برای مسلمانان مهمتر از فریضه نماز نیست. وی با بیان اینکه باید در مورد بحث نماز، نماز خوانی و برپایی نماز جماعت حساسیت ویژه ای داشته باشیم افزود: باید با اعمال، رفتار و گفتار خود نشان دهیم که یک شیعه هستیم. رامین معبودی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل نیز در ادامه این جلسه گفت: برنامه فرهنگی سالانه این جمعیت تدوین و براساس آن کارهای فرهنگی را اجرا خواهد شد. برنامه های فرهنگی این جمعیت مشمول کارکنان، داوطلبان، جوانان، اعضای جمعیت هلال احمر و گروه هدف این جمعیت می شود.

وی با اشاره به اینکه کار فرهنگی، کاری اساسی و زیربنایی در هر سازمانی محسوب می شود، تصریح کرد: برای رسیدن به اهداف متعالی جمعیت هلال احمر نیاز به ارتقای سطح فرهنگی و اجرای برنامه های متعدد فرهنگی هست. در مورد مسائل فرهنگی گام های مثبتی در جمعیت هلال احمر استان برداشته ایم اما در مسائل فرهنگی هرچقدر کار کنیم، باز هم جای کار بیشتر وجود دارد.

یادآور می شود برگزاری کلاس آموزشی اخلاق، ارائه مشاوره دینی و پاسخ به پرسش ها و شبهات دینی در اردوهای جوانان، اجرای برنامه های فرهنگی برای اعضای خانواده کارکنان جمعیت هلال احمر، برگزاری دوره های احکام شرعی، فقهی برای اعضای امداد و نجات، رایزنی با معاونت آموزشی جهت تأیید دوره های مطروحه به عنوان دوره ضمن خدمت و اجرای مسابقات فرهنگی از جمله مصوبات این جلسه بود. □



برپایی چهارمین مجمع عمومی هلال احمر استان اردبیل

چهارمین جلسه مجمع

عمومی جمعیت هلال

احمر استان اردبیل، با حضور

اعضاء مجمع در سالن

اجتماعات جمعیت هلال احمر

استان برگزار شد و عملکرد

بودجه سال گذشته جمعیت مورد بررسی قرار گرفت و تراز مالی این جمعیت در سال ۹۷ تأیید شد.

در این مراسم رامین معبودی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل پس از ارائه گزارش عملکرد یکساله جمعیت، ضمن تقدیر و تشکر از اعضای تصریح کرد: سیاست جمعیت هلال احمر استان شفاف سازی عملکرد مالی این نهاد است.

رامین معبودی با بیان اینکه نباید ابهامی در وضعیت مالی جمعیت به وجود آید، ادامه داد: عملکرد جمعیت هلال احمر استان در حوزه های مختلف کاملاً روشن است. عملکرد بودجه این سازمان روشن است و این جمعیت با حساسیت کامل مسئولیت های محوله را انجام می دهد.

سیدعلی فاطمی نیا مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل نیز در این جلسه با بیان اینکه فعالیت های جمعیت استان منسجم و پویا است گفت: این انسجام، پویایی و تلاش برای مردم قابل حس است. باید با مطالعه دقیق زندگینامه معصومین، نحوه زندگی آن ها را نقشه راه خود قرار دهیم.

در پایان این مراسم، بازرس هیات مدیره جمعیت هلال احمر استان اردبیل گزارشی در مورد تراز مالی سال ۹۷ ارائه کرد و بودجه پیشنهادی سال ۹۸ تصویب گردید. □





گرامیداشت سالروز بازگشت
ظفرمندان آزادگان در آذربایجان شرقی

نمادهای مقاومت و پایداری

« دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی مراسم گرامیداشت سالروز بازگشت ظفرمندان آزادگان به آغوش میهن اسلامی را با حضور حجت الاسلام والمسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی ضمن تبریک بازگشت ظفرمندان آزادگان به آغوش میهن اسلامی به کارکنان جمعیت هلال احمر گفت: «آزادگان سمبل مقاومت و پایداری هستند، عزیزان آزاده در راه دفاع از میهن اسلامی، مشقت و سختی دوران اسارت را سال‌ها دور از خانواده و میهن تحمل کردند و در چنین روزی، سرافرازانه و ظفرمندان به میهن بازگشتند.» در ادامه این مراسم جمعی از کارکنان، بسیجیان و اعضای جمعیت هلال احمر شهرستان تبریز با حضور در گلزار شهدای تبریز با نثار شاخه گل و قرانت فاتحه و عطر افشانی مزار شهدا، یاد و خاطره هم‌زمان خود و آزادگان را گرامی داشتند. همچنین دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی با حضور حجت الاسلام واعظی و سعید کنعانی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان ۱۰۰ نفر از کارکنان و فعالان قرآنی جمعیت استان که در طول ماه مبارک رمضان جلسات روحانی و ترتیل و تفسیر قرآن کریم را برپا کرده بودند تجلیل کرد. تجلیل به عمل آمد. □

نشست فرهنگی و تخصصی بانوان
در جمعیت هلال احمر استان اردبیل برپا شد

اعتقاد راسخ زیربنای عفاف است

« نشست فرهنگی و تخصصی بانوان شاغل جمعیت هلال احمر استان اردبیل به مناسبت دهه کرامت و هفته حجاب و عفاف برگزار شد. حجت الاسلام سید علی فاطمی نیا در این نشست با اشاره به نقش حجاب و عفاف در سلامت جامعه گفت: اعتقاد صحیح و راسخ زیربنای عفاف و حجاب است. اگر می‌خواهیم خانمی عفاف و حجاب را رعایت کند، اول باید اعتقادات خانواده و جامعه را اصلاح کنیم.

وی با اشاره به اینکه هیچوقت انسان تن به تحمیل و زور نمی‌دهد، ادامه داد: با تحمیل، انسان محجبه نمی‌شود و با زور هم به چیزی عمل نمی‌کند، هر چند ممکن است در ظاهر تن به حجاب بدهد اما او اعتقاد قلبی به آن نخواهد داشت و تنها در ظاهر و در اماکن خاص حجاب را رعایت می‌کند.

فاطمی نیا اضافه کرد: حجاب و عفاف هم تکلیف شرعی و الهی و هم تکلیف عرفی، عقلی و قانونی در کشور ما است و همه موظف به رعایت آن هستیم. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل با اشاره به اینکه قرآن کتاب انسان ساز و بشرساز است، گفت: اگر تربیت صحیح دینی نباشد، انسان در زندگی به مشکل برمی‌خورد.

وی با اشاره به اینکه قرآن کریم ثمره ازدواج را آرامش و سکونت بیان کرده است، افزود: اگر زن و شوهر در موقع مشکلات کمی صبر و بردباری کنند، خداوند به زندگی آن‌ها ورود کرده و در زندگی آن‌ها رحمت و مودت جاری و ساری می‌کند.

فاطمی نیا با بیان اینکه دشمنان اسلام می‌خواهند قداست مادر را در کشورهای اسلامی از بین ببرند، تصریح کرد: آن‌ها به دنبال تحمیل جنگ نیستند بلکه به دنبال از هم پاشیدن زندگی مسلمانان با تقدس زدایی از مادر و خانواده هستند.

رامین معبودی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل نیز در این نشست با بیان اینکه نیمی از اعضا و داوطلبان جمعیت هلال احمر استان اردبیل زنان هستند، گفت: زنان عضو جمعیت هلال احمر و همچنین کارمندان شاغل در این نهاد همیشه پا به پای مردان در کمک به هم‌نوعان تلاش می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه زنان در راه اهداف مترقی جمعیت هلال احمر فعالیت‌های پرثمری دارند، ابراز امیدواری کرد: زنان شاغل در جمعیت هلال احمر و همچنین داوطلبان به عنوان نیروهای فعال بیش از پیش تاثیرگذار باشند.

معبودی با اشاره به اینکه زنان شاغل و داوطلبان عضو جمعیت هلال احمر استان اردبیل عفاف و حجاب را سیره فاطمی و فریضه الهی می‌دانند، تصریح کرد: عفاف و حجاب تجلی فطرت انسان و تاج بندگی زنان است.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل اضافه کرد: زنان شاغل در جمعیت هلال احمر استان اردبیل در تمامی رده‌های مدیریت و بدنه کارشناسی این نهاد مردمی حضور داشته و نقش آفرین هستند.

در پایان این نشست از طرف دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان اردبیل با اهدای لوح و هدایایی از زنان شاغل در جمعیت هلال احمر استان اردبیل تجلیل شد. □

تکریم بازنشستگان در قم

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم گفت: کهنوت سن و بازنشستگی به معنای انزوا از فعالیت‌های اجتماعی نیست. به گزارش



روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان قم؛ حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی علامه مهری در جلسه روز خانواده و تکریم بازنشستگان عنوان کرد: باید بزرگان و افراد کهنسال جامعه را تکریم کرد و با برنامه ریزی بیشتر آن‌ها را مورد حمایت قرار داد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه جمعیت هلال احمر افزود: وظیفه اخلاق و فردی و اجتماعی ماست که نسبت به بزرگترها ارزش و احترام زیادی قائل باشیم. وی اظهار کرد: انسان اشرف مخلوقات و مورد کرامت است و وقتی پا در سن گذاشت باید مورد کرامت بیشتری قرار گیرد.

حجت الاسلام والمسلمین علامه مهری خاطرنشان کرد: تکریم از افراد پیر و کهنسال مورد توصیه آموزه‌های دینی است. وی بیان کرد: به طور کلی تکریم افراد کهنسال و بزرگسال واجب است و در آیات و روایات در جهت حفظ حرمت آن‌ها تاکیدات فراوانی شده است تا جایی که می‌فرماید احترام به افراد کهنسال موجب می‌شود خداوند انسان را از گرفتاری روز قیامت حفظ کند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه جمعیت هلال احمر گفت: جامعه باید به گونه‌ای باشد که وقتی افراد سالها خدمت کردند و وقتی به سن پیری رسیدند، رها نشوند. وی بیان کرد: امیرالمؤمنین جامعه را از رها کردن افراد کهنسال به حال خود برحذر داشته است، آن گونه که پیرمرد مسیحی را مورد اکرام قرار داد و او را زیر چتر اسلام می‌دید و برای او مستمری در نظر گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین علامه مهری افزود: کهنوت سن و بازنشستگی به معنای انزوا از فعالیت‌های اجتماعی نیست. وی بیان کرد: دوره بازنشستگی به معنای رها کردن کار و انزوا نیست بلکه شرایط جدیدی است و باید افراد کهنسال و پیر در عرصه جامعه حضور داشته باشند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه جمعیت هلال احمر عنوان کرد: اسلام بر روی کار و تلاش تاکید زیادی دارد و انسان تا زمانی که توانایی کار دارد باید به فعالیت و تکاپو بپردازد. وی گفت: انسان باید در زندگی اش حسن عمل داشته باشد و به اعمال نیک بپردازد و به جامعه خدمت کند؛ در هیچ سنی نمی‌توان فارغ از کار و تلاش شد از طرفی باید از تجربیات این افراد نیز استفاده کرد. □



در شهرکرد برگزار شد

دوره آموزشی نقش حجاب در حفظ حریم خانواده

دوره آموزشی ضمن خدمت نقش حجاب در حفظ حریم خانواده ویژه کارکنان زن جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با حضور مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان، رئیس اداره حراست و بانوان شاغل در جمعیت هلال احمر استان برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان، شیرین کوهی معاون آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر استان با اعلام این خبر گفت: از مهمترین مباحث این دوره حجاب از نگاه آیات قرآن کریم و روایات و از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در خصوص حجاب و پیوند حجاب و مسائل اعتقادی و فرهنگ حجاب و عفاف در نظام اداری و کارکرد اجتماعی آن می‌باشد.

سید احمد مرتضوی فرد مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان در افتتاح این دوره آموزشی گفت: یکی از مهمترین بخشهای حوزه خواهران حفظ حریم‌ها می‌باشد که این حریم حجاب می‌باشد. مرتضوی افزود: برگزاری این دست از دوره‌های آموزشی با توجه به اهمیت آن لازم و ضروری است هر چند که خواهران پرسنل جمعیت هلال احمر استان الگوی واقعی حفظ حجاب و عفاف هستند. در ادامه حجت الاسلام والمسلمین جعفری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان به عنوان استاد این دوره به بیان مباحث مهم و اساسی در حفظ حجاب و عفاف بیان داشت. □





زمان ارسال پیام تا ۱۵ مهر

« مسابقه پیامکی مهرماه »

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می‌توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش‌های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۳۰۰۴۸۶۶۴۴ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به‌طور مثال: در سؤال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سؤال ۲ گزینه شماره ۴ و در سؤال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عدد‌های ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت‌تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می‌شود.



مقام معظم رهبری سیدالشهدا^(ع) را پاسدار چه می‌دانند؟

۱) ایثار ۲) میراث دین مبین اسلام ۳) وحدت مسلمانان ۴) آرمان‌های پیامبر اسلام (ص)

۵۱

عالی‌ترین جلوه مهاجرت از خود به سوی خدا چه نوع مهاجرتی است؟

۱) شهادت ۲) هجرت از شهر کفار ۳) هجرت از خودخواهی و خودپسندی ۴) هجرت از هوای نفس

۵۲

نویسنده کتاب «فتح خون» کیست؟

۱) پرویز خرسند ۲) مجید قیصری ۳) داوود غفارزادگان ۴) شهید سید مرتضی آوینی

۵۳

سیدالشهدا^(ع) چند سال پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) به شهادت رسید؟

۱) پنجاه و پنج سال ۲) پنجاه سال ۳) بیست و دو سال ۴) چهل و شش سال

۵۴

به گفته حجت الاسلام والمسلمین جاویدان چه چیز باعث آمرزیده شدن گناهان انسان می‌شود؟

۱) نماز ۲) انفاق ۳) زیارت امام حسین (ع) ۴) ایثار و فداکاری

۵۵

نام رمان مرحوم «زرویی نصرآباد» چیست؟

۱) ماه به روایت آه ۲) طلسم سنگ ۳) آنجا که حق پیروز است ۴) شماس شامی

۵۶

مهمترین سرچشمه تجلی و تداوم فرهنگ ایثار و شهادت چیست؟

۱) ماه محرم و صفر ۲) شهادت امام حسین (ع) ۳) قیام عاشورا ۴) دفاع مقدس

۵۷

اصلی‌ترین چیزی که قساوت قلب می‌آورد چیست؟

۱) قلب قنسی ۲) خشم و کینه ۳) مال و دارایی زیاد ۴) طول عمر

۵۸